

نشریه تئاتر و میانجیگری مکتبه مرکزی حزب توده ایران

دیسا

۳
سال سوم

بنیادگذار دکتر تقی ارجمند

دستا

د راین شماره :

صفحه

۳	تبریک
۴	در میهن ماجه میگذرد
۱۱	درباره قرضامهای ایستی د رایان
۲۱	واقعیاتی درباره ترکیب طبقاتی جامعه ایران
۳۷	از ایران
۳۹	طلسم یائش
۴۷	د روان اولیه نفوذ آند یشه های مارکسیستی د رایان
۵۹	از زبان مادر
۶۰	زندگی و فعالیت یکی از درخشانترین مدن ان انقلابی ایران
۷۳	نئوکولونیالیسم چیست ؟
۸۰	حسین خیرخواه
۸۶	از اسناد حزب سوسیال دموکرات (اجتماعیون عامیون)
۸۷	خطاراتی از حزب کمونیست ایران
۸۹	اما ریازگانی خارجی و راه و راه آهن

ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
هر سه ماه یکبار تحت نظر هیئت تحریریه منتشر میشود .

د هر ده م
سال سوم
شماره چهارم
یزدستان سال ۱۳۴۱

تبریک

هیئت تحریریه مجله دنیا عید نوروز را بهمه هموطنان
عزیز بویژه کارگران ود هقانان و زحمتکشان ایران که رنگ
بهار زندگی راند یده اند ، به کود کانی که در حسرت جامه
نیکختی نوروز نشسته اند ، بروشن فکرانی بید ارد لی که
آرزوی روزهای نوی راد رسرا میپهرا اند تبریک میگوید .
امید وار و آرزومند یم که مبارزات پیگیر ملت . مبارز ما
بسرانجام پیروزی و روزگار سعاد تمند بیانجامد .

در میهن ما چه میگذرد

د را پیروزها بیلند گویان رژیم کود تایا جاروجنجحال کرکنده ای از "انقلاب عظیمی" که در ایران رخ داده، از "تحول بزرگی" که پایه جامعه مارادگرگون ساخته و گواهه "اینهانیز بر هبستری" و "پرچمداری" شاه انجام پذیرفته و شرعاً خیرخواهی و نبوغ است! (۱) دم میزنتند. جریان "کنگره هیئت‌های مدیره شرکت‌های تعاونی روستائی" و "تصویب ملی" لوایح ششگانه (یعنی: قانون اصلاح ارضی و متمم، قانون ملی کرد ن جنکلها، قانون اصلاح آئین نامه انتخابات، قانون واکداری کارخانه‌های دولتی درازا، قیمت زمین به ملاکان، قانون سیاه داشن و قانون پاداش به کارگران) و "کفرانس اقتصادی" میدان یکه تازی به شاه و دولت گوشیه فرمان و مبلغین و جارچیان رژیم‌ش داد و این صحنه‌های پرسروصد اظاهراً در برخی داغهای مستعدنیز تا غیرگیج کننده ای داشته است. چنانکه "جله روشنگر" مقاله ای بدین مضمون نگاشت که گویا پس از این دن در ایران برای "روشنگران" که تاکنون کارشان حمایت از توده ظلم در قبال متوجهین ظالم بود کاری نمانده است زیاد هقان صاً حب اختیار او میداند ارشد و مالک منفور و مطروف است و بدینسان با یک حرکت عصای سحر امیز جهشم دیروزی به بهشت امروزی مدل‌گردیده است!!

روشن است که محتوی واقعی این جاروجنجالهای تبلیغاتی باداعوی مبلغین تفاوت اساسی دارد و ماظنیه داریم این محتوی واقعی را بی‌جان بغض و ذهنیت و با تکا^۱ اسلوب علمی شناخت بدیده های اجتماعی، با تکا^۲ بررسی دقیق واقعیت بازنشناسیم. شناخت این واقعیت، پناهکه هست، نه چنانکه بران چیزی بسود یا بزیان مزید شود، ضروری است زیرا جنبش‌رهایی بخش کشورمان خواهد توانست بد و چنین شناختی راه ایندۀ راشتخصیض دهد و شیوه نبرد موئر علیه نظام موجود را باید و مشی خود را بر واقعیات متکی کنده بر وهمیات.

ما بارهاد رتیلیل وضع ایران بویژه از زمان رویکارا دن دولت امینی تصريح کرد ه ایم که رژیم کود تاد است بعقب‌نشینی، مانور و رفیوم اجتماعی زده و این حریه را بر حرمۀ اصلی ساق خود یعنی حریه ترور و اختناق و تکیه سرنیزه که بویژه در نخستین ادوار استقرار این رژیم عملانه اسلوب مود استفاده ه وی بود، افزوه است. آری رژیم کود تا حریه عقب‌نشینی، مانور اجتماعی و رفیوم راد رکن‌حرسیه ترور بکار می‌برد ولی کماکان شیوه ترور، ارعاب، تکیه به سرنیزه و حکومت پالیسی و میلتاریستی حریه عده ای است. وقتی میگوییم این حریه عده است ازواعیت منشأ میگیریم زیرا کماکان شاه از سلطنت مطلقه و مستبده خود دست برند اشته ونه فقط دست برند اشته بلکه در پاسخی که علم چند ماه پیش به نمایندگان هیئت اجرائی ساق جمهۀ ملی داده تصريح کرد ه است که اختیارات مطلقه شاه گویا اموی ضروری است و انصراف از آن ممکن نیست. رژیم شاه حتی در استانه رفرازند و م (یا باصطلاح مبلغین رژیم) تصویب ملی^۳) و علی رفع انکه مدعي سیطرۀ مطلق برافکار عمومی بود دست به سرکوب خشن تظاهرات ایزیسیون زد. کمترین مقاومت نیروهای ملی و مکراتیک در قبال رفرازند و کافی بود که رژیم شاه را به واکتش خشن و بی تابانه ای وادارد؛ شاه در قم نقط خشم الود دشمن امیزی کرد و به نیروهای ایزیسیون اعم از حزب ما و جمهۀ ملی حمله و شد و کلماتی که در خورد خود است باین سازمانها نسبت داد. نیروهای ارتش و پلیس مراکز نمایش و تجمع احتمالی را در تهران اشغال کردند. تظاهرات داشجوان داشنگاه و اعتصاب بازار با بربریت سرکوب گردید. شصت تن از مخالفین زندانی شدند و رژیم تهدید کرد که هر یکی توقيف شد گهۀ ملی را تسلیم داد گاه نظامی خواهد کرد و برای آنها تقاضای اعدام خواهد شد.

تمام این واکنشهای غضب الود هنگامی است که شاه با صلح خود قوانینی را به "تصویب ملی" می‌کند ارد که دارای جنبه اصلاحی است، هنگامی است که شاه خود را مسلط بر افکار عمومی اعلام می‌کند، یعنی هنگامی است که شاه دارای مساعد ترین موقع برای استفاده از مکاتیم "قائونی" و "د موکراتیک" عمل است. با اینحال رژیم نمی‌تواند به سرنیزه و باتون پلیس متولی نشود، سیل و اواهه های دشمن امیز و اسناد های ناپسند را روان نکند و ماهیت مستبدانه خود را نشان ندهد و دادگاههای نظامی و حکم اعدام را بخ نکشد.

بهمین جهت کاملاً حق است اگرگه شود اسلوب ترور و اختناق و فشار و تکیه بر سرنیزه کماکان اسلوب عده و اساسی رژیم است.

با اینحال این نکته نو که در کار رژیم کودتا از چندی پیش پدید شده و کتابیش بسط یافته است همان توسل به اسلوب عقب نشینی و رفوف و مانورهای اجتماعی است. سخن نخست وزیر سابق دکتر علی امینی در پاره علت و ماهیت این رفوف و اقاما کلام بلین و کلاسیک است. وی گفت: "ازده ریال باید سمه ریالش را داد تا هفت ریال حفظ شود". رژیم کودتا به این عقب نشینی مجبور شده است. برخلاف دعاوی لاف زنایه شاه که گوایی از جبر زمان جلوتر است و پیش از آنکه جامعه ابتنی ضرورت و مقتضی خاصی شود، وی به آن خواست های لجو جانه و خونین، بزر و جر، آنهم بحسب فرمان اربابان امپریالیست به این مقتضیات آنهم بحداقل و بشکل مثله شده ای پاسخ میدهد.

باین نکته که نکته ایست بسیار مهم دقت کنیم.

ازد تها پیش مناسبات موجود در جامعه ما قیدی گران برپای نیروهای مولده است. این مناسبات عبارتست از تسلط استعمار و قبود الیسم و مظہر سیاسی این دو یعنی رژیم سلطنت مستبده است. یعنی وابستگی سیاسی و اقتصادی به امپریالیسم ازطرفی و قبود الیسم یعنی رژیم ارباب- رعیتی و اصول مزارعه و مالکیت بزرگ قبود الی ازطرف دیگر ضربات فوق العاده سنتیکن بحیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و معنوی جامعه ما وارد می‌سازد. بقای این مناسبات مانع است که قوای مولده رشد یابد، تولید ماشینی در صنعت و کشاورزی حکم را شود و همراه آن علم و هنر گسترش پذیرد و به فقر مزمن و عقب ماندگی دیرینه جامعه ماخته داده شود، سیمای جامعه مادرگرگون گردد، بازارهای خارجی کشور را بسط یابد و سطح زندگی مادی و معنوی در میهن مارتقاً پذیرد.

این وضع مدتهاست جامعه اربابن بست روپو ساخته، بحدت تناقضات روپو آن افزیده، بحران اجتماعی را نشیدید کرده است. فعالیت سازمانهای ملی دموکراتیک و برائی آنها فعالیت پرچوش، فد اکارانه و پرتوان تشکیلاتی و تبلیغاتی بیست ساله حزب توده ایران مدتهاست مردم ایران را زاوای قیمت این اوضاع مطلع کرد و ضرورت یک رستاخیز عیق درینیاد اتفاقی، ضرورت یک تحول انقلابی (یعنی انتقال قدرت ازدست طبیعت حاکمه مرجع موجود به دست نیروهای مترقبی، دموکراتیک و ملی) را در شعروآگاهی مرد رخنه داده است.

تمام این عوامل در جامعه مانعی عدم تعادل شدید وضع موجود و گاه حتی نوعی حالت انفجاری پدید آورد که بویزه موجبات نگرانی سخت حاصل امپریالیستی را فراهم مینمود.

محاذ امپریالیستی (بویزه محاذ امپریالیستی امریکا) بناشیدات استناد و مدارک متعددی ازد تها پیش مذکور نزیرا او لا از جهت سیاست عمومی جهان امپریالیستی مالی نبودند رژیم دست نشاند نگرانی سخت مذکور نزیرا او لا از جهت سیاست عمومی جهان امپریالیستی مالی نبودند رژیم دست نشاند آنها (که تعهدات سنگینی در بر ایشان، علیه خلق، علیه انقلاب، علیه سوسیالیسم دارد) از میان بروند. ثانیاً تثبیت وضع اجتماعی ایران از لحاظ برچیدن بساط فرتو و پوسیده قبود الی صرف نظر از فوائد اجتماعی و سیاسی اش، این فائد اقتصادی رانیز برای آنها ارد که بازار تحت فرمان آنها، بازار ایران را بسط میدهد و امکانات وارد اتی و سرمایه گذاری آنها را توسعه می‌بخشد. باید تصریح نمود که یکی از بویزگهای استعمار نوین (ثئولکنیالیسم) است که هر جا پایه کهنه قبود الی و عمل سبق قبود الی خود را در کار زوال می‌بیند، حاضر است تکیه خویش را تعام و کمال بسرا مایه داران بزرگ وابسته منتقل کند و بدینسان پایه

زینده تر و پاینده تری را برای خوش برگزیند.

بسمرای آنکه درجه "نگرانی امپریالیستهای امریکا" روضع ایران روش گردید ذکریک مثال بسیار فایده نیست. مجله "بانفوذ امریکائی" یو-اس. نیوز اند ولد ریورت در شماره تیرماه ۱۳۸۸ خود درباره وضع ایران چنین نوشت:

"در ایران، کشوری است نفت خیز، علاوه از مشنج در حال بروز است. اگر در ایران اغتشاش شروع شود، امریکا را عاقع حواله قرار خواهد گرفت، چنانکه در عراق نیز اینطورشود (اما هر است بحواله انقلاب تعزیز ۹۵۸ هجری - ۱۹۴۷ مط.) کافی است انسان چند روز در این کشور سربرد تابییند که وضع در اجنباط اسلوب نیست. ظاهرا ماین است که شاه ایران کنترل خود را در کشور محکم برقرار کرده است، اغتشاشی نیست، نمایشگاهی علیه دلت برپان نمیشود، در خیابان آرامش پرقرار است ولی این آرامش فرینده است. مردم عادی از حکومت ناراضی اند. آنها از فساد حاصل حاکمه ابراز عذر رضایت میکنند. اینکه در کشور آزادی نیست و فاصله سطح زندگی شرطمندان و ملیون ها مردم عادی که فاقد وسائل زندگی هستند روز بروز افزون میشود، ازوجیات بعده است که کار را منجر به انقلاب میکند و این موجبات هم اکنون موجود است و با وضع کوتني جای تعجب نخواهد بود اگر رکشور بزودی قیامی درگیرد. در این وضع ایالات متحده خواه از جهت نظامی و خواه اقتصادی دلت شاه را قویا پشتیبانی میکند. عدم رضایت موجب وظایمت وضع است و این وضع میتواند ناگوارهای برای شاه و ایالات متعدد امریکا را برداشته باشد."

براساس آنچه که در فوق گفته شد امپریالیستهای و بیویه امپریالیستهای امریکا از دهنه پیش شاه را به اجرا رفورم بخصوص درد ایران توصیه میکردند و اند، ولی شاه در مقابل این جریان کراحت نشان میداد. دلایل این کراحت متعدد است. از جمله آنکه شاه خود بزرگترین مالک فتوال ایران بود و املاک مخصوصه رضا شاهی را که به نگام ضعف نسبی خاند این پهلوی پس از فرار رضا شاه بدست دلت افتاده بود، بعد از تحکیم قدرت این سلسه بزرگ از دلت بازمیاند. تمام زاد و بزرگ پهلوی از بزرگ ران و خواهان شاه همگی از زمرة مالکان بزرگ فتوال هستند. شاه در تمام مدست سلطنت بیست ساله خوشن با تکیه بر بروز مالکان فشود اول جنبش رهایی بخشند ایران را سرکوبی خوینند. داد. شاه مایل نبود این تکیه کاهم را از دست بده و حتی زمانی به سفیر امریکا گفت: من حاضرم انظرکه شمامی گوئید انقلابی بکنم ولی نمیدانم عاقب آن بکجا خواهد انجامید. شاه فکر میکرد با تسلیم به فروش تدیری بخشی از املاک خود به دهقانان میتواند منظره سازی کند و خود را مصلح باگذشت نشان دهد و را فت ارباب امپریالیست را جلب نماید و تخت سلطنت خود را اقل از جانب ارباب داران نگاهدارد.

ولی ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی حاد تراز آن بیند که خد و نینگ شاه بتواند از عهد آن برآید. دکتر علی امینی با پشتیبانی امپریالیستهای امریکا بعنوان قهرمان اصلاحات "مید آمد و جراید ولسوی فریاد برآوردند که دلت افراطی و تند رواهه و چنین و چنان خواهد کرد. آمدن دکتر علی امینی علی رغم شاه، در پیش ن دست نشاند گان او اقبال و شریف امامی از مسند قدرت، لغو انتخاباتی که دستگاه طبع شاه بسود دربار و مطاع وی سرهم بندی کرد و تظاهرات پرسوصد ای امینی و وزیرانش شاه را ساخت "کوک" و ناراضی میساخت. او زمانی صریحاً بر اینگانی کرد و بود که میاد ا "سیاست خارجی" برای مذاхم جدیدی تراشید.

شاه بی برد که اگر بخواهد از شر دکتر امینی رقب پرگو و بدم عای خود خلاص شود باید در همان مید امینی گام گذارد که وی گذاشت. در ملاقات با جان کندی شاه موفق شد رسیده ایین را بیند. پس از استعفاً امینی شاه دلت چاکر آنده اسد الله علم یکی از قوه نوکرهای درباری را بسر کار آورد و دکتر حسن اربستانی وزیر کابینه امینی را در رهمن مقام وزارت کشاورزی در کابینه نو تکاهد است تا موافق خود را با اصلاح ارضی نشان دهد و بدینسان "جبر زمان" که شاه مدعی است ازان جلوت مید و، قفاعی بر شاه

زد و اورابه اقدامات نیم بند کنونی واد است.

از مطالعه این واقعیات یک نتیجه مهم بدست می آید و آن اینکه خواه شاه و خواه الها مگر ان هم برای ایستاد رانگرانی از جنبش مردم مجه تکا پو واد است. ترس آنکه میاد اتعادل جامعه بسود مردم و زیر پا آنها بطور قطع برهم خورد و نظام نوینی جانشین نظام سلطنت مستبد است مطیع استعمار گردید، آنها را که باید اصولاً از سخن تاریخ بیرون روند، به برد اشتگاهی چند به عقب مجهر ساخته است. این مطلب را بارها سخنگویان این رژیم را ظهارات خود پیصریح و تلویح گفته اند.

در میان لایح ششکانه ای که به "تصویب ملی" گذاشته شده تنها لایحه اصلاح ارضی و متمم آن دارای یک محتوی کمابیش مهم رفه ای ایست و در پی اجتماعی ایران و درده ایران تائییرات جدی باقی میگارد و موجبات تحولی را فراهم می آورد.

قانون اصلاح ارضی و متمم آن در صورت اجرا سلماً و بتدریج وطی زمان به دگرگونیهای دارد این ده ایران و جامعه ایران نجربخواهد شد. این قید "بتدریج وطی زمان" دارای اهمیت زیادی است زیرا اشتباه است اگر تصویب شود قانون اصلاح ارضی و متمم آن بد ون برخورد با انواع مشکلات انجام میگیرد و یا بزیادی نتیجه می‌گیرد. ماطی سالیان آینده هنوز با سیاری از قیای رژیم اریاب و رعیت در ده برو خواهیم بود و مالکین باناحا لطایف الحیل خواهند کوشیده را ساتر این قانون همان اختیارات گذشته را نگاه دارند. دستگاه دولتی و هیئت حاکمه نیز سلماً راه اخضاع در پیش خواهند گرفت. عاملی که میتواند تحول را در رکار راقانون اصلاح ارضی و متمم آن بر سر احتمام برساند بارزه ده قنان، فشار افکار عمومی و عمل درست آن عدد ای ازما^مورین اصلاح ارضی است که مایل باشند لااقل رکار راقوانین مصوبه از حقوق دفاع کنند.

با اینحال اجرا، قانون اصلاحات ارضی و متمم آن بطور عده بکار گفته ایسم در ایران خاتمه می‌گیرد و علی که در انقلاب مشروطیت انجام نگرفت پس از سالیان دزار و بناگزیری دارد. در واقع انقلاب بروز رازی ایران (انقلاب مشروطیت) تنها یک ثمره اجتماعی داد و آن اینکه بروز رازی را یعنوان طبقه، که تا آن روز جزء هیئت حاکمه نبود، در کنار اشراف و فواد الها وارد عرصه قدرت کرد. در وران دیکتاتوری رضا شاه بروز رازی موفق شد سازمانهای سیاسی خود، دولت متمرکز، ارتیش و پلیسی سیستم مالیاتی، دستگاه قضائی و غیره خود را بوجود آورد، ولی علی رغم این تحولات اجتماعی و سیاسی مکان پایه اقتصادی فواد ایسم یعنی رژیم اریاب - رعیتی و سیستم مزارعه درده ایران باقی بود. استعمار یا حفظ این پایه علاقه داشت زیرا ایران را بکمل همین اشراف و ملاکان که عمال وی بودند، اداره میکرد. سلطنت به حفظ این پایه علاقه داشت زیرا ایران را بکمل همین اشراف و ملاکان که تکیه گاه وی بودند، اداره می‌گرد. ولی چنانکه گفتیم زمانه دگرگون شد و بقا فواد ایسم علاوه غیرمکن گردید. اصرار را بقا فواد ایسم یعنی در خطرگز اشتن قدر استعمار و سلطنت در ایران. لجاج در حفظ همه یعنی ازدست دادن همه برای تجات قدر استعمار و سلطنت در ایران، لازم شد به زوال فواد ایسم تن در داده شود. استعمار و سلطنت درین جریان ذینفع شدند. بهمین سبب پس از بیش از یک قرن که ازانقلاب مشروطیت میگرد رتاشه آن تحول اقتصادی که وی خواستار آن بود در این مهارت و قوی می‌یابد.

پس ضمنون اقتصادی تحولی که طی زمان این جم میگیرد عبارت از جانشین شدن تدریجی مناسبات سرمایه داری و استثمار سرمایه داری در ده بجای مناسبات فواد الی واستثمار فواد الی. در این اجرای قانون اصلاح ارضی و متمم آن مالکین فواد ال تدریجاً به سرمایه داران صاحب زمین مبدل میشوند. البته رژیم سعی خواهد کرد موقعیت اجتماعی مالکین فواد ال را که بعثایه طبیه در کار زوال هستند، بعثایه افراد و رجال جد اگانه محفوظ دارد و بکمک توان اینها بر سرمایه داران و بانک ایران مبدل گردند و بتوانند رهیقت حاکمه ایران نشون و مقام خود را حفظ کنند. این سختی بدان معنی نیست که در جریان این زوال تدریجی همه مالکان فواد ال خواهند توانست در شرایط نوینی موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود را حفظ کنند، ولی چون سعی رژیم در این جهت است لااقل سرشناس ترین و بانفوذ ترین آنها این موقعیت را محفوظ خواهند داشت. در اراضی اصلاح ارضی منظره اجتماعی درده تغییر خواهد یافت و قشریندی

در روزتای ایران تسریع خواهد شد بدین معنی که طبقهٔ پکارچه "رعیت" تدریجاً به بجزوایزی، خود را بجزوایزی، پولناریا و نیمه پولناریای ده تقسیم خواهد شد. این امور موجب آن خواهد گردید که بجای تضاد کهن (تضاد ارباب و رعیت) در ده ایران یک سلسهٔ تضاد های نوین پدید خواهد آمد و منظرهٔ مبارزه طبقاتی و تصادم گرایشی مختلف اجتماعی در ده ایران بعراقب بغرنجتر خواهد گردید.

اصلاح ارضی قهرا و در طول مدت به بسط بازارد اخلى منجر خواهد شد و از این امر در رجاء اول سرمایه داری وابسته به امپریالیسم (سرمایه داری کومپارادور) سود خواهد برد. چرا؟ زیرا راقتضاد ایران بجزوایزی ملی بعلت ضعف صنایع و تولید اخلى نقش عده راند ارد. ولی در عین حال بسط بازار د اخلى بسود تولید و توزیع داخلى نیز خواهد بود. با اجرا، اصلاح ارضی رئیم کنند تا در ریجا درجه است تبدیل به دیکتاتوری سرمایه داران بزرگ (اعم از همه فشرهای مختلف آن وازانجه سرمایه داران زمین دار) سیر خواهد کرد. این رئیم سعی خواهد کرد از امکانات مساعد اقتصادی که بدست می آورد برای سازش با دیگر فشرهای بجزوایزی استفاده کند و بهنای طبقاتی رژیم را بسیط ترسازد.

اینها تحوالتی است که تدریجاً و در طول مدت راه را اجرا، قانون اصلاح ارضی و متمم آن در جامعه ایران بطور عام و در ده ایران بطور اخص روی خواهد داد ولی خطای فاحشی است اگر تصویب این تحول بمعنای حل مسئله ارضی در ایران، حل مسئله دهقانی است. هدف مهم اجرا کنندگان اصلاح ارضی حل مسئله ارضی، حل مسئله دهقانی یعنی صاحب زمین کنندگان دهقانان در ایران نیست بلکه اینجا د یک قشر وسیع دهقان مرغه (کولاک) در ده ایران است که بتوانند پایگاه رئیم سلطنتی قرار گیرند. این طبقه هم از جهت عده بعراقب انبوه تراز مالک فئودالند وهم از جهت "پایداری" و سرشتابی اقتصادی بر ارتقا نموده اینجا درسته است. شاه، مالک فئودال را با این طبقه نظهور در ده "ناخت میزند". این وضع مبدأ بروز صائب و مرمومیت های تازه ای در ده ایران خواهد شد و بهمین جهت باید بازهای صراحت گفت که حتی در صورت اجرا پیگیر قانون اصلاح ارضی و متمم آن که متأثر بحق اصلاح نیم بند نام نهاده ایم حل مسئله ارضی، منتهانه بشکل کنندگان، بلکه بشکل تازه ای کماکان درست توروز جامعه باقی میماند و آن هم عبارتست از ضرورت رفوتن بقایای نظامی که اکنون در رکارزوال است، ضرورت زمین دار کردن کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین بنحو بلا عوض و مجانی، ضرورت ارتقا گجدی سطح زندگی دهقان ایرانی، ضرورت بالا بردن بازده کشاورزی و ماشینی کردن تواید کشاورزی و غیره.

هدف ذهنی شاه و رئیم کنندگان امپریالیستی اش چنان‌نه کفته شد از اصلاح ارضی عبارت است از سیاست پایگاه اجتماعی سلطنت مستبد، تثبیت ارتباطی و وضع، تأمین شرایط اجتماعی اد امة سیاست ضد طلبی تبعیت از استعمار، تأمین شرایط اجتماعی اد امة است مرتد، های وسیع رحمتشان شهر و ده شاه و رئیم او بنیاد فرتوت و پوسیده "فیض" الى راههای کنند و بنیاد سرمایه داری را که قابلیت زیست و بسط آن در شرایط مشخص کشور مایبیشتر است برمی‌گذرند. چیزی که این نیات شاه را از اصلاح ارضی کاملاً آشکار می‌سازد ماده اول قطعنامه ایست که در نخستین کنگره شرکت‌های تعاویشی روسانی مصروف شد ایست. مضمون این ماده چنین است:

"حفظ و حراست اساسن رئیم سلطنت مشروطه ایران واجراء دستورات خیرخواها و ترقیخواهانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه را در هقانان برعهده میگیرند و سوگند یاد میکنند که تا آخرین نفس در راه حفظ اصول قانون اساس و سلطنت مشروطه ایران فدا کاری نمایند."

این ماده باوضح کامل مضمون "معامله" ایراکه شاه انجام میدهد روش میکند. تبدیل پایگاه اجتماعی سلطنت، پدیده تازه ای در تاریخ اجتماعات بشری نیست. بروز و تحکیم سلطنت در ده روان نظام پاتریارکال و فیض ال انجام گرفته سلطنت برای حفظ خود، در لحظه میین تاریخی مجبور است پایه پاتریارکال و فیض ال خود را هاکند و یا یک سلسه مانور اجتماعی، بازن در دادن به یک سلسه رفورم، پایه سرمایه داری را برای خود بپذیرد. دز عالم اجتماع این تبدیل پایه اجتماعی سلطنت "شیوه بنای پارتی" یا "بنای پارتیسم" نام دارد. معمولاً از نیا پارتیسم در اصطلاح عامه روش سیطره

جوئی وجهانگشائی فهمیده میشود ولی بنا پارتبیس د رجامعه شناسی مارکسیست معنای خاصی دارد. این اصطلاح ازانجاناشی شده است که هم ناپلagon بنا پارت و هم لوئی بنا پارت می کوشیده اند تسلطت را با قبول معنای اجتماعی نوین تحکیم کنند. ناپلagon بنا پارت به بورژوازی تکیه کرد. لوئی بنا پارت آغاز مغارله با خورد ه بورژوازی و پولتاریاراگذشت. این پدیده عیناً در وران بسمارک در آلمان و درد وران ستالی پین در روسیه دیده شد. لینین بنا پارتبیس رایلک "پدیده ضروری" برای کلیه کشورهای میشود که سلطنت د رانجا پایه فعد الی خود را به پایه سرمایه داری بدل میسازد. صحت سخن لینین را در رباره ضروری و قهری بودن بنا پارتبیس در تحول اجتماعی سلطنت ها، وضع کنونی ایران پیکاره یگرمهن میساند.

بیفاید ه نیست عین عباراتی زاکه لینین در مقاله خود تحت عنوان "از زیبایی و وضع حاضر" نگاشته و در تومبر ۱۹۰۸ در روزنامه پولتاری بچاپ رسیده است در تعریف بنا پارتبیس واژه "بنابرای سیم ارضی" ذکر کنیم. تعریف لینین اینجا بنا پارتبیس تطابق بسیاری با وضع کنونی کشورهای اند و تاحد و زیادی ماهیت پدیده های نوین را در روسیاست در بار و هیئت حاکمه ایران روش میسازد. واصلهای باید کفت تمام دروانی که مورد ارزیابی لینین است از سیاری جهات شbahت به در وران کنونی کشورهای اند و همین جهت سراسر مقاله مورد بحث لینین جالب است. لینین با اشاره بسیاست اصلاح ارضی ستالی بین چنین مینویسد:

"تغییر سیاست ارضی سلطنت مستبد دارای اهمیت فوق العاده است. این تغییر یک امر تصادفی نیست، یک نوسان عادی خط مشی وزارت خانه هایست، یک نوع حقه بازی بورکراتهای است. نه، این یک "تطور" بسیار عمیق است در جهت بنا پارتبیس ارضی، درجهت سیاست لیرال (معنای اقتصادی آن، یعنی بورژوازی)، در زمینه مناسبات ارضی دهقانان . . .

بنابرای سیم مانور سلطنتی است که تکیه گاه ساده و درست قشودال و پاتریارکال سابق خود را ازدست داده است. سلطنتی است که مجده شده است بند باری کند تاسقوط ننماید، ظاهر سازی کند تابوت و اداره نماید، تطمیع کند تابت و اند طبیع باشد، با عنصر منحط جامعه و حتی باد زدن وجیب برای حسایی برادری کند تاققط به سرنیزه تکیه نکرد ه باشد. بنابرای سیم تحول سلطنت در کلیه کشورهای بورژوازی است و این پدیده را مارکس و انگلیس با تکاء یک سلسه واقعیّ در تاریخ معاصر اروپا د نیال کرد ه اند". (کلیات بزیان روسی جلد ۱۵ ص ۳۴۵)

بدین ترتیب محتوی اجتماعی و سیاسی اقدامات رفومیستی رژیم کودتا محتوی اقتصادی آن نوعی تناقض دارد. درحالی که از جهت محتوی اقتصادی، این اقدامات رفومیستی مجریه بسط بیشتر مناسبات سرمایه داری بورژوازی در خواهد شد، امری که بطور عینی در مقیامیان با مانع میان رفوبی و سیاست رفومیستی رژیم کودتا محتوی اجتماعی و سیاسی ایست. نکته اینجاست که اکنون مهمترین ضرورت تکامل اجتماعی ما کسب استقلال اقتصادی و سیاسی و برآند اختن سیاست استعماله از رفوم ارضی که بوسیله شاه و بال هم از امیریالیسم اجراء میگردد در چارچوب بشکلی درستی است که باید سیطره همین دلت دست نشاند. امیریالیستها واقعاً تسلط اربابان امیریالیستی و راصیان و تحکیم کند. این ویژگیها فرم ارضی را جهت اجتماعی و سیاسی دریک چارچوب منفی قرار میدهند. چنین است خصلت متناقض این رفومها که ممکن است گاه افراد ازدیک آن عاجز باشند لذا در چاراشتباه شوند. باید از اشتباه کم بهادار دن به اقدامات رفومیستی رژیم و از هرچیز دانستن احتراز چست. همچنین باید از اشتباه پرهادار دن به اقدامات رفومیستی رژیم، از عذر درک هدف های ذهنی و سمت این اقدامات محترزید. چنین عملی در حکم خلیع سلاح ابدی غیر نهضت انقلابی ایران، تسلیم در مقابله رژیم کودتا است. چنین عملی یک این رونیسم بمعنای واقعی کلمه است. تردیدی نیست که سیاست د کانه ترور و رفوم رژیم کودتا نهضت را در رایر مساعی خودی قرار خواهد داد. ولی اگر خوب طبقه کارگر استواری اصولی و هشیاری سیاسی خود را حفظ کند، ماهیت تحولات را بد رستنی بر مردم روشن سازد، استحکام و اتحاد حزب طبقه کارگر، وحدت طبقه کارگر، اتحاد کارگران و دهقانان، اتحاد کلیه نیوهای ملی و مکراتیک و بطور اعم همه قوای مترقبی اپوزیسیون را تا مین

نماید ، میتواند نقشة تثبیت ارتجاعی رژیم را عقیم گذارد و مشی صحیح تحول انقلابی جامعه را پیروکند . همانطور که در تزهای کمیته مركزی (منتشره در شماره ۵۴ تاریخ اول اسفند ماه ۱۳۴۱ روزنامه مردم) درباره تحلیل تحولات اخیر کشور تصریح شده است حزب مالی رغم مانورهای اجتماعی اخیر رژیم کود تاکماکان این رژیم را سد اساسی در راه تحول انقلابی و بنیادی جامعه ایران میداند زیرا استعمال رسلطنت مستبد ه همراه با فشودالیسم سدهای تیوه ای درقبال رشد نیروهای مولده در کشورها ، ترقی جامعه و بسط آزادی و دموکراسی در میهن ماهستند . درحالیکه سد فشودالیسم که از همه فرتوت تروپوسیده تربود ، بد لایی که مشروحاًز کرآن گذشت شکست برد اشته ، سد استعمال رسلطنت مستبد ه با تمام قوی تقویت میشود . لازمه رشد آتنی نیروهای مولده و ترقی همه جانبه میهن ماآنست که اولاً بقایای فشودالیسم و نظام کهن اریاب - رعیتی که در ده ایران جان سختی نشان میدهد باقطعیت روفته شود ، ثانیاً ایران از قبیل وابستگی اقتصادی و سیاسی به استعمار طلبان رها گردد ، ثالثاً یک حکومت ملی و دموکراتیک جای سلطنت مستبد ۸ شاه را بگیرد .

برای نیل باین هدف نه فقط باید باشندید مبارزه مردم آنها را به کسب موفقیت های تازه و تحکیم موقعیت های موجود ، به عقب نشینی هرچه بیشتر رژیم واد اشت ، بلکه باید با تمام قوی در راه تحول دموکراتیک ملی جامعه ، در راه رستاخیز عمیق و بنیادی جامعه در راه استقرار حکومت ملی و پرچیدن بساط رژیم کودتا مبارزه کرد . نکته مركزی در وظایف فوری و میر معاشر است از جهیز همه جانبه دهقانان و زحمتکشان شهرها برای آنکه کارصلاح ارضی را بدست گیرند و آنرا در مجري ای بیاند ازند که موافق بامانع اکریت مطلق دهقانان باشد .

در باره

قرضه امپریالیستی در ایران

قرضه، یکی از اشکال صد و سرمایه

یکی از اشکال صد و سرمایه مالی، قرضه است. امپریالیستها بتویه ضعف اقتصادی و مالی کشورهای کم رشد را که مستقیم و غیرمستقیم نتیجه سیاست استعماری خود آنهاست، وسیله صد و سرمایه به شکل وام قرار میدند. ولی هدف امپریالیستها از وام و سرمایه بشکل وام فقط بدست آوردن سود از راه ریح سنگین نیست. قرضه‌های امپریالیستی همیشه با تحمیل آن چنان شرایط سیاسی و اقتصادی به کشور قرض گیرند. همراه است که زمینه را برای بدست آوردن امتیازات سیاسی و اقتصادی بعراقب بزرگتری از ریح قرضه فراهم می‌سازد. اجازه بهره برداری از منابع ثروت ملی، دادن امتیاز در قراردادهای بازارگانی، تعهد خرید انحصاری کالا با پول قرضه از کشور وام دهنده، پیروی از سیاست کشورهای امپریالیستی، انعقاد پیمانهای نظامی از جمله مهترین این شرایط است. همین شرایط است که بتویه قرضه امپریالیستی را بصورت یکی از زنجیرهای اسارت خلقهاد رمی‌ورد.

"کمک اقتصادی" یا شکل جدید وام (۱)

با ایجاد سیستم جهانی سویسیالیسم وتلاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم، صد و سرمایه بصورت وام، بد و آنکه ماهیت آن تغییر یابد، هم بعیان بسیابقه ای توسعه یافته و هم شکل جدیدی بخود گرفت. محدود شدن جهان سرمایه داری و احتیاج روزافزون بصد و سرمایه از طکن و کبود سرمایه در برخی از کشورهای کم رشد برای غلبه بر مشکلات اقتصادی و مالی و اجرای برنامه‌های عمرانی از طرف دیگر، امپریالیستها و بتویه امپریالیستهای امربیکانی را برآن داشت که برنامه وسیعی را برای صد و سرمایه بشکل وام برحله عمل داروند. در همان حال با وجود نهضتهای ضد امپریالیستی و در برابر اعتبارات مالی و نکهای فنی بد ون قصید و شرط و فوق العاده با مریت کشورهای سویسیالیستی، صد و سرمایه بشکل وام، نام "کمک اقتصادی" بخود گرفت. امپریالیستها اداره کردند که گویا بین قرضه هافقتنظیر بودند زندگی مردم و پیشرفت اقتصادی کشورهای کم رشد داده می‌شود. حتی بحلت خاطرات تلخی که "گرفتن قرضه امپریالیستی برای مردم کشورهای کم رشد ارد، امپریالیستها سازمانهایی بوجود آوردند ظاهراً بین المللی" و "بسی طرف" مانند بانک بین المللی - تازیز این سروش ماهیت واقعی "وام عمرانی" را پنهان کنند. بدینسان پس از جنگ دوم جهانی قرضه امپریالیستی تحت عنوان "کمک اقتصادی" بصورت یکی از اشکال استعمار نوین و یکی از زنجارهای اجرای این سیاست درآمد.

محضری از سایه قرضه در ایران

مردم ایران از وام خارجی خاطرۀ بسیار تلخی دارند. در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، مظفر الدین شاه و محمد علیشاه، مهترین "مسئله اقتصادی" که دولت ایران با آن مواجه بود، تائیمین پول برای زندگی طفیلی و راشه و برایان و بخوبی سافرتها تحریکی آنان به اروپا بود. بولی که از اه تمیيل مالیات سنگین و روزافزون به مردم بدست می‌آمد کاف این مخارج را نمیدارد. نتیجه اینکه این شاهان بقرضه خارجی متوصل شدند. این قرضه هاهم طبیعتاً زد و بدل قدر روسیه تزاری و انگلستان که در صحنۀ سیاست جهان و ایران نقش درجه اول را بازی میکردند، گرفته میشد. اینهم طبیعی بود که این دو دولت استعماری مجانی یکمی پول نمیدادند. نزیر ابروامهای که از این دو دولت گرفته میشد نه فقط ریح سنگین (۱) "کمک اقتصادی" امپریالیستی شامل وام و کمک بالاعوض است. ازانجامه "کمک بالاعوض" مختص است ویژه ای دارد و همچنین برای رعایت اختصار، بحث درباره "کمک بالاعوض" بمقاله دیگری موكول شده است.

پرداخته میشد، بلکه امتیازات بزرگی نیزماند و شیوه قرارداد ن عوارض گمرکی شمال بررسیه تزاری و عوارض کمتر جنوب با نگلستان داده شد. در واقع در واخر قرن نوزدهم واوائل قرن بیست و ام خارجی یکی از مهمترین اشکال مستقیم توسعه نفوذ استعماری نگلستان و روسیه تزاری در ایران بود. همین نتایج زبان بخش است که این خاطرة تلغی را بحق در مردم ایران بجای گذاشت. تهابی از انقلاب بکیوسوسیا لیستی اکابر و لغو تمام امتیازات و قراردادهای روسیه تزاری از طرف دولت شوروی بود که ملت ایران توانست از زیر سنگین قرضه رهاشی یابد.

وام خارجی در ایران پس از جنگ دوم جهانی

پس از جنگ دوم جهانی هنگامیکه مسئله تشکیل سازمان برنامه و اجرای طرحهای عمرانی مطرح شد، پس از سال‌ها که ایران از گرفتن وام خارجی خود را از داری کرد و بود، دوباره مسئله گرفتن قرضه خارجی بینان آمد. طراحان امریکائی برناهه هفتاد ساله از همان آغاز جای پای مکمکی برای تحیمل قرضه به ایران باز کرد و بودند، زیرا اول امنیع اصلی تأمین بودجه سازمان برنامه یعنی درآمد نفت (قبل از ملی شدن) کافی برای اجرای تمام طرحهای سازمان برنامه نبود، ثانیاً محتوی برنامه هفتاد ساله طوری نبود که سازمان برنامه بتواند با اجرای طرحهای عمرانی کسریودجه خود را از متابع تولید داخلی جبران کند. قانون تشکیل سازمان برنامه که از طرف دولت قوام السلطنه تنظیم و بتصویب مجلس پاسند هم رسید، نقشه امپریالیستهای امریکائی را برای تحیمل قرضه به ایران یا بن ترتیب عملی ساخت که سازمان برنامه اجازه داده شد در صورت احتیاج برای تأمین کسریودجه خود از خارج وام بگیرد. این "احتیاج" هم که از همان آغاز وجود داشت!

برای مواجهه با خاطرة تلاخی هم که مردم ایران از گرفتن قرضه خارجی از دند و همچنین در برابر انتقادات محاذل مترقبی، مراجع دلوتی و بواستگان به امپریالیسم و هیئت حاکمه ایران جواب میدادند که اولاً این وامها فقط بمصارف "تولیدی" میرسد، ثانیاً ازوءسیات "بین المللی" و "بیطریف" مانند بانک بین المللی گرفته میشود. بنابراین جای هیچگونه نگرانی ازینکه این وامها برای برد و شمل ایران باشد و یا موجب تحییل شرایط سیاسی و اقتصادی منافی با استقلال و مصالح ایران گردد، نیست.

آیا گرفتن هرگونه وامی مضر است؟

قبل ازینکه به بررسی صحبت ادعای امپریالیستهای واهیت حاکمه ایران درباره وامها و نتایج آن پرورد ازیم، به این سؤوال جواب بد هیم که آیا گرفتن هرگونه وامی مضر است؟

حققت اینست که کشورهای کم رشد در تکامل اقتصادی خود با مشکلات عظیمی رو به استند. صحبت فقط بر سر این نیست که باید به سلط امپریالیسم و قیود ایسم که مانع اصلی تکامل کشورهای کم رشد هستند، خاتمه داد. این شرط اساسی هرگونه تکاملی است. ولی در ساختمان جامعه نوین این هنوز آغاز نکاراست. گشودن راه است. برای رسیدن بهد ف اصلی یعنی ایجاد جامعه ای مرتفع، باید راه دشواری را رکھتیں مدت پیشود تا بتوان فاصله عظیمی را که بر اثر سلط امپریالیسم و منابع کمته وعقب مانده تولیدی ای ازندگی شانی گرفته تا اقتصاد فقود الی - بین کشورهای کم رشد و کشورهای صنعتی جلوگاذبه وجود آمده است کم کرد و متوجه ازین برد. بد یهی است که برای ازین بدن این فاصله و ایجاد جامعه ای آزاد و مرفره، راه رشد غیرسرمایه داری، سوسیالیسم بهترین وسیله است، زیرا هم اساتراست و هم سریعتر. ولی ازان جاکه حتی در کشورهایی هم که راه رشد غیرسرمایه داری را انتخاب میکنند، نیروی مادی و فنی عظیمی را باید بکار آند اخ特 تا بتوان هرچه سریعتر و آسان تر نای جامعه مرفی را ریزی کرد، مسئله گرفتن لک خارجی را بطور مطلق نمیتوان نفی کرد. بهمین جهت وقتی از ضریبون وام خارجی صحبت میشود، مقصد هرگونه وام خارجی نیست، بلکه آنچنان وامی است که منافی با استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ام گیرند ه است و مجای اینکه باری را زد و شوی برد ارد، آنرا منگین ترمیکند. تردیدی نیست که شرط اساسی برای گرفتن هرگونه وام خارجی انست که نخست تمام متابع داخلي بحد اکثر برای تأمین نیروی مادی و فنی لازم جهت تکامل سالم و سریع اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد، و اگر باز هم این نیروتکاف نکرد، انواع بکمل خارجی متوجه شد.

شرایط گرفتن قرضه چیست؟

اکنون باید دید که کشورهای کم رشد پس از استفاده از متابع داخلي، اگر برای تکامل سریع اقتصادی خود محتاج کمل خارجي شوند، باچه شرایطی باید این کمل را بپذیرند؟
گرفتن قرضه باید بارعايت دوascal باشد: نخست آنکه به استقلال سیاسی و اقتصادی کشور قرض گيرند و لطمه اي وارد نيایند، دیگر اينکه از وام فقط برای تکامل اقتصادی کشور استفاده شود، بدین منظور که هرچه زود تراز کمل خارجي بونيانگردد، با درنظر گرفتن اين دو اصل، وام خارجي باید تحت شرایط زیر گرفته شود:

- ۱) گرفتن وام مستلزم قبول هيچگونه تعهد سیاسی درباره رواود هند نباشد.
- ۲) گرفتن وام مستلزم اعتمادي هيچگونه امتياز اقتصادي بواحد هند نباشد.
- ۳) چگونگي مصرف وام فقط در صلاحیت وام گيرند باشد.
- ۴) وام گيرند ه قرضه را فقط بمصرف امور تولیدی برسانند.
- ۵) مدت وام طولاني و مخصوص فاصله بين گرفتن وام و استهلاك اولين قسط آن زياد باشد.
- ۶) بهره وام نازل باشد.
- ۷) وشيقه وام همان امور توليدی باشد که وام بمصرف آنها مiresد. استهلاك وام نيز از همين منابع توليدى صورت گيرد.

اگر کشور نتوانست در صورت احتياج وامي با شرایط فوق از خارج در ريافت کند، صحیح تر آنست که از وام خارجي صرف نظر کند و گوشد فقط با تکيه بمنابع داخلي اقتصاد خود را توسعه دهد ولواكنه در آغاز بسا مشکلات بيشتر رهروشود، زيرا در غيرايي صورت شرایط سندين وام خارجي مشكلاتي بمراتب بزرگ برای ووي بوجود خواهد آورد.

آیا ايران احتياج بقرضه خارجي دارد؟

اکنون اين سوال پيش مياد که آیا ايران احتياج بقرضه خارجي دارد؟ ميهن ما ايران خوشبختانه از زمرة کشورهای ثروتمند جهان است. خاک وسیع و حاصلخیز، منابع زیرزمیني گرايابها و فراوان، مردم بسا استعداد و زحمتمنش، يعني همه آن شرایطي که برای ايجاد يك اقتصاد سالم و نبروند و رنتيجه يك زندگي مرتفه و سعادتمند لازم است، در ايران وجود دارد. تا اسف فقط در اينجا است که از اين نعمت و شروت و زحمت نه فقط استفاده لازم نميشود، بلکه نعمت و شروت طبیعي و نتيجه زحمت مود م طعمه غارتگران داخلی و خارجي گردیده است. فروعه ماند گئي از اين غارت را بهانه گرفتن قرضه خارجي يعني غارت جدید قرارداد ادن، فقط گستاخي درخيان است.

محاسبه كوچكي بتكميم درآمد خالص تکسيروم نفت (فقط از فروش نفت و بطرودعده نفت خام در خليج فارس) بطرودعده سالانه بيش از ۵۰۰ ميليون دلار است. درآمد ايران نيز بطرودعده (طبق اصل ۵۰-۵۰) سالانه بيش از ۲۵۰ ميليون دلار است. يعني دولت ايران در عرض سه سال متواند پولي راکه طي ۹ سال از راه قرضه خارجي بدست اورده است. بد و اينکه محتاج بدان روح باشد - تاء مين کند. از اين درآمد فقط كمي بيش از نصف سازمان برنامه داده ميشود يعني ۱۲۵ ميليون دلار. يعني اگر درآمد نفت تمام سازمان برنامه بود اخته شود طي ۶ سال درآمدی بدست مياد که معادل قرضه سازمان برنامه در عرض ۶ سال است. گذشته از اين اگر همان ۱۲۵ ميليون دلار بود جه سازمان برنامه از درآمد نفت هم تمام بمحارف توليدی برسيد، بد و ترد بد ميتواند جای قرضه هاي کنونی را بگيرد.

در سال ۱۳۳۷ ارزی که ايران برای واردات بازارگانی بود اختر، ۱۹۰۰۰۰۰ دلار (۱) در همين سال برای اولين بار يك قمار رسمي (دكتور رئيسي وزارت بازارگانی) تائييد گرد که از ۲۷۰۰۰ ميليون ریال واردات ايران بطور تخمین ده ميليارد ریال ان كالاي غيرضروري و لوکس بوده است، يعني بيش از ۱۳۰ ميليون دلار (۲) اگرفرض کنيم که از سال ۱۳۳۴ (که واردات ايران دوبرابر صادرات بود) تاکنون

(۱) مجله بانک ملي ايران، مهرaban ۱۳۳۸

(۲) مجله اطاق بازارگانی، خرد ادامه ۱۳۳۸

که واردات بیش از ۵ برابر صادرات است) بطور متوسط سالانه همان ۱۳۰ میلیون دلار کالای غیرضروری و لوکس وارد ایران شده است ، طی ۷ سال مبلغ ۹۱۰ میلیون دلار از راه راه را در واقع بد مریخته شده است : و این گشاده دستی ناشی از میاست تجارت از ازاد دولت در سالهای انجام گرفته که ایران بعلت "کبود سرمایه" برای اجرای برنامه های هفت ساله ، بیش از ۷۰۰ میلیون دلار از خارج قرض گرفته است . اگر قم ۶۰ میلیون دلار را که دکتر امینی بعنوان مخارج سالانه ایران برای پیمان سنتو اعلام کرد ، حداقل این مخارج بد انیم ، طی هفتسالی که از پیش از تأسیت ایران در پیمان سنتو میگذرد اول ، رژیم کودتا مبلغ ۴۲۰ میلیون دلار - یعنی بیش از نیمی از قرضه خارجی ایران - الت قتاله برای کشتار خلق ایران و سلاح تجاوز کارانه برای اجرای نقشه های شیطانی امپریالیستها تهیه کرد ه است .

بنظر میرسد که همین محسنه کوچک برای نشان دادن ماهیت ضد ملی سیاستی دارد مارام جسور بگرفتن قرضه خارجی کرد ه است ، کافی باشد . دیگر آزان شوت عظیمی که مالکان و سرمایه داران بزرگ از شریجه کار طاقت فرسای ده قاتان و کارگران بدست میباورند و خرج زندگی اشرافی خود میگذند و یا برای روز یادا در بانکهای خارجی ذخیره میگذند ، از بودجه نظامی - که بد ون مخارج پیمان سنتو هم سنگین است - از مخارج زائد دستگاه دولتی که ۵۰ میلیون و ۱۰۰ میلیون تومان ضرف ساخته امیاعی نظیر مجلش شورا میگذند ، ازان دز یهای کلانی که حتی بینا اعتراف مقامات دولتی سرمیلوپه های زند ، از زیولهای غارتی شاه و خانواده سلطنتی که مرتبا در بانکهای خارجی انبار میگذند ، صحبت نمیگیرند . همه این شهروزت این مملکت ، دسترنج این مردم است که غارت میگذند و بهد رمیگردند . کافی است حکومت متعلق بمنزد برسکاراید و استعداد و نیروی خلاقه این ملت را در راه استفاده از ثروت طبیعی این مملکت بکاراندازد ، راه غارت و زدی را بر استعمار - گران خارجی و چپا و لگران داخلي بینند تا ایران نه فقط از قرضه خارجی بی نیازگرد ، بلکه چندین برابر قرضه خارجی را از منابع داخلی خود بدست آورد .

شرایط قرضه امپریالیستی

- ۱- شرایط قرضه هایی که تاکنون ایران گرفته است نمونه کاملی از شرایط قرضه های امپریالیستی است . خطوط کلی مشترکی که در تمام این قرضه ها دیده میشود بقرار زیراست :
 - ۲- تمام نقشه هایی که برای جگونگی مصرف و ادامه نظرگرفته شده باشد بتصویب امداد هند برسد .
 - ۳- وام دهند و باید در اجرای نقشه های انتظارات داشته باشند .
 - ۴- د ولت ایران برای گرفتن وام غیر از منابع امپریالیستی ، باید با این منابع مشورت کند (۱) .
 - ۵- هنگامیکه اعتبار را وارد کردن کالا داده میشود ، اولادیت کالا را وام دهند و تعیین میکنند ، ثانیا کالا باید از شهروارم دهند وارد شود ، ثالثا کالا باید با ساعت نقلیه شهروارم دهند ه خط گرد .
 - ۶- ربح وام بین ۳ تا ۶٪ درصد است .
 - ۷- مدت استهلاک وام بین ۶ تا ۱۷ سال است که باید با اصل و فرع بود اخته شود .
 - ۸- د ولت ایران باید از اراضی و فرع و هزینه های مربوط بوا ما لیات اخذ کند ، ولی باید کلیه مالیاتها و عوارض قانونی مقرر یوسیله کشورهایی که از تبع پول آن کشور وام و برگه قرضه باید استرد اد شود ، بهد از .
 - ۹- وثیقه وام ، د رآمد نفت است .
- باتوجه بشرایط فوق و خوبی آشکار میشود که ایران با گرفتن قرضه های امپریالیستی استقلال اقتصادی و سیاسی خود را از دست داده است ، زیرا نه میتواند وام را همراه رکه بخواهد مصرف کند و نه میتواند از هر که میخواهد وام بگیرد . گذشته از این از جا که این قرضه های مصارف غیر تولیدی میرسد ، وابستگی ایران به امپریالیسم تضمین شده است ، بد ون اینکه در استهلاک قرضه و بود اخت ربح کوچکترین وقفه ای حاصل شود ، زیرا وثیقه وام در رآمد نفت است . هملاخره امپریالیستها فقط به کشورهای "د وست" وام دیدهند . یعنی (۱) در اولين قرارداد وام بانک بين المللی در ۱۹۵۱ صریح از دادن این قرضه کرد که "د ولت ایران تعهد میکند که قبل از تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۵۸ هیچگونه وامی برای مقاصد سازمان برنامه تحصیل نکند و بعد از این تاریخ هم هرگاه بخواهد وامی از منبع دیگری غیر از بانک بگیرد ، باید با اطلاع بانک باشد" . روش نظر ۲۰ اذار ۱۳۳۵

کشورهایی که تابع سیاست امپریالیستی باشند و دست امپریالیستهارد رغارت ثروت این کشورها و بدیل انها پایگاه تجارت بازگرداند، ایران هم نمونه کاملی از این کشورهاست.

شایان ذکراست که دولت ایران بایان شرایط استقلال شکن و اسارت اور از امپریالیستهار قرض میگیرد، ولی با وجود پیشنهادهای مکرراً اتحاد شوروی مبنی بر کمک اقتصادی و قبضی به ایران، این کمکها بد ون ابراز کوچکترین دلیلی تاکنون رد شده است. در حالیکه کل اتحاد شوروی که اکنون بسیاری از کشورهای کم رشد از این برخورد ارند (از جمله همسایگان ایران، عراق، افغانستان و حتی پاکستان) درست واحد همان شرایطی است که در مرود گرفتن وام خارجی گفته شد. یعنی اتحاد شوروی هیچ قید و شرط سیاسی و اقتصادی برای دادن این وام تعیین نمیکند، مصرف قرضه با وام گیرنده است که بطریعه د ر امور تولیدی بکار می‌گیرد، ربح قرضه حد اکثر ۵/۲ درصد است، مدت استهلاک قرضه طولانی است و وثیقه قرضه همان منبع تولیدی است که قرضه برای ایجاد آن بکار می‌گیرد.

هنگامیکه ابتهاج مدیر عالی سازمان برنامه بود واولین قرضه ۷۵ میلیون دلاری را از بانک بین-المللی میگرفت، در توجیه "خد مت" خود گفت: "۰۰۰ در روی زمین اگر کسی پیدا شود که بتواند نه فقط ۷۵ میلیون دلاریکه قسمتی از ایران بین شرایط تهیی کند، من حرفی ندارم" (۱). این شرایط همانهاست که خطوط کلی آن قابل‌گفته شد. کافی است کسی اندکی واقع بین و منصف باشد و این شرایط را بانحوه کل کشورهای سوسیالیستی مقایسه کند تا دریابد که کدام نیرو هد فش از دادن قرضه واقع‌گرفت است، و کدام نیرو در زیرنامه "کل" شکل جدیدی از استثمار و استعمار یافته است.

منابع و اهمیت ایران

سرمایه مالی بشکل وام تاکنون از سه منبع وارد ایران شده است:

(۱) سازمانهای بین‌المللی: بانک ترمیم و توسعه، صندوق بین‌المللی پیمان

(۲) دولت امپریالیستی: امریکا و المان غربی

(۳) مؤسسات خصوصی: بانک‌ها و مفاہم‌های امریکائی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی

و اهمیت که ایران از نتایج فوق گرفته دارای خصوصیات زیراست:

(۱) قسمت مهمی از وام‌ها از سازمانهای "بین‌المللی" گرفته شده است. یعنی سرمایه مالی از سازمانهای با صلح "بین‌المللی" و بی‌طرف بعنوان پیشاوهنگ و پوشش، بیش از پیش استفاده می‌کند. (۲) دولتها ای امپریالیستی در پواد اخت وام‌ها سهم عدد را دارند، چه آنها که مستقیماً از دولتها گرفته می‌شود، چه آنها که غیرمستقیم از سازمانهای "بین‌المللی" اخذ می‌گردند (زیرا دادن سازمانهای بین‌المللی دولتها عوض‌هست). یعنی سرمایه مالی بیش از پیش از دستگاه دولتی بعنوان پیشاوهنگ برای ورود به کشورهای دیگر استفاده می‌کند.

(۳) سرمایه ای که از دروازه فوق وارد ایران شده غالباً مخلوط است، یعنی هم دولتی است و هم خصوصی. از سه‌ها صندوق وام‌های عمرانی امریکا که مستقیماً نظرور از خارج امریکا اداره می‌شود، ۷۰٪ صد متعلق بدولت امریکا و ۳۰٪ در صد متعلق ببانک‌های خصوصی است (۲). در وام‌های بانک بین‌المللی نیز سرمایه خصوصی شرکت دارد. از جمله در روم ۷۲ میلیون دلاری ایران از بانک بین‌المللی در رسال ۱۳۲۸، چهار بانک خصوصی امریکائی: بانک اف امریکا، چیزمانهایان، ناشنال سیقی، ایرونیک تراست، که از بزرگترین بانک‌های امریکا هستند با ۱۲ میلیون دلار اعتماد شرکت دارند (۲).

(۴) تاکنون نتایج خارجی، اعم از دولتی، خصوصی و بین‌المللی، فقط بدولت ایران وام داده است. یعنی پیروی ایران از امپریالیسم، تسلیم شرایط قرضه های امپریالیستی، تضمین سرمایه های خارجی، آنچنان شرایط مناسبی را فراهم کرده است که امپریالیستهار بنفع خود می‌بینند که قبل از هر کسی بدولت ایران وام بد هند.

(۱) مجله روشنگر، ۲۲ آذر ۱۳۲۵

(۲) اطلاعات، ۳ مهر ۱۳۲۸

(۳) اطلاعات، ۸ خرداد ۱۳۲۸

۵) سرمایه‌ای که بصورت وام به ایران صادر می‌شود : از راه دولتی، خصوصی و بین‌المللی، بطور عمده امریکائی است. این جریان بخوبی تسلط امپریالیسم امریکا را در اقتصاد و سیاست ایران نشان میدهد.

۶) تقریباً تمام وام‌های که ایران پس از جنگ دوم جهانی گرفته درد پیران پس از جنگ تا ۱۹۵۳ میلادی، یعنی سرمایه مالی مشکل وام با شرایط استقلال شکن و اسارت آفران فقط زمانی امکان تحمیل بعده م ایران را یافته است که یک حکومت مستبد و مستنشانده امپریالیسم در ایران مستقر شده است.

ماهیت امپریالیستی سازمانهای "بین‌المللی"

شاید توجه بشرایط قرضه هایی که دولت ایران از جنگ ترمیم و توسعه و صندوق بین‌المللی پول گرفته (و خطوط کلی ان قبل از جنگ شد) برای نشان دادن ماهیت این باصطلاح سازمانهای "بین‌المللی" کافی باشد. ولی ازانجاهه هم مخالف امپریالیستی وهم مخالف حاکمه ایران خیلی از "بیطرفي" و "حسن‌نیت" این سازمانهادر" کمل " بکشورهای کمرشد د میزند، و ازانجاهه قسمت مهمی از قرضه های ایران از جنگ بین‌المللی و صندوق بین‌المللی پول است، بیفایده نیست که ماهیت این دوسازمان را با ختصرار و شن کنیم، ضمن اینکه افشاً ماهیت این سازمانهای "بین‌المللی" و "بیطرفي" باقی باشند.

نیز کمل خواهد کرد.

قبلاً از جان جی "بی فیشر عضو شعبه تحقیق صندوق بین‌المللی پول بشنویم که : چه احتیاجی به تشکیل سازمانهای "بین‌المللی" بود؟" جواب این سوال و جنبه دارد : احتیاج سرمایه‌گذاری پس از جنگ بطور پیسا باید ایجاد شده بود، وارضاء این احتیاج هم بنفع کشورهای قرض‌گیرند و هم وام دهند بود. ولی در طی دهه های اخیر کنونه تردید و کاهش سوئنلن در رسایر از کشورهای قرض‌گیرند و توسعه یافت که درست یاناد رست، در صورتیکه طبق نمونه های پس از جنگ راه جدیدی برای تجدید حیات سرمایه بین‌المللی پیدا نمی‌شود، ممکن بود تجدید گردش سرمایه را بابت اخیراند ازد". فیشر اراده میدهد : "ترس از کنترل نادرستی که توسط سرمایه‌های خارجی انجام می‌گیرد، بد ون تردید اغراق امیر ایست. ولی واقعیت هم دارد: بهتر ترتیب عدم ثبات سیاسی، سرمایه‌گذاری خصوصی بین‌المللی را زراه عادی بمقیاس قابل ملاحظه ای دشوار می‌کند. بهمین جهت تا عکید شد که در مذاکره بین دو لتها برای گرفتن قرضه، تدبیر اساسی برای اعمال کنترل و مسئولیت بین‌المللی اتخاذ شود" (۱).

مسئله طبق این اعتراف روشن است . پس از جنگ بصد و سرمایه احتیاج ببسایه ای بود. ولی کشورهای قرض‌گیرند و خاطرات تلخی از وام خارجی و نفوذ سرمایه خارجی داشتند. باید راهی پیدا نمی‌شود که طبق "نمونه" پس از جنگ، یعنی در وران ایجاد سیستم جهانی سوسیالیسم و تلاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم، بصد و سرمایه لک کند. بانک بین‌المللی و صندوق بین‌المللی پول چین راهی بودند حتی در انسانه این دوسازمان هم که در واقع تکمیل یک‌پرند (چون هر کسی که عضویکی می‌شود عضویگری هم باید بشود)، مهترین وظیفه آنها "توسعه و تنظیم تجارت، توسعه و تنظیم صد و سی سیستم مستعمراتی است" ، یعنی در واقع کوشش برای غلبه بر مشکلات و نیاز به فهایی که امپریالیستها پس از جنگ داشتند: بدست اوردن بازارهای جدید، افزایش صد و سرمایه، جلوگیری از تزمیر پول.

حال بینیم این دوسازمان با این هدفها تاچه حد "بین‌المللی" و "بیطرفي" هستند. بانک ترمیم و توسعه و صندوق بین‌المللی پول طبق انسانه خود و مؤسسه تجاری هستند و مانند هر موسم سیاست تجاری هر که سهم بیشتری دارد، دارای رأی بیشتر در نتیجه نفوذ بیشتری است. تناقض این دو مؤسسه با مؤسسات عادی تجاری ایست که، سهام اران دو لتها هستند.

از مجموع سرمایه صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۵۷ (۱۹۰۰۰۰۰۰۰ دلار)، ۲۷۰۰۰۰۰ دلار یعنی ۳۰٪ درصد آن متعلق به امریکا بوده است. تعداد آراء امریکا ۲۷۷۵۰ یعنی ۶۱٪ درصد کل آراء بوده است.

(1) Foreign Economic Policy for United States Edited by Seymour E. Harris 1946

از جمیع سرمایه صندوق، ۵/۶ دلار یعنی ۱۳۰۰۰۰۰۰۰ دلار صد متعلق به انگلستان بوده است. تعداد آرای انگلستان ۱۲۲۰۰ یعنی ۱۲/۷۰ دلار صد کل آرای بوده است.^(۱)

از جمیع سرمایه بانک ترمیم و توسعه در رسال ۱۹۵۶ (۱۹۰۰۰۰۰ دلار)، ۱۷۵۰۰ دلار یعنی ۴/۲۶ دلار صد آن متعلق به امریکا بوده است. تعداد آرای امریکا ۳۲۰۰۰ یعنی ۷/۲۲ دلار صد کل آرای بوده است. از جمیع سرمایه بانک ۱۳۰۰۰۰۰ دلار یعنی ۱۴/۰۳ دلار صد آن متعلق به انگلستان بوده است. تعداد آرای انگلستان ۱۳۲۰۰ یعنی ۱۲/۳ دلار صد کل آرای بوده است.^(۲)

بدین ترتیب لاحظه میشود که تنهاد و دولت درجه اول سرمایه داری (امریکا و انگلستان) در روابط ۲ اعضود یکدیگر (تاسال ۱۹۵۶) نزد یک نصف سرمایه و نصف آرای این دو مؤسسه را را ختیار ارزد، و امریکا به تنها ای درهد مؤسسه تقریباً یک سوم سرمایه و یک سوم آرای را را ختیار ارزد. طبق اساسنامه این دو مؤسسه، هرگونه تغییر اساسی در حقوق و وظایف و ممکنین در اساسنامه، در موادی با اکثریت سه چهارم و در موادی بیان اکثریت چهارین چهارمی خواهد شد. یعنی هیچ تصمیمی بد و موقافت امریکا عملی نخواهد شد. بسخن ساده، این دو سازمان "بین المللی" و "بیمارف" تحت تسلط کامل امپریالیسم امریکا هستند و برای اجرای هدفهای ویکار میروند. بنظر میرسد که آن هدفها و این ماهیت هم برای نشان دادن شکل جدید استعمال روهم برای رد عاهات زمامداران رژیم کود تاکافی است.

مقدار و اهمایی که ایران گرفته است

برای سالین مد ارکی که در اختیار یود، مقدار و اهمایی که ایران از سال ای ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ را در اختیار یود، مقدار و اهمایی که ایران از سال ای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ تاریخ و اهمایی زیرگفته شده است:

بانک واردات و صادرات امریکا	جمع
بانک ترمیم و توسعه	۱۱۳۳۴۴۰۰۰ دلار
بانک سابق نفت ایران و انگلیس	۱۴۷۰۰۰۰۰ دلار
صندوق و اهمای عمرانی امریکا	۷۰۰۰۰۰۰ دلار
صندوق بین المللی پول	۴۷۵۰۰۰۰۰ دلار
بانکها و مؤسسات انگلیسی	۲۶۲۰۰۰۰۰ دلار
بانکها و بنگاههای فرانسوی	۳۴۹۳۸۰۰۰ دلار
بانکها و بنگاههای آلمانی	۴۸۳۶۰۰۰ دلار
	۳۰۲۲۳۰۰۰ دلار
	۵۱۷۶۱۰۰۰ دلار

از این تاریخ ببعد و اهمایی زیرگفته شده است:

۱) صندوق و اهمای عمرانی امریکا	۱۹۶۰ دسامبر	۱۹۶۰	۲۶۲۰۰۰۰ دلار
۲) بانک واردات و صادرات امریکا	"	"	۱۰۰۰۰۰ دلار
۳) صندوق و اهمای عمرانی امریکا	۱۹۶۱	ژانویه	۱۲۰۰۰۰ دلار
۴) بانک ترمیم و توسعه	۱۹۶۱	فوریه	۴۲۰۰۰۰ دلار
۵) بانک واردات و صادرات امریکا	۱۹۶۱	ماه	۷۰۰۰۰ دلار
۶) دولت آلمان غربی	۱۹۶۱	اوت	۲۰۰۰۰۰ مارک
۷) صندوق و اهمای عمرانی امریکا	۱۹۶۲	فوریه	۲۰۰۰۰۰ دلار

- (۱) Annuel Report of International Monetary Fund 1957
 (۲) Satzung der Weltbank 1956
 (۳) اطلاعات هواشنی، ۱۳۲۹/۱۰/۲
 (۴) اطلاعات هواشنی، ۱۳۲۹/۱۱/۳
 (۵) کیهان هواشنی، ۱۳۲۹/۱۰/۱۱
 (۶) اطلاعات هواشنی، ۱۳۲۹/۱۱/۳۰
 (۷) کیهان هواشنی، ۱۳۴۰/۳/۶
 (۸) اطلاعات هواشنی، ۱۳۴۰/۶/۱۶ - ضماعلاوه برای قرضه، ۷۰۰ میلیون مارک نیاز آلمان غربی
 "ضمیم" گرفته شده که هنوز نتیجه قطعی آن معلوم نیست
 (۹) کیهان هواشنی، ۱۳۴۰/۱۲/۲

اگرآمار فوق درست و تمام قرضه های گرفته شده راشامل باشد، رژیم کود تاطی ۹ سال بین از ۷۰ میلیون دلار رضوه خارجی بملت ایران تحمل کرد ^۱ است. و با کمال تائیف و با وجود پرداخت احتساب قرضه های فوق (که تا سال ۱۹۸۵ بطول می انجاد) ، نه فقط درونمایی از خلاص شدن از زیارتین بارستگین که دیگر طاقت فرسا شده است ، پیدا نیست ، بلکه سازمان برنامه اعلام کرد ^۲ است که برای اجرای برنامه پنجماله سوم احتیاج به ۲۳۲ میلیون دلار مک خارجی دارد ^(۱) . یعنی آن سیاست خدملی که گرفتن قرضه خارجی را پایه گذاری کرده است ، با این اهمیت خود هر روز بار قرضه راستگین تروآیند ^۳ اقتصاد ایران را داریکار میکند.

چگونگی مصرف و امداد

از مبالغی که دولت ایران مستقیماً از وامها برداشت کرد و مصرف مخارج جاری و پایاتا مین کسر بود جه خود رسانده است که بگزیرم ^(۲) ، و امداد بطور عدد ه بوسیله سازمان برنامه مصرف شده است. در بررسی چگونگی مصرف و امداد سازمان برنامه ، قصود ماد را ینجا بررسی طرحهای سازمان برنا مه و مصرف قرضه هایی که برای اجرای این طرحها گرفته شده و نتایج مشخص هریک از آنها نیست. درینجا فقط کافیست نشان داده شود که آیا داد عای دلت ای از سازمان برنامه مبنی براینکه قرضه های مصارف "خواهد رسید و در راه "صنعتی" کرد" ^(۳) ایران بکار خواهد رفت درست بوده است؟ آیا توجه کلی و غایر گرفتن قرضه ها پیش قت اقتصادی ایران بوده است؟ آیا گرفتن قرضه های موجب تأمین استقلال اقتصادی ایران شده و یا لااقل نیلابن استقلال را در آینده پایه گذاری کرده است؟

باید گفت که ماهیت طرحهای سازمان برنا مه به تنهایی بتمام سوالات فوق جواب منفی میدهد. زیرا اگر کسی اندکی واقع بین وضف باشد میداند که میهن مبارای اینکه از استقلال اقتصادی برخوردار شود باید صنعتی گردد و برای اینکه ایران صنعتی شود باید صنایع سنگین بوجود آید. در حالیکه در نقشه هفتاله اول $\frac{۱}{۳}$ درصد و در نقشه هفتاله دوم $\frac{۱}{۱۵}$ درصد صنایع و معادن رویهم اختصاص داده شده است. واین کمترین رقم بود جه سازمان است که به مصرف تعییر و گذاشتاره کارخانه ها و معادن موجود هم باید بررسد. از اینجاد صنایع سنگین هم اصلاح بخوبی نیست. یعنی اگر اقعا پول و امدادها با مصرف اجرای طرحهای سازمان برنا مه بررسد و اگر تمام طرحهای سازمان برنا مه و از جمله طرحهای مربوط صنایع و معادن بطور کامل اجراء شود ، تازه ایران صنعتی نخواهد شد و درنتیجه همچنان وابسته باقی خواهد ماند. ولی جالب اینجا است که وامها (که مصرف آن از طرف وام دهنده تعیین میشود) رسمانیز تاکنون فقط بساختن راه، فروذ گاه، بندرو سد اختصاص داده شده است. اشتباہ نشود ، مقصود این نیست که ساختن راه، فروذ گاه، بندرو سد کار بدی است و ما احتیاج بد اینها نداشیم. صحبت بررسای نیست که با توجه با احتجاجات کشاورزانکات مالی آن ، نسبت بین رشته های مختلف اقتصادی چه باید باشد. در شرایطی که پیاز ۵ سال "حاله" و مصرف میلیونها پول ، ماهنوز قادر یک کارخانه ذوب آهن 200 هزار تنی هستیم ، آیا جهاز است که قرضه خارجی ائمه با شرایط استقلال شکن گرفت و فروذ گاه برای هوای پهلوی از نظر اینست که مسداد تبریز مخصوصات صنعتی را باید از خارج وارد کنیم و مقداری از همان وام را باید آن بهردازیم ، آیا منطقی است که راه اسفالت ای سازیم که هر کیلو مترا مربع آن 50 هزار تومان خرج برمدید ^۴ ؟

بدینسان با صرف وام برای امور غیرتولیدی در رواج و استگی اقتصادی مثبتی و تحکیم شده است. وچه کسی جز امیری لیسم در روابستگی میهن ماذینفع است؟ وچه کسی جز زمامداران رژیم کود تا این سیاست امیری لیسم را در ایران اجرای میکند؟ تشدید و استگی ایران بر اثر نوع مصرف وام است بافرض اینکه تمام وام بمصرفی که برای این تعیین شده بررسد. در حالیکه عملاً اینطور نیست. بنای اعتراف مکرر مخالف رسی ، از جمله اظهارات ابتهاج در راه برنامه هفتاله اول ^(۲) ، اظهارات دکترا قبال در راه وضع سازمان برنامه در

(۱) اطلاعات هواشنی ، ۷/۰۵/۱۳۴۰

(۲) متأسفانه از مبالغی که دولت مستقیماً از وامها برای مصارف جاری خود برد اشت کرد ^۳ ، اطلاعی درد سترین نیست. ولی مسلم است که این مبلغ زیاد نیست ، زیرا این کسری را در وقت بیشتر از رآمد نفت و "کمل بالاعوض" ^۴ جبران میکند.

(۳) اطلاعات ، ۶ آبان ۱۳۲۷

دروان تصدی ابتهاج (۱) و گزارش کمیسیون اقتصادی سازمان برنامه درباره نتایج برنامه هفت ساله دوم (۲) حتی آنچه هم که خود شان پیش بینی کرد بودند، اجرانگرده اند ولی بول ان البه مصرف شده است. چگونه؟ مقداری پر از "اشتباه" در طرح برنامه ها زنده از حد لازم خرج شده است. مقداری بطور ثابت صرف "مطالعه" میشود. مقداری یعنوان حقوق به "مشاورین فنی" خارجی پرداخته میگردد. شرکت های اینکه ما "مهاجرای طرح های سازمان برنامه هستند" (از قبیل شرکت جان مولم که ۱۳۰ میلیون تومان پول گرفت و ۱۰ کیلومتر راه ساخت) حق العمل خود را (همان حق العمل های که چون "کمی" زیاد بود، ابتهاج به اتهام قبول آن بزند آن رفت) طبق قرارداد هایی که با سازمان برنامه داردند، متوجه میگیرند. مقداری هم "خیلی ساده" دزدیده میشود. چه کسی در این میان نفع میرسد؟ مشاورین خارجی که همه از کشورهای امپریالیستی هستند. شرکت های امپریالیستی خارجی که اجرای هم تعریف طرح های سازمان برنامه را بر عهد دارند و عاملین ایرانی آنها. یعنی در واقع وام را باید دست میدهند و بادست دیگر مقدار میمیزند. از اینجا پس میگیرند. آن مقداری از اموال هم که بمصر اجرای طرح های عمرانی میرسد، برای طرح هایی است که بطور عده جنبه استراتژیک دارد. و در این جایای تبدیل و نشان زده شده است. هم نقشه های نظامی امپریالیستها با ساختن فرودگاه و بندر و راه های نظامی اجرایشده است وهم سرمایه داران خارجی از این وارد کردن کالا - به اعتقاد وام - بسیار بزرگ است.

در رهمه این احوال اقساط وام باریح آن باز از طرف سازمان برنامه پس داده میشود، یعنی "سود ثابت" امپریالیستهای زند رکار تمام غارتگری های فوق تأمین است. چگونه؟ در اینجاست که مسئله استهلاک و اهمابطرح پیشود و جنبه دیگری از ماهیت قرضه های امپریالیستی را انشان میدهد.

استهلاک و اهمابطرح

وام های ایران بیشتر بمحضر غیر تولیدی میرسد و قسمتی هم حیف و میل میشود، یعنی منابعی که وام بمصر ایجاد آنها میرسد نمیتوانند وام را مستهلاک کنند. بنابراین باید برای استهلاک وام وارد اخست. سود آن منبع دیگری پیدا کرد.

سازمان برنامه بود جهاد خود را زسه منبع تأمین میکند: درآمد نفت، قرضه خارجی، قرضه داخلی. قرضه داخلی محدود است، زیرا وضع اقتصادی کشور و موقعیت باشکوه ملی اجازه پرداخت و امدادی هنگفت را بسازمان برنامه نمیدهد، بپیویه آنکه خود دلت هم بحلت کسری مزمن بود جه مقدار هنگفتی از باشکوه قرضه است و هر وقت هم فرصتی بدست اورد باز اینکه ملی قرض میکند. میانند درآمد نفت و قرضه خارجی. با اینکه طبق قانون قرار بوده است در نقشه هفت ساله دوم در سنه سال اول ۶۰ درصد دور چهار سال دوم ۸۰٪ از درآمد نفت بسازمان برنامه داده شود و قیمه بین دو دلت و شرکت ملی نفت تقسیم گردد، ولی مخارج روزافزون نظامی و مکربن داده شود، ویرا جبروکرد. است که از سهم سازمان برنامه از درآمد نفت داعم بگاکهد. بطوریکه نقشه هفت ساله دوم فقط ۵۴٪ از درآمد نفت بسازمان برنامه داده شد. است (۳). کم کردن سهم سازمان برنامه از درآمد نفت موجب شد. است که سازمان برنامه برای اجرای طرح های خود باز هم بقرضه متولی شود یا اجرای قسمتی از طرح هارما توقف سازد. از جانب دیگران اقتساط قرضه و ربح آن، سازمان برنامه مجبر است بسیه راه متولی گردد: یا اجرای قسمتی از طرح هارما متوقف سازد، یا قسمتی از درآمد نفت را بابت اقتساط قرضه و ربح آن بپید ازد و یا باز هم بقرضه متولی شود. و سازمان برنامه هرسه کار اکرده است. بدینسان سیاست اقتصادی ضد ملی دلت بطور کلی و چگونگی مصرف و ام بطوط خاص، سازمان برنامه را در جارد ور تسلیمی کرده است که نتیجه اش فقط غارت ثروت ملی، و تشدید باز هم بیشتر و بستگی ایوان به امپریالیسم است. و امبارا امپریالیستها معامله از این پرسود تر نمیشود. آنها قسمتی از درآمد نفت را به غارت میکنند. و مرتبا پس میگیرند واتحتمیل قرضه های اجدید زمینه غارت جدید تری را فراهم میکنند.

(۱) اطلاعات، ۲۳ آبان ۱۳۳۷

(۲) اطلاعات، ۵ اردیبهشت ۱۳۳۹

(۳) اطلاعات، ۲۴ بهمن ۱۳۳۸

همانطوره سازمان برنامه یکی از مسائل اعمی مورد بحث محافل اجتماعی ایران است، قرضه های خارجی ایران نیز صورت یکی از معتبرین مسائل اقتصادی و سیاسی درآمده است. نتایج زیان بخشنده اقتصادی و سیاسی قرضه های خارجی ایران بقدر آشکار است که حتی سیاری از محافل وابسته بهیئت حاکمه ایران نیزه تنهای قدر رفاه ازان نیستند، بلکه در مواد بسیاری به انتقاد ازان پرداخته اند. مشکل است بتوان حتی قسمتی از انتقادات این محافل را رایج نگلند. فقط برای اینکه ازان و استگان به هیئت حاکمه ایران نومنه ای بدست آده شود، چند اظهار نظر را نقل میکنیم:

هنگامیه اولین قرضه ازانک بین المللی مطبوع بود، خبریک از مجلات تهران باعده ای از رجال سیاسی و اقتصادی مصاحبه ای در این باره کرد. جزابت چاچ که گیرندۀ قرضه بدهیچکن دنیاره گرفتن قرضه نظریه ای برآورد اشت بود. از جمله سنا تور یوان بیگی ضمن تشریح شرایط وام گفت که توجه باین شرایط کافیست نشان دهد که: «... شرایط این قرضه تاچه اند ازه باحق حاکمت سیاسی و اقتصادی ایران مناقص دارد» (۱).

جعفر سهیمانی هنگام بحث درباره مصروف و امداد مجلس شورای ملی گفت: «... اگر امر وزیر نظر دید قیق باطراف بینند ازیم و بخواهیم قرضد و نتیجه مطلوب و فروختگی چیزی برای مایاقی نهاده است» (۲). بود که غیر از تأسیف از اینهمه قرضد و از عصب قضایت کنیم مجبوره اعتراف تلخی خواهیم عییدی نهی ضمانت شرایط وام بانک بین المللی ونحوه صرف آن در مجلس شورای ملی گفت: «... طبق این قرارداد باید ۷۴ میلیون صرف کالاها بررسد. قیمتها باید بقدیق بانک باشد. حمل کالا باید باکشی امریکائی باشد... صرف وجهه وام برای ساختمان فرودگاه برای خارجیان نفع دارد، نه برای ما» (۳).

مجله اطاق بازرگانی تهران نیز ضمانت یک بحث کلی درباره قرضه نوشت: «بعضی از اقتصاد یونیورسیتی جهان نه تنهای است به اثرات این قرضه ها مشکوک هستند، بلکه عقیده دارند که این قرضه ها وکیلی است برای پیشرفت اقتصاد کشور قریب‌گیرند و نکل شوند» (۴).

«ازمايش» قرضه در ایران بکار گیرشان داد که قرضه های امریکایی ولأونکه تحت عنوان "کلم اقتصادی" و "وام عمده" باشد، ولأونکه از طرف سازمانهای "بین المللی" داده شود، تغییر ماهیت نداده است. بر عکس با توجه بشرایط قرضه هایی که ایران تاکنون گرفته ونحوه مصرف آن و نتایجی که بدست آمده است، بیش از پیش تائید میشود که قرضه های امریکایی از تجزیه های محکم اسلامی اقتصادی و سیاسی ملت ماست. اگر زمامداران رژیم کود تا دیگرحتی ظواهر راه کنارگذاشته اند وعلی رغم تصریح قانون اساسی، بد ون تمویی مجلس شورای ملی هم، کاسه گردانی بدست هر روز قرضه جدیدی میگیرند و زنجیره اسارت ملت مرا محدود نمیکند، بهای حکومت شوم خود را به اربابان امریکاییست خویش میبرد ازند. ولی از نظر ملت ایران این قرضه های امریکایی محکوم است و هیچگونه تعهدی را برای وی ایجاد نمیکند. ملت ایران همانطوره که این خیانت زمامداران رژیم کود ترا نیز رکارسا برخیان تهها فراموش نمیکند، وقی حاکم بر سر نوشت خویش شد این زنجیر اسارت را نیز از هم خواهد گسیخت.

۱۳۴۱ اسفند

(۱) روشنکر، ۲۲ آذر ماه ۱۳۳۵

(۲) اطلاعات، ۲۶ اسفند ۱۳۳۷

(۳) اطلاعات، ۲۸ بهمن ۱۳۳۷

(۴) مجله بازرگانی، اسفند ۱۳۳۷

واعیاتی در باره

ترکیب طبقاتی جامعه ایران*

ترکیب طبقاتی جامعه ایران بسیار غریب است. پرسوهه پدایش یک صورت بندی (فرماسیون) اجتماعی د رایران و اینه نظام اجتماعی - اقتصادی متوفی تری جایگزین آن شود بدان شکل کلاسیک و بان تحولات حاد و سریع که دریک سلسه از کشورهای اروپائی جریان داشته نگذشته است. مانند اکثر کشورهای خاورمیانه و نزد یک د رایران نیز منابع تولیدی نوین باشکال و کندی جای مناسبات کهن را گرفته است. و ای چه بسا بقایای جدی منابع تولیدی نوین کماکان و بagan سختی به بقا خود ادامه داده است. بدینجهت نیز در نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای منابع اجتماعی - اقتصادی گناهکی که هم از لحاظ اهمیت تاریخی و هم از حیث ماهیت متفاوتند مشاهده میگردد. این منابع بروی هم اینها شده اند و چون باهم از درجه ای سازگاری درآمدند بکنندی تغییر میابند.

درایجاد زینه برای "همزیستی" منابع تولیدی مختلف سیاست استعماری دوران امپریالیسم نقش ارجاعی مهمی ایفا میکنند. لینین مینویسد:

"سرمایه مالی به انگیزه های متعدد "سابق" سیاست استعماری، مبارزه در راه بدست آوردن منابع مواد خام و صد و سرما یه و "منطقه نفوذ" یعنی منطقه معاملات سود مندو انتیاراز پرد را مد و سود های اتحادیاری وغیره رانیز افزود." (۱)

درنتیجه همین سیاست بود که از نیمه دوم قرن ۱۹ پرسوهه تبدیل ایران به نیمه مستعمره آغاز و در اوایل قرن بیست ایران بیک کشورهایه مستعمره به تمام متعاقب مدل کردید. سیل سرمایه های خارجی بایران سرازیر شد، امپریالیستها باگرفتن امتیاز، دادن وام و تشکیل بانکها وغیره پایگاه خود را در ایران ایجاد نمودند. کشاورزی ایران بانیازمند پهای کشورهای امپریالیستی د مسازگردید، کشورهایه تولید کننده مواد خام مدل شد. امپریالیستها برای آن بایران روی نیاورند که منابع تولیدی سرمایه داری را که در آن دور از منابع مترقبی بشمار میرفت در کشور مابسط دهند. بلکه هدف آنها ایجاد و تحکیم مواضع امپریالیستی برای نگهداری کشورهای راحال عقب مانگی و تبدیل آن بسازار فروش کالاهای خارجی بود. لذا تبدیل ایران به نیمه مستعمره باعث تحکیم منابع فتوح الی د رکشور گردید. چنانکه بنویشه خود منابع نیمه فشود الی بنیاد مطمئنی برای غارتگریهای استعماری شد و بدینسان اتحاد امپریالیستها باهیئت حاکمه مرجع که بکارگزاران سرمایه خارجی مدل شدند بوجود آمد. در عین حال شایان ذکر است که کشورهای امپریالیستی پناحچار اعثر رشد سرمایه داری در ایران شدند و علیرغم تمایلات آنان منابع سرمایه داری بایران رخنه کرد و درنتیجه طبقات جدید پرولتا ریا و بورژوازی خودی نضج یافت. از این پرونده برخلاف کشورهای رشد یافته سرمایه داری ترکیب طبقاتی میهن باگریج، متتنوع و مختلف الشکل است. مثلاً اگر رانگلستان اتحادیاری سرمایه داری و پرولتا ریا، بورژوازی بزرگ کشاورزی و کارگران کشاورزی نقطه مقابل یک بگرای تشکیل میدهند، در ایران سرحد بین طبقات و اقشار جامعه تا این درجه معین و مشخص نیست. ناهمگونی وجود قشرهای متعدد و متغیر بودن ترکیب از خصلت عدد طبقات در ایران است.

گرچه فقدان امار و پیکره های کافی تحلیل عمیق وهمه جانبه ترکیب طبقاتی جامعه ایران را تاندازه مشکل میسازد، با اینهمه استناد و مدارک موجود امکان مید هد راطراف این موضوع مه برسی و تحقیق گردید. سرشماریهایی که تاکنون در کشور بعمل امده نشان مید هد که از ۲۱ میلیون جمعیت کشور بیش از ۱۴ میلیون نفر میتوانند بکارهای اشتغال هر زند. ولی از این عدد ۱۰٪ بکارهای تولیدی و غیرتولیدی و ازانجلمه ۵٪ د رکارهای تولیدی (دستی و ماشینی) فعالیت میکنند. تعداد افراد غیرفعال یعنی کسانی که د رکارهای

* این مقاله بر اساس امارهای موجود تهیه شده و پناحچار تغییراتی که در اثر تحولات اخیر روی داده

و یا خواهد داد نمیتوانست در این مقاله منعکن گردد.

مفید اجتماعی - اقتصادی شرکت ند ارد ۷۷۱۹۳۶۰ نفریا ۵٪ جمعیت کشور است^(۱) . برای روش نشدن موضوع ترتیب هریک از طبقات و قشرهای جامعه را مورد تدقیق جد اگانه قرار دهیم . تردید نیست که هدف مادراین مقاله بیان کلیه مسائل مربوط به آناتومی طبقاتی جامعه ایران نیست . برای چنین کاری نگارش کتاب کاملی ضرور است . منظور ماد ادن تصویر اولیه از این مسئله ، بیان یک سلسله اماراتها و فاكتهاست تا برای آن عده از کارگران و ووشنگران خوانندۀ " دنیا " که مایلند دراین زیسته استنبط کلی داشته باشند طالبی ذکر شده باشد .

پرولتاریا

بسط دامنه سرمایه های خصوصی داخلي، فروریختن اقتصاد فکود الى: ایجاد بازار داخلي

(۱) اطلاعات، سی ام
خرداد ماه ۱۳۳۹

قالیاف که مستقلاب فعالیت مشغولند اخیر دیرپکر مذکور نیست) (۱) از جمیع کارگران و کارمندان ایران ۷۰٪ در رشته های مختلف صنایع فعالیت میکنند (۲)

بدون تردید یکی از مشکلات تشکل طبقه کارگرد رکشور ما پراکندگی کارگران در مؤسسات کوچک است.

جدول ۱ تقسیم بندی کارگران راد مؤسسات صنعتی نشان میدهد (۳)

بطوریکه از جدول شماره ۱ نمایان است میزان تمرکز پرولتاریاکه مهمترین عامل تعیین کننده نقش

وی در رشد اجتماعی - سیاسی کشور است در میهن ماهنوز چنانکه باید و شاید نیست ۹۱۲۹ در ۹۱۲۹ میلیون

صنعتی که در سرتاسر کشور پراکند است تعداد کارگران هر مؤسسه از ۵۰ نفر تجاوز نمیکند. عدد هر ترین

تمرکز پرولتاریا را صنایع نفت کشور است (جدول ۲) که متأسفانه این صنایع را راژخیانت هیئت حاکمه در

اختیار مردم ایران نیست.

جدول ۲

تعداد کارگران و کارکنان ایرانی در کتسرسیوم بین المللی نفت (۴)

تاقبل از طی شدن صنایع

نفت در ایران تعداد

کارگران نفت از کلیه رشته های تولیدی بیشتر بود.

پس از انعقاد قرارداد با

کتسرسیوم بین المللی

نفت تعداد انسانها تقلیل

فراوانی یافت.

مجموع کارگران و کارکنان ایرانی در سرتاسر میلادی ۱۳۳۹ مشغول کار بودند عبارت است از (۵)

جدول ۳

جمع کل	تعداد کارکنان قراردادی و کنtractچی هر دو شرکت	شرکت ملی نفت			
		کارگر	کارمند	کارگر	کارمند
۵۷۲۳۴	۲۲۰۶	۵۲۱۰	۳۱۲۳۵	۴۱۷۲	۱۳۹۱۱

در حال حاضر رایان موافق برخی آمارهای منتشره در مطبوعات خارجی بیش از ۵ میلیون نفر کارگر مزد بگیر وجود دارد (۱) ازین عدد ۱۳۷۰۰۲۰ نفر صنایع نفت، در کارخانه های ملی و دولتی و کارگاه ها و ساختمان راه آهن و راه شوسه و غیره مشغول کارند. جدول ۴ تعداد کارگران رشته های مختلف صنایع، کیفیت و قشریندی آثار ازاله حاظه مهارت روشن میباشد (۶).

جدول ۴

سربریست	سرکارگر	سرکارگر	کارگر تیمه ماهر	کارگر ماهر	کارگر ماهر	جمع کارکنان کشور
۱۴۳۹۷	۸۸۱۹	۲۳۸۴۶۹	۱۱۶۰۲۹	۳۴۲۱۸۳	۱۳۷۰۰۲	

(۱) نشریه شورای اعالی اقتصاد، شماره ۵، سال ۱۳۳۸، صفحه ۱۴۶-۱۵۱

(۲) "Мировая экономика и международные отношения" № 4, 1962, стр. 73

(۳) ارقام از آمار فعالیت های صنعتی و معدنی کشور سال ۱۳۳۹ شده است.

(۴) در تنظیم جدول از ارقام منتشره در شماره ۱۳۴۰ اسفند ۱۳۴۰ مجله "تهران اکنومیست" استفاده شده است.

(۵) آمار فعالیت های صنعتی ایران سال ۱۳۳۹ صفحه ۶۲

(۶) مجله "کوشیست" نمره ۱۹۶۲، اولیه ۱۹۶۲ صفحه ۱۰۵

(۷) نشریه شورای اعالی اقتصاد، شماره ۷، ابان ۱۳۳۹، صفحه ۸۸

ارقام نیز طبقه بندی کارگران کشور را نظر جنس و سن و طرز تقسیم آنها را در راستانها نشان میدهد:

جدول شماره ۵

استانها				تعداد کارکنان				از انجمله بیشتر از ۱۸ سال				کمتر از ۱۸ سال				مرد				زن				مرد				زن				مرد				زن			
استان مرکزی				۳۰۶۰	۵۱۴۳۵			۴۸۱۷۱				۲۷۹۳	۲۲۶۴	۲۶۶		۵۶۲	۹۱۷			۱۶۵۱۴	۱۱۶۲			۱۳۹۷	۱۲۲۶	۲۹۲		۰۶۲	۵۸۶۲			۰۲۰	۲۲۶	۲۹۲					
استان اول																																							
استان دوم																																							
استان سوم																																							
استان چهارم																																							
استان پنجم																																							
استان ششم																																							
استان هفتم																																							
استان هشتم																																							
استان نهم																																							
استان دهم																																							
بلوچستان و سیستان																																							
کردستان																																							
پخته‌واری و چهارمحال																																							
بنادر و جزایر جنوبی																																							
در سراهرکشور	۱۲۳۴۸۰	۱۲۹۳۹	۱۱۴۴۰	۱۰۶۷۷	۹۰۳۰	۲۲۶۲																																	

باید هدف کرشد "آمار فاعلیت‌های صنعتی کشور" که پیکره‌های مذکور را منتشر ساخته دهند. هزار کودک قالیاف (۱) و کود کائی را که درست سباقیها و کارگاه‌های خانگی کار می‌کنند بحساب نیاوردند است. با تغییر وضع اقتصادی کشور در ترتیب طبقه کارگر نیز تغییرات کمی وجود می‌آید و کمیت کارگران ماهرو نیمه ماهدر رضایع رو بازیش است. این تغییر در تشکل و اتحاد کارگران ایران نیز بی اثر نیست. نهضت کارگری در ایران که بیش از نیمه قرن ساخته دارد هم اکنون مرحله جدیدی را طی می‌کند. تشدید تضاد‌های نظام موجود اجتماعی زمینه رشد و توسعه مبارزه طبقاتی را فراهم ساخته، فعالیت سیاسی پهلوتاریه آگاهی سیاسی و نیروی سازمانی وی افزایش می‌باشد. طبقه کارگر ایران با استفاده از شرایط مساعد بین‌المللی و داخلی مازده خود را تحت رهبری حزب خود - حزب تude ایران گسترش می‌بخشد و خواهان تغییرات اساسی در کلیه شئون اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشور است.

در سالهای اخیر نهضت سند یکا شی دارایان با موانع عده‌ای که رژیم کود تاد رسیده را آن ایجاد نموده رو روبروست. اکثر سند یکاها می‌توانند کشور ساخته و پرد اخته وزارت کار و خدمت اجتماعی و سازمان امنیت شاه هستند. مسلمان رچنین شرائطی سند یکاها کارگر قادر به مبارزه در راه احراق حقوق کارگران نبوده و نمی‌تواند هم باشد. لذا همراه در راه تشکیل سند یکاها واقعی صنفی به یکی از مسائل حاد و هرم طبقه کارگر ایران مدل شده است. کارگران در جریان نبرد در راه بهبود شرایط کاروزندگی سند یکا - های صنفی خود را نیز تشکیل میدهند.

درنتیجه تشدید استثمار رحمتکشان از طرف سرمایه خارجی و داخلی رشد نیوهای مولده با افزایش ستمزد ها (که در کلیه رشته های صنایع در سطح سیارانالی است) همراه نیست. طبق آمار (۱) مراجعه شود به جلة "تهران اکنونویست" شماره ۱۱، ۴۳۶، ۱۳۴۰ آذرماه

منتشره از طرف وزارت صنایع و معادن مزد متوسط ماهانه کارکنان در بعضی مؤسسات ۵۰۰۰ ریال، در بعضی دیگر ۱۱۹۰ ریال و بطور متوسط ۲۵۰۰ ریال است. مجله روشنگرد در شماره مورخ ۱۴۱۶ مهر ۱۳۴۱ خود مینویسد: در تهران با ۲۰ سال سن و روزی حداقل ۱۰ ساعت کار فقط و فقط ۴۰ ریال مزد میگیرند. وقتی "در تهران که پایتخت مملکت محروسه ایرانست وضع رآمد مردم اینطور باشد، شما فکر نکنید رهروایت لایات چه خبر است". علاوه بر این بیکاری نیز زندگی هزاران خانواره را تهدید میکند. بموجب ارقام مندرجہ در "تهران جنرال" در سال ۱۹۶۰ تعداد اشخاصی که قادر کار ائم بودند نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر بوده است (۱).

بهرزوازی

در ایران مانند یگرگشتهای واپسیهای داران رابه بهرزوازی وابسته به امپریالیسم (بهرزوازی کمپرادور) تقسیم میکنند. درباره تعريف دقیق بهرزوازی ملی و بهرزوازی کمپرادور وابسته به امپریالیسم بحثهای فراوانی صورت گرفته است. ملک اساسی تشییص این دوگرمه بهرزوازی از هم ملاک اقتصادی است. عدهه عایدی بهرزوازی ملی از محل تولید و توزیع داخلی است و حال آنکه عدهه عایدی بهرزوازی کمپرادور از محل فعالیت اقتصادی همراه با امپریالیسم وتابع امپریالیسم است. یکی دیگر از ملاکهای تشخیص بهرزوازی ملی از کمپرادور مشی اجتماعی و سیاسی آنهاست. بهرزوازی ملی بخارطاً مین استقلال سیاسی و اقتصادی کشورها امپریالیسم و عمل ارتقای وی وارد میازره میشود ولی بهرزوازی کمپرادور دست نشانده و دستیار امپریالیسم و ارتجاع است. علت این اختلاف روش اجتماعی و سیاسی در اختلاف وضوح اقتصادی است. امپریالیستی بارگردان نقش بهرزوازی ملی میکشند تا بهرزوازی ملی کشور ما را "کمپرادور پیزه" نکند، یعنی با آنها وارد اختلاط شوند. این پرسوه در کشورها برای العین دیده میشود. بهرزوازی کمپرادور عمولاً همان بهرزوازی بزرگ است و بهرزوازی ملی همان بهرزوازی متوسط است. این وضع از قدر اسرارهای معمولی در اختیار هر یک از اینها نیز مشهود است. مثلاً در سال ۱۳۲۳ سرمایه تمرکز در اختیار ۲۶ شرکت بزرگ تجارتی و صنعتی متعلق به بهرزوازی کمپرادور در ایران ۵۰ میلیارد ریال بود، حال آنکه سرمایه بقیه ۱۳۷۴۹ اشترکت از ۸۰ میلیارد ریال تجاوز نمیکرد (۲). در ممالکی بعد سرمایه بهرزوازی وابسته با امپریالیسم افزایش یافت. در حال حاضر سرمایه بهرزوازی کمپرادور به معیت سرمایه دلتی سهم مهمنی از بخش تولیدی کشور را تحت نظر خود دارد.

باید مذکور شد که اصولاً تقسیم بندی بهرزوازی ملی و کمپرادور تاحدی مشروط است. زیرا بین بهرزوازی ملی و بهرزوازی وابسته با امپریالیسم سرحد معینی وجود ندارد و هیچیک از آنها بطور ائم در وضوح مالی ثابتی باقی نمیمانند، بلکه د ائم در تغییر و تبدیل لند. هر دوی آنها جزو طبقه استنطرکنده اند و بین آنها پرosome رسوخ مقابل در جریان است.

برای اینکه بتوان ترکیب اجتماعی بهرزوازی ایران را معین کرد و قشرمد کورا زهد یگرمتا یز ساخت باید مناسبات آنها را بسته به اقتصاد ملی جد اگانه مورد تحلیل قرارداد. یعنی معین ساخت که فعالیت عدهه این بآن آن قشر بهرزوازی در رچه رشته ای تمرکز است، روابط او با چشم ملی اقتصاد و بازار داخلی از چه قرار است، نفع عینی اقتصادی وی دررشد اقتصاد ملی و درهم شکستن سلطه سرمایه خارجی تاچه در رچه است.

بهرزوازی دکشور ما از لحاظ سرمایه گذاری در رشته های مختلف به قشرهای زیرین منقسم گردید:

۱- بهرزوازی صنعتی

که سرمایه خود را در صنایع سیک، معادن، ساختمان و فلزکاری و امثال آن بکارانداخته است. سرمایه های مذکور بطور عده در زمرة سرمایه های کوچک و متوسط بشمار میروند. فعالیت سرمایه های خصوصی در صنایع بخش های ذیل را در میگیرد:

الف - مؤسسات صنعتی و معدنی: بموجب آمار فعالیت های صنعتی و معدنی ایران سال ۱۳۳۹

С.Г. Гореликов, "Иран", № I, 1961, стр. 141 (۱)

"Азия и Африка сегодня", № I, Январь 1962, стр. 20 (۲)

مجموع مؤسسات صنعتی که با سرمایه خصوصی در ایران بوجود آمد ۹۲۲۱ کارخانه و کارگاه با سرمایه ۱۸۱۱۹۸۴ ریال برآورد شده است (در ۷ هزار از این مؤسسات تعداد کارگرانیک تا ۱۰ است) . برای اینکه قدرت مالی سرمایه گذاران خصوصی در صنایع و معادن تا اندازه ایروشن گردد ، سرمایه گذاری ملی در صنایع را با سرمایه گذاری در صنایع نفت توسط شرکت سابق نفت انگلیس و ایران در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ مقایسه میکنیم . در سالهای مذکور همچو ع سرمایه گذاری خصوصی در صنایع و تعداد کارخانه ها و نیروی حرکة آنها و همچنین مجموع کارگان بقرار زیربود : (۱)

جدول ۱

نیوی محرکه به به کیلووات	سرمایه به به میلیون ریال	مجموع کارگران	تعداد کارگران
۴۶۰۸۲	۱۶۲۹	۲۷۲۶۴	۲۰۳

بطوریکه از جدول ۱ مشاهده میشود سرمایه گذاری خصوصی در کلیه رشته های صنایع فقط یک میلیارد و ۲۶۹ میلیون ریال است . حال آنکه در اوایل سال ۱۹۵۱ مؤسسات نفت جنوب ۲۱۴ میلیون لیره انگلیسی و یا ۴۵ میلیارد ریال (۲) ارزش داشت . این رقم حتی از مجموع سرمایه گذاری خصوصی در ۹۲۲۱ مؤسسه صنعتی که تاسیل ۱۳۳۹ واحد اند گردید ۵ درصد دد ۵ میلیارد ریال زیاد تر است . در سالهای اخیر با وجود افزایش مقدار سرمایه گذاری خصوصی در صنایع ، باز سرمایه خارجی چه از لحاظ رشته سرمایه گذاری و چه از حیثیت کیست سرمایه برتری خود را حفظ نموده است . تأثیر وردن یعنی سال ۱۳۳۹ شورای عالی اقتصاد ۳۱۶ پرونده صنعتی و معدنی بتصریب رسانده بود که سرمایه گذاری خصوصی در پژوهه های مذکور برتری که در درجه ۷ نشان داده شد تقسیم میشد (۳) .

جدول ۷

سرمایه به میلیون ریال	تعداد پروره	رشته
۱۸۷۶	۷۸	با فندگی و پرسندگی
۱۴۶۰	۱۱	قند و شکر
۱۰۳	۲۱	معدن
۲۳۶۲	۲۰۶	صنایع غذائی و غیره
۵۸۰۱	۳۱۶	جمع

تفصیل رهمین دوران سرمایه گذاری در صنایع نفت بمراتب از این مبلغ بیشتر بوده است . مثلا سرمایه گذاری برای مد نیزه کردن پالشگاه آبادان ۲۰ میلیون لیره انگلیسی و یا ۴۲۰ میلیون ریال و سرمایه گذاری برای واحد اوله نفت گچساران - خارک و بندر خارک ۵۰ میلیون لیره انگلیسی و یا ۱۰/۵ میلیارد ریال (۴) یعنی دریک مدت مشابه ۱۴ میلیارد ریال سرمایه گذاری برای تسهیل صد و نه تن فقط ۵۸۵۱ میلیون ریال برای یجاد صنایع خصوصی صرف شده است . از مقایسه هایی که انجام گردید قلت مبلغ سرمایه گذاری خصوصی در صنایع بخوبی هوید است .

-۱ "Les conditions économiques au Moyen-Orient, 1951-1952" ۱۹۵۴ نوامبر ۴ کیهان ، ۲ فروردین ۱۳۳۹ کیهان ، ۴ اردیبهشت ۱۳۳۷ اطلاعات ، ۴ New York, Mars 1953. P.48

-۲ کیهان ، ۴ نوامبر ۱۹۵۴
-۳ کیهان ، ۶ فروردین ۱۳۳۹
-۴ اطلاعات ، ۴ اردیبهشت ۱۳۳۷

در استخراج معادن نیز سهم سرمایه خصوصی بسیار ضعیف است. فقط عدد قلیلی از معاون زغال سنگ و چند معادن سنگ آهن و سرب و مس و سنگ نمک توسط سرمایه داران خصوصی (بشكل اجاره) اداره میشود. بعنوان مثال استخراج سرب از معادن سمنان و دامغان رامیتوان ذکر کرد. سرب از معادن با وسائل ابتدائی استخراج و توپس اسب و قاطر به کوه های سرب گد ازی حل میشود. مجموع استخراج سرب در شباهن روز ۳ تن و میزان محصول کوهه هادر ۴۶ ساعت ۰/۷ تن است.

در ۲۰ سال اخیر اختلاط سرمایه صنعتی ایران با سرمایه های خارجی رو با فناش است. از آن جمله کمپانی امریکائی "آمریکن دن باکستر" در تأسیس کارخانه و اکسنس و اروسازی سرمایه گذاری نموده است. سرمایه امریکائی در کارخانه ذکر کور ۵ میلیون و سرمایه ایرانی ۵ میلیون ریال است. کمپانی "گود ریچ تایر انڈ تیوب" (Good rige Tire and Tube) در سهام کارخانه لاستیک سازی "بی اف گود ریچ" در تهران شریک است. محصول سالیانه کارخانه ذکر ۵۰ هزار حلقه لاستیک روئی و ۵۰ هزار حلقه لاستیک توئی برای کاپیون، اتوموبیل است. سرمایه کارخانه ۱۱۰ میلیون ریال است که ۴٪ آن متعلق به سهامداران ایران ایرانی و ۵۰٪ دیگر به کمپانی گود ریچ امریکائی اختصاص دارد. کمپانی فرانسوی "پنت آ-موسن" و بانک صنعتی Sape در شرکت سهامی "ایرانیت" که متخصص لوله کشی شهرهاست سرمایه گذاری نموده است^(۱). کمپانی امریکائی "بید کو" که کنسرسیوم مناف زاده را راهنمای تراکتورهای کوچک ۷، ۹ و ۱۴ اسب درایران تأسیس نموده است^(۲). علاوه بر اینکه ذکر کرد بد بشرکت سرمایه های انحصاری امریکا و انگلستان و فرانسه و ایتالیا و غیره کارخانه های مونتاژ اتوموبیل از قبل "جیپ"، "فیات" و "کارخانه های راد یو، تلویزیون "فیلیپس" و پخش جال برقی و امثال آنها نیز احداث گردیده است. از سال ۱۹۵۱ شرکت مختلط فرانسوی - ایرانی "خمن ماینینگ کمپانی" در خمین (دره نقره) و شرکت ایرانی - آلمانی "خانه سومه ماینینگ کمپانی" مشغول استخراج سرب در رایانند.

ب - محل و نقل . در حال حاضر شرکتهای سهامی مختلف حمل و نقل داخلی وین الملاسی و دریائی و هوایی زیادی در کشور تأسیس شده است. سهام شرکتهای ذکر (بغیر از عدد محدودی مثل حمل و نقل هوایی که سرمایه خارجی نیز در ران رسوخ یافته) در راهنمای سرمایه های خصوصی است.

پ - تولید کشاورزی . سرمایه گذاری در راهنمای بخش انتظاریکه باید و شاید رشد نیافته است. تا اوایل سال ۱۳۴۱ در کشاورزی ایران مجموعاً ۵۵۸۰ تراکتور، ۹۳۸ کمباین و ۱۰۳۱۹ وسائل دیگر کشاورزی از قبلی گذاشته اند، بد رافشان و دیسک و غیره وجود داشت^(۳). ارقام مزبور عقب ماندگی کشاورزی کشور را از حیث ^{۱۰} میلیون تکنیک جدید نشان میدهد. سرمایه خصوصی در تولید کشاورزی از طرق عدد گذاری از جمله بوسیله احداث سعد های کوچک، حفر چاه های آرتزین و ایجاد قنوات و غیره و در رشتة داده اداری از طریق سرمایه گذاری در تولید لنبنیات رسوخ میباشد.

باقی این سوابت تولید فوئد الی مانع بزرگ نفوذ سرمایه خصوصی در ده است. بهمین دلیل نیز مکانیزه کرد ن کشاورزی بکنده پیش میرود، اکثریت مطلق ده قاتان از هستی ساقط میشوند، بازارهای اخلي رو به تنزل میروند و امکان مالی برای صنعتی کرد ن کشور کاهاش میباشد. علت تضاد بین سرمایه ملی و مقایی منابع تولیدی فوئد الی را نیز دار یا نیز جاید جستجو کرد. در خاتمه باید مذکور شد که نفوذ سرمایه خصوصی در تولید کشاورزی از لحاظ رشد نیروهای مولد نقش مترقبی ایفا میکند.

ت - صنایع کوچک . مؤسسات کم حجم در صنایع ایران مقام مهمی را داراست. ۰/۵۰٪ از مؤسسا صنعتی کمتر از ۵ کارکن دارد. برای تعونه صنایع فلزسازی را امثال می آوریم. تا اول سال ۱۳۴۱ در ایران ۲۵۰۰ کارگاه و مؤسسه بقدر ۸۲۰۰ قوه اسب با ۱۴ هزار کارگرو ۸۵۰۰ مهندس و ۵۰۰ کارمند وجود داشت. مجموع سرمایه گذاری در صنایع فلزکاری و ایزارسازی ۴۰۰ میلیون ریال بود^(۴). صنایع کوچک که شامل فلز

(۱) اطلاعات، ۵ اذر ۱۳۴۱

(۲) کیهان، اول مهر ۱۳۴۱

(۳) خواندنیها، شماره ۷۲۳، ۱۲ خرداد ۱۳۴۱، صفحه ۳۴-۳۳

(۴) ارقام اخسنرانی وزیر صنایع و معادن استخراج گردیده است. "کیهان"، ۷ بهمن ۱۳۴۰

کاری، ابزارسازی، نجاری وغیره است اساساً در حیطهٔ تصرف سرمایه‌های خصوصی است.
ث - صنایع دستی . بعلل عقب ماندگی کشور صنایع دستی هنوز هم حائز اهمیت فراوانی است.
در ایران اشکال متنوع صنایع دستی تا امروز باقی است. از آنجمله اند کار رضاخان، د کاتبه‌های صنعتگری،
کارگاهها و بخشوص باقندگی باد است در ایران رواج بسیار ارد . در سال ۱۳۴۰ د رؤسایت قالی‌آفی و
قالیفروشی در حدود نیم میلیون نفر بعنوان کارگر، فروشنده و متخصص و سرکارگر و سپریست وغیره مشغول
فعالیت بودند (۱) . یکی از مرکزهای باقندگی دستی کشور شهریزد است. در این شهر ۱۲ هزار کارگاه با
۳۰ هزار کارکر وجود دارد (۲) .

سرمایه گذاری در صنایع دستی بعلت فقدان ماشین ناچیز است. صاحبان این صنایع رابطه
نیز یکی با کارخانه داران دارند. زیرا ای مواد اولیه به آنها تحویل میدهند و یا چنین موادی از آنها دریافت
میدارند. در هر دو حالت صاحبان صنایع دستی وابسته به صاحبان کارخانه اند. در صورت عدم رابطه با
کارخانه داران صنعتگران ایرانی خواه و تاخواه وابسته بخرید ایران عدد کالای تولیدی آشنا و رایخواران
میشوند.

این بود مختصی در برآرده سرمایه گذاری خصوصی در صنایع . باستثناء آن قشر از بروزهای صنعتی
که سرنوشت خود را بسیارهای انحصاری خارجی دارد میخته و در رایجاد مؤسیات مختلط شرکت میکند ، بخش
اساسی بروزهای صنعتی یعنی صاحبان مؤسیات تولیدی متوسط و کوچک ، کارگاههای دستی ، مؤسیات
متوسط ماختهانی و کشاورزی تحت فشارشید امپریالیسم قراردارند . بقایای آثار فتوود ایسم ، تنگی بزار
داخلی ، رقابت کالاهای خارجی و کالاهای مؤسیات وابسته بامپریالیسم سده عظیمی دیرابر شد طبیعی این
قشر قرارداده است . لذا اکثریت بروزهای صنعتی در رشد مستقل اقتصاد ملی و ازین رفقن سلطهٔ سرمایه -
های خارجی ذینفعند .

۲- بروزهای تجاری:

در ایران اکثریت بروزهای تجاری متوسط و کوچک ارتباط مستقیم با اقتصاد ملی و بازار داخلی
دارند . و چون افزایش تولید داخلي و رونق بازار با قوهٔ خرد مردم میوط است و از آنکه سلطهٔ سرمایه‌های
خارجی و بقایای آثار فتوود ایسم در ده عامل اساسی فقر اکثریت طلق مردم و درنتیجه مانع رشد بازار داخلي
است ، لذا آن بخش از بروزهای تجاری که با تولید و بازار داخلي میوط است کم ویش دارای تعاملات ضد
امپریالیستی است .

قشر کوچکی از بروزهای تجاری که دارای قدرت مالی بیشتری است از لحاظ وابستگی به بازرگانی
خارجی و درنتیجه بالانحصارهای سرمایه داری درجهه ضد خلق قرارگرفته است . اینهاد رواح متعهد
مستقیم سرمایه خارجی و کارگذار امپریالیستهای ایرانند. این گروه از بروزهای تجاری دشمن سرسخت
جنبش رهایی بخش مردم بوده و پایگاه اساسی امپریالیسم را در ایران تشکیل میدهند .

۳- بانک اران

قشرد بگری از بروزهای سرمایه خود را بانکهای باره اند ادعا که این بخش از بروزهای از لحاظ
حجم سرمایه گذاری به متوسط و بزرگ تقسیم میشوند . و اما از نقطه نظر وابستگی و مناسبات با امپریالیسم
وقتی ایسم وضع آنها فرق ماهوی ندارد .

(۱) اطلاعات ، ۲۰ آذر ۱۳۴۰

(۲) اطلاعات ، ۱۲ خرداد ۱۳۴۱

در حال حاضر در ایران ۹ بانک خصوصی با مشخصات زیر وجود دارد : (۱)

جدول ۸

نام بانکها	تاریخ تأسیس	بیم میلیون ریال	سرمایه ثبت شده	سرمایه پود اخت شده میلیون ریال	کارکنان	تعداد شعب
بانک اصناف ایران	فروردین ۱۳۳۷	۱۰۰		۵۰	۴۵	۳
بانک اقتصاد ایران	مهر ۱۳۳۸	۱۰۰		۱۰۰	۹۶	۵
بانک ایرانیان	دی ۱۳۳۸	۱۶۰		۸۰	۲۲۸	۴
بانک بازرگانی ایران	پیغمبر ۱۳۳۸	۲۰۰		۲۰۰	۲۰۷۴	۵۳
بانک بیمه بازرگانان	آذر ۱۳۳۱	۲۲۰		۱۱۰	۵۴۵	۲۵
بانک پارس	اسفند ۱۳۳۱	۲۰۰		۲۰۰	۸۰۰	۳۰
بانک صادرات و معادن ایران	شهریور ۱۳۳۱	۳۰۰		۱۰۰	۳۱۰۲	۲۳۵
بانک عمران و تعاون	شهریور ۱۳۳۱	۱۰۰		۵۰	۲۹۵	۷
روستائی کار	اردیبهشت ۱۳۳۷	۲۰۰		۱۸۷/۰	۲۹۲	۴
جمع کل		۱۶۲۰	۱۱۲۷/۰			

حیطه فعالیت سرمایه بانکهای مذکور اغلب بازرگانی و بخصوص بازرگانی خارجی است و از راه اعتبارات وغیره با سرمایه های خارجی و بانکهای امیریالیستی رابطه مستقیم دارد.
علاوه بر این بخش عدد ای از این قشر بیوژرازی سرمایه خود را در داخل کشور با ایجاد بانکهای مختلف بهم آمیخته اند. جالب است که سرمایه گذاری در بانکهای مختلف بمراتب بیشتر از سرمایه گذاری در بانکهای خصوصی است (رجوع شود به جدول ۹) (۲).

نام بانکها	تاریخ تأسیس	به میلیون ریال	سرمایه ثبت شده	سرمایه پود اخت شده میلیون ریال	کارکنان	تعداد شعب
بانک ایران و انگلیس	آذر ۱۳۳۷	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۵۵۷	۶
بانک ایران و خاورمیانه	اردیبهشت ۱۳۳۸	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۷۷	۴
بانک توسعه صنعتی و معدنسی ایران	مهر ۱۳۳۷	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۸۱	-
بانک ایران و رازان (بین‌المللی)	شهریور ۱۳۳۸	۲۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۱۷۱	۲
بانک ایران و هلند	اسفند ۱۳۳۷	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	۱۷۰	۲
بانک ایران و غرب	مرداد ۱۳۳۸	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	۶۹	۲
بانک اعتبارات ایران	فروردین ۱۳۳۷	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۱
بانک تجارت خارجی	اسفند ۱۳۳۸	۲۷۰	۲۷۰	۲۷۰	۱۰۰	۲
بانک تهران	آبان ۱۳۳۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۸۰	۱۰
		۱۶۷۰	۱۸۷۰			

(۱) در تنظیم جدول از ارقام منتشره در مجله "تهران اکنومیست" شماره ۱۴۵۱، ۲۶، ۱۳۴۰ ماه اسفند ماه ۱۳۴۰ در این مجله است.

(۲) "تهران اکنومیست" شماره ۱۴۵۱، ۲۶، ۱۳۴۰ ماه اسفند ماه ۱۳۴۰، صفحه ۱۲

در بانکهای مختلف تقسیم سهام به نحویست که نظارت بر بانک بعده سرمایه‌های خارجی واگذار گردیده است . مثلاً در "بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران" از ۴۰۰ میلیون ریال سرمایه اصلی بانک ۴۰٪ آن متعلق به اتحادهای خارجی است (از جمله ۴ مؤسسه امریکائی، ۲ هلندی، سه ایتالیائی پنج انگلیسی، دو آلمانی، یک بلژیکی و دو فرانسوی) (۱) . سهام خارجی بقرار زیر تقسیم می‌شود (۲) :

امريكا	۵۰۰۰	سهم	% ۳۴/۳
انگلستان	۱۸۷۵۰	"	% ۱۱/۷
فرانسه	۱۸۷۵۰	"	% ۱۱/۷
آلمان فدرال	۱۸۷۵۰	"	% ۱۱/۷
ايطاليا	۱۸۷۵۰	"	% ۱۱/۷
بلژيك	۱۰۰۰۰	"	% ۹/۳
هلند	۱۵۰۰۰	"	% ۹/۳

واما سرمایه‌ی بوانی به ۲۴۰۰۰ سهم یکهزاریالی تقسیم شده و بین مؤسسات زیادی پخش گردیده است . لینین مینویسد: " در عمل تجربه نشان میدهد که داشتن ۴٪ سهام برای درست گرفتن امور شرکت سهامی کافیست " (۳) . در واقع نیز ازانجاییکه سهام خارجی بر عکس سهام ایرانی درست عدد ۶ مد ودی تعریز یافته لذا اداره بانک نیز بعده آنها اوگزار می‌شود .

وضع در سایر بانکهای مختلف نیز شبیه بانک مذکور رفوق است . ۴۹٪ از سهام بانک ایران و انگلستان و بانک انگلیسی، ۴۹٪ از سهام بانک ایران و خاورمیانه به بانک خاورمیانه انگلیسی و ۴۹٪ از سهام بانک ایران و هلند به هلند پهنه اتفاق دارد . در بانک اعتبارات ایران تعداد سهامداران ایرانی ۵۰٪ نفراست ، حال آنکه سهام گروه فرانسوی درست ۴٪ مؤسسه

"Banque National pour le Commerce et L'Industrie" ، "Banque de L'Indochine" ، "Union Bancaire et Industrielle" معترکر گردیده است (۴) . سرمایه‌های متعلق به کمپاره هوا ملکین بزرگ اکثر ربانکهای خصوصی و مختلف متصرک شده است . بانکهای مذکور با هزاران رشته های مرغی و نامرغی بانکهای خارجی مربوطند . این خصوصیات بسیاری از صاحبان سرمایه‌های بانکی را در رصف بزرگواری وابسته به امپریالیسم در جبهه ضد خلق قرار میدهند .

۴- ریاخواران

ریاخواران همکام با ملاکین بزرگ در غارت ده قانون شرکت میکنند . ریاخواران که تقریباً د رای تمایلات سیاسی و خصوصیات اجتماعی شبیه مالکین هستند جزو نیروهای ارجاعی بشمار می‌روند . سرمایه این قشر از بورژوازی در واقع سدی در ریابر شدن نیروهای مولده در ده ایجاد تعدد و مانع اصلاحات اساسی است . در شهرهای ریاخواران بالاستشاری بند و مارکبیه و پیشه وران و صنعتگران آنها بورشکستگی میکشانند .

۵- بورژوازی وابسته بزمیں

در سالهای اخیر سفتۀ باری بازیمن توسعه بیشتری در ایران یافت و بنا بر اتفاق زمامداران کشور حتی موجب رکود فعالیت اقتصادی و سر راه رشد تولید داخلی در کارهای تولیدی وابسته بزمیں شرکت ندارند و روابط نسبه بدل ریاخواران را تشکیل میدهند . لذا بورژوازی وابسته بزمیں د رای خصوصیاتی شبیه به ریاخواران است . وجود اکثر ابابا مقامات و کارگردانان دولتی زمینه‌های پشت پرده دارند ، بنابراین منافع آنها بهایت حاکمه ارجاعی د رهم آمیخته و از این نقطه نظر نیز قشر مذکور جزو دشمنان خلق بحساب می‌آید . فرق بین عده معدودی از قشر بورژوازی وابسته بزمیں که کم ویش در کارهای تولیدی مانند ساختمان و کشاورزی سرمایه کذاری میکنند بازیمن خواران بزرگ فقط در حملت

(۱) کیهان ، ۱۱ بهمن ۱۳۳۷

(۲) کیهان ، ۲۴ مهرماه ۱۳۳۸

(۳) وای لینین ، اثر جلد ۲۲ ، چاپ ۴ روسي ، صفحه ۲۱۶

(۴) اطلاعات ، ۵ آذرماه ۱۳۴۱ ، صفحه ۱۶

محافظه کاری گروه نخست است

این بود خصوصیات قشرهای مختلف بورژوازی در ایران . تحلیل ترکیب طبقات بورژوازی امکان میدهد ماهیت و موقع آنها را در جامعه تعیین کنیم . این امر در شرایط فعلی مبارزه در میهن ماشایان اهمیت خاص است . تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استعماری مردم میهن ما، بطور واضح نشان میدهد که بورژوازی ملی فقط در شرایط و در میان معینی از تهضیت دموکراتیک در باره زندگی و ضد امپریالیستی شرکت نمیگوید و این نیز زایدۀ خصلت د وگانۀ بورژوازی ملی است که از طرفی با امپریالیسم در تضاد است و از سوی دیگر از تهضیت مردم هراسان است . در شرایط مشخص فعلی میهن ملی بورژوازی ملی که با حائل امپریالیستی ارتباطی ندارد را تجام و ظائف اساسی انقلاب ضد فساد الی و ضد امپریالیستی ذینفع است و بنابراین هنوز نقش مترقب و قابلیت این بورژوازی برای شرکت در حل مسائل حیاتی و ملی همگانی به پایان خود نرسیده است " (۱)

مبارزه در راه طرد سلطه احصارهای خارجی و همکاری با آنها ، سعی در براند اختن رئیسم اریاب - رعیتی و همگام با آن محافظت مالکین بعنوان شحد برای مبارزه علیه کارگران و هقانان - چنین است سیاست ضد و نقض بورژوازی ملی در مرحله فعلی مبارزه کشود ما .
اما از آنجاییکه حد کبیری از بورژوازی کمرباد و در میمن مادر عین حال صاحب زمین نیزه استند لذا بورژوازی وابسته با امپریالیسم دارای خصلت د و موارد تجاعی است . از طرفی دشمن سرخست هرگونه اصلاحات عمیق در ده است و از جانب دیگر شمن آشتی ناپذیر نهضت کارگری است .

د هقانان

در در وران تسلط کامل فئودالیسم در هقانان یک طبقه واحد را تشکیل میدهد که بوسیله فئودالها استثمار میشوند . ولی پس از خنثه تد ریچی سرمایه داری در ده طبقه واحد در هقان بند ریچی تجزیه میشود و در آن قشریندی پدیده میگیرد . د هقان توانگر و میانه حال و تهید سمت و مزد وران کشاورزی یا پرولتا ریایی ده از هم جدا نمیشوند . در صورتیکه قانون اصلاح ارضی و متم آن که در دست اجرایست پیگیرانه اجرا گردید بطور عینی در ده ایران تحولی روی خواهد داد که مضمون اقتصادی آن عبارتست از شستن منابع سرمایه داری بجا ای نسبات فئودال . این تحول ناچار قشریندی را در ده ایران شدید میکند . د هقان ایرانی را بشیش از پیش از صورت یک طبقه واحد (رعیت) درآورده و به قشرهای مختلف تقسیم مینماید و پیویشه در رقطب بورژوازی ده (کولاک یاد هقان متمول) در مقابل قطب پرولتا ریایی ده (مزد وران کشاورزی) قرار خواهد گرفت و تضاد های نوبنی ده ایران جای تضادهای که را خواهد گرفت . ولی این پروسه هنوز در جریان انجام است . ما این مقاله را برداشتی که تا قبل از اصلاحات در ده وجود داشته است مینتی میکنیم .

بغیر از ده معدودی از د هقانان توانگر، د هقانان ایسا ساجزو طبقه استثمار شوند ه استند . استثمار د هقان ایرانی اشکال متنوعی دارد . صرفظراز تقسیم بندی د هقانان به گروههای اساسی د هقان توانگر (کولاک) ، د هقان میانه حال و د هقان تهید سمت و مزد وران کشاورزی که نزد کاران گذشت ، مامیکوشیم د رانجا واقعیاتی در ایران وضع مشخص د هقانان بر اساس تقسیم بندی یهای موجود در آمارهای رسمی ذکر کنیم . این تقسیم بندی پایه ای از لحظه محظی اقتصادی خود د ایران علیت تقسیم بندی پیش گفته نیست ولی بنویسه خود انواع سایه روشنهای موجود در جامعه د هقانی را روشن میکند . بر اساس این امارهات کمیت ساکنین دهات ایران بقرارزی است : (۲)

تعداد زارعینی که باد اشتمن نسق مرد ه زنده بزرگت مشغولند	٨٠٠٠٠٠	خانوار
تعداد زارعینی که باد اشتمن نسق زنده زراعت مینمایند	٦٠٠٠٠	
تعداد زارعینی که باد اشتمن نسق مرد ه یکملت نسق ارزاعات میکند	٢٠٠٠٠	
ده تشنیهای که بعنوان برزگ برای نسق بند کارمیکنند	١٩٠٠٠	
خشونشینهای	٣٠٠٠٠	

(۱) برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی ، چاپ فارسی ، صفحه ۵۷

(۲) ارقام از مجله "تهران اکنومیست" ، ۲۶ اسفند ۱۳۴۱ ، صفحه ۴۱

د هقانان ایرانی بمقابله گروه اجتماعی ناهمگونند. طبق ارقام منتشره از طرف "گروه مشورتی امریکا" ۱۰٪ از خانوارهای کشاورزی ایران بی‌زمینند و ۲۳٪ کشاورزان هکتار زمین دارند و ۱۰٪ بین یک تا سه هکتار و فقط یک درصد صاحب بیش از ۲۰ هکتار زمین هستند. (۱)

وضع اکثریت طلاق د هقانان ایران اعم از هقانان بی‌زمین و کم زمین (که از بیک تاسه هکتار زمین در اختیار دارد) روز بروز و خیتم می‌شود. این عدد از هقانان نه تنها صاحب دیناری پس انداز نیستند، بلکه فاقد شرائط عادی برای تجدید تولید ساده نیز هستند.

ارسنجانی و زیرکشاورزی پس از مراعات این از سفرهای خود بقزوین به مخبرین جراحت گفت که در راه قزوین پیغمدی را دیده که گاآوهن بخود بسته و به شخم زمین مشغول بوده است. مجله "سپید وسیاه" نوشت که پس از بررسی معلوم گردید در آمد سالیانه این پیغمد ۱۵۰۰۰ ریال است که ۶۸۰/۷ ریال آنرا به مالک می‌پید ازد. مجله "تهران اکونومیست" در شماره ۴۶۷ مورخ ۲۳ تیرماه ۱۳۴۱ مینویسد: "رعایا اصولاً پول ندارند که از آن ذخیره کنند و سرمایه ای پس اند از نمایند. زیرا در آمد آنان بحلت جور مالک بقدری ناچیز است که یا بشهر هجوم می‌آورند و به سیل گدایان شهر می‌پوندند و یا اینکه بارافت انگیزترین وجهی شبیه احشام خود دردهای زندگی می‌کنند".

ارسنجانی در کاخون تحصیل کرد و های کشاورزی اظهار داشت: "نکته قابل توجه دیگران است که ۴۰٪ مردم ایران گرسنه و ۴۰٪ در صدد یک‌نیمه گرسنه هستند و میزان عایدی هرزار محظوظ سالیانه ۴۰۰ تومان است. زارعین غذا و پوشش ندارند" (۲).

پرولتاریای کشاورزی (اعم از آنها که تمام فضول سال را بکارگری درده مشغولند و یا آنها که فقط در روس محصول بکار می‌گذارند) قشر انبیه ای از ساکنین روستاست. طبق ارقامی که در رفق بد اینها اشاره شد عدد از کارگران کشاورزی که بعنوان بزرگ برای نسق بند کار می‌کنند ۱۹۰۰۰ خانوار و مجموع کارگران ماشین آلات کشاورزی مکانیزه شده ده هزار نفر است. علاوه بر این سه میلیون خانوار بعنوان خوش نشین دردهای ساکنند که اکثریت آنها ایام برد اشت محصل را درده و بقیه سال را بکارگری در شرکت‌های ساخته‌مانی و جاده سازی و غیره مشغولند.

درده سال آخر پرورمه گست د هقانان از وسائل تولید (یعنی زمین) بشدت افزایش یافته است. درنتیجه نه تنها تعدد از پرولتاریای کشاورزی زیاد شده، بلکه عده کثیری از آنها برای پیدا کردن کار به شهرهای اورده اند. در تشكیل پرولتاریای کشاورزی ورشد آگاهی طبقاتی وی از عدد از کارگران که در کارگاههای ماشینهای کشاورزی در روش استفاده ایست شغولند و همچنین هزاران نفر از ده نشینانی که اکثرها هم‌ای سال را در شهرها و یاد رجاده سازی و غیره کار می‌کنند نقش عده را بازی می‌کنند.

هدف عده اند ابیوی که رژیم کود تابنام اصلاحات ارضی با فروش زمین بد هقانان آغاز نموده است ترتیب تشكیل خوده مالکین مرغه الحال درده است. آیا هیئت حاکمه خواهد توانست با این هدف خود جامه عمل پوشاند؟ مسلمان با وضع فعلی فروش زمین بد هقانان، یعنی دادن یک یاد و هکتار زمین به رخانوار ده هقانی نمی‌توان سیمای ده را انتظار یک نیت سرد مدaran رژیم است تغییر داد. بدون شک عده کثیری از خورد مالکینی که اخیراً صاحب زمین شده اند بازیعت تذکرستی بصفوفه ده هقانان بی‌زمین و تهیه دست خواهند پیوست. لذا اگر وضع بدین منوال ادامه یابد قشر بندی که در وران معاصر شرائط عینی و ذهنی د هقانی که درگذشته عامل اصلی کلیه نهضتها مترقب بود همچنان بمقابله یکی از معضلات سیاسی و اقتصادی ایران دره وران کنونی باقی می‌ماند.

از انجاییده در شرائط فعلی کشور ما د هقانان، چنانکه متذکر شدیم، دارای اقسام مختلفه هستند، لذا در تحلیل د ورنمای نهضت د موکراییک و ضد امپریالیستی د رک نتش د هقانان بی‌زمین و کم زمین می‌توان متعدد طبیعی پرولتاریا اهمیت فراوانی کسب می‌کنند. بنا بر این اشتباه کرد که در وران معاصر شرائط عینی و ذهنی برای اتحاد طبقه کارگرد هقان فقط در آن جوامی پیوجود می‌آید که قشر بندی طبقاتی تکامل پیدا کرده و مnas سبات تولیدی درده رشد یافته است. تحریکات انقلاب که برسوسیالیستی اکبر و همچنین انقلاب بهای

(۱) "تهران اکونومیست"، شماره ۴۶۷، ۲۳ تیرماه ۱۳۴۱

(۲) "کیهان"، ۲۱ تیرماه ۱۳۴۱

د موکراییک توده ای نظریات مارکسیسم - لینینیسم راد اثیرها نکه در کشورهاییکه لغو مناسبات ف Gould الی در دستور روز قرار دارد هقانان میتوانند باید وش بد وش طبقه کارگر پیش روند تایید نموده زیرا طبقه کارگر تهاباطبیه ایست که میتواند انقلاب ارضی را بانجام رساند ، یعنی زمین را بلاعوض بد هقانان و واگذار نماید .

در ایران که هنوز مناسبات نیمه ف Gould الی دره حکمفرماست ، هدف وظیفه مبارزه واحد طبقه کارگرد هقانان نبرد علیه بقاای آثار قیود ایسم ، لخواشکال استثمار ف Gould الی دره و واگذاری زمین بلاعوض بد هقانان است .

مالکین

علیرغم اصلاحات ارضی رژیم کوئی ، طبقه ملاکین و بویژه ملاکینی که بشیوه سرمایه داری استثمار میکنند نیروی بزرگ را در ایران تشکیل مید هند و خواهند داد و همچنان پایگاه اساسی امپریالیسم هستند و خواهند بود . ملاکین بزرگ در تاریخ ایران پیوسته مدعی میباشند اقتصادی و سیاسی بوده اند . باد رنبلرگرفتن اینکه لایحة اصلاحات ارضی مصوبه سال ۱۳۴۰ حق نگهداری یک ده را بمالک مید هد و از آنجاییکه اکثر مالکین بزرگ قبل از خود را بین افراد خانواره تقسیم نموده اند و علاوه بر اینها طبق باصطلاح قانون اصلاحات ارضی رومتاها ایکه با تکنیک جدید اداره میشود شامل اصلاح ارضی نمیگرد ، میتوان پیش بینی کرد که در هر حال مالکیت عده منتها با شکل سرمایه داری با این زود پهبا ازین نخواهد رفت . نمونه بارز این امر را مادر رمسئله فروش املاک سلطنتی مشاهده نموديم .

خانواده سلطنتی ۵٪ کلیه زمینهای قابل کشت کشور را اختیار دارد . املاک سلطنتی شامل ۱۳۰۰ هکتار و ۲۵٪ جنگل و مراتع ایرانست . در این دهات ۲۲۱۷۹۰ نفر هقان که با خانواده خود بیش از یک میلیون نفرند زندگی میکنند . با اینکه فروش املاک سلطنتی از سال ۱۳۲۰ آغازگردیده تا اواخر این سال فقط ۴٪ املاک به ۴۰ هزار فوارز هقانان نسبتاً توانگر از قرارگاه کاری ۴۰۰-۲۰۰۰ ریال فروخته شده است . بدینسان املاک سلطنتی بازهم وسیعترین املاک کشوریا مانده است .

طابق آمار کشاورزان ایران در حدود ۲۰ هزاره از دهات ایران متعلق به ۳۷ خانواده بزرگ است . گرچه خرید املاک مالکین بزرگ توسط دلت و فروش آن بد هقانان با قساط ۱۵ ساله از عدد دهات متعلق به آنها خواهد کاست ، با وجود این چنانکه در فوق نیاز اشاره شد باید ابیری که رژیم شاه در پیشگرفته مالکیت عده ازین نخواهد رفت . مالکین عده همکان اینها با قبول شکل سرمایه داری استثمار یکی از قشرهای متوجه جامعه ایران و دشمن سرشخ نهضت رهایی بخش میشن طبوده هستند و خواهند بود .

خورد ببورژوازی

خورد ببورژوازی به آن طبقه ای از جامعه گفته میشود که بین ببورژوازی از طرفی و پولتاریسا و د هقانان ترسی دست و مزد و را از طرف دیگر قرار دارد . مانند پیشه هران ، کسبه ود هقانان میانه حال . ولی از آنهاکه در برایه د هقانان جد اگاهه بحث شد راین محبت هر جا از خود ببورژوازی صحبت میکنیم منظور ما خورد ببورژوازی شهرهای است که قشر عده آنها پیشه هران (خیاط ، نجار ، بنا ، خراط ، آهنگر ، مسگر ، حجار و غیره و غیره) تشکیل مید هند و نیز کسبه و تجارت کوچک (بقال ، عطار ، بزار ، رزاز و غیره و غیره) نیز یکی از ترکیبات مهم آن است . قشرهای از کارمندان و روشنگران که از لحاظ وضع زندگی د رسطخ خورد ببورژوازی است نزد روابع دارای مختصات روحی و اجتماعی ازین میان طبقه است . بدینسان طبقه خورد ببورژوازی با تمام اشاره و با تمام های اطرافش یکی از نیرومند ترین وسیعترین طبقات جامعه پس از د هقانان است . و یکی از اجزاء مهم ترکیبی نفوذ کشون و یکی از موجدهین محیط اجتماعی و روحی در کشور است .

خورد ببورژوازی در میهن مالک وسائل تولید کوچک است و اکثر اینروی کار دیگان را استثمار نمیکند . لذا در جامعه ما این قشر نسبتاً وسیع و ضع "بینابینی " مخصوص بخود ارد . یعنی بیش ایه مالک خصوصی متمایل به ببورژوازی استه ولی مانند نمایند گان قشری که فقط بحساب نیروی کار خود امارات معاشر میکنند و از طرف ببورژوازی استثمار میگردند متمایل بزمحتشان کشور است . درست همین وضع بینابینی خورد ببورژوازی

باعث تردید وی در مبارزات طبقاتی است . تحولات سالهای اخیر رزندگی اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی ایران تأثیرگذشت باری برو خود ه بورژوازی نیز باقی کذاشت و اوابیش از پیش بجانب پرولتاریا میکنند . کسبه و پیشه وران که پارای مقاومت زیرا بر قاب احصارهای خارجی و سرمهای داران داخلی وابسته بآنها راند ارتد و شکست میشوند . از این لحاظ خود ه بورژوازی دارای تمایلات ضد امپریالیستی و ضد فوئدالی و د موکراتیک است . خود ه بورژوازی در جامعه کنوئی نه فقط رژیم موجود را تقویت نمیکند ، بلکه در راه تضعیف آن گام بر میدارد . جالب است که مدافعین رژیم فعلی ایران که باین خصلت خود ه بورژوازی بی برد اند زنگ خطر را بصد ادریس آورند . شلانسایند سایق مجلس ارسلان خلعتبری در شماره ۱۰۴ نوامبر ۱۹۶۱ مجله "خواندنیها" مبنویسد که پس از جنگ جهانی دوم فشار بر خود ه بورژوازی شدید یا فاقه و هرسال صفوی مزد بگیران و پرولتاریا بحساب دهها هزار نفر از خود ه بورژوازی افزایش می یابد .

لازم بتذکر است که نه تنها آن عده از خود ه بورژوازی که از جستی ساقط میشوند ، بلکه آنها یکه نیز هنوز رفقی دارند ، باد رنظر گرفتن وضع موجود میهن ماو منافع صنفی خویش هرچه بیشتر بجانب طبقه کارگر و سایر حمکشان متعایل میگردند . در خود ه بورژوازی شهری ایران از زمان شرط‌بیان احساس شکل و نبرد نفعی گرفته است . اتحاد های پیشه وری د رمواقع خود نقش مهمی د رجارت داشته اند . حزب طبقه کارگر یا بد نسبت باین متد قوی خود توجه جدی می دارد و باد فاع از حقیق وی و باختشی کردن ناپیگیریها یش اوابیش از پیش بجانب مبارزه ملی و د موکراتیک پکشاند .

روشنفکران و وضع طبقاتی آنها

باشد صنایع ، تکلیک و تدبیر تعداد روشنفکران یعنی افرادی که بکارگردی استخراج ارز در جامعه ایران افزایش می یابد (دانشمندان ، مهندسان ، آموزگاران ، دبیران ، استادان ، نویسندها ، نقاشان ، پزشگان ، قسمت عده کارمندان دولتی وغیره) .

روشنفکران طبقه معینی را تشکیل نمیدند ، بلکه قشر معینی از جامعه هستند که اکثر از اهله فروش نیروی کارگری خویش امرار معاشر میکنند (البته باید در نظر داشت که سیمای طبقاتی همه روشنفکران یکسان نیست) . روشنفکران اصولاً از قشرهای طبقات مختلف جامعه بیرون می آیند . در کشور ما اکثریت آنها منسوب به خود ه بورژوازی هستند و فقط عده بسیار معدودی از اخوانهاده های زحمتکشان بیرون می آیند .

اگر ایران تعداد کسبه و پیشه وران که بر اثر شکستگی به پرولتاریا ماحصل میگردند رفته رفته تقلیل می یابد ، تعداد روشنفکران خواه بحلت رشد تکلیک معاصر خواه درنتیجه افزایش تعداد دستگاه های دولتی روز بروز رو بازیابی میورد . هم اکنون در ایران اکریت مطلق روشنفکران در رادارات دولتی مشغول کارند .

آمار اداره عمومی درباره کارمندان حاکیست که اگر رسال ۱۳۲۵ جمع کل کارمندان دولتی ۲۰۷۱۴ نفر بود ، این رقم در رسال ۱۳۴۱ به ۲۸۰ هزار نفر رسیده است . طبق آمار رسال ۱۳۲۵ از این عدد در حدود ۳۰ هزار نفر اداری تحقیقات قدمی ، ۱۱ هزار نفر معلومات تاسیسات ، بیش از ۴ هزار نفر اداری معلومات تاشیمی دستگان ، نزدیک به ۳۰ هزار نفر معلومات سیکل اول ، ۲۲ هزار نفر - میکل دوم ، نزدیک به ۸ هزار نفر مهندس و لیسانس ، نزدیک به هزار نفر معلومات سیکل اول ، بیش از ۵۰۰ نفر اداری در رجه د کتری هستند (۱) .

بوجب گزارشی که د کتبنیوی مشاوره هد آشتی نخست وزیر رسال ۱۳۴۰ تنظیم نموده در ایران مجموعاً ۵۹۱۵ پژشک ، ۱۰۷۳ نفر دندان پژشک ۱۷۷۹ نفر داروساز ، ۱۰۱۸ نفر قابله ، ۱۹۸ نفر بهدار ، ۸۴ نفر نرس ، و ۷۹۷ نفر پرستار پروانه گرفته وجود دارد . از این عده ۱۰۵۰ نفر پژشک آزاد و ۸۱۳ نفر دندان پژشک آزاد هستند و بقیه کارمندان دولت و بنگاه های خیریه می باشند (۲) .

تا پایان فروردین ماه ۱۳۲۸ تعداد کارمندان آموزش ابتدائی در سراسر کشور ۳۷۶۳۷ نفو کارمندان آموزش متوسطه ۱۷۷ نفر است (۳) .

(۱) "خواندنیها" ، شماره ۲۲ ، ۸ خرداد ۱۳۴۱

(۲) "خواندنیها" ، شماره ۲۲ ، ۱۳۴۰ مهرماه ۱۳۴۰

(۳) "کیهان" ، ۷ شهریور ماه ۱۳۴۸

علاوه بر این ۱۵ هزار نفر افسر را رتش ایران وجود دارد که ۱۵۴۴ نفر از آنها در انشگاه جنگ را با تمام رسانده اند و ۱۹ نفر در چه سپهبدی رسیده اند (۱)

جالب است که وضع زندگی اکثریت طبق افراد منسوب به "قشر متوسط" جدید روز بروز خیلی تر میگردد. با افزایش تعداد روشنگران نیروی کارآئنهای ارزش خود را ازدست میدهد. طبق آمار موجود حداقل حقوق ماهانه کشوری ۳۹۰ هزار تومان است. کمترین حقوق در اراد ارات د ولتی ایران متعلق به مستخد مین جزء است که گاهی از ۱۵۰ تومان هم کمتر است (۲).

بايد خاطرنشان ساخت که درین "قشر متوسط" هستند افرادی که به ارجاع خدمت میکنند. مانند کارمندان عالیاته د ولتی و شرکتهای خصوصی، افسران ارشد ارتش، پاره ای از نویسندها و شعراء و غیره. ولی تعداد این افراد نسبت به مجموع "قشر متوسط" ناقص است. لذا با موقعیت آنان در جامعه نمیتوان ونباید در ریاره کلیه اقشار متوسط تقاضا نمود. زیرا تضاد موجود بین روشنگران در مجموع خود هیئت حاکمه ایران بیش از پیش عیق، حاد و آشنا نیز میگردد. بدین سبب نیز موقعیت سیاسی "قشر متوسط" مقام آنها در رسانی اطلاعات طبقاتی جامعه ایران در تغییر تبدل است و افراد منسوب به قشر متذکر هرچه بیشتر به متعددین طبقه کارگردان میشوند.

در حیات سیاسی ایران نقش داشجوانان و دانشآموزان نیز قابل توجه است. بعوج آمار وزارت فرهنگ تعداد دانشآموزان دبیرستانهای ایران فروردین سال ۱۳۳۸ - ۲۱۸۸۳۴ نفر مجموع داشجوانان سرتاسر کشور ۳۹۰ هزار نفر است (۳). تجزیه سالهای اخیر نشان داد که اکثریت دانشآموزان و دانشجویان ایرانی در مهارزات ضد اموالیستی و ضد استعماری شرکت فعال داشته و دارند.

عناصری طبقه

یکی از خصوصیات جامعه کشوری ایران وجود ده کثیری عناصری طبقه، یعنی راهزنان، دزدان، گدایان، چاقوشان، زنان بد کاره و امثال آنهاست. بواسطه عدد ارقام و اسناد، تعیین تعداد عناصر بین طبقه در ایران دشوار است. ولی ارقام موجود حاکی از کثرت تعداد این قبیل عناصر در جامعه ماست. بعنوان نمونه مشخصات یکی از محله های معروف تهران - شهرنو راز کرمیکتیم که عدد ای از ساکنینش را عناصر بین طبقه تشکیل مید هند (۴) .

مجموع مساحت شهرنو	هزار مترمربع	۱۰۵
تعداد مرد سته	نفر	۱۷۵
تعداد زنان بد کاره	نفر	۳۱۶
دلل و کارچاق کن	نفر	۴۵۰
چاقوش	نفر	۱۳
جمع	نفر	۳۸۰۴

در جلسه شورای عالی انجمنهای محلی تهران نایب رئیس شوراگفت: « طبق آمار ادگستری در تهران تعداد جنایتکاران بالغ بر ۲۶۰ هزار نفر است » (۵). مجلuat اطلاعات هفتگی در شماره مورخ ۴ خرداد ۱۳۴۱ مبنی است تعداد گدایان یکی از احتمالات تهران که در اتحاد یاه ای "گرد آده اند بالغ بر هزار نفر است. ارقام مذکوره فقط مربوط به پایتخت ایرانست و وضع این گروه از جامعه را تابع و دی روشن میسازد. حواله شی که در روزهای ۲۵ تا ۲۷ مرداد و همچنین در روزگرد تای ۲۸ مرداد سال ۱۳۲۲ در تهران بوقوع پیوست باره پیگر صحبت نظریات مارکس و انگلیس را ایرانیکه عناصری طبقه ازلحاظ ماهیت اجتماعی خود حاضرند خود را بفرشند به ثبوت رساند. بطوطیکه مید اندیم در روز ۲۸ مرداد ۱۳۴۱ در چاقوشان، دزدان و زنان

(۱) ارقام از سخنرانی شاه نند رجه در روزنامه کیهان، ۵ شهریور ماه ۱۳۴۱

(۲) "خواند نیها" ، شماره ۲۲، ۸ شهریور ماه ۱۳۴۱

(۳) "کیهان" ، ۷ شهریور ماه ۱۳۴۱

(۴) ارقام از مجله "روشنگر" ۲۵ مرداد ماه ۱۳۴۱

(۵) "اطلاعات" ، ۱۳ آذر ماه ۱۳۴۱

کاره یکی از پشتیانان اساسی طرفداران محمد رضا شاه را تشکیل میدادند. این حقیقت است که آقای دکتر محمد مصدق ق نیز رسخترانی د فاعیه خود راجع بعد م صلاحیت داد گاه تجدید نظر نظایمی بدان اشاره نمود و گفت:

" روز ۲۸ مرداد ۳۰۰ نفر از گوð الهای جنوب شهر تهران جمع آوری کردند و

به هر یک از آنها بیلغی دادند و همچنین اجازه غارت که قوای نظامی و شهریاری

د رعیت و آنها در جلو مشغول کارشدن "(۱)"

روزنامه لوموند نوشت که مبلغ ۳۲ میلیون و شصتمد هزار ریال به عناصری طبقه پرداخت شد تابع نفع محمد رضا شاه دست بکارشوند "(۲)"

نهضت کارگری ایران که جزو لاینفک نهضت رهائی بخش خلقهای جهان است در راه استقلال واقعی، آزادیهای دموکراتیک، ترقی اجتماعی - اقتصادی و طرد استعمار را شکال نوین آن مبارزه میکند. تغییر قطعی تناسب قوادر مقیاس جهانی بین چیزی صلح و سوسیالیسم و مبارزه پیگیر اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در راه صلح هم زیستی مسالت آمیز بارزه طبقه کارگر ایشان از بیش تسهیل میکند. بد و ن تردید حزب طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران با استفاده از وضع مساعد بین المللی و تشدید نشاناد داخلی جامعه ایران و با استفاده از قوای متحدین خود - دهستان، خورد و بورژوازی شهرها، روشنگری زحمتکش و سرمایه داران ملی راه رستاخیز کشور را هم وارد ساخت.

(۱) "محاكمات مصدق" ، نشریه شماره ۲ با خبر امروز، ۳۰ تیر ۱۳۴۱، صفحه ۷

(۲) "لوموند" ، ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۹

از ایرانم

چرا کابوس افتدی بشیرین خواب آرامم ؟
 چرا طوفان زدی برآم گشته موج آلام ؟
 چو ماری در توز و صخره های خشک می خشکم ،
 چرا برد اشتی روند خواب از چشم سورزانم ؟
 گریزان پای بال آورد و چون رنگین کمان گم شد ،
 خیال شاد روئایی زاحلام فروزانم .
 چرا کابوس افتدی بشیرین خواب آرامم ؟

زیوی خرمیها و ز شرق گرم و تابانم ،
 ز عطر سایه های بید و کاج و سرو ایرانم ،
 غلبهای گلاب آسوده پر پریشانم ،
 ز غلطان نغمه هاتابیده بر آواز گیلانم ،
 فضای گیتی روئای دوشیم معطر بود ،
 چرا کابوس افتدی بشیرین خواب آرامم ؟

كتابم خوانده ، جامِ ریخته ، چنگم فروخته ،
 طنین مرگ ناقوسی با غصائی فرورفته ،
 معلق پانک مؤذن در سکوتی موج بخسته ،
 زمان با گام سرین من رود ، خاموش و آهسته ،
 زمین خشک و دهقانی بسندگان خیش درسته ،
 تلاش نیمه جان پائی بد شتی خارو خس رسته ،
 زنانی عورد راغوش کلاشان خوی کرد ه ،
 نشاط وزندگی بسعیده ، زال‌الوارقی کرد ه .
 صد ای چکش تابوتگر ، غوغای کرکس ها
 رد یف دند ه های سرد مرد اری ،
 بزیر اسماعیلی ،
 چشم بد رید ه ،

نفس ها ، ند به های تنزع ،
 چو سین پای سریازی ،
 تلاوت های سحر آمیز شخصی ،
 چون سکوت مرگ نامفهوم .

بس !
 ای اشباح ناخوانده !
 که در تالار و گهر خاطرات تاری بندید ،
 فروزیزد ! در تیره مخاک دوزخ آویزد !
 بد هر ! ای بوف شوم !
 غرفه ه کابوس د لمد ه !

بتاب ای آنتاب سرخرو، بگ از روشتر،
و میخ و فسون و تیرگیها راز هم بدر،
بتاب ای پنجه سرخاب رنگ، ای مشعل فرد!
بکش رنگین کمان بر صحیح باران خورد ه چترت را!
کتابه باز زن، جام بگردان، چنگ در کف نه!
بکوب ای پیلک برسندان، سلیح مساز و خنجرد ه!
سراغ خانه ام گرم ز طوفانها ز عصیانها،
عرومن عید می‌آید پشهرما بکوی ما.

بگوی از مزد کم از بایکم اصلاح و انسانم،
ز خاک گرم ایرانم، ز ارت دیه قانانم،
از ایرانم،
از ایرانم،
از ایرانم.

از ایرانی که شعرش ارغون برد مت می‌رقصد،
زنش گرد آفرید از طعننه با سه راب می‌جنگد،
عقابش، قله هایش، صخره هایش، آسمانهایش،
رواق نقشد رنگش، غنای رنگ مینایش،
منبت ها و کاشیها و یوانهای زیباش
ز رنگین قسمه های "شاہک" بود و وزیری داشت".
زد هقانی که باد امن و درخش کاوه می‌خواند
ندای زندگی، "برخیز ای داغ محن خورد ه!"
ز گبد های نیلی،
از منار که کاه لک آشیان کرد ه،

بگوی از خشم کاوه، از خدائی روی رستم ها.
ز آهنگ جوانانی که درخون شمشت پوچها،
بخوان از عشق بیزین،
از سیاوشی که خونش زند ه می‌جوشد.

بگوی از رومیم،
از آههای نای و از راز دل صافش،
ز وجود حال و عرفانش،
ز حکمت ها که ازنا اهل می‌پوشد.
ز شورانگیز حافظ، پادشاه صبحگاهانم
که بوسم بیت بیتش را،
نیوشم پند جامش را:

کوی نومیدی مروی امید هاست
سوی تاریکی مشوی خوشیده است

جلال الدین رومی

طلسمی یاس

میگویند فرعون ستم سه چاکروفاد اروخ دستگزارد ارد بترس، چهل و یائس . این خاد مان سگانه همگی در مجده ساختن کارمایه انقلابی استادند . انها شاهزاد نامبارک و مصاحب شوم برای خلقی هستند که شتنه رهایی و لذانیازمند جنبش، تلاش و نبرد است . متأسفانه یکی از این چاکران ناخسته یعنی یا من عرصه شعرو بپرورد شعرنو را کمینگاه خویش ساخته و ازان سامان پیکانهای زهرالودی بهرسومپیرا اکند . در روش بسیاری از شاعران نویس از ماهیت سخن سرائی در خورد آفرینی نهاده شده است . کلام فصیح، درد جانکاه وجگرسوز، تخیلات و حشی و لطیف، اشکال غریب و ناهموار، طنین های آشنا از زمزمه های پرسوز گرفته تاغرشهای خشنمانک، همه این مختصات در بسیاری از قطعات نویس ازانه که در انواع مجالت هفتگی و ماهانه بطیح میرسد، مشهود است . گوشی شکستن دیوارهای عرض و گستن زنجیر - های بیحور و قوافی سدی راد ربرا برسیل عواطف د روئی شاعران جوان ماشکاند و آشنا امکان یافته اند در پنهانه ای فراختر سعند پند ارهای شگرف خویش را بتاختن درآورند ! الحق که میهن خیام و مولوی، سعدی و حافظ ذخیره ای عظیم از درد، خیال، فصاحت و آهنگ در دل نهان دارد .

ولی همراه این احسان تحسین آمیز احسان دیگر نیز بدل خطور میکند و آن احسان تا سف از اینکه از خلل همه این اشعار ابرخاکستری رنگ د مق و یوس ملال و اند وهی از امید رجنش است . کالبد اشعار نویس ازان گوتاگون ورنگین است ولی محظی آن یک واخت و بیرونیک : بیزای از عمر، یا من مطلق، شکاکیت دل آزار، بی با روی تباہ کننده ، چنین است مضمون واحد این ترانه های متعدد . مسلم شاعران جوان از این سخن و ارزیابی صدقانه برآشته نمیشوند و تصویر خواهند کرد با قاضیانی بی روح سروکار دارند که رنج آنان و درد نسل معاصر ایرانی را در رک نمیکنند . کیست که از واقعیت ایران امروزی واژ کردن مادی و معنی مردم میهن با خبر باشد و ذا ب جانهای حسان را الحساس نکند و نفعهد که چرا این المیخولایی تلغی از رژی ایگز درد . اری این مارت که در مرصعهای دل انگیز و حشی و پرطنین شاعران نویس از مسا نهان است حکایت صادقی است از تلخی شرنگ زندگی، بیان واقعی محیط پیرامون است .

ولی تا آنجا که این اشعار غم انگیز بصورت شکوه خاموش شاعری حیران و درمانده است ، میتواند محرك احسان همد ردی و یا حتی نوازشکر رنجهای همانند باشد ولی وقتی این اشعار رسیله فعل و خشنمانک پخش یا من و بی با روی است نمیتوان در مقابل آنها خاموش بود ، نمی توان پیدا ایش و رویش آنها را بحال خود کذاشت و د وستانه و به قصد زنهماری اش بیانگ پرداشی بر نیاورد .

برای انکه در مرحله کلمات کلی نهانیم به برسی برخی نمونه های مشخص میبرد از هم .

عنوان نمونه اول از شعری بنام "ستوه" شروع کنیم . این شعرد و یکی از شعرهای خرد اد ماه ۱۳۴۱ مجله روشنگر چاپ شده و بد ون شک این شعر در رمیان اشعار شاعران معاصر اعم از متعبان سبک کهن با نویس ازان از لحظه ضمون خود نظر پر اند کی ندارد ولی خصیصه آن این است که شاید از سی اشعار همانند بالا لغت پیشتری توانسته است مضمون را بپرورد . واما ضمون شعر جانکه از عنوان پیدا است ستوه و بی تابی روح بی ارام شاعر رمحیط است که وی رادر قید بیوحم خویش میفرشد . شاعر نمیداند چگونه کبوترهای سپید بال شعر خویش را در راین فضای تنک و تاریک که او را زهرسی فراگرفته است پرواژد هد . شاعر محیط و پیارا مون خود را که ازاند و وخشی خاموش اشیاع است با این کلمات توصیف میکند :

شهر را گوشی نفس در سینه پنهان است
شاخسار لحظه هارا برگی از برگی نمی جند

آسمان در چار دیوار ملال خوش زندانی است
ریوی این مرد اب یک جنبد ه پد انبیست
آفتاب از اینهمه دلمعد کی ها روى گردان است
بال پرواز زمان بسته است
هر صد ائم رازیان بسته
زندگی سرد رگریان است.

باید انصاف داد که در این هشت مصون فضای مختنق، اجتماع امروزی ما بخوبی توصیف شده است
شاعرکه به بیان زیبای مولوی مانند ماهی بر سر ریگهای نفته ساحل میطپد و در آرزوی دریای صاف بی تک
و پایان است با جگری سوخته از من رو شعر خویش که به پندار ویمرگ مکحوم شده سخن میگوید :

ای قناریهای شیرینکار،
اسمان شعرتان از نغمه ها سشار!
ای خوش موجهای مست،
افتاب قصه هاتان گرم،
چشمه اوازتان تا جاود ان جوشان!
شعرمن میمید و هنگام موکشن نیست
زیستن راد رچنین آلدگیها زاد و برگش نیست.

شاعر لیل مکحومیت شعر خود را بعوگ بدینسان بیان میکند که وی زاد و هرگ آنرا ندارد که در این
آلدگیها زندگی کند. دل بی تابش در تپش است. سرود های بیگانگاهی، تغناهای سرکش، غریو شنگی هادر
در ورش میجوشد ولی اونمید اند در این ملال آباد که محیط امروزی میهن ماست چگونه فریاد برآورد. سرانجام
شعر پرواز درد و اند و خوش برآهمن مصربه ای ختم میکند که با آن شروع کرد است :

در کجا این فضای تنگ بی او از
من کبوترهای شعر راد هم پرواز

شعر "ستوه" از آنجهت ممتاز است که تواسته است بسطح یک تعیین شاعرانه محیط مختنق م وجود
برسد. تعیین شاعرانه کار مشکلی است. زیرا باید قدرت مشاهد ه که حواله و مسائل را داشت و توانست
از مشاهدات خود بد رستی استنتاج کرد و آنگاه آنرا بایان شعر، بایان استعارات و شباهه شاعرانه، با
بیان الفاظ خوشنوای دل انگیز و رسا و شیوع ره نمود، نه بایان خشک و مجرد مقولات فلسفی. از اینکه
سرازینه "ستوه" یک چنین تعیین شاعرانه ای از محیط امروز که زندگی د ران سرد رگریان، نفس درسینه
شهرینهان و هر صد ائم رازیان بسته است، بدستداده باید اورا ستود.

ولی نمیتوان گفتگو با این شاعر و شاعران باقیه دیگری از این زمه را بیمین جا مختوم ساخت. برای
یک خواننده جوینده که شتاق درمان درد هاست در این شعر بی مفره و وزن راهی نشان داده نمیشود،
اند و هی منگین و چانگرا بر دل می نشیند، ولی امیدی نیست. شاعر تنها طراح درد است و شاید بی آنکه
بخواهد با ریختن این زهر جانسوز روانه ای حساس ولی ناتوان را مفلح میکند. آیاین وظیفه شاعر است؟
در مسراسر تاریخ جهان بهترین شاعران نه تنها از سیاست ها، بید ادگریها، تابکاریها، نفرتی هرگیار
داشته اند بلکه بسیج گر نیروها برضد آن بودند. در ادبیات فنی کلاسیک ایران نمونه هافراوان است ولی
نمونه ای از محبوب ترین شاعر ایران حافظ ذکر نمیگوید :

بیاناتگل بر افشار نیم و می در ساغر اند ازیم
فلک راسف بشکافم و طرح نود راند ازیم
اگر غم لشگرانگیرد که خون عاشقان ریزد
من وساقی بهم سازم و بنیاد ش براند ازیم

یامیگوید :

صبح امید که بد معتکف پرده غیب
گویرون آی که کارش تار آخر شد

بعد از این نور به آفاق دهم از دل خویش
که بخوشید رسیدم و غبار اخشد.

یاهنگامیکه از مالامال بودن سینه از غم تنهایی، بی هدف می درد ناک خویش شکوه سرمدیده ولی در عین حال می خورد:

آد می در عالم خاکی نمی آید بدست

عالی از نوباید ساخت و از نوادمی

در همه جا نه فقط نگارگر رنج بلکه میشتر امید است، نه فقط بستوه امده بلکه طغیان میکند، نه فقط ناخرسند بلکه خشنمان است و همه اینها را بشکل شاعرانه با تعمیم شاعرانه بسیار عیقیب بیان میدارد. فراموش نکنید که حافظ در محیط اجتماعی و سیاسی بمراتب تاریکتری میزیسته. در عصری که قدرت سلطانان خو نخوار بی پایان و ریای زاهدان سالوس بی حد و کران بود و در مراسر جهان آنروز هیچ بارقه ای از امید نمی داشتند. عصر ظلمانی حافظ را باعصر ما که گند سپهر از سرود عظیم تلاش و ترقی انسانی پرآوازه است نمی توان سنجید و انواع، حافظ در چنان عصری قسی و بی عاطفه، سرشار از امید بود. می خواست فلک راسقف بشکاف، بخوشید برسد، عالم نوادم نوبیا فریند و بخود دلداری می داد:

چون در جهان یکسره برمضیح عدل است

خوشباش که ظالم نبرد راه به منزل

یک شاعر یاد مانند یک پیشاو، یک پیغمبر با انتشی کلمات سوزان خود ذغال جانهار ابرافروز و راه رستگاری را بعید م رسانگشت و رنج نکشید ایکه در میان آنهاست و خود بخاطر آنها درد منداشت نشان دهد. امروز مایشاعران ملی و وطنی، بشاعران تاریخ و خلق احتیاج داریم. تردید نیست که حتی مسودن اشعاری مانند "ستوه" در محیطی که "هر صد اشی رازیان بسته است" نوعی میاره است و باید آنرا قادر است، ولی آیا میتوان گامی بجلو برد است؟ میتوان و باید. در این زمینه یک شاعر هرگز بنا بر ازدید آن سفلگانی که برای چسبیدن به جلایره زندگی و حفظ خرمهراء امتیازات کفر را، گوهر شرف خویش را در میدان جارزه شکاندند و میشانند دل زده شود. بلکه باید به افق وسیع تاریخ و تکامل بنگرد و به مردم، به وجود این شاعرانه و روح حسام و بلوغین، به آینده ای که در کارت تکوین است تکیه کند و ازان نمونه هایی الهام گیرید که در تاریخ سیاست و شعر کشور ما امثال اینها کم نبوده اند.

در ده روان جنبش مشروطه و سالیان پس از آن، در سالهای بعد از سقوط استبداد رضا شاه، در ده روز جنبش ملی کرد ن نفت، شاعران ملی و وطنی پیشوژ فراوانی از میان مردم برخاستند و بسیاری از آنها در این راه متحصل مصیت شدند و اند. برخی های مانند شفیعی همدانی و فخری بزرگ شهادت رسیدند. برخی مانند ادیب فراهانی و عارف قزوینی در گوشة قفویل و گنایی مردمند، برخی مانند پروین اعتضادی چون شمعی باشتابی خاموش تا آخر بخاطر اند پیشه های انسانی خود سوختند، برخی چون شاعر گزینه ایران بهار باد لی خونین و داغ از رمزیدند و در گوشش تجلیل خلق برای ابد دم فریستند و برخی مانند نیما نبرد خلق را در رشعر خود از زاد نبردند و برخی مانند افراشته بخاطر این نبرد از وطن او ره شدند. و شاعران نوجوان و نوشکفته آن نیز بودند مانند متضی کیان که برد پیارخون آن لود شکجه گاه در پرورد و شاعدام چنین نوشتند:

درد و زخم تازیانه چند روزی بیش نیست

رازد ارخلق اگر باشی همیشه زنده ای

آیا میتوان اینهار انبوثه قرارداد؟ آری میتوان.

بعنوان نمونه دوم شعری راکه "نادریا استکندر" نام دارد ذکر کنیم و بدینسان گامی در سامان یائش پیشتر برد اریم. از انجاکه این قطعه شعر بشكل جامع و قیقی روحيات مسلط در نزد قشری از روش نقد از رامنکس میکند، نه فقط شعر بلکه سند جالب و درخود هرگونه مداقه ای است. قطعه شعر "نادریا استکندر" نیز با توصیف محيط مختلف کنونی شروع میشود و این محيط را مانند قطعه شعر "ستوه" متنها با الفاظ و تعابیر دیگر بدین نحو توصیف میکند:

موجها خوابیده اند آرام و رام

طبیل طوفان از نوا افتاده است

چشم‌های شعله ور خشکیده اند
آبه‌از آسیا افتاده است .

در مزار اباد شهر بی‌تپش
وای جعدی هم نمی‌آید بگوش
درد مندان بی‌خروش و بی‌فغان
خشمناکان بی‌فغان و بی‌خروش

آهه‌هار رسینه‌ها گم کرد راه
مرغنان سرشار بزیر بالها
در رکوت جاودان مد فون شده است
هرچه غوغای بود و قلی و قالها ۰۰۰

تردید نیست که این توصیف تاحد و دزیادی واقعی است . شاعر حقدارد شهر خود را بویژه در آن هنگام که لخت و تسلیم می‌رنوشت بنظر میرسد " مزار اباد شهر بی‌تپش " بخواند ولی در همین توصیف اولیه نیز شاعر چار غلو پائیں الودی است . نمیتوان با احوالات بود که همه غوغاهای و قلی و قالها در " رکوت " جاودان " مد فون " است . نمیتوان با احوالات بود که درد مندان بی‌خروش و فغان و خشمناکان بی‌فغان و خروشنده . فغان و خروش درد مندان و خشمناکان بارها ، از گشه و کنار ، بانجا مختلف بر می‌خیزد و با آنکه طبل طوفان اکنون کوفته نمی‌شود ولی در موجهای شوریدگی و عطش طوفان احسان می‌گردد . شاعر گرانمایه منظره را بر اتاب سیاه تراز آنچه که هست می‌بیند . سپس شاعری گوید :

آبه‌از آسیا افتاده است
داره‌ابر چیده ، خونها شسته اند
مشتهای آسمان کوب قوی
واشدۀ است و گونه گون رسواده است

خانه خالی بود و خوان بی آب و نان
وانچه بود اشد هن سوزی نبود
این شب است آری شبی بس هولناک
لیک پشت تپه هم روزی نبود .

یائش شاعر کارش را به شکایت مطلق می‌کشد . مقصود او از " مشتهای آسمان کوب قوی " که واشده و رسواده زوشن است . او شکست این مشتهایا با ضعف آنها می‌بیند ولی نمی‌خواهد حتی لحظه‌ای انصاف دهد که این " مشتهای آسمان کوب قوی " در تاریخ کشور بد و نتش نبوده اند و زمانی واقعاً با قوت آسمان تاریک ارتتعاج را کویده اند و در آنها شکایتها و رخنه ها پدید آورده اند . نمی‌خواهد ببیند که این بیارزه برای تاریخ تکامل مود ما سود های فراوان داشته است . نی‌خواهد ببیند که بسیاری از اعزامات و عقب‌نشینیهای امروزی طبقه حاکمه شرعاً مستقیم آن فشار قوی معنوی است که این مشتهای آسمان کوب پدید آورده اند و لا مرجعيین جامعه هرگز حاضر نبودند را می‌تازند بجهی خود تخفیفی دهند . اوضاع ند ارد خوان گستردۀ نهضت مردم را آشید هن سوزی نشمارد و در پس تپه های آینده روز امید مردم را بینند ، شکایت اوناشی ازواج عیت عینی نیست بلکه شرعاً یائش و شکست روان و کمد امنه بودن اند یشه ها ، ناشی از عدم هضم حواس و نوعی انتظارات عجولانه از تاریخ است . این شکایت از ادراک صحیح حقیقت حرکت زمانه و جنبش تاریخ برخاسته زیوار حركت زمانه و جنبش تاریخ نسبی است با فاته از یغوریها و شکستهای و تنهای یک نبرد سمعج و بد ون یائش و جسوانه می‌تواند راه را در این صخره سخت و عیوسی‌گشاید . حرکت مشخص تاریخ موافق می‌هیج کن نیست بلکه تابع انواع عوامل است ولی ماهیت این حرکت در هر صورت تکاملی ،

پیش روی پسوند هدفهای عالیه رسانانی است. نقش عناصر آگاه جامعه، حزب انقلابی، نهضت رهایی بخش، هنرمندان و دانشواران متفرق عبارتست از تسریح این حرکت تکاملی از طریق افسارگی، حقیقت پراکنی، پیمایش مردم، تشویق آنها به نیرو، سازمان دادن این نیرو، روشن کردن راه آن و هدف آن. اجراء این وظیفه مقدسان انقلابی هرگز زائد، هرگز عیب، هرگز بی شور نبوده و نیست و در جامعه ما و در ایران، نیز تلاش عظیم انقلابیون و عناصر متفرقی عصر شمرات فراوانی داده است. اگر ضربات مشت های آسمان کوب قوی نبود و ضربات آتی این مشتبه نباشد نه فتوح الیس برجیده میشود، نه استعمار روفته میگردد، نه کارسلطنت های استبدادی خاتمه می یابد و نه جامعه باوجی که لازم است مردم بازهم در وتر، شاعرنویس مامواج ظلمانی تری ازیاش را در ابیات دل انگیز خود رها میکند. وی مینو:

بازما ماند پم و شهر بی شش
وانچه نکتاراست و گرگ و رووه است
گاه میگویم فغانی برکشم
بازمی بینم صد ایم کوتاه است

بازمی بینم که پشت میله ها
مادرم استاده با چشم اندر
ناله اش گم گشته در فریاد ها
گوشی از خود پرسد "آیا نیست کر؟"

آخرانگشتی کند چون خامه ای
دست دیگرا بسان نامه ای
گوید م "بنویس و راحت شو" برمز
"توجه بد یوانه خود کامه ای"

دققت کنید شاعرچه میگوید؟ مادر شاعر در پس میله های زندان سر راغ او می آید زیرا شاعر مارابه جرم مجازه در راه مزد م زندانی کرد. اند. مادر انگشت را خامه وار ببروی کفت بحرکت در می اورد و میگوید بنویس" یعنی نفرت نامه بنویس و خود را از زندان خلاص کن". نارواست که شاعر مادر ایرانی را بثابه منع تشویق به تسلیم در مقابل دشمن مجسم میکند، نه بتعابه منبع الهام به نیرو. علیه دشمن. و حال انکه مادر ایرانی که رنجها و داغهای درون استبداد و اختلاف را باشکنی خاموش تحمل می کند مظهر روح مقاوم است نه محرك تسلیم و خاکساری. آنگاه شاعر که مادر را پیدا نیسان توصیف می کند، بالحنی بمراقب شبت تراز خود سخن میگوید:

من سری بالا زنم چون ماکیان
از پس نوشیدن هرجرعه آب
مادرم جنباند از افسوس سر
هرچه ازان گوید، این بیند جواب

گوید آغز پیرهاتان نیزهم
گوییش، اخر جوانان مانده اند
گوید م، اینهاد رونقد و فریب
گوییم، انهابس بگوشم خوانده اند
.....

بازمیگویند، فردای دگر
صیرکن تاد بگری پیدا شود
نادری پیدا نخواهد شد، امید
کاشکی اسکندری پیدا شود

نتیجه گیری شاعر در بیت اخیر است . نادری از میان مردم که نجات بخش وطن باشد پیدا نخواهد شد ولی شاعر از روز میکند که اسکندری از خارج به میهن روی اورد و تخت و تاج شاهنشاه عصر را سرنگون کند .

با این کلمات ، با این نوع قضاوت نمیتوان بهیچوجه موافقت داشت . چرا باید خلقی را چشم برآورد و اسکندر را همانگاه داشت . برای نجات مردم ، جنبش لجوچانه و شجاعانه خود مردم لازم است . چرا باید قهرمان پرست بود و جسم به یار غمی داشت . چرا باید به کوشش و تلاش خود متکی نشد . چرا باید خواستار راه انسان گردید . در سنگلاخ تاریخ راه انسان نیست . مرتضوی انسانی نبود است ، نبرد اعمی با مشکلات ، بهمین جهت عمل جسورانه و لجوچانه تنها ویژه پیشرفت است . انتظار معجزه زیونی است !

اگر این شاعر با قریحه که با تمام نیروی شاعرانه خود زیر پیش در رگ جانها میریزد و سپس آنها را چشم برآورد نهاد و اسکندر را همانگاه میدارد ، به کمل همین قریحه آنها را به تیوٹی که در رون ارواح و قلوب خود شناسند است ، متوجه میباخست ، میتوانست قریحه شگرفی را برانگیزد و پنجای نغمه خواب بسرو بید اری بخواند . باور ننکید که پهلوان خلق خفته ، تسلیم شده ، طالس شده و از عرصه گریخته است . هرگز ، هر روز که میگذرد درد و شهرباریان ظاهر مقاومت مردم قویتر بروز میکند . این مقاومت ، این بیداری ، این طلب سوزان حق خود به اشکال گوناگون بروز میکند . باید چشم بصیر است و آنرا بید . اگر مخواهید شاعری ملی باشید این مقاومت را متشکل کنید و مانع حرکت مردم می پیش نشوید . آری عظمت یک ملت در نبرد خستگی ناپذیر و سمع و جسمیرانه ای است . آن شاعری بزرگ است که این نبرد را برانگیزد و نیرو بخشد نه آنکه با افیون اشمارماهیوس نبرد آزمایان را تخدیر کند . شما شاعران تواناید بتوانید حتی در راتجاکه ادنی جنبشی نیست بانوای شورانگیز طبیعت خود جنبش و پیکارا یجاد کنید ، نه آنکه در کشور ایران ، در یک سر زمین انقلاب بپرور که در آن ذخیره عظیمی از تکا پو و ترقی خواهی و عدالت جوئی و حق طلبی نهان است اراده هارا با زهرا شعرا میوس فلچ کنید .

عنوان نمونه سوم شعری از شاعر دیگر نقل میکنیم که آن نیز محظوظ فراسخ ناد رستی است و خلاصه این فلسفه نادرست این است که از کوشش و تلاش و بارزه یک تن نتیجه ای حاصل نخواهد گردید زیرا ایران کشوری مرد و آبادی بیش نیست و در این دشت خاموش حتی ذیروحی بچشم نمیخورد و اگر هم آن یک تن فریاد بکشد فریادش در سکوت و ظلمت این مرد و اباد گم میشود .

اجازه بد هید این فلسفه شکسته و کم عیار را که شاعر با سخنانی درست و تمام عیاریان داشته از زبان خود وی بشنویم :

همه پایم از خستگی ریش ریش
نه راهی نه ذیروحی از پشت و پیش
نه وقتی که واگرد م از رفته راه
ش بختی که با سرد راقم بچاه
نه بیم و نه امید و از پیش و پس
بیابان و خار بیابان و بس
چه سودی اگر خامشی بشکتم
که یاران د راین دشت تنها من
گرفتم بیانگی گلو برد رم
که درد م بسوز چو خاکستر
گرفتم که تندر فشاند م چه سود
کزاین هدیمه نی شعله خیزد نه د و د
گرفتم که فریاد برد اشت
یکی تیغ د رجان شب کاشتم
مرا تیغ فریاد بر زنده نیست
د راین مرد و اباد کم زنده نیست .

ملاحظه میکنید : این شاعرنیزبیچوچه باورند ارد که تیغ فریاد اود راین مرد اباد یعنی ایران کنوشی بتواند برند و کاری باشد و برآنست که اگر هم مانند رعد بغرد و مانند برق آتش بیانشاند از همین سرد جانها و دلها شعله ای یاد و دی برخواهد خاست . شاعر خود را در رفراخ دشت میهن تنها مییند و معتقد است که بانش پیجاشی نمیرسد و سودی نیست اگر خامشی را بشکند . تعجب اینجاست که سرایندۀ قطعه " نادر و استکندر " نیز فکر میکند که اگر فغانی برشکند بانگش کوتاه است . سرایندۀ " ستوه " نیز نمیداند کبوترهای شعر خود را در رک امین فضایا بد بهروز آزاد . همه اینها از تنهایی مینالند و حال آنکه لائق و پیشادت همین اشعار تنهای استند . هم صنان دیگری نیز از این شاعران مانند اینها هستند ولی تمام این تنها ماند گان گوئی حوصله آتراند ارند که هدر دان خوش را بایابند و فریاد شان را باید یک گریشند تابانگ و فشاشان کوتاه بناشد و خود را در راین دشت تنهاینیند .

ایران از تم قرن پیش برای احصار سعادت واقعی و نیل به ترقی و تکامل وارد نبرد سختی شده است و این نبرد باید با عناد تمام دنبال شود تا به نتیجه های اساسی خود که هنوز ازان بسیاره ویرم یعنی استقلال سیاسی و اقتصادی ، د مکاری و ترقی برسد . اگر مبارزه جانبازان مشروطیت ، نبرد خالقان فرادر ۱۹۱۹ ، پیکار پیگیر مجاہدان اموری برض استعمار و استبداد خاندان پهلوی نبود ، کشمکش امروز در جاده تکمال اجتماعی و اقتصادی با زخم عقب ترمیمان . چنانکه گفتیم شاید هر مبارزه ای را فرا بدست ند هد که میارزان آرزو دارند ولی مسلمان رتکابی جامعه تائیزی عصی میباشد . نقش یک شاعر که دارای احسان طی و مد نی و وطنی است تشدید این نبرد رهایی بخش است نه تضعیف و تذليل و تکفیر آن . چگونه شعرای که بذریائ اجتماعی میافشانند ر مقابله مسئولیت خود بمتایه ایوانی ، بمثابه انسان برخوش نمیلرزند . با اینحال این سخنان مارهان نظر که در رصد راین مقال نیز تصریح نمود یم شمات شمرید . ما میکلا عظیم روحی که به نسل کنونی تحمل شده است بخوبی و تابعاق دل و جان خبرداریم و میدانیم چرا چینین کابوی دارد الودی از هنر روح شاعران جوان مامیکندر و چرا به تشییه زیبای یکی از نویسندهای ما این " شکوفه - های بکود " برگل شعر پارسی میروید . منتبا ما از آنها دعوت میکنیم که احسانات و وظایف نجیب و مد نی و وطنی را برپنداهای تاریک خود چیره کنند و باره یکرها مان تارهای را بنواد راورند که طرب و شاطا کار پیکار میافشاند ه است . ما زانهاد دعوت میکنیم که پیوسته وظیفه اجتماعی هنرمند را در رباردیده داشته باشند و با ذکر سخنی چند در باره این وظیفه سخن خود را بایان میروانیم .

هنرمند این میهن ما ، نویسنده گان ، شاعران ، اهنگ سازان ، پیکرسازان ، کارگردان انان و هنرپیشگان تئاتر و سینما و خوانند گان وظیفه ای مقد بر عهده دارند و ان وظیفه مقد من عیارت است از قرار ادن هنرخود در خدمت خلق و میهن خویش . هنرها ید بیاری حقیقت و دلت بشتابد و همزمان خلق د رنبرد وی برای احصار استقلال سیاسی و اقتصادی واژاد یهای د مکراتیک ، اصلاح عصی اجتماعی ، ترقی و سعادت عمومی یا شاد . تنها ازین طریق هنرها تاریخ هم مضمون میشود ، از کوه راه بشاهراه گام میکند ارد ، به نیروی مقتدری میدل د رکنارقوای مادی و معنوی اجتماعی بعامل بزرگ مازنده واقریند ه تبدیل میشود .

ولی قوای ارتجاعی و محافظه کار جامعه که از حرکت و امید و آینده هراسانند و حفظ وضع موجود یعنی سکون و انجام مطلوب آنهاست چنین نقشی را برای هنر قبول ندارند . آنها میخواهند هنر را مبتذل کنند . آنرا بوسیله تغیری ، وقت دگر رانی و شهوت رانی زهرگیان و غارتگران ، بوسیله اتحاراف نظر جامعه از مسائل در ناک و عرصه تخدیر و تحقیق د ماغها ، بمیدان جولان یائش و تسلیم بدل مازنده . میخواهند آنرا رکنارپر— قول ، تازیانه و خرافات بیکی از وسایل حفظ تسلط استعمار و ارتقاء تبدیل یلن نمایند . میخواهند هنر نوعی کسب و تجارت شود . این بر هنرمند ان واقعی است که نگذارند هنرپیشگان سرنوشتی د چارگرد د .

هنر حقیقی مالک آن طلس محجز نمونی است که میتواند روح همارخنه جوید ، اندیشه های سرکش را رام کند ، حقیقت تاخ و عبوب زندگی را در رباردیده ها بگسترد و بدینسان منکران را منکوب گرداند و افراد د لجو و سفسطه باز را بخوشی و تسلیم واد ارد و شان دهد که فروج هل وی سعادتی ایرانی تاچه پایه است ، از کجا سرچشمه گرفته ، مقصر کیست ، راه چاره کدام است . هنر میتواند بدون استخراج در استدلالات بوجم و

خم "عالانه" وغیره هم ازراه توصیف بلیخ خود زندگی، تمام منطق مخوف واقعیت زمان ماراضعکس کد و بجای احکام مجرد وغیرقابل لمس جریان ملعوس و محسوس را که درین طون جامعه مایمکزد و از نظرها پنهان است فاش سازه نشان دهد چه کسانی وچگونه بر ماحکومت میکنند، درین پرد چه فاجعه ای میکنند، چگونه پیکر جامعه ماراستسلط مشتی طفیلی که در گرفت حمایت استعملمرقرارد ارنده بیمار میسازد.

گاه یک داستان کوچک، یک قطعه شعر وحشی یک بیت، یک آهنگ، یک تصویر و یک صحنه در تئاتر وسینما، یک پرد نقاشی کاری میکند که از عهدۀ جلد هاکتاب برمنی آید. هنرواقعیت رایکاره و اسان در گفت دست شما میکارد و میگوید" اینست! تذکر کن! ببین! ". بهترین هنر است که تجهیز کنند بی انکه بر منبر موضعه بنشینند، حقیقت را منعکس کند بی انکه درباره ان برواجی بپرسد ازد، سهل و ساده و صادقانه و مفهوم، عمیق و گیرا باشد. دلها و غریزه هارا پیوندد هد، بند هاراید رد، بیاهی و ستم رایکند. تجارب تاریخ نمونه های متعددی از نقش عظیم و غیرقابل انکار هنر را ترسیع ترقی جامعه پسری نشان میدهد زیرا هنر مهندی شکر جانه را ای میافکند و روح و محیط زمان را ایجاد میکند و بدینسان درس روش های نخستین تاریخ و زندگی جامعه گرم تائیروا است.

تیره ترین ادوار استبدادی قادر نیست فرشته هنر امجبوس کند. زبان او همیشه برای بیان حقیقت باز است زیوا هنر مالک راه ها و شوه های فراوانی است، بهزاد زبان سخن میگوید. هنر انسیوان تعطیل کرد چنانکه واقعیت رانمیتوان در زیر سریوش نهفت. بد آنچه که رژیمهای استبدادی ازمنه و امکنه دیگر قادر نبود رژیم استبدادی کود تائیزقاد رنخواهد بود. اگر هنرمند را بیند و رانها خاموش نشیند یا الابه و موبیه یا سردهد، راه دفاع ایند براوسته است. و چگونه میتوان خود را هنرمند نماید و در برآ برزره، دروغ، اسارت، فقر، پستی ورزالت، در برآ براین سپاه اهریمن خاموش نشست. هنرواقعی تاب تحمل اهریمن ندارد و زندگی او بی نور دل و حقیقت و سعادت غیرمیسر است.

صفوف مختلف هنرمندان میهن ماظیقه ای مقد من بر عهده دارند و آن وظیفه مقد من عبارت است از قرار ذادن هنر خود در خدمت استقلال، ازادی، صلح، ترقی و سعادت عمومی. شما هر زبان که سخن گوئید خواه در زبان طنز خواه جد، خواه مطابیه خواه فاجعه، خواه تخیل خواه واقعیت، خواه کایه خواه تصریح، خواه درباره گذشته خواه درباره اکون، میتوانید نیروی قدر رنفی کنند و ویران کنند را علیه نشیپهای نارواهیها و ستمها و تجاوزهای جنبش درآورید و قدرت اثبات کنند و آفرینند را بسود حقیقت را بسیج نمائید.

دوران اولیه نفوذ

اندیشه‌های مارکسیستی در ایران

بارشد انقلاب مشروطیت و توسعه فعالیت سوسیال دموکراسی در ایران اطلاعات مردم در راه سوسیا-لیسم و مارکسیسم نیز توسعه یافت. کمک انقلابیون رویه تحت رهبری و هدایت لنبن نقش مهمی در این کار داشت. این مساعدت و همکاری انقلابی بیویه از این جهت اهمیت بیشتری کسب میکند که مارکسیست‌های روسیه در آن زمان یعنی پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۰۷ روسیه خود گرفتار شدید ترین مصائب و مشکلات ارجاع وحشی "استولیپینی" بودند.

یکی از مکهای گرانبهای مارکسیست‌های روسیه به انقلاب مشروطیت اعزام شده ای انقلابیون به ایران و از جمله فرستادن رجل مشهور سیاسی و انقلابی گریگوری کنستاننینوچ (سرگو) اورجونیکید زه در پائیز سال ۱۹۰۹ بود. او قریباً یکسال (با فالصله کوچکی) یعنی تمام آخر سال ۱۹۰۹ و قسمت اعظم سال ۱۹۱۰ تا ماه نوامبر در ایران بسربرد. شرح فعالیت سازمانی و شرکت مستقیم اورز و خودرهای سلطانه و عملیات انقلابی در نقاط مختلفه گلستان و آذربایجان ازوظیفه این مقاله خارج است. همینقدر رمیکویم که گروه سوسیال دموکرات‌های رشت بکله او برای اولین بار در ایران به ترجمة "مانیفت حزب کمونیست" دست زد. گرچه این ترجمه به انجام نرسید لیکن بعثابه اولین اقدام به ترجمه آثار مارکسیست بیزان فارسی قابل ذکر است. بطریکه داشتمند ایرانشناش شوروی م.س: ایوانف در راژه پیوست خود "انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۱۱ ایران" می‌نویسد: "بنایه ابتکار اورجونیکید زه در شهر رشت کلوب انترنا سیونال تاسیس گردید بود که کارگران، روزئایی و پیشنه وران در آنجا جمیع میشدند. گ.ک. اورجونیکید زه در این کلوب سخنرانیهای پیرامون انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، در رایه اشتراک منافع خلق‌های ایران، ماوراء قفقاز و روسیه، در رایه مبارزه کارگران و روزئاییان ایران، مصادر اراضی فتوح‌الها وغیره ایجاد میکرد." (۱) مرح شوروی آروطنیان در کتاب خود "انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۱۱ ایران و بشویکهای ماوراء قفقاز" اطلاع میدهد که اورجونیکید زه بهمراه انقلابیان مشهور آذربایجان مشهدی عزیز بگف بعضویت کمیته مركزی حزب سوسیال دموکرات ایران برگزیده شد بودند (۲).

سرگو اورجونیکید زه در تمام دست فعالیتش در ایران مرتباً با لنبن رابطه و مکاتبه داشت. در مکاتبات اوا نلبن مطالبی موجود است که بیویه از نظر بررسی تاریخ ترویج افکار مارکسیست در ایران اهمیت خاصه ارد. از نامه ایکه اور رتاریخ ۴ ژوئن ۱۹۱۰ به لنبن نوشته معلوم میشود که در آن زمان مطبوعات مارکسیستی مقدم ایران ارسال میشد است. از این نامه دیده میشود که نه تنها در این سیونال داشت بلکه در پیش‌شیرها از جمله انلی (پهلوی‌تکونی) نیز مطبوعات سوسیالیستی منتشر شد. در مطالعه میشد است. اورجونیکید زه لنبن میتواند: "در رایه آن شماره از ارگان مركزی (منظور روزنامه سوسیال دموکرات)" ارگان مركزی حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه است (۳). که من خواهش کرد بودم، رفقاء، من ارگان مركزی را مرتد دریافت میکنم. آن شماره را یکی از فرقه‌های از قار معلوم از دریافت مطوعه از اینلی اطلاع نداشت از اینلی خواسته بود و پس از آنکه طلح گردید یگراین ضرورت منتفی شد". (۴)

در همین نامه اورجونیکید زه وصلی شماره ۱۳۰ ارگان مركزی حزب را نیز اطلاع داده میتواند: "گلوبس سوسیال دموکرات" (صدای سوسیال دموکرات) د ران زمان روزنامه منشوکه باشد (۵) و "دنونیک سوسیال دموکرات" (روزانه سوسیال دموکرات) که بوسیله پاخانف انتشار می‌یافت (۶) نیز رسیده است. "گلوبس" را نلی ای هابمن میدهند لذا ارسال آن برای من لزومی ندارد. "دنونیک" را با کمیسال میل خواندم" (۷).

(۱) م.ین: ایوانف، انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۱۱ ایران، مسکو، ۱۹۵۷، صفحه ۴۲۶

(۲) آ.ک.م: آروطنیان، انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران و بشویکهای ماوراء قفقاز، ایران، ۱۹۵۶، صفحات ۱۴۷ و ۱۴۰

(۳) (۴) گ.ک. اورجونیکید زه، مقالات و سخنرانیهای، مسکو، ۱۹۵۶، صفحه ۱

از این مکاتبات و یک سلسله مدارک دیگر آشکار است که در آن زمان استند کنگره ها، کنفرانس ها و پلیومهای کمیته مرکزی حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه به ایران میرسیده و مطالعه میشدی است. از جمله صورت جلسه پانزدهم کمیته مرکزی این حزب که از ۱۵ ژانویه تا ۵ فوریه ۱۹۱۰ در پاریس تشکیل شده بود په ایران ارسال شده و رسیده بود. در کنفرانسها و سخنرانیهای که سوسیال دموکرات های روسیه در مهاجرت در شهرهای اروپای غربی تشکیل میدادند اغلب بمعظالم دول امپراطوری نسبت به ایران اعتراض کردند با انقلاب مشروطیت و سوسیال دموکرات های ایران اظهار همدردی و هم‌ستگی میکردند. از جمله در ماه می سال ۱۹۱۰ در شهرهای زیزیخ، بال، زتو، و پاریس کنفرانس های تشکیل میشود که طبق خبر روزنامه "ایران نو" یکی از سوسیال دموکرات های روسیه "بنام مستعار شریا" که در انقلاب مشروطیت از نزد یک شرکت جسته و در نزد های تبریز یکی از انگشت های دست خود را فدای حریت ایران نموده بود سخنرانی های ایران میکند. (۱)

در قطعنامه ای که بمناسبت گزارش اود ریارة وضعیت ایران ۲۳ ماه مه در پاریس تصویب میشود چنین گفته شده است:

"در ۲۳ ماه مه روسه اد ریارة جمع شده کنفرانس (تریا) راکه در ریارة انقلاب ایران و حرکات حکومت روسیه در انجابود شنیده محبت صمیمی خود را نسبت به ایرانیانی که سال های داراز رمقابل استبداد و ظلم شاهان و پلیتیک وحشیانه بعضی دول اروپا که در آن جاهل اینکه در مملکت مفتوح و غلوپ خود حرکت نموده و اطفاع آتش انقلاب راکه باعث زندگی و تجدید اصول معیشت ایرانیها بود رعهد کرد و بودند اظهار مینماید" (۲).

سپس در این قطعنامه بشدت نسبت به سیاست دول امپراطوری روسیه تزاری و انگلستان در ایران

اعتراض شده چنین ذکرمیگردد:

"این اجتماع لعنت میگوید بر اتفاق روس و انگلیس، بر آن ائتلاف "قدرت عازه" که مقصود اصلیش همان اجلوگیری از بیان اری شرق و خصوصاً ساحرات میباشد. اجتماع با یک منونت تمام آن ملت کبیر پیش اهنج آسیای بیدار است میباشد. اجتماع با یک منونت تمام آن ملت کبیر ایران اسلام فرستاده از اسلام اطمینان میدهد که استبداد با همه قوای موجود خود نیز نمیتواند که جلو افکار احرار آن را این اسلام فرستاد. اجتماع با یک صمیمیت تمام رضایت خود را از احرار قفقاز بیان مینماید که آنها با حرکات جان ثارانه خود آن بند نامیرا که بواسطه حرکات استبداد اند دلت روس برای عموم روسها مهیا گردیده بود. جیران و آن لوت لکه سوای رازیمیای پاک ملت روسیه زد و ند" (۳).

این قطعنامه با مضای س. سمیونوف - منشی هیئت "انتشار یافته بود. نظری این قطعنامه در جلسات و میتینگ های سوسیال دموکرات های مهاجر روسیه در شهرهای زتو، بال، زیزیخ نیز به تصویب رسیده و در همان موقع منتشر یافته بود.

در نتیجه تدقیقاتی که بعلی آورد ایم معلوم شده این "تریا" که روزنامه "ایران نو" گاهی هم بنام "لاسال" و یا "لاسای" گرجی از اوان امپریه است و فعالیت انقلابی ایران را در جنوب ایران با راج دانسته همان "تریا" (تریا) است که ولاد پیمرا یلیچ لنین در رئامه مورخ ۳ رازنیه ۱۹۱۱ خود به ماکسیم گورکی با کمال تائسف توقیف شدش را خبرداده است. لنین مینویسد: "قبل از هر چیز برای اینکه فراموش نشود، تریا" به همراه "زور ایما" و "رامیشویلی" توقیف شده است. ۰۰۰ حیف از این جوان خوب و انقلابی" (۴).

لنین که توجه خاصی به جنبش انقلابی همه خلقها و بویشه انقلاب مشروطیت داشته اصرار میورزد متن (۱) و (۲) و (۳) ایران نو، شماره ۲۲۸، ۱۹۱۰ مورخ ۱۲ روزنامه چون این اخبار، استند و مقلاط جنبه سند یت تاریخی دارند همه جاید و حک و اصلاح عبارات عینانقل کرد ایم ع آ.

(۴) آثار لینین، چاپ چهارم، جلد ۳۴، صفحه ۳۸۳ "تریا" که در متن از رای جان بشکل "تریبا" آورده شده نام مستعار "مکلاط ز" گرجی است که بعد هانیز جز منشوه که باقی عالیت سیاسی خود اد امده ده در اوخر ۱۹۱۴ یا اویل ۱۹۱۵ بالنه ملاقات کرد ایم (آثار لینین، جلد ۲۶ صفحه ۲۵)

گزارش "تریا" درباره ایران سوسیال دموکرات‌های قفقاز در انقلاب ایران" چاپ و منتشر شود و به گزارش حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه که میباشد به نگره هشتم انترنا سیونال دوم در کپه‌هاک تقدیم میشود پیوست گردید (۱) لینین خصوصاً گزارش "تریا" را نشان میکند. متن صحیح شده برای "کوتلایاریانکو" فرنستاده میشود تا او پس از ترجمه بینان فرانسه برای چاپ شدن بطبعه بفرستد. قراربراین بود که ترجمه فرانسه رانیز لینین خصوصاً از ترجمه ایند.

یکما اوت ۱۹۱۰ لینین به کوتلایارکو مینویسد: «وضعیت گزارش از چه قرار است؟ خیلی خیلی خواهش میکنم که چاپ آنرا تسریع نماید» (۲) دیده میشود لینین اصرار خاصی داشته که گزارش تا افتتاح نگره کپنهایک ۲۸ اوت تا ۳ سپتامبر ۱۹۱۰ چاپ و منتشر شود. چهاردهم نوامبر لینین در نامه خود به گورکی مجلد اعاعیک میکند: «گزارش "تریا" در هر حال بقین به چاپ خواهد رسید. هیئت تحریریه ارگان مرکزی قطعنامه ای در راین خصوص تصویب کرده است» (۳). در همین نامه لینین از تاسیس امانی کارهیئت تحریریه ساخت گله کرده است. بالاخره این گزارش با اصرار مکرر لینین بصورت جزوی جد اگانه ای بطبع میرسد. متن روسی گزارش "تریا" در کتاب مپاولوچ و س. ایرانسکی ایران در روزنامه برای استقلال (چاپ مسکو، سال ۱۹۲۵) تجدید طبع شده است. ترجمه آذر ریجانی این کتاب نیز در اکد رسال ۱۹۲۶ منتشر گردیده در راین گزارش از اوضاع ایران و کمل سوسیال دموکرات‌های قفقاز به آسپا سبتابه تفصیل سخن رفته بیویزه نسبت بعملیات دلت زیارتی و امپریالیستهای انگلیس علیه انقلاب و خصوصاً بمباران مجلس توسط کلنل لیاخوف و اشغال تبریز بوسیله زیرال سنارسکی بشدت اعتراض شده است. از اینرو گزارش توجه انقلابی‌سون ایران را بخود جلب میکند. روزنامه "ایران نو" اخبار مفصلی درباره جلسات سوسیال دموکرات‌های روسیه در کشورهای اروپا و اعتراض آنها نسبت بمعظالم دلت زیارت و امپریالیستهای انگلستان در ایران درج مینماید. روزنامه در همان شماره خود مینویسد:

"در اینخصوص کنفرانس‌های دیگر نیز از خواهد شد و رآن کاغذی که از شعبه پاریس بار ارde نوشته اند معلوم میشود که در اجتماع بین المللی سوسیالیستی (کوبنهاخ) که در راین زودی هاجمع خواهد گردید مسئله ایران نیز مطرح خواهد گردید."

انتشار اینگونه اخبارها سند در روزنامه "ایران نو" ارگان "حزب دموکرات" در آن زمان تائی شیر بسزائی در انگلستان نسبت به سوسیال دموکرات‌های باقی میگذاشت. خود این روزنامه تحت تأثیر اندیشه های مارکسیستی قرار داشت و از نزد یک بالاجماعیون عامون همکاری میکرد. سلیمان محسن اسکندری که از باشیان حزب دموکرات و صدرفاکسیون پارلمانی آن بود در راین همکاری نقش بر جسته ای داشت. آشنائی بعض محررین روزنامه با مارکسیسم از یک سلسه مقالات مندرج در آن بخوبی هوید است. از این جمله اند مقالات: "فرقه های درست راست" ، "فتوود الیزم" ، "داخله جدیده انگلیسها" ، "اکریت واقلیت پارلمانی" ، "قانون طلاقیت و قانون مشروطیت" ، "ایران در پارلمان فرانسه" ، "کنفرانس‌هایی در خصوص ایران" ، "نگره بین الطی اجتماعیون" ، "تکامل" ، "یک ملاحظه سیاسی" ، "بعنایی تعطیل بزرگ کارگران فرانسه" ، "اتحاد و تمرکز قوای جامعه ملت" ، "مستشاران خارجی" ، "اتحاد مدن بر ضد دموکراسی ایران" ، "تهره" وغیره که در شماره های مختلف این روزنامه درج شده است (۴). (۱) بطوریکه هیئت تحریریه ناشر "مجموعه اثار لینین" متذکر میشود گزارش "تریا" پیوست گزارش حزب به نگره کپنهایک موجود نیست.

(۲) مجموعه اثار لینین، چاپ اول، مسکو- لنینگراد، ۱۹۳۰، جلد ۱۳، صفحه ۱۷۹

(۳) آثار لینین، چاپ چهارم، جلد ۲۴، صفحه ۳۷۹

(۴) فعالیت حزب دموکرات در آن زمان یکی از صفحات بازنش مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران را تشکیل میدهد. علاوه بر روزنامه "ایران نو" که در تهران منتشر میشند حزب در ایالات و ولایات نیز شعبات و طبعاتی داشت. بارزه د موکرات‌های راین د وره خصوصاً در جنوب علیه امپریالیسم انگلیس اهمیت خاصی دارد. در شیراز روزنامه "حیات" ارگان حزب د موکرات در رسال ۱۹۱۰ (۱۳۲۸) تأثیس شده تا ۱۳۴۵ (۱۹۱۵) منتشر میشد. ناشر آن شیخ محمد حسین حیات شیرازی (متوفی ۱۳۴۶) چندین بقیه د روزنامه صفحه بعد

در مقاله‌ای که "ایران نو" در شماره ۱۱ مورخه ۹ نوامبر ۱۹۱۰^۱ "بعنایت تعطیل بزرگ کارگران فرانسه" انتشار داده بس از آنکه اینانیان سوسیالیسم تخیلی مانتند "من سیپون" چو "ائون" و بنیان گذاش اران سوسیالیسم علمی مارکس و انگلیس نام میرد و بعضی از تظریات انها را به اختصار توضیح میدهد مینویسد:

"میانه کلیه اریاب نظریات سوسیالیست و اجتماعی مسلکان کارل مارکس از همه مقنطر و نظریات عقیق تراست. کتاب این شخص که موسوم به سرمه است همینکه باساحت انتظار گذاشته شد مورد تحسین و تمجید تمام طبقات کارگران گردید و این کتاب برای کسانی که در آرزوی حسن تنظیمات اجتماعی و سیاسی بودند حکم انجیل اسلامی را پیدا کرد. کارل مارکس فقط نظریات مسلک اجتماعی را بر اساس های علمی استوار ننموده بلکه راههای اعمالات اجتماعی را نیز نمایاند و نشاند اد. نظریات این شخص بزرگ نه آنست که امروزه تنها درالمان کسب اهمیت و رواج کرده باشد طالعات این مرد اجتماعی در روی سیه، قسمت عده فرانسه، انگلستان، ایتالیا و سایر ممالک بقبول رسیده است. نظریات مارکس عقیده ایست که امروزه میلیونها و میلیونها گروند در اروپا و امریکا درد."

در مقاله‌ای دیگری "ایران نو" از ضرورت تاریخی انقلاب اجتماعی بخشن گفته مینویسد:

"نباید انقلاب را بواسطه مصائب و بلاشباع نفرین کرد. مؤسس سوسیالیزم (اجتماعیت) علمی کارل مارکس مشهور میگوید که: "انقلاب قابل هیئت های اجتماعی است. همانطور که تاریخ مادری تباشد هیچ طفی متولد نمیشود همین قسم نیز هیچگونه تجدید در اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بد و انقلاب صورت خارجی پیدا نمیکند. چه ابد ادید نشد ه است که اصول خان خانی و مملوک الطوایفی مقام خود را خود بخود بسرا مایه دایی که در امن خود شوره شد ه تودیع کند."

در شماره‌ای دیگر این روزنامه میخوانیم:

"عالی اقتصادی و اجتماعی، مصنف مشهور بگر کارل مارکس صحت سال پیش در کتاب "اعلان اشتراکیت" این مطلب را بیشتر نزد یک بقیه بیان نموده است که: "اصل سرما یه داری همانطوری که دیهارت را در رحت تبعیت شهر را اورد ه اقام و حشو یا نیم متدن راتابیم ملل متده ساخته است، همین قسم نیز ممالک فلاحتی (یعنی مالک که محصولات زراعی دارد) را بمالکی که صناعی (یعنی محصولات شناخت صنعتی باشد)، مشرق زمین را به مغرب زمین پیرو و مطیع مینماید". صورت خارجی پیدا کرد ن این تدقیقات عمیقه و دیگر تحقیقات و پیش‌بینی های صحیحه چندان طولی

باقی نمی‌رسد صفحهٔ قبل

پاریزندان افتاده حاج سید محمد باقر شیرازی در زمان جنگ جهانی اول عضو هیئت مرکزی حزب دموکرات^۲ در شیراز بود. در همان سال (۱۳۲۸) روزنامه "یادگار جنوب" ارگان "فرقه ترقیخواه ایران" بوسیله ساقر تندگستانی (متولد ۱۳۰۱) تائیس و با تعاون سید یعقوب انوار ارد کاری منتشر میشد. این روزنامه نیز پس از پیکال انتشار توقیف شد. در شیراز "مجمع انقلاب زنان" از طرف شاعره مشهور دموکرات زندخت شیرازی (۱۳۳۱-۱۳۲۸) تائیس و با جسرات هرچه کاملتر علیه حجاج زنان، در راه آزادی و برابری حسقوق بانوان تبلیغ و مبارزه میکرد. این دو شیوه شاعره مجله ای بنام "دختران ایران" منتشر ساخته متأسفانه بیش از هفت شماره انتشار نیافت. "کمیته حافظ استقلال" که دارای ارگانی بهمین نام بود در سال ۱۳۳۴ توسط دکترا بوالحسن خان تائیس و علیه قوام الملک شیرازی و نفوذ امپریالیستهای انگلیس دایران مبارزه میکرد. در سالهای آخر جنگ جهانی موکر انتظامی دموکراتهای ایران یطه عده به آذربایجان منتقل شد و در زمان قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز به اوج خود رسید. تائیفانه جریان تائیس و دوهای غمالیت حزب دموکرات و سازمانهای آن در ایالات و مطبوعات و فرآکسیون پارلمانی ان تاکتون مورد بررسی و تجزیه و تحلیل لازم قرار نگرفته. خیلی افعالی این حزب در مبارزه در راه آزادی، استقلال و تماهیت ایران بارها بزندان افتاده و یا جان خود را نثار کردند.

نکشید. پس از فراغت از تقسیم افرقای سیاه از همین حالا به بخش کرد و قطعه قطعه ساختن آسیاهم آغاز و مبارت نموده اند".
دیده میشود که "ایران نو" از ایرانشهر "مانیفت حزب کمونیست" (بنابه ترجمه تحت لفظی روزنامه از نام این اثر "اعلان اشتراکیت") نقل قول کرد است^(۱).

در رشته قالات خود تحت عنوان "ترور" روزنامه درک ایده آلیستی و سوپریوسی (ذهنی) تاریخ بشرها مورد انتقاد قرارداده یکانه متد صحیح بررسی حادث تاریخی جامعه بشر را متاریالیسم تاریخی میداند، روزنامه مذکور میشود که سوپریوسیم در راجمه شناسی نقش شخصیت هارا عامل اساسی تغییرات اجتماعی محسوب داشته کار را به پرستش شخصیت ها میکشاند. به عنین دلیل ترور فردی را وسیله عده ای برای تغییر ادن مسیر تاریخ مشمارد." ایران نو" مینویسد:

"نظریه ترور با نظریه اجتماعی شخصیت خواهی رابطه خیلی نزد یکی دارد. طرفدار این نظریه موجبات و عامل تکامل ارتقائی و یا تنزل احاطه ای را عنصر مادی نذهنی به عنصر معنوی مربوط میدانند. بعیده ایشان علل اقتصادی مولد آثار بندی و موجباً ذکائی و روحی جهت حصول آثار و نتایج میشوند. هیئت اجتماعیه که مرکب از افراد است کلیتاً تابع اراده و آمال و احساسات فرد میباشد و عمل مادی اهمیت در رجه ثانویه را راه استند. بعیده ایشان قتل یک شاه مستبد یا یک وزیر ستم پرست یا یک حاکم ظالم یا دیگری از جالد ولت که مستحق باشد متواند اسان یک حکومتی را تغییر دهد...".

در دنباله همین مطلب "ایران نو" در شعره دیگر خود نشان میدهد که آموزش ماتریالیسم تاریخی بهیچوجه نقش افکار پیش رو و مترقب را نداند و مذہنی را نکار نمیکند. در توضیح این مطلب روزنامه از "مانیفت حزب کمونیست" قطعه ای را پیش زیر نقل میکند:

"مارکس در کتاب "اعلان اشتراکی" خود میگوید: "وقتی از افکاری سخن میگویند که هیئت اجتماعی را منقلب میسازد، همینقدر راین نکته را علام میکند که عنصر جمعیت جدیدی در دامان جمعیت قد یه شکلی یافته و انفصالت افکار و عقاید که هم با انفال مناسبات قد یه اجتماعی مع خواهد بود"..."^(۲).

سپس "ایران نو" در تشریح این موضوع که شخصیت های تاریخ را نمیسازد بلکه جریان رشد تاریخی جامعه است که ظهور این یا آن شخصیت راضوی میسازد از نامه مشهور فرد ریک انگلیس به اشتارکبوروگ (مژه ۱۸۹۰-۱۸۹۱) چنین نقل قول میکند:

"یک نفر یگر از موسمین بزرگ این نظریه (منظور نظریه ما تریالیسم تاریخی و یا باصطلاح روزنامه "فلسفه اجتماعیت مادی" است^(۳)) چنین افاده منظور مینهاد: "بعرضه وجود قدم گذاشتن فلان مرد بزرگ، یا بایمید ان آمدن چنین شخصی در بهمن مملکت بد یهی است که جز اتفاقی چیزی بزرگ نیست. اما اگران فرد را بردازد از آن باید دیگری را بجا یابیم که از این امایاکسی یافت میشود که بیانات و شایستگی مقام شخص اول را احراز کند. ناپاکون مشهوره از جزویه کوئی سیرون آمد ۱۰۰۰ الی آخر" -

این ترجمه اد امه میباید تأثیرگاه انگلیس از سازار، اوگوست و کرمول نام برد است^(۴).
لیسم روزنامه "ایران نو" در مقالات خود از مارکس، انگلیس، لیپکنخت، زان زهیں و دیگر هیران سوییام نقل قول کرد و به ترویج اندیشه های مارکسیستی پرداخته است که ماد را نجات چند نوئانرا اورد یه روزنامه به نقل ساده اکتفانکرد و در تطبیق اصول و موارن آموزش مارکسیسم با اوضاع مشخص جا معه رمان خود نیز کوشش کرد است. در جاییه از لزوم جلب توده های وسیع روستائی بیویه ایلات و عشا ایران به جنبش انقلابی سخن میگوید مینویسد:

(۱) نگاه کنید به اثار ک. مارکس و ف. انگلیس، چاپ دوم روسی، جلد ۴، صفحه ۴۲۸

(۲) رجوع کنید به اثار ک. مارکس و ف. انگلیس، جلد ۴، صفحه ۴۴۵

(۳) نگاه کنید به اثار منتخبه ک. مارکس و ف. انگلیس، جلد دوم، ۱۹۴۸، صفحه ۴۸۵

"(کارل لیپکنکت) سوسیالیست مشهورگفته است که در اروپا هیچ انقلابی جز بمند و معاونت دهاتی ها سرنمیگیرد. مامیتوانیم بگوییم حالیه در ایران نیز نظر موقعيت خارجیه داخلیه که دارای هیچ انقلاب ملی جزا استعانت و همراهی ایلات بهظیرت و پیروزی خاتمه نخواهد گرفت".

در جای دیگر که "ایران نو" مظالم امپرالیسته اراد را ایران افشا^۱ میکند به نطق سوسیالیست مشهور فرانسوی ژان ژرمن د رپار لعلان فرانسه اشاره کرد ه همسنگی بین الطی و پشتیانی سوسیالیستهای جهان را از انقلابیون ایران نشان میدهد. روزنامه مینویسد:

"... در جلسه روز بعد یعنی ۱۳ زانویه ۱۹۱۱ مسیو ژرمن از خطابی مشهور فرانسه رئیس فرقه اجتماعیون نطق مفصلی نمود (بالاعتراض به دولت فرانسه متذکرشد) ... شما چه احتیاجی داشتید و سه سال پیش با وجود پروتستهای عدیده ما امامای معنوی فرانسه را زد پل این عهد نامه روس و انگلیس (قرارداد ۱۹۰۷) که مقدمه تقسیم و تجزیه ایران بود بگذرد؟ ایران یک ملت بزرگ و نجیبی است که سابقه ان علوم است ۰۰۰۰ آیا بواسطه این که این ملت نتوانست فقط در طرف چند روز هرج و مرچی را که در عرض چندین قرن استبداد سلاطین رذل و وزراً عناجمب و سوگلهایها و مشوهقها شاه (قال مقال در پیشی صندلیها) - بلی افایان یک حقیقت اسیاعی است! (در طرف دست چپ: خلیل خوب! خلیل خوب!) در مملکت احداث کرد ه بود تسکین دهد و خراب کارهای جند ساله آنها را اصلاح کند و ملت پیزگ اروپا این را دستاوردی قرار میدهد که بقوت اسلحه در آن مملکت مداخله کند و اراضی آنرا اشغال و بالآخره تقسیم نمایند؟".

این اسناد نمونه ای از همسنگی نهضت کارگری سوسیالیستی جهانی و پشتیانی آن از سوسیالیستهای ایران است. درج این گونه طالبد صفحات "ایران نو" نشان میدهد که روزنامه برای این همسنگی و پشتیانی اهمیت خاصی قائل بوده است. این تمايل بطنترنا سیونالیسم پرولتاریائی حتی مورد انتقاد و اعتراض بعضی دسته ها و مطبوعات دست راست واقع میشده.

در مقاله چهارم از شته مقاوماتیکه تحت عنوان "تزویر" در شماره ۵۷ مهرخ ۱۹۱۱ در سامبر ۱۹۱۱ این روزنامه مندرج است قطعه فصلی از مقدمه اثر مشهور مارکس "انداد شده است که نشان میدهد مؤلف اینگونه مقاولات آشنازی خوبی با موزن مارکسیسم داشته است. برای اینکه شم مارکسیستی مؤلفین این نوع مقاولات و میزان آگاهی آنها از اصول سوسیالیسم علمی آشکارشود نقل قسمتی از این ضروری میدانم. این بخش ضمنابثایه نمونه ای از اولین ترجمه های فارسی آثار مارکسیستی برای هرسری تاریخ رشد تدریجی امر ترجمه و تدوین اصطلاحات ویزۀ علم مارکسیسم-لنینیسم در ایران قابل توجه است. در این رشته مقاولات همه جا همان بینی کمونیستی و آموزش مارتیالیسم تاریخی در مقابل نظریات ایده ایستی و درک سوسیکتیویستی تاریخ جامعه گذاشتند و مارکسیسم جدا دفاع و تبلیغ میشود. مؤلف در اثبات نظریه خود بمارکس استناد کرد ه مینویسد:

"(کارل مارکس) مشهور در بیان چه کتاب "تنقید علم اقتصاد ش" میگوید: "... انسانها در تحصیل وسائل حیاتی خود عقد روابط معینه مینمایند که لازم بوده و از اراده ایشان نیز مستقل میباشد. این روابط مخصوصاً مجتمع انسانی اقتصادی هیئت اجتماعی را برپا مینمایند. بعبارة اخیری روابط و وسائل تحقیلیه انسان حقیقی ساختمان جامعه بشریت است. مؤسسه قضائیه، سیاسیه و غیره پس از استحکام یافتن ارکان اقتصادی عرض وجود کرد ه و ظاهر مینمایند و اشکال و صور اجتماعی حاصله از هوش و ادراک و فهم و اطلاعات نیز امور قضائی و سیاسی قد م بید ان وجود میگذرد".

طریقه واسلوب کسب و تحصیل مدیشت مادی عمومانمونه از بسط و توسعه دایر راجعی، سیاسی، ذکائی و ادراکی حیات عمومیه است. فهم و اطلاع هیچگاه توصیف طرز زندگی را نمیکند، بلکه بر عکس وضعیتی اجتماع مدرج ادراک و ذکاآوت جمعیت ها را

مینما یاند . قوای حاصله هیئت اجتماعی همینکه از میزان معیین ترقی خود تجاوز نمود سا
وسائل موجود ه کسب نمحضات بکشمند میافتد و با باصطلاح مناسب و روابط مالکیتی که تا
آنگاه موافق آن مناسبات در حرکت بود ه اند مصادم میشود . این روابط وسایطی که تا آن
زمان وسیله توسعه و افزایش قوای تحریصیه هستند آنگاه مانع پیشرفت کار میگردند را یعنی مورد
دروه انقلاب اجتماعی سرمیرسد .^{۰۰۰} الی آخر ”

این قطعه اد امه دارد تا انجاکه مارکس مینویسد :

” بد یهی است که هچ مسئله تولید نمیشود مگر قیمت که شرایط مادی به حل و فصل آن وجود
داشته باشد و یاد رشوف ایجاد شدن باشد .^(۱) ”

سپس روزنامه اضافه میکند : « این بود کلیه فلسفه اجتماعی مادی که بقلم مؤسس آن رقم رفته است ” .
انتخاب و نقل بویژه این قسمت از این مارکس که میتوان گفت در اینجا عباره و هسته اصلی نظریه ”
ماتریالیسم تاریخی به اجمال بیان شده است خود نشانه ایست که نویسنده آشنایی خوبی با این جهان بینی
داشت . بطور کلی از قلاط نامه در رای ابخوبی دیده میشود که در عرض سالهای انقلاب اشنازی ایرانیان
به افکار سویلیسم علی عقیقرشد و نسبتاً با سرعت زیادی رشد میگردید . ولی در هر حال نباید در
از زیانی این پدیده زیاده روند .^(۲)

ما بایقیده احمد کسری در روزنامه ” جبل المتنین ” و تراش آن جلال الدین کاشانی (مؤید الاسلام)
که میگوید : « از سود جویان بود و بهره کجاسودی برای خود امید مید اشته کوشش بینیکی توده و نکشور رفراهمش
میگرد ” به هیچوجه واقع نیستیم و خدمات ذی قیمت این روزنامه و تراش رشاسته قد رانی مید اینم .^(۳)
اما در عین حال نکته ایراکه کسری در ” تاریخ مشروطه ایران ” بدان توجه کرده است خالی از ابراهیمیت نمیداند .
او مینویسد : « من در ریک شماره از جمل المتنین دیدم و گفتاری از یکتن (یوسف زاده همدانی) به چاپ
رسانیده ” یکی در رستایش ” اتحاد اسلام ” و او اشتن مردم بان ، و دیگری در رستایش ” سویلیسم ” شمعدن
سود های انتچان زندگانی ، که نه نویسنده ناسازگاری ای د رواهام در ریافت ، ونه چاپ کننده بهم آن
بی برد ” .^(۴)

البته در همان زمان انقلابیون پیشوای د رایران بودند که از تاسازگاری ایده آلیسم و ماتریالیسم آگاه
بودند ، رابطه دین با فلسفه ایده آلیستی را مید انتستند و چنانکه دیدم به اساس فلسفی سویلیسم علمی و
مضمون کلی ماتریالیسم تاریخی مارکس نیز وقوف داشتند . اما چنین کسانی زیاد نبودند . از اینرو آنها نیز اغلب
با خاطر چند اشتبه از توده های وسیع مراتعات احتیاط راد رگتارو کرد ار خود ضروری داشتند . لیکن کسانی هم
بودند که واقعاً معتقد بودند ” عقاید سویلیستهای عالم را اگر درست بشکافیم همان مقاید مذکوری دین مقدس
اسلام است ” .^(۵) همین روزنامه ” استقلال ایران ” می بینیم در نمرات مختلف خود کاهه از تاسیونالیسم نوشته
بخیال خود در مقابل انترنا سیونالیسم از آن دفاع میکنند ” زمانی از سویلیسم مینویسد و سویلیستهای را
” انسانیت خواهانیکه ” در راه ازووهای عالیه شر جان خود را شار میکنند میناد . این روزنامه هم گا طاز ” اتحاد
اسلام ” مینویسد و کاهه از مارکس نقل قول کرد ه در اثبات مدعای خود به او استناد مینماید .
کلیه قرائی و شواهد موجود خاصه سطح و عق اندیشه های سویلیستی که در مطبوعات و جلسات
آن زمان ترویج و تبلیغ میشد و مسائلی که طرح و حل میگردید (نمونه هایی از این مسائل را در زیر خواهیم
آورد) نشان میدهد که رونیمه رفته میباشد و روان اولیه نفوذ اندیشه های مارکسیستی در ایران مواجه اینم . خود
این امرکه یک روزنامه ارگان حزب دموکرات که خود روزنامه ای مارکسیستی نیست به ترویج افکار مارکسیستی
بدان نحو است زده از علائم در روان اولیه نفوذ این افکار است . تازه روزنامه ای نظیر ” ایران نو ” ناد راست
و مقاومتی شبیه آنچه در رایا لا بدان اشاره شد نیز چندان زیاد نیست . کاملاً بید است که اشاعه اندیشه های
نسبتاً عمیق مارکسیستی هنوز از حد و دفعه ای روشنگران پیشو افق اجتماعی تجاوز نکرد ه است . تصویر توده ها در
باره سویلیسم هنوز از حد و داطلاقات بسیار سطحی که ” سویلیسم رژیم اجتماعی خوبی است ” فراتر رفته

(۱) نگاه کنید به : ل . مارکس ، انتقاد از اقتصاد سیاسی ، ۱۹۴۹ ، صفحه ۸-۷

(۲) (۳) لحد کسری ، تاریخ مشروطه ایران ، چاپ سوم ، تهران ، ۱۳۳۴ ، صفحات ۴۲ و ۴۳

(۴) استقلال ایران ، شماره ۱۶۶ مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۱۰

است . خود سوسیال دموکراتانیز وقوف لازم را به تئوری مارکسیستی نداشتند.

فعالیت سوسیال دموکراسی ایران بعلچنده که عمدۀ آنها عقب ماندگی رژیم اقتصادی - اجتماعی و ضعف طبقه کارگرکه تازه در شرف ایجاد بود و بالاخره مد اخالت مستقیم و مسلحه دول امپریالیستی تزاری و انگلستان و حتی ترکیه بود رشد و توسعه نیافت . سوسیال دموکراتاهای ایران نتوانستند اختلاف نظرهای را که در برآرای یک رشته مسائل عده سازمانی، تبلیغاتی و سیاسی در جریان انقلاب طبیعتاً پیش می‌بینند بدستی و شایستگی حل و فصل کنند . از همان اوائل تشکیل گروه‌های اجتماعیون و عایمیون در کشوریک سلسه اختلاف نظرهای موجود آده بود . از اسنادی که از این شو خوش‌موصی مارکسیست مشهورون پلخانفید است آد ه (۱) دیگر می‌شود که عده مسائل مورد اختلاف در سال ۱۹۰۸ بطریخ لاصه از این‌قرار بوده است: از لحاظ سازمانی آیا صلاح است که "سازمان سوسیال دموکرات خالص" تشکیل شود یا سوسیال دموکراتاهای باید "داخل سازمان های د موکراتیک" فعالیت کنند . عده ای از سوسیال دموکراتاهای رتبه‌بند ند که باشد "گروه‌های خالص سوسیال د موکرات" تشکیل شود . آنها رتوپیخ و تائید عقیده خود چنین استد لال می‌کردند که: "اولاً سوسیالیست و دموکرات ساده جهان بینی های مختلف دارند ، ثانیاً - د موکراتیسم یک سوسیالیست از لحاظ پیگیری از د موکراتیسم یک د موکرات ساده متعایز است ، ثالثاً - سوسیالیست اگر از نقطه نظر طبقاتی پرولتاریا برآمد کند میتواند با توفیق بیشتری در انقلاب پروروازی شرکت نماید . از این‌رو انها پیشنهاد می‌کردند: "گروه سوسیال د موکرات خالص تشکیل شود ، روشنگران و کارگران آگاه و فعال تر در ایران برای اجرای مبارزه طبقاتی از راه تبلیغ و تهییج و تشکیل توده های کارگری بدان جلب شوند " . عده دیگر عقیده داشتند هنوز شرایط عینی و ذهنی برای سازمان دادن و تحدی کردن پرولتاریا در ایران وجود ندارد . پرولتاریای معاصر هنوز در ایران بوجود نیامد و ولذت این‌مینه برای فعالیت سوسیال د موکراتیک خالص موجود نیست . لذا آنها پیشنهاد می‌کردند که فعالصلاح درانست از "فعالیت سوسیال د موکراتیک خالص" دست برداشته ، بصفوف د موکراسی د داخل شد ، آنرا از ناصارمرتعج یاک کرد و به تشکیل آن کمک نموده والبته بمعایه راد یکال ترین عناصر ران فعالیت نمود " تاوقی شرایط اماده شود . آنها ضمناً معتقد بودند که این یک مسئله اصولی نیست بلکه " مصلحت سیاسی و تدبیراتیکی " است .

این مسئله مهم سازمانی باوظیفه اساسی روز ارتباط مستقیم داشت . عده زیادی از سوسیال د موکرات در تبریز نمیتوانستند اساساً این مسئله مهم راحل کنند که آیا باید در جنبش انقلابی که در جریان بوده شرکت کنند یا نه . عده ای که هنوز به عمق ضارب‌نفوذ سرمایه خارجی امپریالیستی در کشور وجود نموده ای از انقلاب مشروطه درست) پی‌نبرد و بودند عقیده داشتند که این انقلاب جنبه مترقبی ندارد . آنها می‌گفتند: " چون مبنای انقلاب بر مارزه علیه سرمایه‌خارجی یعنی علیه تهدن اروپائی است خود بخود یک جنبش ارجاعی است ، زیرا سرمایه‌خارجی یکانه عاملی است که به رشد حیات اقتصادی در کشور کمک می‌کند "(۲) . عده دیگر معتقد بودند: " انقلاب ایران نهضتی مترقی و بطور عمد ه جنبش اشاره‌شونده اهالی کشور علیه نظام فُؤدال و سرمایه خارجی است " (۳) .

پن از بحثات مفصل پیرامون مسئله‌سازمانی فوق الذکریا لآخره در جلسه‌ای که ۱۶ اکتبر ۱۹۰۸ با شرکت ۳۰ نفر از سوسیال د موکرات‌های تبریز تشکیل شده بود پیشنهاد یکم با اکثریت ۲۸ رای د مقابله ۲ رای بتصویب میرسد (۴) . اما مسائل مورد اختلاف بکل حل و فصل نمی‌شود . بعضی از سوسیال د موکرات‌های کائوتیکی و پلخانف مراجعه می‌کنند . کارل کائوتیکی در نامه ایکه برای گروه سوسیال د موکرات تبریز ارسال داشته علیه تشکیل فعالیت سوسیال د را برای اظهار عقیده کرد ه می‌گوید سوسیالیست‌ها باید فقط در مارزه د مؤتمر عمومی توده ه هاشرکت جویند زیرا شد اقتصادی کشور هنوز پرولتاریای معاصر صنعتی را در ایران بوجود نیارد ه است . قابل توجه است که یکی از سوسیال د موکرات‌ها " واسو " که از تبریز نامه ای به پلخانف (۱۹۰۸) نوشته مخصوصاً بین نکته توجه کرد ه در صحت نظریه کائوتیکی تردید می‌کند . اوانکار نمی‌کند که در ایران هنوز (۱) نگاه کنید به قاله ایرانشنا من شوروی م.س: ایوانف: استناد تازه ای د رباره گروه سوسیال د موکرات تبریز در سال ۱۹۰۸ " مندرجه در مجله " مسائل خاورشنازی " (مسکو، شماره ۵، سال ۱۹۰۹) .

(۲) (۳) روزنامه " باریا " (بارزه) نمره ۲-۴، مورخه ۷۰ شهریور - اکتبر ۱۹۰۸

(۴) مقاله م.من . ایوانف

صنایع ماشینی معاصر پرولتاریای صنعتی وجود ندارد. امامینویسید: « لیکن در ایران پرولتاریا یعنی اشخاصی که فاقد ابزار کار بوده نیروی کار و انش خود را با کارفرمایان میفروشند وجود ندارد. در اینصورت ایاسوسیال د موکراتها حق ارند از مشکل کردن کارگران و مبارزه در راه ازداد ستمزد انان خود را از دست دادند؟ » (۱) درست است که کائوتیکی در نامه خود به سوسیال د موکراتها تبریز جنوبی ترقی انقلاب مشروطیت را تائید کرد و بنفع شرکت سوسیال د موکراتها در آن اظهار عقیده کرد « است ، اماد رعین حال مینویسید: « در نهضت د موکراتیکی که از جانب تمام اقتدار زحمتشکش شورشیانی میشود ، همیشه تمايلات ارتقای وجود دارد که نمایند گان آن عبارت از بعضی قسمتهای خود را بجزئی و روستاییان است » (۲) .

بعقیده د نشمند شوروی آن « هیفتمن که در کتاب پرازش خود « لینین دوست بزرگ خلقهای خاور » باین نکته توجه کرد « است : « بدین ترتیب کائوتیکی انقلاطیون ایران را گمراه ناخته ، تخدم عدم اعتماد نسبت به امکانات انتقالابی روستاییان پاشیده و به ایجاد جمهه واحد کلیه نیروهای ضد قویانی و ضد امپریا- لیستی لطمه میزد « است » (۳) .

همان « واسو » در نامه خود به پلخانف شمنا سوال کرد « است که : آیا اصلاح است بنفع آزادی یازده که یعنی علیه سیاست کمکی تبلیغ شود ؟ خود اوچین سیاستی را مفترضحال « ایجاد پرولتاریای صنعتی » د را بران داشته است . او سوال میکند که : ایاسوسیال د موکراتها باید رهاره علیه سرمایه خارجی شرکت کنند و « چه وقت چنین مبارزه ای ارتقای است و چه وقت ارتقای نیست ». بالاخره او میپرسد که آیا سوسیال د موکراتها باید نیروی شهریانی توده ای (میلیس) تشکیل دهند یا نه ؟ خود او تشکیل چنین نیروی را اصلاح مید استه است » (۴) .

در هر حال گفته این گونه مسائل اید ئولوی ، سیاسی و سازمانی که مردم میاحده بود و شیوه و طرز حل انها و نتایج حاصله ، همه ، نظرمار اراد رباره در وره بندی تاریخ انتشار افکار مارکسیستی د را بران تائید میکند و نشان مید هد که در ورن فعالیت سوسیال د موکراتی ایران رانمیتوان چیزی بیشتر از ورة اولیه نفوذ اند یشه- های سوسیالیسم علمی به کشور د است .

دانشمند شوروی هیفتمن رکتابنامه د با استناد به شماره ۱۹۱۱ روزنامه « سپتامبر ۱۹۱۱ » سوسیال د موکرات « مینویسید : « پائیز سال ۱۹۱۱ بیانیه انقلاطیون ایرانی خطاب به پرولتاریای بین المللی بروزنامه « سوسیال د موکرات » ارگان مرکزی حزب لشکر فرستاده شده بود ». او سپس چند سطر از این بیانیه را نقل میکند (۵) . بانوی ایرانشناس شوروی « بلوا » نیز رد مقائله ازند خود بهمین مطلب اشاره میکند که : « در سپتامبر ۱۹۱۱ در روزنامه « سوسیال د موکرات » بیانیه ای به نام « ایران جوان » خطاب به پرولتاریای سوسیالیستی اروپا ، بکارگران همه دنیا در راه بود که انسهارا به بلند کرد ن عدد ای خود بدفاع از آزادی ایران دعوت میکرد . این بیانیه دارای اضافی « کمیته مرکزی حزب سوسیال د موکرات ایران » بود » (۶) .

ذیلا عین متن فارسی این بیانیه راکه ۱۹۱۱ اوت ۱۹۱۱ یعنی تقویا یکماه قبل از انتشار متن روسی آن در روزنامه « سوسیال د موکرات » در تهران منتشر شده است نقل میکیم . مامتن فارسی را با من روی که از « سوسیال د موکرات » استنساخ کرده ایم برای نمودن . اختلاف قابل ذکری که مشاهده شد اینست که زیر متن فارسی منتشره در تهران بچای عبارت « کمیته مرکزی حزب سوسیال د موکرات ایران » عبارت « فرقه اجتماعیون عالمیون ایران در رفقا » بچشم میخورد . بعبارت دیگر : اولا - ناما از « کمیته مرکزی » بوده نشد ، ثانیا - محل فرقه « در رفقا » ذکرشد « است .

قبل از اوردن متن این بیانیه ازند دیگری که او اخیراً نویه ۱۹۱۰ یعنی تقویاد و ماه بعد از افتتاح

(۱) مقاله م. من ایوانف

(۲) روزنامه « بارما » (مبارزه) ، همان شماره .

(۳) آن « هیفتمن » لینین دوست بزرگ خلقهای خاور ، مسکو ، ۱۹۱۰ ، صفحه ۷۲

(۴) رجوع نکید به مقاله م. من ایوانف

(۵) آن « هیفتمن » ، کتاب نامبرده ، صفحه ۵۷ در این کتاب اشتباها بجای « (۱۴) » (۱۱) » چاپ شده است

(۶) ن. مک . بلوا ، « پیارا مون سسئله مربوط به باصطلاح حزب سوسیال د موکرات ایران » ، مجموعه « مسائل

تاریخ واد بیات شورهای خارجی شرق » ، مسکو ، ۱۹۶۰ ، صفحه ۱۳۴

مجلس دوم در تهران انتشار یافته است یاد میکنیم در این سند پس از تبریک افتتاح مجلس شورای ملی و ذکر خدمات و فعالیت‌های سوسیال دموکراتی ایران در این راه، از عدم لزوم فعالیت حزبی در کشور صحبت شد و اتحاد سازمانهای اجتماعی عامیون در ایران رسماً موکد اعلام گردیده است. این "انتباه نامه" چنین آغاز میشود:

بنام نامی وطن مقدس ایران

پس از تبریک افتتاح مجلس مقدس بنام شورای ملی شید الله ارکانه برصاص جان حسن

سلیم پوشیده نیست که در این مدت خدمات و اقدامات این فرقه مقدمه در رفاقت و ظاغف انسانیت و استقرار اساس حریت و مشروطیت ایران تاچه اند ازه بوده است! در این موقع که بروفق آمال نوع خواهان، خدمات اجتماعیون حسن نتیجه داده، بساط عدالت و مشروطیت در ایران گسترده شده، متأسفانه بعضی اشخاص به مناسبت با این فرقه خود را عنیزبی جهت قرارداده پیروی اصول کیف مایشاً شده بنای پارتی بازی را کذا اشته اند! با اینکه در این بحران مملکت تشکیل پارتی واجرا مقاصد خود پرستی نهایت مضاره دارد

و با لآخره بیانیه چنین ختم میشود:

"لهذا از طرف مرکز فرقه مقدس من عجال التاد استجات اجتماعیون عامیون فرقه مجاهد از تهران و سایر بlad ایران توقيف و تجدید شعبات ائمه را به انتخاب اشخاص لایق پرست بی غرض به بعد ها مؤکول نمودیم مجدد اعلام میداریم که از این تاریخ رسماً شعبات فرقه" اجتماعیون از ایران موقوف است و شعبه رسمی نداریم واحدی نمیتواند خود را نسبت باین فرقه بد اند و هر نوع لایحه بعنوان و مهری منسوب با این فرقه انتشار یابد از زرجه اعتبار ساقط است"

دیده میشود که این "انتباه نامه" صریحاً از طرف مرکز فرقه" انتشار یافته است . این مسئله احتیاج به تحقیقات و تدقیقات بیشتری دارد که ایا پس از این تاریخ یعنی ازاوائل سال ۱۹۱۰ تا سپتامبر سال ۱۹۱۱ که بیانیه مندرجه در روزنامه "سوسیال دموکرات" با امضای کمیته مرکزی حزب منتشر شده است ایاد و باره این شعبات فرقه اجتماعیون عامیون" در" تهران و سایر بlad ایران" تشکیل شده و "انتخاب اشخاص لایق نوع پرست بی غرض" عملی گردیده است، و چنانچه عملی شده به پنهان صورت عمل بخود گرفته است . زیرا محقق است که فعالیت سیاسی و اقتصادی سوسیال دموکرات‌های تهران در این دوره بهیچوجه متوقف نشد و چنانکه دلائل و قرائن موجود حاکی است بیشترد رداخ انجمن‌ها او از طریق انجمن‌ها (خصوصاً در تهران، تبریز، رشت، اصفهان، همدان، بند رکز، استرآباد وغیره) صورت میگرفته است .(۱)

ضمناً معلوم است که بیانیه اخیره که زیرعنوان "استعداد از اکارگران (بین الطلي)" شانزدهم اوت ۱۹۱۱ در تهران انتشار یافته" از طرف فرقه محترمة (اجتماعیون عامیون ایران) از قفقاز با اجتماعیون بین المللی بعد از ورود محمد علی بایران مخابره شده است . از قرار معلوم متن بیانیه چون برای انتشار در روزنامه "سوسیال دموکرات" تهییه میشد بزیان روسی نوشته شده است . اینکه تن فارسی آن:

"ایران جوان ایام صعب و روزگار سختی را میگذراند . آزادی و حریتی که در رسانه مساعی و اقدامات طبقات بجمعات و از این ناشرشندن خوشنای شهید ان ملت واژجان گذشتگی صد ها هزاران قربانیان است بدست آمد و هنوزمانی ان استحکام کامل نیافته در خطر است!

امیراطوریت روس که یگانه دشمن خون خوار و اعداد و نابکار حریت عالم انسانیت

است با حکومت انگلستانی که بنایه ادعا واهی خود دولتی "لیبرال و مشروطیت پرور" است

دست بیکی کرد و تیغ خونریزد رُخی خود را بفرار اندام متروک ایرانیانیکه بتازه گی راه

(۱) د و انجمن استرآباد و بند رکز رمتکل ساختن مبارزه مردم علیه حدیثیمیزرا که از اه روسیه به ترکمن صحراء وارد شده بود فعالیت با ارزشی داشته اند در ریاره فعالیت سایر انجمنهای رکتب مختلف مطالعی گفته شده لیکن فعالیت این د و انجمن تاکنون بطور شایسته مورد تحقیق قرار گرفته مورخ ایرانشناختی شوروی ۱۹۷۰ م. ماتویف در کتاب خود "مبارزه اجتماعی سیاسی در استرآباد" (چاپ تا شنید، سال ۱۹۷۰) طالبی د راینماره گفته است که قابل دقت و توجیه میباشد .

تجدد پیشگرفته برآهی خته !

گمان نشود که ایران متجدد اینک فقط در مقابل قهرمان خراباتخانه ها شاه
مخلوع محمد علی بیخود ساز کشمکش آراسته چنانچه انقلابیون ایران با خود شاه معزول و
دیگر همدستان ارجاع پرستش رکشمکش و نزع بودند دیری بود که کارشناس ساخته شده
حیات ننگیشان از هم گسته بود !

امروز ایران جوان در مقابل یک زمه ریتماگران آزادی بین المللی و دسته
پیشقدم فنا و ضمحلال حربت بشری واقع است و این دزدان راه آزادی ملّ هیچگاه هوا
خواه استقلال و حریت وطن بلاد یده ماتبوده اند .

اینان، این ننگهای دامن انسانیت، ایرانی لازم دارند که میدان. استفاده
اصول سرمایه داری ایشان بوده و بطوری جوانگاه فایده برد نشان یاشد که همچون اراضی
مستملکات خود شان با کمال بی وجود اند راین مرزبین رفتار کنند. برای اینان همان وضع
حکومت فاسد و پوسیده محمد علی خانی لازم است که در جنایات انسانیت کشانه و خرابکاری
های ایشان در دامن وطن مامعنین و هدم شتان باشد !

حکومتعلومالحال رو سهی با معاوحت انگلستان به اتخاذ اقدامات قطعیه خود
شروع نموده و قراردادی را که با مصیبی روس و انگلیس رسیده بود و ضمن ماعت از ایگشت
محمد علی، ایران میبود نقض کرد، ایست ! پس ازانجام یک سلسه انتریک با زمبا و کارشکنی
هائیکه مخصوصاً به صدق تحقیف ساختن حکومت ایران ترتیب شده بود امیراتوریت رو سهی با
مواقت انگلیسیها محمد علی را بایران رجعت داده است که مجدد ازما حکمرانی را بدست
گیور و غاصبه با استعانت بیگانه بفرار تخت شاهی جای گزیند ! حکومتهای دیگر اروپا برای
آنکه بنیه خود شان دریکی از سایر نقاط عالم بدستبردی موفق آیند در مقابل این نقشه عهد
بکلی مهرخاوشی بدهان زد و هیچگاه صدائی بر نمیافزند !

ماشوخواهان استقلال و تعمیت ملکیه تلت ایران، ماد شمنان پر جوش و خروش
دزدان غارتگرنظم بین المللی را واجب است که برای پیروزی باقتن در این کشمکش و مبارزه
حیاتی سعی و نوشش اند که راد رنترنگیریم اعجا، اگر در این روزگاران غم آور و ایام محن را
برای کامیاب شدن بقصد از کارگران اجتماعیون بین المللی استعداد نجویم از چه عنصری
باید استعانت کنیم ؟ !

قط صنف کارگران دوستدار صادق وصمیع تمام ملّ مقهوره و حریت های که
آماج سهام خطرات و مهالک میشوند، طرف را خاوت بین الملل و شمن پر خطر ریتماگری
اصول سرمایه داری در اینجا طرف خطاب است !

رقا، بشما خطاب میکیم تا صد ای رعد آسا و هیجان شعاب ران که در راه
دفع آزادی ما با صقاع جهان طنبی اند از شود سامعه مارا هم مشغول سازد ! از شما
استعداد میجوئیم که صد ای اعتراض و احتجاجات پارلمانها، میتبیگ ها، مجتمع، کفرانس
ها و مطبوعات فراگیرد !!!

برعلیه حکومتهایکه در این پیش آمد ها و راه زنیها ساخت مانده اند و مخصوصاً بر
ضد حکومتین روس و انگلیس که دارا دام ملت ایران را ماده ساخته اند. اگرچه صد اهای
نفرت و اعتراضات مجد انه تان وسیله اند اد مادی و عملی نخواهد بود، اما لااقل درباره ما
 Moghbat تثویق و تهییج مارا فراهم خواهد آورد و یک معاونت قلبی و معنوی برای ما خواهد بود
ما انتظار داریم که صد اهای اعتراض و نفرت و پروتست ها بنا نآزادی واستقلال مملکت ما بر
علیه زمه راه زنان که برای به شیشه ریختن خون مبابهم متعدد شده اند و حکومتهایه متروج
اصول سرمایه داری هستند بلند شود وجهانی افرانگید. سلامهای برادرانه مارا از میدان
مبازه بپذیرید !

زنده باد استقلال و اخوت ملل !

زنده باد اجتماعیون بین المللی!

فرقه اجتماعیون عامون ایران در قفقاز^{*}

گرچه اقدامات ضد انقلابی محمدعلی شاه مخلوع در تکمن صحرانیزد چارشکست گردید و اود پاره به فرار مجبور شد لیکن انقلاب مشروطه بالآخره در نتیجه مداخلات مسلحه دول امپریالیستی سرکوب و ناتمام ماند. از تماز احزاب سیاسی بزرگ آن زمان حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه بود که در کنفرانس ششم خود در پراخ قطعنامه پیشنهادی لئین را پذیرفته صدای اعتراض خود را به درد رسید و پیشینانی انقلابیون ایران بلند کرد. اینک قطعنامه پیشنهادی ولادیمیر یاچیگ لئین :

”در ریار مظلوم د ولت روم به ایران .“

حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه علیه سیاست غارتگرانه داردسته تزار که مصمم به خفه کرد ن از ازدی خلق ایران شده و در این دور از هیچ گونه عمل وحشیانه و رذیلانه ای خودداری نمیکند اعتراض مینماید .

کنفرانس تائید میکند که ائتلاف د ولت انگلستان که به انجاء مختلف ارجانب لیبرال های روس تعریف و تمجید و پشتیبانی میشود بیش از هر چیز علیه جنبش انقلابی د موکراسی اسیا متوجه است و این ائتلاف د ولت لیبرال انگلستان را شریک وحشیگرهاي خوشنیت تزاریسم مینماید .

کنفرانس همد ردی کامل خود را تسبیت بجایزه خلق و بیویژه مبارزة حزب سوسیال د موکرات ایران که در مبارزه با زیوه گویان تزاری اینقدر قربانی داده است اعلام میدارد^(۱) . لئین در سال ۱۹۱۳ : جریبات گرانیهای انقلابات آسیا (ایران، ترکیه و چین) را تازیندی کرده بیویژه در روئی و خیانت پیشگی بیرونی از لیبرال رافشا تمود واهمیت فوق العاده استقلال عمل نیروهای د موکراتیک و تمازی اشکار طبقه کارگر را زهرنوی بیرونی میکرد^(۲) . این بیویژه :

”هر کنین پس از تحریره اروپا و آسیا زخم از سیاست غیرطبیقانی و از سوسیالیسم غیرطبیقانی سخن کهیم اهرا باید با بیویژه استرالیائی د ریک قفس معرفت نمایش گذاشت“^(۳) .

این در می تاریخی را از ازاد یخواهان ایران دریافتند و در اویین امکان ساخت اسیس حزب کمونیست ایران بکارستند. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر با سرنگون ساختن رژیم تزاری در ایران قوت وسعت گرفت . در ایران و تقسیم کشورها متفقی ساخت . جنبش از ازاد یخواهی و استقلال طلبی در ایران قوت وسعت گرفت . در سال ۱۹۲۰ حزب کمونیست ایران تشکیل شد . این حزب د موکراتیک طراز تونیون ترویج اندیشه های از ازادی بخش مارکسیسم - لئینیسم را در کشوریکی از وظایف اساسی خویش قرارداد . از این زمان است که مرحله دوم در تاریخ انتشار افکار مارکسیستی - لئینیستی و کوشش برای تطبیق این آموزش پسر ایران آغاز می شود .^۴

(۱) آثار لئین، جلد ۱۷، صفحه ۴۳۴

(۲) آثار لئین، جلد ۱۸، صفحه ۵۴۶-۵۴۷

از زبان مادر

دهم فوریه ۱۹۶۲ درست شست و پنجمال ازو زمیلاد بر تولت بر شت (Bertolt Brecht) در امنویس، شاعر و نویسنده میکرو پو قریحه آلمانی و یکی از هترمندان ارجمند قرن ماگذشت. بر شت ۱۴ اوت ۱۹۵۱ در سن پنده و هشت سالگی در راج قدرت خلاصه خود درگذشت. مرگ پیش رین بر شت ضایعه بزرگی برای ادبیات آلمان و جهان بود. با اینکه در این اوآخرخی مجلات تهران آثاری از این هترمندان اهی نشد اد و طالبی دیراره شخصیت هنری وی نگاشته اند، هنوز برای معرفی شخصیت پرتوان و ویره بر شت بعد م ایران باید کار فراوانی از جهت ترجمه آثار و نمایش پیشهای عمیق عالی وی انجام گیرد. نکته ای که از زندگی بر شت برای هترمندان جوان معتبر اتفاق نیافرست که وی مانند همه رجال بزرگ علم واد بد رتاریخ انسانیت، سر پای زندگی خویش را وقف تکامل انقلابی جامعه بشری و دفاع از والاترین آرمتهای وی کرد و بود.

شعری زیرین که در اصل (Wiegenlied) یا سرود گهواره (لامی) نام دارد از من آلمانی بنظم فارسی درآمده است ۰۰۱۰ ط.

روزی که نهان به پیکرم بودی
او ضاع تیاه بود و پوتردید
من میگتم بخود که فرزندم
دنیای بدی بخویش خواهد بد

غمتانک بد م: مبار دلبند م
خسته شود ازد زمان ما
وانگه گفتم، بباید ش رزمید
تابه ترازاین شود جهان ما

دیدم چوبعد نیز غالی سرد
در کار مجاہدان معدن را
گفتم: فرزند من بکوشد سخت
تاگر کند غال کان کن را

دیدم چوبه پیشخوان نانوایان
نانی که گرسنه زان ندارد بهر
گفتم: فرزند من بکوشد سخت
تاگر سنه سیزگرد داند ر شهر

روزی که نهان به پیکرم بودی
میگتم در درون خود آرام
ای آنکه نهان به پیکرم هستی
آرام مگیرتا بیابی کام!

دیدم: پدرش بجامه سرباز
رفته است و فتاده کشته، گلگون تن
گفتم: فرزند من بکوشد سخت
تاخود زجنین پلا زید این

حیدرخان عمماوقلی

صبرسیار باید پدر پیر فلک را
تاد گرماد رگتی چوتوفزند بزاید
(سعدي)



زندگی و فعالیت

یکی از درخشانترین مردان انقلابی ایران

تاکنون در برآرده حیدرخان عمماوقلی که مسلمانی را باید یکی از درخشانترین چهره‌های انقلاب ایران بشمار آورد کم نوشته شده است و نیز آنچه در این باره نگاشش یافته ناقص و در پاره ای موارد نادرست است. نگارنده این قاله ادعا نمود که بتواند حق مطلب را آنچنان که باشد در این نوشته اد ننماید. زیرا برای اینکه زندگی و فعالیت این را در مدت بزرگ انقلابی دیقابرسی شود باید به تحقیقات و تجسسات زیاد تری دست زد، به آرشیوها و مد از متعدد و متفرق مراجعه نمود، از خاطرات و یادداشت‌های دوستسان و نزدیکان و هم‌زمانی ایستادگان این امر برای نگارنده ممکن نیست. با وجود این مطالعه جمع آوری شده است میتواند خدمتی در راه تحقیق این مظہر تلقی گردد و به تحقیقات و مطالعاتی که حزب مادرسارة در شرایط کنونی انجام این امر برای نگارنده ممکن نیست.

تاریخ گذشته نهضت انقلابی مردم ایران میکند کلم نماید.

(۱) حیدرخان در ۱۷ محرم سال ۱۳۹۸ (۱۹۰۱ شمسی) مطابق با ۲۰ دسامبر ۱۸۸۰ میلادی در شهر رومیه در خانواده پیشکی اقبیله افشار تولد یافت. بهمن میان سبیت عمواوقلی بنام حیدرخان افسار نیز نامیده میشود. پدر حیدرخان، علی اکبر افشار، تحصیل کرد تهران و مردمی روش فکر و مतریق بود که در نهضت مشروطیت ایران شرکت نمود. همچنین برادر بزرگ حیدرخان که عباس خان افشار نامیده میشود در جریان انقلاب مشروطیت فعالیت پرداخته و مؤثری داشته است.

نظریه‌مین فعالیت انقلابی پدر و پسره مورد تعقیب شد یعنی ارجاع قرارگرفته بودند، ناچار بجالی وطن شدند و اتفاق تمام خانواده، ایران را بقصد فقاز ترک نمودند. پس از آنکه مدتها افراد این خانواده در شهرهای مختلف فقاز بسربردند با اخراج دشمنان را رساند و از آنکه مدتها کنند.

پدر حیدرخان که پیشکی را در رسم طب تهران اموخته بود ران شهر طبیعت پرداخت و از این ممکن است به تربیت و تحصیل فرزندان خود کمک شایانی بکند.

حیدرخان در شهر رومیه و مکانی در رفلیس در رشتۀ برق تحصیل نمود. در ترتیجه تعلیمات با محیط انقلابی روسیه و افکار سوسیال د موکرات مانند اوزنیکیدزه و دیگران بکسب علوم اجتماعی و بوبیه علم اقتصاد جلب گردید و بزودی بحزب سوسیال د موکرات روسیه پیوست. بناید ارک کتبی برادران حیدر عمواوقلی که نزد اینجانب است و نیز اطلاعات و سمهواتی که از حسن کرمیم نیک بین د بیرونیت که نیست ایران و همکار حیدرخان بدست آوردند، حیدرخان در موقع تعطیلات در رسم خود بکشورهای اروپای غربی همواره برای کسب معلومات مسافرت میکرد. لذا علاوه بر زبان روسی و زبانهای محلی بچندین زبان خارجه از این جمله بزنانهای فرانسه، آلمانی و ایتالیائی آشنائی پیدا کرد و از این زنانهای ایتالیائی تکمیل معلومات خود استفاده نموده است.

(۱) روزنامۀ آذری ایحان شماره ۱۰۱

(۲) از یادداشت و شرح زندگانی حیدرخان که برادران حیدرخان مصطفی و محمد تاری ورد یسف تهییه کردند و نزد نگارنده است.

(۱) حیدرخان در اوائل سال ۱۳۹۰ (۲۸۰ شمسی) از نتیجهٔ فعالیت بین کارگران و ایرانیان باکو مورد سوءظن و تعقیب پلیس تزاری قرار گرفت و تا چارشده موقتاً کارهای ابتداء را پاترک نماید. سپس با استخدام یکی از تخاریانی (رضایف میلانی) درآمد. این تاجر وی را برای ایجاد کارخانهٔ برق د رصون حرم امام رضا مشهد فرستاد. حیدرخان کارخانهٔ برق را در رودت کمی در مشهد داشتمود، ولی د نتیجهٔ تحریکات متوجه اعوام و مردم تحریک شد و بعنوان اینکه گویای ایجاد چراغ برق دستبرد بکارخانهٔ خدا و کاریابی‌هاست کارخانهٔ برق را خراب نمودند.

(۲) حیدرخان در آغاز سال ۱۳۸۲ (۲۷ شمسی) به تهران عزمت نمود و چند ماهی در بانک استقراری و اداره راه آهن شهری و تهران کار کرد. سپس بعنوان متعددی و سرمکانیک کارخانهٔ چراغ برق تهران متعلق به حاجی امین‌الضرب معروف استخدا م شد و در اثر فعالیت و ابتکاری د راین کار لذ ابید رخان برقی معروف گردید. پس از چندی ساخته‌مان خیابانهای تهران و راههای شوسهٔ اطراف تهران نیز بیوی محلی گردید. اشتغال بکارهای مختلفهٔ فنی موجب شد که حیدرخان از زندگی تولد های زحمتکش ایران و اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور آشنائی یافت. ولی از این فرصت برای نشر افکار انقلابی در میان کارگران و روشنگران استفاده نمود و اعادهٔ ای از ایرانیان. انقلابی دیگر بتائیس محقق‌های سوسیال د موکراسی در تهران و برخی از شهروستانهای است زد. انجمن سری (حوزهٔ مخفی سوسیال د موکراسی - اجتماعیون و عالمیون) در تهران برهیزی حیدرخان تشکیل گردید. مخالف سوسیال د موکراسی دیگر نیز تبریز رشت مستقیم یا غیرمستقیم با بتکار وی تشکیل شد. مرکز غیبی محقق‌های سوسیال د موکراسی تبریز تحت نظر افکاری معروف‌علی مسیو ادر ارمیش و در رشت کمیتهٔ سری بنام کمیتهٔ ستاری این وظیفه را یافته میکرد. این انجمن‌های سری بیویه انجمن‌های تبریز و رشت در انقلاب مشروطیت و تربیت مجاهدین نقش مهمی را یافته نمودند.

جمعیت اجتماعیون عالمیون و مخالف سری مربوطه بان واپسی ایران که در ان زمان در رفقاً تشکیل یافته بودند. چون کارگران و ایرانیان زیادی که برای کاروغیره بقفالزمه بودند با کارگران انقلابی و مخالف سوسیال د موکراسی تعاون پیدا کرد و هروشن شد بودند مرکز سوسیال د موکراسی قفقاز و انجمن شهریا کو تحت رهیزی مرد انقلابی معروف هرجسته از رای یagan شروع نزیمان نیمانوف اداره میشد و عیام آقا برادر حیدرخان هم در این انجمن شرکت فعال داشت. این انجمن ضمن مبارزهٔ علیه رژیم استبدادی ایران بارگیری تزاری دشاد و پولناریایی باکو و سایر جمیعت‌شان روسیه مهارزه مینمود.

حیدرخان در زمان قدیم در مجلهٔ یادگار (۵) شرح زیراً بعنوان یاد بود یا خاطرات خود نگاشت:

عین درک :

"در تمام مدت یازده ماه که من در خراسان اقامت داشتم هرچه سعی و تلاش کردم که بلکه بتوانم یک فرقهٔ سیاسی تشکیل دهم ممکن نشد. چون کله های مرد بقدرتی نارسی بود که سعی من در این یاد بی تنتیجه ماند و مظلوم‌کلامات مراد رک نمیکردند. در این مدت یک‌نفر مشهدی ابراهیم نام میلانی را که کارخانهٔ گلزاری آورده و مشغول ساختن گلزاریگار بود با خود هم‌عقیده یافتم که میتوانستم با وصیحت فرقهٔ بیان آورم. در این موقع راهی باعلمای تهران پیدا کرد ه بودم. احوالی تهران بواسطه عکس مسینویز (نوز) تبعید اورا میخواستند. کم کم ماده غلیظ ترشد. مرد م بیگفتند ماده استخانهٔ میخواهیم و کلان‌انتخاب شدند، رفته انجمن هاتشکیل یا قافتند و تمام ترتیبات سایقه بهم خود را هر کس د رانجمنی عضویت پیدا کرد و حوزه عومی ما از هم پاشید. پس ازان من مانند و همان هفت نفر حوزهٔ خصوصی که بفرقهٔ اجتماعیون عالمیون روسیه اطلاع داده شد که در تهران فرقهٔ اجتماعیون عالمیون تشکیل داده شد است. از انجاب شخص من نوشتن که لازمه دستور العمل به شعبهٔ مسلمان‌ها و ایرانیهاد رفقاً زاده شد است و شما هم شعبه‌آنرا در تهران افتتاح کرد ه معاً با ائمه کارکردند."

(۱) افزاید اشت برادران حیدرخان و از نوشتة قناد زاده نامی که در زندگانی اینجانبا است و مجلهٔ اذ رای چاپ ۱۹۴۱ با کو شماره ۱۱.

(۲). افزاید اشت برادران و از سالهٔ تقوی شاهین و از خاطرات خود حیدرخان عموماً قلمی در مجلهٔ بادگار شماره ۱۹۹۱ و قالهٔ ابراهیموف در راثرهای علمی انتیتیو شرق‌شنا سی با کوشماره ۱، اکادمی علوم اذ رای یagan شوروی ۱۹۹۱

این مدرک گویا تاحدی خوانندگان را باوضاع آن زمان و چنگنگی تشکیل حزب سوسیال دموکراتی ایران آشنا نماید.

پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ روسیه حیدر عمووقلی مسافرتی بکشورهای اروپائی از جمله به آلمان و سوئیس نمود (۱) و در این مسافرتها برای تکمیل معلومات فنی خود استفاده کرد و در ضمن همین مسافرتها است که وی فن ساختن بمب و سایر اسلحه واد واتی که بکارهاره اقلابی میخورد آموخته است. در سال ۱۹۰۷ حیدرخان مجدد بایران بازمیگرد و فعالیت انقلابی خود را در راه مجاہدین نهضت مشروطیت ارزمند میگیرد (۲).

بنابراین شرحی که برادر ران حیدرخان مصطفی تاریخورده و همچنین قناد زاده همکار حیدرخان نوشته آ وعین نامه هائزد اینجانب است و قسمتی در روزنامه آذربایجان شماره های ۱۴۳۲ و ۱۴۳۳ چاپ و منتشر شده است، حیدرخان برای پیشرفت و پیروزی انقلاب مشروطیت ابتکارات تهرا میز و کارهای محیر العقولی مینماید. ازان قبیل :

۱- در تهران واعظ معروفی موسوم به سید کندی را واد ارمینماید که برعلیه رژیم استبدادی در رسانه و ممناب نطق و برعلیه فاجاریه تبلیغ نماید. عین الد وله مرجع معروف که در آنوقت صدر اعظم (نخست وزیر) ایران و مرد احقیقی بود، سید واعظ راگرفته و عنابرای ترساندن مرد مبچوب و فلک بسته و تاسیح مرگ با ضربات شلاق کتک زده، سید رابیمه وشو مجرح مینماید. این عمل فجیع موجب عکس العمل بین مردم گردید و مبارزه توده های مردم برعلیه ارتجاع و رژیم شدید ترشد و افکار عمومی برعلیه در راسته پیش گردید. در همین موقع است که سید محمد طباطبائی و سید عبد الله معروف بطرف مشروطه و آزادی خواهان گرائیده میشوند و علمای متنفذ از شاه افتتاح انجمن عدالت (جلجن شورای ملی) جد اقطاعیه مینمایند (۳).

۲- حیدرخان در آذربایجان در ناحیه خوی و ماکو برعلیه ارتجاع و خانهای ماکو و سواران اقبال السلطنه و کرد های مرجع از ایل شکاک مبارزات خونین نموده در رتیجه پیروزگردید و ببران^۴ حکومت خوی فراگرفت. حیدرخان عمووقلی در این جنگها رژیمان بین المللی مرکب از جوانان کرد و آذربایجانی و ارمنی و اسروی و گرجی و ترک تشکیل داد و آنها برعلیه ارتجاع رهبری و فرماندهی میکرد. پس از پیروزی برعلیه ارتجاع میرزا قاخان مرندی روزنامه ای بنام روزنامه مکافات رانجباراکت حیدرخان منتشر میکرد. و نیز میرزا حسین رشدیه پدر فرهنگ ایران اولین دیستان را در رخوی با پشتیبانی حیدرخان داشت. حیدرخان و امیر حشمت دریک گزارش تلگرافی به تبریز چنین مینویسد :

"دسته های انبوهی ایزکدان و ماکویان با چند تن سرکرد ه شان بد های پارچی و جا شروع که یک فرسخی خوی است ریختند و سیم تلگراف را تیزیریدند. دوست و پنجاه تن از جوانان فداکار را بکشند شر انها فستادند. مجاهدین در نیمه شب کرد آن رامحاصره و قریب یکصد تن از انها را کشته و زخمی نمودند. پنجاه سر اسب و مقدار زیادی تفک و چیزهای دیگر از انها بترابه ارگفتند و انها را تاد و سه فرسخ پس نشاند ه بازگشتهند."

میرزا قاخان در روزنامه مکافات مینویسد : اگر جمادیت و راهنمایی د اهیانه حیدرخان نبود بطور حتم قلعه های بد ست مرجعین کرد میفتد !

۳- دفع شر شجاع نظام مرجع معروف (۴)

شجاع نظام مرند یکی از سردار سکان خونخوار میستندین و یکی از سرخست ترین و قسی ترین دشمنان آزادی ایران بود. این شخص عشوناچمن اسلامی (یک گروه سیاه ارتجاعی بودند مرکب از ملائمهایان سیمه قلب و سالوس و مترجم مانند حاجی میرزا کریم امام جمعه و حاجی میرزا حسن جتهد تبریزی و دوچیان (ساکنان محله دوچی تبریز غالباً اهواش و مرجع بودند)) این انجمن اسلامی قلابیا مشروطه خواهان و آزاد یخواهان (۱) از تامه پادشاهی شفیعی تاریخورده یوف برادر حیدرخان و زوجله آذربایجان شماره ۱۱ هجرخان کتبه (۲) از جمله یادگار شماره ۵، از تامه های برادر ران حیدرخان عمووقلی و روزنامه آذربایجان شماره ۱۴۳۲ او و ۱۴۳۳

(۳) افزاید اشت های قناد زاده وازندر رجات روزنامه آذربایجان شماره ۱۴۳۲ او ۱۴۳۳

(۴) از مندرجات روزنامه آذربایجان شماره ۱۴۳۲ او ۱۴۳۳ و از نامه قناد زاده

تبریز همواره در جنگ بود. شجاع نظام یک قبضه تفک سه تیولیان درست داشت همان اهالی تبریز را تهدید نمیکرد. شجاع نظام با همان تفک بالای مغازه صاحب الامر تبریز فته وازنجاب عمد مبی سلاح این طرف رودخانه قری جای تیراند ازی میکرد، باطفال وزنان و پیران ابقا نمیکرد. این حرکات سمعانه شجاع نظام و درسته خونخوار املاع تلفات مردم، ترس و وحشت بین مشروطه خواهان وازاد یخواهان میگردید. اهاشان شجاع نظام دوش بد و شتفنگ اران انجمن اسلامی بر ضد انقلابیون تبریز بزرخاسته و دسته ای از این اهاشان تفک ارد مرند راه اذ وقه، اسلحه و مهمات راه ازه جلقا از طرف سویال د موکره اهبا ناقلبیون تبریز میرسید گرفتند و تبریز را در مضيقه اند اختند و برای مدست ارتباط آزادی خواهان تبریز بافقاً مقطع گردید. کمیته اجتماعیون عالمون تصمیم گرفت بهرگل و ترتیبی باشد شر این جانورخون آشام را بکند. اجرای این امر را بعده حیدرخان عمواقی محل نمودند. عمواقی بامها رت و ابتکاری که در این کارهاد است باعده ای از جاهدین گرجی و ارمونی دست پکارش و لک ماشین جهنمه در یک جمعیت مخصوص تعبیه کردند و از طرف یک فراز تجار معتبر تبریز با مهره را مضاخر همان تاجرانه ای خطاب به شجاع نظام مرندی که در آن روزها (گویا برای تهیه غواصی موتتعین) بعنود رفته بود نوشته و در آن نامه چنین قید کردند:

نظریاً ینکه مخالفین مذکور اسلام یعنی مشروطه طلبان در این سوی قریچای (رود خانه خشک که محل گرسیلابد روست تبریزا است) تجاویز جان و مال و ناموس مینمایند و مردم به هیچ چیزی اطمینان نداشتند لذا نویسنده (همان بازگان) جواهرا را خانواده و طلاقات خود را در این جمعیت بعنوان امانت نزد شما (یعنی شجاع نظام) معرفت که تاختانه یافتن غالله تبریز و تکه شدن کلک بیدینان در محل امن و امانی باشد زیارا که تمام دارائی و هست و نیست من دستخوش این لاذ هیبان شد ه است^(۱).

از قرار معلوم این نامه بقدرتی خوب و طبیعی تدوین شده بود که شجاع نظام موضوع را راست پنداشت و فی المجلس بیانوک کارد یاخنجری سر جعیه روشن نماید. نویسنده قناد زاده مینویسد که از قرار گفتة جیرئیل بود اینها رویت جواهرا محتوى جعیه روشن نماید. نویسنده قناد زاده اینها اشته است اظهار میدارد که من دم پنجه نشسته بودم که دشخاصیم حکایت کرد و در آن مجلس حضور داشته است اظهار میدارد که من دم پنجه نشسته بودم که دیدم بمحضر خود ن کارد بجهیه صد ای رعد آسمائی بلند شد. من دیگر نفهمید م چطربور شد، از پنجه به بیرون پرت شدم، مجروح و خون آلود رحیاط خانه بزمین خوردم. شجاع نظام و چند نفر دیگر که در اطاق بودند قطعه وکشته شدند. بدین ترتیب شر یکی از شقی ترین دشمنان آزادی ایران کند ه شد. این حادثه عجیب و غریب چنان رعب و هراسی د رقوی مبتده بین اند اخت که از همه چیز حتی از گاو و گوسفند و گدا و قلیان پیترسیدند.

موقعی که عین الد وله بمحاصره تبریز پرداخت دستور میداد که قلیان اورا چند صد متز بر سر ده آزمایش کنند پس از حصول اطمینان ازی خطری نزد او بیاورند.

۴- بعث اند اختن بنمنظور قتل محمد علی شاه خونخوار امور توپ افرادی با اساسنامه احزاب کمونیستی و کارگری منافات دارد. افرادی که مرتکب توهون فراد بشوند عضو حزب کمونیست نمیتوانند باشند. گنگه پنجم حزب کمونیست بشویل بنایه پیشنهاد و اصرار ارلنین بزرگ ترور فردی راقد غن و معنوع کرد ه است. ولی قبل از آن در پاره ای کشورهای من جمله ایران ترور فردی رایج و متد اول بود، حتی در روسیه برادر لنهین به تزار روسیه (الکساندر) بعث اند اخته اوراد ستگیو باعده^۴ اعدام کردند. لنهین از این موضوع در رسالت گرفت و گفت: راهی راکه برادر رم رفته ماد نبال نخواهیم کرد. ماترور فردی راطرد و طرق ارائقاب و تحول جامعه هستیم.

در ایران نظریاً وضع احوالی که از قدیم وجود داشت از عهد اس معنیلیه و ماقبل آن تا چندی قبل ترور فردی یکی از مسائل مبارزه آزاد یخواهان بوده است - مانند ترور نظام الملک بدست اس معنیلیه های اموی و حسن صباح، ناصر الدین شاه بوسیله میرزا رضای که مانی، اتابک بدست عباس آقا - آخرین ترور عبارت از قتل رزم آرا نخست وزیر ایران و تیراند ازی بمحمد رضا شاه فصلی د رفویه ۱۹۴۹ وغیره ولی ترورهای اخیر

(۱) از مندرجات روزنامه اذر ریاضان شماره های ۱۴۲۳ و ۱۴۲۴ و از نامه قناد زاده.

نامبرد ه بست اشخاص غیرکمونیست یا غیر توده ای بوده است.

محمد علی شاه زیراللایاخوف راد ر ۱۹۰۸ (۱) وارد کرد که مجلس شورای ملی ایران را به تسویه و آزاد یخواهان راقلع و قمع نماید. محمد علی شاه آخرین شاه مستبد و خونخوار قاجاری بود. او نه تنها مشروطه اعطائی پدرش را زینین برد بلکه کشور ایران را بامپرالیست ها فروخت، لذا تمام مردم ایران نسبت باونفرت شد یدی داشته اند. این شخص جبار آزاد یخواهان ایران راتوقیف و تبعید و مقتول رساند. حیدر خان عموقاً مأمور ازینین برد ن محمد علی شاه گردید. حیدر خان با بمب های خود ش ساخته بود به کالسکه محدود علی میرزا بمب پوتاپ مینماید. بمب بد رشکه چی و بعضی از مستخدمن محدود علی میرزا اصابت میکند و آنها را زینین میسرد. متعاقن به بمب بخود محمد علی میرزا خونخوار اصابت نمیکند و شاه خود ش را ز کالسکه بیرون میاندازد (۲). درنتیجه حیدر خان بورد تعقیب قرار گیرید و برای اعدام در اطاق مسگرک زندانی میگردد. ولی حیدر خان هرگز مأمور نمیشود. با کمک رفقاء خود و کمیته سری سوسیالیست مکاراهای موفق بفاراز زندان میشود. افسری حیدر خان را زندان برای استنطاق تحویل میگیرد و ان افسراز رفقای سری حیدر خان بوده (۳) و ازین تاریخ حیدر خان معروف به حیدر رمی میگردد.

مجله اذر رایجان چاپ باکود رسال ۱۹۴۶ مینویسد: گرچه بمب حیدر خان به محمد علی شاه اصابت نکرد مهد احوال هیئت حاکمه ایران و امپرالیست های خارجه که محافظ شاه بودند از این وضع نگران و دراضطراب بودند. قوسنگرهای خارجه حیدر خان را تحت نظر خود گرفتند و همواره به در ریار بطریز هرگز محل اقامت و مسافرت های حیدر خان را خبر نمیدادند. مثلاً موقعیه حیدر خان در رسال ۱۹۰۸ به تهران امد قنسول روسیه تزاری تکراف زیربرد ریار بطریز هرگز مخابره کرد: (۴)

"حیدر خان معروف به تهران وارد شد"

این شرح اهمیت حیدر خان را میرساند که چه رلی در انقلاب مشروطه ۱۹۰۷ و ۱۹۱۱ بازی کرد (۵). است. حیدر خان پس از فراز زندان از پلافلصله به بعد اد و اسلامیول و اروپا مسافت مینماید. پس از اندک مد تی بنای تصمیم حزب سوسیال د مکرات با ایران بازمیگرد و در راس قوای انقلاب قرار گیرید و در رسال ۱۹۱۲ در اثر فراگرفتن سلطه ارتجاع با پشتیانی امپرالیسم انگلستان و دخالت روسیه تزاری حیدر خان مجدد ابا روپا مهاجرت مینماید و افکار عمومی آزاد یخواهان اروپا برای کم باقلابیون ایران و اعتراض بد خالت آنها ر رکاره اخلي ایران وقتل ازاد یخواهان جلب مینماید (۶). حیدر خان به کنفرانس پراک حزب بلشویک که بربری لئین تشکیل میگردد، ازد خالت روسیه امپرالیستی ر رکاره ایران و قتل آزاد یخواهان شکایت میرد. بناییاد داشت خانوادگی هرداد ران حیدر خان، امیسیله اهربیزیکد زه و شاعویان و هلننا استاسوا اوضاع ایران را بعرض ولاد میرا یلیچ میرساند. درنتیجه کنفرانس پراک قطعنامه زیر اعاده مرینگا: "حزب سوسیال د مکرات اسی کارگری روسیه علیه روسیه تزاری که میخواهد با اعمال بربری خود آزادی راد رایران خفه کند اتراء خمینماید. کنفرانس هم دری کامل خود را با مبارزه خلق ایران و ازان جمله بامبارزه حزب سوسیال د مکرات ایران که در نبند علیه است مکاری تزاری آن همه قربانی داده است ابراز میدارد".

(۶) حیدر خان در خارج دستجات مختلف ایرانیان را تحدید نمیکند و روی پرسنیب واصل د مکرات کاد رهایی برای بارزات انقلابی رهایی بخش ایران تهییه و اماده مینماید. پس از شروع جنگ بین الملل اول حیدر خان مانند سرهنگ د راترش ترکیه برای جنگ برعلیه ارتش اشغالگرانگستان و روسیه وارد شد. جنگ جهانی اول ایران رانیز راحت نگذشت گرچه د ولت ایران رسماً بیطرفی خود را اعلام کرد ه بود، ولی خشک ایران مدل به ارد و گاه نظمامی امپرالیست ها گردید و لشتهای ضعیف ایران قادر نبودند که کشور خود را از

(۱) مجله اذر رایجان شماره ۱۰ مورخه اکتبر ۱۹۴۶

(۲) مجله اذر رایجان شماره ۱۰ مورخه اکتبر ۱۹۴۶ چاپ و منتشره باکو

(۳) مجله اذر رایجان شماره فوق و یاد داشت های برادران حیدر عمواقلی و قناد زاده

(۴) مجله اذر رایجان شماره ۱۰ مورخه اکتبر ۱۹۴۶ چاپ باکو

(۵) ازیاد داشت خانواده هرداد ران حیدر خان که در روزنامه اذر رایجان شماره های ۱۴۳ و ۱۴۲ چاپ گرد

(۶) از جمله اذر رایجان شماره ۱۰ مورخه اکتبر ۱۹۴۶

تاخت و تاز ارش متخاصمین و امپرالیست ها محفوظ نگه دارند . در این موقع میهن پرسنل پرسنل آزاد بخواهان ایران بد فاعل از میهن خود برخاستند . در این مبارزات حید رخان مانند همیشه رل اولیه را بازی میکرد (۱) . حید رخان در سال ۱۹۱۵ با ایران بازگشت و در نهضت مليون و مهاجرین و زاند ارمی که در آن زمان رل متوجه بازی میکرد و در قم موز مقاومت و مبارزه برعلیه اشغالگران روسیه تزاری و انگلستان تشکیل داده بودند شرکت فعال داشت . پس از جنگهای خونین با اشغالگران در قم قوای مليون د چارشکست میگردند . حید رخان اسپرسو حکوم بحسی با اعمال شاوه میشود ولی پس از اندک مدتی موقق بفرار میگردد و به اروپا مهاجرت میکند .

(۲) علیزاده نامی دریاد داشت های خود که نزد اینجانب است چنین مینویسد : اولین ملاقات اینجا با قهرمان آزاد ایران حید رعما واقعی د ۱۹۱۷ در برلن رخ داد . حید رخان بنای دعوت سید حسن تقی زاده مد رئیسیت ایرانیان به برلن آمد . علیزاده نامی دریاد روزنامه کاوه کارمیکرد وزبان آلمانی را فرامیرفت .

در راه طریق عمل و اقدام رکارهای ایران بین تعییز از داده و حید رخان اختلاف نظر بود و با لآخره بین این دو نفر موافق حاصل نشد . حید رخان برعلیه مد اخلاق آلمانی ها و اوتک هاد را مهربان بود و عقیده داشت که ایران را خود ایرانیها بترانه باشند و خارجی اداره مینمایند و انقلابیون نباید آلت مقاصد امپرالیستی دیگران باشند . علاوه بر این چون تعییز از داده در شخص حید رخان عما واقعی یک انقلابی مستقل الرأی وجودی میدید لذ اباد ادن اختیارات در دست وی مخالفت کرد و حید رخان را طرد نمود .

فعالیت حید رخان در نهضت کمونیستی و کارگری ایران

(۳) حید رخان عما واقعی پس از پیروزی انقلاب اکبر بروسیه مراجعت کرد . در جنگهای انقلابی علیه مد اخلاق جویان و انتروانیونیست ها بجنگهای داخلی پرداخت . در پتروگراد سپس در جبهه ترکستان در جنگهای داخلی برعلیه دشمنان انقلاب اکبریجنگ پرداخت مخصوصاً برعلیه قوای اشغالگرانگلیس (۴) و در سالهای ۱۹۱۸-۱۹۲۰ به مشکل کرد ن رحمتشان ایران وارد کرد آنها به اینجا از سخ انقلابی ایران برای کلک بانقلاب اکبری و آزادی ایران پرداخت . حزب کمونیستی عدالت که رسماً بلا فاعله پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در راکو بوسیله اسدالله غفاریزاده و عده ای از انقلابیون ایران تشکیل شد بود در این تعمیق ارتقا و حکومت کرنیکی و نیز کشتار ارشاد شاگالگر ترکیه وغیره ضعیف و تقویاً متلاشی شد و بود . خود اسدالله غفاریزاده در راه ارتباط گرفتن با قوای پارتیزانی جنگل پر بهیری میرزا کوچک خان بوسیله عناصر ضد انقلابی ترور و مقتوول شد و بود . (جنگلی ها ماجاهدین بودند که برعلیه امپرالیسم و دیوار فاسد قاجاریه در زمان جنگ بین المللی اول در جنگل های گیلان موضع گرفته و بجنگ های پارتیزانی میمود اختند و عقیده داشتند تا کشور اصلاح نشود آنها سروریش خود شان راصالح بخواهند کرد . قوای جنگل جنگهای خونینی بسر علیه قوای اشغالگرانگلستان نمودند و دست دیدی مانع حرکت آنها بمقابله ازراه رشت و انزلی شد و اند) . حید رخان به همراهی حسن نیک بین که پس از حید رخان د بیرون حزب کمونیست ایران شد در سالهای فوق د و مینا میمید و خود شن صد رفرقه عدالت انتخاب میشود .

حید رخان در سال ۱۹۱۹ بعد دعوت ولاد پیغمبر ایلیچ لنین از طرف حزب عدالت برای شرکت در تشکیل اولین کنگره بین الملل سوم (کمونیستی) به پتروگراد دعوت میشود و بعد اینه نمایندگی ایران در ترکیب

(۱) ازمجهل اذر را یگان شماره ۱۰ ، چاپ پاکو، سال ۱۹۴۶

(۲) ازیاد داشتهای علیزاده که در روزنامه اذر را یگان شماره های ۱۴۳۲ و ۱۴۳۳ ضمن مقاله اینجانب چاپ و منتشر گردید .

(۳) از شرح حال حید رخان که برادر ارش تهیه کرد و در نزد اینجانب است و ازمجهل اذر را یگان شماره ۱۰ مورخ آکتبر ۱۹۴۶

(۴) از قله ابراهیم او فرید ریاد داشت علمی انسنتیتویی خوشناصی اذر را یگان شماره ۱

هیئت اجرایی کمیترن وارد میگردد (۱)

در میتینگ بین المللی کارگران پتروگرد که بمناسبت ایجاد بین المللی کمونیستی تشکیل شده بود حیدرخان نطقی سخن زیرا برآ در کرد که در جراید پتروگرد در آن زمان درج و منتشرگردید : (در این موقع نام مستعار حیدرخان رجب بمعنی بوده است) *

نطق حیدرخان در میتینگ بین المللی کارگران پتروگرد بمناسبت تشکیل بین الملل کمونیستی

رفقا برادران !

از طرف زحمتکشان انقلابی ایران درود وسلام بر شما ! درود بروسیه شوروی که پرچم ازادی مردم و وطیقات زحمتکش جهان را بر علیه ظلم و استثمار سرمایه بین المللی برافراشته است ! سپس با اشاره به بروگزاری کشورهای اروپا و امریکا چنین گفت :

رقا ! شاعر ملی مارکولیه طبقه استعمارگر اشعار معروف نیز ارسود است :

سرنزا یان برافراشت
وزیشان امید بهی داشتن

سررشته خوش گهربند نست
بجیب اندرون مارپیورد نست

رقا ! سازش با بروگزاری و چشید اشت از انتقام در حکم مارپیورید ن است . رفقا ! مافرزندن خلیق ویرای حق حلق مبارزه مینماییم . سرماهیه داران د شمن ماهستند . ما زهرگونه سازش با این مستگران امتناع میزیم . اینها خفه کنند چنین رهائی بخش و مکند خسون مردم زحمتکش هستند . در مارزه با این مستگران برای ما یارمگ و یا پیروزی باست ! راه برگشت و عقب نشینی برای موجود نیست ! امبه پیروزی خود اعقاد و اطمینان داریم . مامطمئن هستیم شعله ای را که کشور شوروی برافروخته است ایران انقلابی را نیز فراخواهد گرفت .

از آنجاییکه موقع حوار اخیر ایران (غرضش انقلاب مشروطیت است) در رویه رژیم استبدادی تزاری حکفه مایند و مرد مان روییه با این حوار است آشنا نیستند ، من لازم میدانم بطور اخصار کم شماره در جریان یگدا رم وا زنده یات و تجاوز بروگزاری شعبانیا و تاریخ ایران شمه ای بعرض پیرسانم :

رقا ! کشور ایران از و طرف مورد غارت و یغما قارمیگرت : از طرف باند مشکل سرماهیه داری اروپا و دسته دوم از طرف باند مشکل غارتگر اسیایی . باند مشکل اروپائی عبارت بود از سرماهیه داران رویه وانگلیس - که سرماهیه داران این کشورهای ایران امده وا زد ولت ایران یا ملاکین و قواد اله امتیازاتی گرفته قراء و قصبات را جاره میگردند و سپس اواشان و فرار این محاکم باعمال شاقمه را مسلح میگردند (اسلحة را از سفارت متبوعه خود دریافت میگردند) و این تفکیر ایران بجان و مال و ناموس مردم تجاوز میگردند و رموقد برداشت محصول و خرمین بنزور تمام محصولات زراعی را غارت میگردند و برای د هفقاتان چیزی باقی نمیمانند . این دهاقین برای امور حیات و عائله شان ناچار به پنهان گرفت و ترک وطن شده بکشورهای خارجه برای کارلوگه نهانی میرفتند . غالب خانواده این بنیوايان از گرسنگی و سرمایل میشدند .

باند استبداد اسیائی بد تزوید ند . مستخد مین و نزد یکان شاه و لایت وا یالی را مورد بیع و شری قرار مید اند نه . ناحیه بسیار وسیعی را بیک شخص مقدر ری () میفرودند و اینها بوسیله معاشرین و نوکران خود با ساکنان این ناحیه و د هفقاتان هر طوریه میخواستند معا مله میگردند .

در ایران بید اد که بسیار مورد بستوه اند و در نتیجه د ست جات مشروطه خواهان و جمهوری خواهان بوجود آمد . این آزاد یخواهان در مرحله اول هد فشان ازینین برد ن قسی ترین د شمن ملت یعنی شاه بوده است ، بالآخره شاه را بقتل رساند ه ازینین برد ند . در اثر قتل شاه فشار و رژیم ترور در ایران مستقرگردید . نهضت آزاد یخواهی را که ماند ، ولی کارهای نهضت بطور مخفی و سری اد امه

(۱) توییستند گاین مقاله در سال ۱۹۲۴-۱۹۲۵ که برای تحصیل بمسکواده بود م باتفاق نیک بین د بیس رزب مامنند مهمن د ریکی از بندهای کمیترن شرکت کرد . در پیوارهای کمیترن عکس حیدرخان را در روز ریز فیزعی کمیترن مانند لذین ، تلمیز وسا پیوارهای نصب دید . رفیق نیک بین برایم سخن داد که رفیق حیدرخان در کنگره اول شرکت داشته است .

داشت . پس ازین برد ن آزادی و انقلاب جدید برپا شد و درنتیجه مبارزاً ت انقلابی قانون اساسی و مشروطه بوجود آمد . ولی این آزادی و قانون اساسی مدت زیادی طول نکشید و امپرالیستها خارجی وجود مشروطه و آزادی و قانون اساسی را در ایران تحمل نکردند و تضمیم به اینین برد ن آزادی و انقلاب ایران گرفتند . برای امپرالیسم انگلستان وضع ایران از این حیث ناگوار بود که دیگر نمیتوانست امتیازات بزرگ در ایران بدست آورد . امپرالیست‌ها ب تمام قوای خود انقلاب اولیه ایران را ازینین بردند . امپرالیسم انگلستان برای خفه کرد ن انقلاب ایران پاره‌ای اوقات از سریزه و سریازان وارتش روسیه تزاری استفاده میکرد . پس از انقلاب فوریه هم این رویه ادامه داشت جه که کونسکی رئیس حکومت موقتی روسیه غلام حلقه بگوش امپرالیسم انگلستان بود . فقط انقلاب اکبر تمدن خلقهای شرق آزادی بخشید .

حقیقت و ماهیت روش روسیه سوسیالیستی بصورت بشنویم بتمام دنیا ثابت شد . انقلاب اکبر قرارداد ۱۹۰۷ بین انگلستان و روسیه را اینین برد (طبق این قرارداد ایران بین روس و انگلیس تقسیم شد) . انقلاب اکبر تمدن هدف ها و مقاصد جهانگیرانه امپرالیسم روسیه را ازینین برد و ارتش روسیه را از ایران با خواست و بدین طریق پایه واساس انقلاب سوسیالیستی جهان را پایه گذاری کرد . رفقا ! امروزی از پیروزی انقلاب اکبرما شماراً مانند سردار رو دوستان خود حساب میکیم و برادر رواهیا بستی کلک هدیه یکریا شیم . رفقا ! عزیز مانع شدیم تا کنون ۱۳۸۰۰ نفر ایرانی را رصفوف ارتش سرخ مشکل کیم طبیش از پیش خوشوقت و سعادت تضدد خواهیم بود که رابطه بیشتری بین روسیه امروز و ایران انقلابی برقرار کنیم .

رقا ! باماکان بد هید که دشاد وش شما ردد یف شما باد شمنان مشترک مبارزه نمائیم و ما خواهیم توانست تاحد هزار نفر ارتش سرخ ایرانی تهیه نمائیم (صدای هواودست زدن معتقد حضار بلند شد) .

مادر رد یف شما مبارزه خواهیم کرد . در عین حال دستجات تبلیغاتی و پوپولاریست ازراه ایران بهند وستان خواهیم فرستاد و قوای انقلابی ایران که با انقلابیون هند متحد شوند امپرالیسم انگلستان را ازینین خواهند برد (دست زدن حضار) . رفقا ! مانعیاند گان شرق که در این جا آمدیم دارای هدف مشترک در مبارزه علیه دشمن مشترک هستیم . ماخوشوتیم که این موضوع را در مقابل خلق شوروی اظهار مینماییم . (دست زدن معتقد شرکت کنند گان میتینگ) (۱)

ازین نطق برمیاید که حیدرخان نه تنها مرد حرف بلکه مرد عالم بود .
مادر رد دیگری درباره اینکه چگونه ایرانیان از حزب‌الله ایران استقبال خواهیم داشت که گفتار خرد رخان است درج و منتشر مینماییم : (۲)

۱۹۲۰ در شاکنند رسید ایرانیان میتینگ رنجبران ایرانی برآگردید .

د ویست نفزارگران ایرانی حضور داشتند . میتینگ رانماینده کمیته مرکزی اشتراکیون (عدالت) علیخان زاده گشود . سپس رفیق مصطفی سوحی از سیاست استیلاکرانه*

متفقین در ایران و در تمام شرق بیانات توضیحات داد . همچین رفیقان سلطان زاده وفتح‌الله زاده درباره اقتصاد ایران نطق‌هایی کردند . در آخر از طرف مجلس قوانین ام صاد و قبول شد بنایه پیشنهاد بکفرارزیقان قرارگذشت برای فرستادن با ایران یک اردی سرخ از ایرانیان تشکیل یابد . در همان جلسه ویست نفر یعنی همه حاضرین به ارد وی سرخ نام نویسی کردند . ع . محمد زاده عضو کمیته مرکزی عدالت .

این درگ گویا میتواند که چگونه ایرانیان برای رفع ظلم و ستم از انقلاب حسن استقبال میکردند .

(۱) نطق فوق در روزنامه های پژوهگاری در ان موقع منشیرگردید و سواد ش جزو یادداشت های حیدرخان عمماً واقعی بوده است که برادران حیدرخان سواد نطق فوق را بینجامند اد و در نزد اینجانب است .

(۲) نقل از مجله هفتگی شعله انقلاب چاپ سمرقند بزمیان فارسی شماره ۲۵ ، سال دوم ، مورخ ۲۱ مارس ۱۹۶۷

حیدرخان عمواوقلی د رکنگره خلقهای شرق

در سپتامبر ۱۹۲۰ کنگره خلقهای شرق با یاتکارکمیته‌tron در راکوت‌شکیل شد. در این کنگره حیدرخان عمواوقلی باتفاق محمد اخوند زاده (سیروس) و قنادزاده و پیرگران شرکت کردند. حیدرخان ریاست هیئت نمایندگی ایران را درآورد. مشارکیه جزو هیئت رئیسه کنگره و بعد از رکمیسیون پروپاگاند و تبلیغ و عمل (هیئت اجرایی) انتخاب شد (۱). رفیق حیدرخان در این کنگره نطقی بینان اذربایجانی ایران کرد که خود شر از ایغارسی ترجیمه کرد (۲). عین نطق درست نویسنده است. برای احتراز از طولانی شدن مقاله از برج ان صرف نظر نمی‌نمایم.

در کنگره ملل شرق نمایندگان خلقهای ملیت‌های زیورشکرت داشتند. اسماعیل روئای نمایندگان

بشرح زیراست:

- ۱- ازترستان رسول عبد الرشید اف و کاریوف
 - ۲- ازترکیه مصطفی صبحی
 - ۳- ازچین وان
 - ۴- از هندوستان کاریل و ناصر صدقی
 - ۵- از اخیوه ملا بیک جان، رحمان اف عبد الله علیوف
 - ۶- از خوارا محمد واوف
 - ۷- از دامنه‌ان سراج الدین قاردن اش اوقلی
 - ۸- از یالات تور TBOR دیگروف
 - ۹- از شمال‌قفقاز غلی اووف
 - ۱۰- از ارمنستان گستاخان
 - ۱۱- از ترکمنستان نیارقلی
- هر چند این نمایندگان از این مملکت‌ها اهلی نبودند اما این اتفاق ممکن است این افراد از این مملکت‌ها باشند.

حیدرخان در راه من حزب کمونیست ایران و شرکت وی در انقلاب گیلان برای ایجاد وحدت و پیروزی انقلاب

(۳) در اواخر انقلاب گیلان اولین کنگره حزب کمونیست ایران در ۲۲ روزن ۱۹۲۰ دریندر انسزلی تشکیل یافت. این کنگره از کادر رهای حزب سوسیال دموکرات عدل است. تشکیل گردید و فعالیت عمدۀ این حزب بیشتر رگیلان انقلابی بود. گیلان در آن موقع پاکاه نهضت رهایی بخش ایران بود. هدف اساسی حزب کمونیست رهبری نهضت رهایی بخش ملی و حفظ وحدت و جبهه واحد نهضت ملی برعلیه امپریالیسم انگلستان بود.

برنامه حزب کمونیست اخراج امپریالیست‌ها از ایران، واژگون کرد ن سلطنت و حکومت خان و فیض آب بود و در قسمت ارضی غبیط املاک فقود الها و ملکین بزرگ و تقسیم بالاعوض انتها بد ها قین و ملت.

کنگره اول حزب کمونیست پی از تصویب برنامه و اساسنامه، تهییت و تبریکی به ولاد پیغمبر ایلیچ لنین و کمیته مرکزی حزب کمونیست بلشویک ارسال داشت. ۱۵ نفر از بنوان کمیته مرکزی انتخاب نمودند. اراده پیش سلطان زاده بعنوان صدر و کارمن اتفاقی و میرجعفری‌پیش وزیری (جواد زاده) بعثت دیگران حزب انتخاب نمودند. حیدرخان عمواوقلی در آن موقع سرگرم مبارزات و چنگهای داخلی در ترکستان برعلیه مد اخلدیه جویان انگلیسی بسرکردگی ماله سون بید و نزیحید رخان ایرانیان آسیای میانه (ترکستان) راهیه و تجهیز برای انقلاب گیلان میکرد و ازان‌جباری شرکت در انقلاب گیلان ۱۵۰۰ نفر مجاهد (ارتش سرخ) اعزام داشت.

و نزیحید رخان عفو شورای جنگ شوروی فرونت مشرق (ترکستان) بوده برعلیه ضد انقلابیون و اشغالگران

(۱) سواد صورت جلسه کنگره حکایت میکند و نامۀ رفیق محمد اخوند زاده نزد اینجانب است و همچنین یاد داشته‌ای قنادزاده که در روزنامۀ آذربایجان منتشر شده است مذرک شرح بالا درباره کنگره خلقهای

شرق است.

(۲) عین نطق و بیانیه کنگره شرق نزد نویسنده است هرای احتراز از طولانی بودن مقاله از برج آن خود دارد.

(۳) از پیش‌نیاز مسکو م. ایوانوا نهضت رهایی بخششی د رایالت گیلان، ۱۹۲۰-۱۹۲۱ چاپ مسکو

انگلیسی د رجتگ بود . د لیل سوم عدم شرکت حیدرخان اختلاف نظری بود که با سلطان زاده اتفاقی هاداشته است و حیدرخان آنها را کمونیست های چپ رو میدانست و باصطلاح اولتراراکونیست مینامید . (۱)

باری پس از تشکیل اولین کنگره و فعالیت تند روانه حزب کمونیست بین زعمای انقلاب گیلان وحدت مدل باختلاف شد . د لیل وجهت عدم آین اختلاف تزلزل و رعب کوچک خان صدر حکومت انقلابی گیلان از توسعه هم پشت بوده است (۲) (که اوصفات بازی بیرون روانی است) . کوچک خان حاضر نبود انقلاب راعقا و طولاً توسعه دهد یعنی حاضر نبود که از محیط گیلان پا فاترگارده و اصلاحات ارشی را عملی نکرد (در صورت یکه در برناهه جمهوری انقلاب گیلان جزو وظایف اولیه انقلاب گیلان بود) و مناسبات فتح الدینه کماکان برقرار بود .

د لیل اساسی د و مریم و عملیات چپ روانه گروه سلطان زاده بوده است . گرچه بانو ایوانوگروه سلطان زاده ورقا یش را در کتاب خود پرووکاتر و غیره میناد ، ولی نویسنده این مقاله که شخصا سلطان زاده را میشناسنند و با او کارکرده ام سلطان زاده و غالباً رفقا یش کمونیست های چپ رو بوده اند . شخص سلطان زاده با وجود خدمت کارگری و کمونیستی ایوان نمود ، ولی غالباً دچار مرور چپ روی یا راست روی بوده است . ورقی خروشچف د ببرائل حزب کمونیست شوروی عالی مسکو در د سپتامبر ۱۹۶۲ چه خوش گفت : " هر کس از چپ برود از راست بیرون میاید " (۳) . این گفته طلاقی رفقی خروشچف هزار حقیقت دارد و بازندگانی حسنه واجتماعی ماتطبیق مینماید . رفقی سلطان زاده ورقا یش در انقلاب گیلان د چارچپ رویهای مضری شدند و مود و تبدیل های زحمتش را از انقلاب متفرق و متجزر نمودند که شرح آن موجب تحلیل مقاله میگردد . بعد همین سلطان زاده در سال ۱۹۶۵ رژیم رضاخانی را که بدست امپریالیسم انگلستان برای خفه کرد ن جنبش رهایی بخشن و برای ادامه سلطنت امپریالیسم در اثر کودتای خائنانه سید ضیاء و رضاخان در حوت ۱۹۶۱ روی کارآمد بود یک قد م بجلو و مترقب میدانست . بعد از حزب کمونیست ایوان در رکنگره دوم خود نظریه راست روانه چپ روان د بیرون راه حکوم نمود ! کوچک خان در پائیز ۱۹۶۰ از مقام خود مستعفی و اقوای خود بجنگل میورد و بدین طریق انقلاب گیلان شکاف و انشعاب یافت (بد یهی است که امپریالیستها و عملان آنان محرك این انشعاب برای هعفت قوای انقلاب بوده اند) .

در ۳۱ ژوئیه ۱۹۶۰ حکومت جدید انقلاب گیلان برای است احسان الدخان معروف بنام " کمیته آزادی ایران " تشکیل یافت (۴) . از رفقای سلطان زاده میر جعفر پیشه وری (جواد زاده) و کامران آغاز زاده وارد این کمیته بر همراهی احسان الدخان شدند . احسان الدخان یکی از بانیان چنگل و پیکی از زعمای انقلاب گیلان و دموکرات متبیه و انقلابی بود ، ولی در این انحراف اوتوریستی و اثاراتیستی بود . احسان الدخان با جواد خان تفاکری داشت و در حشمت طالقانی در سال ۱۹۶۷ به نهضت چنگل پیوست . مشارکیه در سالهای ۱۹۶۵ در کمیته مجازات باحسین لله ، ابوالفتح زاده و پیش نمایان زاده کارمکرد . پس از استگیری و اعدام رهبران کمیته مجازات احسان با تفاق اشخاص نامبرده فوق بجنگل گیلان پیوست و نکنگره اول حزب کمونیست را تأثیرگرفت و تهییت گفت .

پس از شرکت رفقای سلطان زاده در حکومت انقلابی گیلان چپ رویها توسعه یافت و حد کمال رسید (بوسیله عناصری مانند صدق علی ها و آقای ها وغیره) . و انقلاب گیلان با آن فتوحات در خشانی که چرچیل رانگرا نکرد بود و ارتش انقلاب تازد یک قزوین رسیده بود ، د چارشکست و د موققیت میشود . لشکریان با گلک ارتش انگلستان شهر رشت را شغال کردند و به نزد یکی غازان و انزلی رسیدند . فقط بعد از

(۱) از نامه برادران حیدرخان و ازرساله بانو ایوانوا

(۲) ازرساله بانو ایوانوا و بروشور انقلاب اکتبر ایران جات ۱۹۵۸ در مسکو

(۳) از گفته رفقی خروشچف در جلسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی مورخه د سپتامبر ۱۹۶۲

(۴) از کتاب فوق الذکر ایوانوا ایوانوا از رساله تقدیم شاهین و یادداشت های قناد زاده

جنگهای خونین و مقاومت سخت انقلابیون درین رازلی و غازیان و تلفات زیاد ، لشکریان شاه رشت را تخلیه و تا امامزاده هاشم عقب نشینی کرد و درود بارون منجیل موضع گرفتند.

حیدرخان لید روصد رحرب کمونیست ایران

(۱) در نتیجه اتفاقات تده حزبی از همه جا رهنمایی بین الملک کمونیستی چند ماه بعد از آنکه اول پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۲۰ اتشکیل شد . در نتیجه رهبری انقلاب و حزب کمونیست ایران بدست توانای حیدرخان عموقی بیناید گذاشت و سوسیال دموکراسی ایران افتاد . در رهبری جد علاوه بر حیدرخان که بعنوان دبیرکل وحدت کمیته انتخاب میگرد داشخاص جدیدی مانند کریم حسن نیک بین و محمد آخوند زاده شیرازی و محمد رسول دیدگران وارد میشود . از ترکیب کمیته مرکزی منتخب گنگه اول رفیق پیشه هری (جواد زاده) و چند نفر دیگر اقیانی میمانند . سلهان زاده و اقای هادوغیره از ترکیب کمیته مرکزی اخراج وسلحان زاده بهمسوک منتقل میگرد و با انتخاب حیدرخان زاده بعنوان نماینده حزب کمونیست در پیش کمیته اول میگرد . با انتخاب حیدرخان عموقی و بسیار کارمند وی بر رهبری حزب ید انقلاب گیلان تقویت میشود و انقلاب گیلان بر محمله سوم خود وارد میگردد . پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران ، تزهای روز راد ریاره منظره آینده انقلاب گیلان و برنامه اساسنامه حزب را صویب کرد . این مدارک روی اصول لنینسم و مارکسیسم بوسیله حیدرخان تنظیم شده است .

تمام وغم حیدرخان در این بود که انقلاب گیلان را سرویه میگرد و آنرا ازدست اشخاص نلایق و چپ روانی مانند اتفاقی ها و مصالحی هانجات بدده . بهر حال حیدرخان پس ازدست ترقیت رهبری حزب یاده ای از جوانان رشید کمونیست ایرانی با وجود مخالفت چپ و راست برای تجات انقلاب و تولید وحدت بین زمایان و ایجاد جبهه واحد با مقدم اری اسلحه بکیلان حرکت مینماید . در این امر خطیر پیشتبیان حیدرخان عموقی بیرونی کمونیست ففاظ مخصوصا اورژیکید زه و مرحوم نریمان نریمان اف بوده است .

حیدرخان پس از ازدهن گیلان دست بکارش و موفق گردید بین زمایان انقلاب التیام دهد و حکومت انقلابی جدیدی تحت رهبری مجدد کوچک خان بوجود بیارود و خود حیدرخان در این دلوت وزارت امور خارجه را بعده گرفت ، ولی در حقیقت رهبری تمام جرجیان انقلاب گیلان با حیدرخان بده است (۲) .

(۳) کمیته جدید انقلاب مرکب از میرزا کوچک خان ، احسان الله خان ، حیدرخان الله خان ، قربان و میرزا محمدی بود . ماذ یالا متن مواد صورت جلسه راه از ارشیو شوروی بوسیله برادران حیدرخان بدست امده درج مینماییم و از تصریه های منضم آن بواسطه طولانی شدن مقاله صرف نظر نمینماییم :

"ماقت نامه بین دستجات انقلابی ایران"

انشعاب واختلافات بین قوا ایران موجب اند و همیق تمام تعالیان انقلاب ایران و نیز باعث صدمه سخت پمردم میگردید ایران باستان است . اوضاع سیاسی و اقتصادی زمان بمحاکم مینکند که مجدد اقوای خدی رامتحد کنیم ، برای مبارزه با دشمنان پیشریت و جنگ برعلیه حکومت اشتراک مساعی نمائیم تا پرچم انقلاب را در ریخت ایران با هتزاده را بیریم . بدین جهت در ۱۸ شور مطابق ۶ مه ۱۹۲۱ با دارنظر کردن منافع انقلاب جهانی موافق نامه برادران و صمیمانه زیر رتحت مواد زیر معقد نمودیم :

۱- ایجاد کمیته بنام "کمیته انقلاب ایران" مرکب از پنج نفر زیر:

۱- میرزا کوچک خان ۲- حیدرخان عموقی ۳- احسان الله خان ۴- خالو

(۱) کتاب بانو ایوانوا رساله شاهین و نامه برادران حیدرخان

(۲) از کتاب بانو ایوانوا

(۳) سواد صورت جلسه ایام وحدت بین زمایان انقلاب گیلان که در ایام امداد حیدرخان با گلخ خالو

قربان بعمل آمد و اولین ملاقات احسان الله خان با کوچک بتوسط حیدرخان در فرمون بتاریخ ۶ مه

۱۹۲۱ صورت گرفت و منجر میگشت و ماضی صورت مجلس وحدت گردید ، نزد اینجانب است که در ایاری

مقده و ۵ ماده و ۶ تبصره است . مامتن ۵ ماده موافق را درج مینکنیم ولی از ۶ تبصره آن بواسطه

طولانی شدن مقاله صرف نظر نمینماییم .

قربان ۵ - محمدی *

۲ - اولین وظیفه تمام انقلابیون عبارت است از تشکیل قوای مسلح و تقویت موضع انقلاب و اتخاذ اقداماتی که ایالت گیلاندست ارتضی حکومت شاه نیافتد و گیلان پایه گاهی برای مبارزات تعریضی گردید.

۳ - استقرار و توسعه مناسبات دوستانه با حکومتهای شوروی روسیه و آذربایجان و گرجستان.

۴ - انقلاب ایران برای آزادی شرق از ظلم و ستم امپریالیسم بکم مادی حکومتهای روسیه و آذربایجان و گرجستان نیازمند است.

۵ - بهیچچوچه بهیچ و لخت خارجی حق خالت در امور اخلى سیاسی و انقلاب ایران داده نخواهد شد.

تبصره بماده اول - فقط به حیدرخان این حق داده میشود که در غیاب خود یکنفر نمایند از نظری خود که منسوب بدستجات طرفین نباشد در جلسه کمیته انقلاب ایران شرکت نماید. (۱)

حیدرخان که اشتهر زیادی در انقلاب مشروطیت ایران بدست اورد و بود شرکتش در انقلاب موجب شنجان از ادی خواهان ایران و رونق مجدد انقلاب گیلان گردید. در این مرحمله حزب کمونیست کورس متعدد کردند هم قوای انقلاب را در گیلان مطمئن نظر قرار میدهند. وجبهه واحد ملی مبارزه ارشتکیل میدهند. در این دوره برای تحکیم و تقویت صفوی خود حزب به تصفیه خود از عناصر ناباب و مخدال فیادرت میوزد.

در تزیهای حیدرخان غیروت انقلاب و رiform فلاحی منی بر تقسیم املاک ملکین بین زارعین متند نمودند و خود حیدرخان حد اارت رو همراهی اتحادیه دهستان را بعدهد میگیرد. (۲)

قرارداد موفقت با مشاری تمام زعمای انقلاب موشح گردید، معهد اکوچ خان بر شت نیامد و کماکان در فومن باقی ماند. احسان الله خان نیز بانو سپهسا لارستانی خلعت بری پند و مسکت کرد و بطری خود سرانه از طرف رانکوه و دیلان و تکابن بطرف تهران لشکر کشی کرد. در حوالی تهران را رژیحان نمود سپهسا لارد چارشکست شد و بالاهیجان عقب شنیانی کرد و لشکریان شاه پسرکرد گی رضاخان وزیر جنگ وقت تالنگرد رسیدند. در این موقع حیدرخان باعده ای از مجاهدین نمید خود برای جلوگیری از دستجات رضاخان بلکن در رفت و تحت فرمانده حیدرخان ارتش شاهنشاهی را شکست داد و آنها را تاتکابن وادی عقب نشینی کرد. پس از این شکست رضاخان با کم فکری قوام السلطنه نخست وزیر وقت تصمیم گرفتند که انقلاب گیلان را ازد اخمل مثالاشی نمایند.

امپریالیسم مکارانگلستان بادست قوام السلطنه غار و رضاخان چون دیدند باز هر سر زینه نمیشود انقلاب گیلان را ازین برد لذا اعتمیم گرفتند که از اخراج آنرا منجز و ملاتاشی نمایند. (۳) برای اینکارا فرادی را از چندی قبل بگیلان اعزام داشته بودند و آنها را در این مدت اختن نفاق و مبارزه تهائی بر علیه حزب کمونیست و رهبر آن حیدرخان عمواً ولی کردند. این عناصر پس از چندی کار محروم و ماهرانه موفق شدند شکاف بین زعمای انقلاب را عیق نمایند مخصوصاً کوچ خان مرد و متزلزل را نسبت به حیدرخان و حزب کمونیست مغلنون نمایند. بمشاركة تلقین کردند که حیدرخان ورقایش در صدد کودتا و توطئه برای ازین بردن تو می‌شوند. اگر تو پیشیدستی نکنند کلکت کند و خواهد شد. بالاخره این جا سوسان کوچ را واداریخیان و ازین بردن انقلاب کردند.

۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱ کوچ خان نقشه کود تای ضد انقلابی خود را بموقع احراء گذاشت. در این روز به بهانه مثبت در امامه کمیته انقلاب را دعوت بصومه سر امیر اقامت خود نمود. تمام اعضای حکومت وقت باستثنای احسان الله خان که در جبهه رود سرور انکوه بود، همه حاضر شدند. حیدرخان با تفااق سرخوش و خالوقربان با تفااق خالوکریم وغیره و میرزا محمدی حاضر شدند. محمدی چون از قشنه خاندانه کوچ خان با خبر بد به بهانه ای از عمارت خارج شد. حاضرین سه انتظار حاضر شدند میرزا کوچ خان

۶ تبصره صورت جلسه موافقت فوق مربوط بچوکنگی عمل و ارتباطات این انقلاب است.

(۱) از کتاب با تأثیر ایوانوا که در سال ۱۹۰۸ در مسکو منتشر گردید "انقلاب اکبرواریان".

(۲) از مجله اذربایجان شماره ۱۰ مورخه اکتبر ۱۹۴۱ که در راکوچا و منتشر شده است.

و شروع کار یودند که ناگهان صد ای شلیک بلند شد و عمارت آتش گرفت . حیدرخان و خالقیان و خالکریم خود را از ایوان عمارت بزیرپرتاب کردند و با موڑ و سلاحی که با خود داشتند فاع کنان فرار کردند . خالقیان و خالکریم چون برآههای جنگل آشنا بودند خود را به بند رازنلی رساندند ، ولی حیدرخان چون راهها را بدل نبود ازراه مستقیم جنگ کنان خود را به پل پسخان نزد یکی رشت رساند . در اینجات تفندگ اران کوچک خان بسیار کرد گی حسن خان کیشد ره ای حیدرخان را محاصره و بقتل رساند (۱) . سرخوش در محل واقعه طاعمه آتش و مقول گردید . حیدرخان صبح اول اکتبر ۱۹۲۱ بقتل رسید و بدین طریق آفتاگان گیلان را شغال موقتاً افول مینماید و در هدت دویسه ماه ارشت شاه و دیرباره همیزی رضاخان کود تاچی تمام گیلان را اشغال مینماید . احسان الله خان بعد از خیانت کوچک خان زمام امور وقت انقلاب را بعده گرفت . بیانیه ای داعر خیانت کوچک خان بد عوت مردم باد امہ مبارزه صاد رنمود که عنوانش این بود - دیدی که خون ناچق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحرکد (۲) .

در رخته د رمه بیوغا ت ماوه چنین در مطبوعات شوروی د ریاره این راد مرد انقلابی چنانچه باید و شاید قلمرو سائی نشده است . گنگره بستم و بیست و دوام حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی که بوده از کیش فرد پرستی استالین برد اشت و چشمها را با زیمود معلوم شد که با قراوف و ببیانی خائن نسبت به مکاران نزد یک لئن اورتیکید ز و نزیمان نزیمان اوف رویه خصمانه و تضییق داشته اند چنانچه رفیق اورتیکید زه در ازدشت میگیرد . بد ون جهت برادرش و تعقیبات خود مبارت بخود کشیده است و سامان نزیمان نزیمان اوف از انتسیتویی خاور شناسی مسکو و خیابانهای پاکو و سایر مؤسسه ایان برد اشت و شد و در انقلاب آذربایجان و رجل نامی شرق را در روتھ فراموشی اند اخته اند . حیدرخان که با این دنفریو سطه خدماتی که اینها به انقلاب ایران نموده اند دوستی صمیمانه داشته است لذ امور بغض عناصری مانند بسیاری و با قراوف و در روتھ اینها واقع شد و اسمش در ریوته فراموشی اختاد .

اینجانب در سال ۱۹۲۷ بنمایندگی از طرف دانشجویان ایرانی دانشگاه مسکود رهمه نخانه گراند هتل مسکوب میلاقات مرحوم اورتیکید ز نائل شد و اوارد عوت کرد که برای دانشجویان دانشگاه در باره انقلاب گیلان ۱۹۲۱-۱۹۲۰ و تجارت و در سهای احصاله ازان سخنرانی نماید . مشارا لیه بجهاتی این چفاضای ماراد نمود . ضمانته راجح بشخصیت حیدرخان وفا جمع شهید شد ن آن اظهار اشت . و نیز اینجنب در سال ۱۹۲۵ که سال اول دانشجوی دانشگاه مسکو بود م باتفاق حسن نیک بین د بیرونی حزب مادر شب نشینی که با فتح از نزیمان نزیمان اوف (در رخته اتحاد یه ها) معاون کالینین رییس جمهوری اتحاد جماهیر شوروی بر پایه شرکت داشتم . در این مجلس علاوه بر مرحوم نزیمان اوف ، لو ناچار مسکی و عده ۴۶ از رجال نامی و کادر راهی شوروی حاضر بودند . در این شب نشینی نمایشناهه ناد رشاهه افشار و سایر اشاره های مرحوم نزیمان اوف بمعرض نهاد شد . در این شب من ورفیق نیک بین با مرحوم نزیمان نزیمان اوف تماس پیدا کرد ه در ریاره حوات ایران مذکوره داشتم . مشارا لیه از قهرمانی و هایانی حیدر و اینکه حیدر خان یکنفر کمونیست و نشینیست حقیقی بوده است شرحی تعریف نمود (۳) .

از بیانات د نونهار جل اندیلی معروف شرق و همکاران نین و از نوشه و بیانات محمد آخوند زاده و حسن نیک بین که بعد از حیدرخان عمواقلي د رکن فرانس متعدد است جات کمونیست ایران در زانویه ۱۹۲۲ بست د بیرونی کل حزب کمونیست ایران انتخاب گردید و از نوشه شاعرانقلابی ابوالقاسم لاهوتی ورقای هم رزم حیدر خان مانند قناد زاده نامی و غیره ، این شعر سعدی در باره حیدرخان مصادق دارد :

صبر سیار باید پر پیرغلک را تاد گرماد رگیقی چوتو فرزند بزاید

حیدرخان هم اهل شهروی و هم مردم بود . هم اهل رزم و هم دارای قلم و شمشیر بود مسلماً حیدرخان عمواقلي یکی از اتنا بنا ترین و درخشانترین چهره های تاریخ ایران معاصر و کی از بیگنیر ترین و پیشو رزین مبارزان راه ازادی و رهایی کشور مبوده است . جاده ارد هر کس که خود را انقلابی و طرف ارنهض است کارگری مید اند زندگانی حیدرخان را سرمش خود قرار دهد .

(۱) از مجله اذربایجان فوق الذکر ازقاله راجی بزندگی و فعالیت حیدرخان عمواقلي ، از مجموعات اینجنب : در همان موقع اینکی ازد وستامن که در ارث کوچک خان افسرید شنید که حیدر عمواقلي را حسن خان کیشد ره ای کشته است .

(۲) در روی دیوارهای رشت خود م این بیانیه راخواند ما (۳) از اذطرات اینجنب رضا روستا

نئوکولونیالیسم چیست؟

شرایط تاریخی تکامل نئوکولونیالیسم

در جریان پاتزد سال گذشته در حدود چهل کشور آسیا و افريقا استقلال سیاسی خود را بدست آوردند و اين نتیجه امواج جنبش نجات بخش ملی است که پس از جنگ جهانی دوم پدید آمد و اثرات آن هنوز هم ادامه دارد. با پیروزی انقلاب کهای این جنبش اکنون به قاره امریکانیزت توسعه می‌پاید.

با اجاد ارد و نیرومند کشورهای سوسیالیستی که نقش آن پیوسته در مسائل جهانی قاطعیت پیدا میکنند، منطقه نفوذ و سلطنت امپریالیسم بعد از زیاد شدن و امپریالیسم با مشکلات تازه‌ای مواجه گردیده است. بنیاد آن سیاستی که به اواخر میاد صدها میلیون افراد بشر از زاه تبدیل قاره های ضعایم کشورهای امپریالیستی به اسارت درآورده است. مسلم است که امپریالیسم دیگر قادر نیست اشکال سنتی سلطنه خود را حفظ کند.

اما اگر امپریالیسم خود را مجبوری پیدا که به تلاشی سیستم سابق مستعمراتی تن در دهد و حق استقلال سیاسی را برای ملت‌های اسیربرسیت بشناسد، ولی از تکه داشتن مستعمرات قدیم و کشورهای نیمه مستعمره در سیستم اقتصاد سرمایه داری وادامه وضع نامساوی آنها را رچهارچوب این سیستم دست بزند اشته است.

بنابراین امپریالیسم میکوشد برای مسئله زیراه حل پیدا کند: با توجه به تغییرات ظیعی که در جهان پیش آمده چگونه پایگاههای اساسی خود را درین بخش از جهان که روزی در آن سلطنت کامل داشت حفظ کند؟ یا لائق چگونه منابع طبیعی عده این کشورهای را برای اسرچشممه مواد اولیه و سود فراوان است دردست خود نگاه دارد؟

در اکثریت کشورهای غیرسوسیالیستی آسیا و افريقا که بتازگی استقلال سیاسی خود را بدست آورده اند منابع زیرزمینی، زمینهای مساعد برای کشت محصولات صادراتی (قهقهه، کاکائو، پنبه، مویغیره) و همچنین راه آهن، بنادر، وسائل حمل و نقل، برق، تجارت خارجی و اعتبارات بانکی همه در اختیار انحصارهای خارجی است.

بوجوب اسناد میزانطن ملل متفق قریب ۲٪ مواد اولیه صنعتی و کشاورزی افريقا در زیر نظرارت و بسد کامل بناگاههای سرمایه داری خارجی صادر میشوند. بدین ترتیب سیستم غارنگری که رغم موافع روزافزونی که در سرراه آن قرارداد و علی رغم تغییراتی که در پرونده سیاسی کشورهای مستعمره سابق روی داده همچنان ادامه دارد.

بدون شک در پاره ای از این کشورها مانند مصر، گینه، غنا، مالی و نیجریه ملی کرد ن مؤسسات ورشد سرمایه داری دولتی بخشی راکه مستقیماً بزیر سلطنه امپریالیسم است تا اند ازه ای مدد و ساخته است. در عین حال بعلت توسعه میاد لات میان کشورهایی که بتازگی استقلال خود را بدست آورده اند و همچنین میان این کشورهای دنیای سوسیالیسم وضع باد لات تجارتی تاحد و دی تغییریا فته است و این خود موضع بازار را برای دنیای سرمایه داری بیشتر تغییر میکند. اما این تکامل هنوز بکندی پیش میورد و میتوان پیش بینی کرد که از طرف بعلت اوضاع جهان که ناساعد بحال امپریالیسم است و از طرف دیگر بعلت فشار روز افزون تده های مردم این کشورهای میخواهند به استقلال واقعی نائل آیند تکامل این کشورها باین کندی پیش نخواهد رفت. امپریالیسم این وضع را بخوبی احسان میکند و میکوشد که یا این تکامل را بعقب اند ازد، یا آنرا بسیار خوبی منحرف سازد و یا ازان جلوگیری کند. برای این منظور از وسائل جدیدی که متناسب با اوضاع وحوال روز باشد استفاده نماید. مجموعه این وسائل که ازلحظه شیوه عمل بسیار

متنوع است عموماً نئوکولونیالیسم نامیده میشود.

نئوکولونیالیسم دارای پایه عینی است و آن ادامه تقسیم دنیا به سرماهیه دارد است بکشورهای مترقبه شد یافته و کشورهای فلاحی و عقب مانده که منبع مواد اولیه و مستعد ارزان میباشد و همچنین ادامه بادلات اقتصادی ناموزون میان این دوگاهه ازکشورها.

نئوکولونیالیسم از طرف کشورهای بزرگ سرماهیه دارد از درضایا خود با ملتها که در سابق حوال استعمار یانمه استعمار رسیده ندیان کشورهایی که اکتوبر برای نیل به استقلال سیاسی مبارزه میکنند به اشکال گوناگون اعمال میشود. محافل حاکمه امریکا، انگلستان، فرانسه، بلژیک، هلند و همچنین المان غربی و رژیم و دیگر کشورهای سرماهیه دارد تمام کوشش خود را بکار میرند تا وسائل و طرقی بیابند که موفقیت آنها را در اعمال این سیاست تأمین کند.

اینهاست شرایط تاریخی سیاست جدید امپریالیسم نسبت به "جهان سوم" سیاستی که تحت نام نئوکولونیالیسم شناخته شده است. نئوکولونیالیسم در وران گذرا زیرساخت داری بوسیالیسم توسعه سیستم سوسیالیسم رمیان جهانی و تلاشی سیستم مستعمراتی پدید میاید. نئوکولونیالیسم نشانه ضعف امپریالیسم و کوشش مذبوحانه او برای نجات سیستم تسلط جهانی خویش است که تاریخ آنرا محکوم کرد.^{۳۴}

ماهیت نئوکولونیالیسم

از آنجاهه گفته شد نتیجه میشود که نئوکولونیالیسم یک تغییر اساسی در مقاصد و هدفهای امپریالیسم نسبت به کشورهایی که بتازگی استقلال سیاسی خود را بدست آوردند اند نیست. نئوکولونیالیسم فقط بمعنی یک تغییر و روش نسبت به آنهاست، تغییری سالوسانه و حسابگرانه که هدف آن ادامه بیرونی از ازتروت های طبیعی و استثمار اغراق این کشورهای سلطنتی و همانطوره که از نام آن پید است نئوکولونیالیسم دنباله کولونیا - لیسم از طرق دیگر است. امپریالیست‌ها یعنی طور و اندیشه میسانند که تمامیات خلق هرایه از ازادی از یوغ استعمار قانونی میشمارند و تابع حاصل اینچشمیش نجات بخش آنها را پذیرند، ولی در عین حال با استفاده از عذر و تجریه این کشورهای نواستقلال آنها تمام وسائل را بکار می‌اندازند از این‌جا سلطنتی آنها فقط صورتی بماند و توسعه و تحکیم نیاید. با توجه با این امرکه بد ون استقلال اقتصادی این کشورهای نامیتوانند خود را از امپریالیست‌های نیازمند، امپریالیست‌ها میکوشند از تغییرات عمیق اقتصادی و اجتماعی که منجر به تحریصی استقلال اقتصادی گرد جلوگیرند و در نفعه هایی که از طرف این کشورهای بین منظور طرح و تنظیم میگردد خرابکاری نمایند.

این فعالیت مخرب در زیرنقاپ کلماتی پوشیده میشود که هدف آنها فریفتان خلقتهاست. امپریالیست‌ها اد عالمیکنند که برای همیشه به نظریات استعماری غارتگارانه خود پایان داده و آماده اند با این کشورهای بی نظرانه "کمل" کنند.

از این نظر نئوکولونیالیسم پدیده نوی است که در وران کنون اختصاص دارد. امایا بد توجه داشت که نئوکولونیالیسم در رهمه جاو و بطرکامل جانشین استعمار کهنه نشده است. در حقیقت مزبدی دقیق و روشنی میان دو مرحله مشخص نیست که یکی جای دیگر را گرفته باشد. کولونیالیسم و نئوکولونیالیسم دو سیمایی یک پدیده اند که در گذشته با هم وجود داشته اند و اکنون نیز در کارکرد پیروز واردند. تفاوت این دو مرحله، این دو وران درینست که امپریالیسم پایا در تحد و دی ازد اخلاص خشونت آمیز و وسائل تسلط مستقیم که در گذشته مرجحاً مورد استفاده قرار می‌داد از صرف نظر کرد و به وسائل تسلط غیر مستقیم که در گذشته نیز مورد آزمایش قرار داده ولی به آن اهمیت را که اموزد اند ندارد بود تثبت جوید. آنچه که اموزی چشم میخورد تعامل بجانشین کرد ن اسارت خلق ها از راه اداره مستقیم کشورهای است بانتظارت بر حکومتیهای نواستقلال که به امپریالیسم امکان نمیدهد بیرونی از این راسته اقتصادی را بطور شیوه خشیش ادامه دهد.

صاحب مستعمرات از ازهای حق سیاسی این کشورهای هیچگاه خودی خود هدف امپریالیسم نبوده است. این الحق فقط وسیله راحت تر ارزان تر ۰۰۰۰ آسان تروطمطم نت" (لنین) برای الحق اقتصادی است که بعد اساسی امپریالیسم است. لنین میگوید که "الحق اقتصادی بدون الحق سیاسی کاملاً ممکن است و همیشه دیده میشود". لنین از این‌تین و پر تقال را بعنوان نعونه "مستعمره"

اقتصادی" انگلستان ذکر میکند. ازسوی دیگر لینین بانگشت گذاردن روی بعضی از کشورهای توسعه اندکیس پس از جنگ جهانی اول در خاورمیانه ایجاد شد (عراق، ماوراء اردنه وغیره) میگوید که "لازم است برای توده های وسیع زحمتکشان همه کشورها و بیویه کشورهای کم رشد این سیاست اغوا و فریب سیاستاتیک کشورهای امپریالیستی را توضیح داد و افشا" نمود، سیاستی که در زیرلفافه ایجاد کشورهای که از لحظه سیاسی استقلال دارند رواق کشورهای ایجاد میکند که از لحظه اقتصادی، مالی و نظایمی کاملاً تحت تابعیت آنها میباشد.^{۱۰} این همان سیاستی است که اکنون نشوکولوینیالیسم نامیده میشود و بیویه از طرف دوگل و انگلستان در افریقای سیاھ اعمال میگردد.

استعمار در ریال خود، قبل ازد و روان حاضر، درواه رابموارات هم طی کرد و است: از یک طرف راه تصرف نظامی و تحملیل یک سیستم اداره مستقیم کشور به مردم مستعمره با تکیه بر نژادهای نظامی و پلیسی دلت استعماری (افرقا و سیاری از کشورهای آسیا)، از طرف دیگر راه نفوذ اقتصادی که منجر به واپسگی کامل نمیشود، ولی استقلال ملی در رژیمها حفظ ارادات سیاسی محلی حفظ میشود. در میان این دو شکل تسلط استعماری، اشکال امپریالیستی وجود دارد که حاکم ازد رجات مختلف اسارت استعماری است.

شیوه های نشوکولوینیالیسم هرگز بمعنی دست کشیدن از طرق پیشین نیست بلکه تطبیق تدریجی این طرق با اوضاع وحالی است^{۱۱}. پس از جنگ دوم جهانی بدید آمده و تکامل میابد. این اوضاع وحال میتوان است بر تشكیل یک سیستم جهانی سوسیالیسم که در آن برای نخستین بار حکومت طبقه کارگر ازحد و دیگر کشورهای دنیوی و با پیدایش کشورهای دیگر اسیاضریه سنگینی برو او ضعیع در دنبال این پدیده، انقلاب تدوینه ای در چین و سپس در کشورهای دیگر اسیاضریه برو او ضعیع اقتصادی امپریالیسم وارد آورد. در حقیقت بخش بزرگ از جهان که سابقاً زیرسلطه امپریالیسم بود اکنون بطریک ازد است اخراج گردید. امپریالیسم منابع مواد اولیه و بازارهای بزرگ را ازد است میدارد. از این تاریخ امپریالیسم تمام مساعی خود را برای جبران این امر از اهتمامشید که کشورهای کم رشد بیویه کشورهای افرقا و مریکای لاتین بکاراند اخت. ولی چون امپریالیسم در عین حال در رین کشورها با ارج چشم نجات بخش ملی مواجه بود میباشد سیاست خود را با شرایط موجود تطبیق میدارد. بنابراین تکامل نشوکولوینیالیسم نه برآسان شل کردن فشار اقتصادی امپریالیستی در کشورهای کم رشد بلکه بر عکس برای افزایش تدریجی این فشار است^{۱۲}. این افزایش تدریجی فشار سیچوجه معنای نیروگرفتن امپریالیسم نیست بلکه برخلاف نتیجه تنگ شدن منطقه نفوذ آن است.

هدفهای امپریالیسم در مورد کشورهای دنیا معموتی قدم هم برای استعمارستی که نشانه هم برای نشوکولوینیالیسم یکی است و آن جستجوی سود مازکیوم بصورت منافع سرشواران است. پس از نیل این کشورهای استقلال سیاسی امپریالیستهای برای حفظ سلطه خود میکوشند تا: اولاً با استفاده از تحریک کارگران و پائین اورد ن بهای مواد اولیه در بازار جهانی مواد اولیه ارزان برای صنایع خود بدست آورند.

ثانیاً بازارهای بسیار منابعی برای محصولات صنعتی خود داشته باشند و با انعقاد "موافقت نامه های" تجاری کشور مصرف کنند و راجه هوسازند که این محصولات را با قیمت های گزاف خرد اری کند. ثالثاً سرمایه های خود را بصورت سرمایه گذاری یا این کشورها صادر کنند و امکان ند هند که در این کشورها تمکزراویه سرمایه روی دهد.

رابعه در سرزمین این کشورها پاکاهای نظامی و استراتژیک برقرار سازند بمنظور تجاوز و تدارک جنگ که از طرف امپریالیسم و مقیاس جهانی دنبال میشود.

آنچه در نشوکولوینیالیسم نسبت به اشکال کهنه تسلط استعماری تازگی دارد

اگر صحیح است که در سیاست امپریالیسم نسبت بکشورهای کم رشد علی‌رغم تغییرات عظیمی که در جهان پیش آمده پدیده های ثابتی وجود داشته است معدله درست نیست اگر تغییراتی را که در رین سیاست رویداد و گاهی نیز سیار عیقا است نادیده انگاریم. همین تغییرات است که بکاربردن کلمه نشوکولوینیالیسم را مواجه میسازد.

پر از پیدایش شرایط تاریخی جدید امپریالیسم نه تنها وسائل اعمال سیاست خود را تغییر داده،

بلکه پاره ای از این وسائل بدرجه ای از تکامل رسانیده که سلطنت مستعمراتی یانیمه مستعمراتی بدن آنکه تغییری در ماهیت آن روی دهد سیمای خود را عرض کرده است.

علو و ماهیت این تغییرات را بررسی کنیم:

۱- در رون اردو امپریالیسم تناسب قواعدهای تغییر نموده است. بعضی از کشورهای بزرگ مانند انگلستان و فرانسه بسیاری از موضع خود را در صحن جهانی ازدست داده اند. بر عکس کشورهای پیزگ دیگر مانند آلمان غربی امکانات جدیدی برای توسعه طلبی خوش یافته اند. این تغییرات هم اکنون در جریان است و پیش میروند.

اما نچه که در تمام این تغییرات اهمیت دارد تفوق و نقش رهبری امپریالیسم امیرکار درون ارد وی امپریالیسم است و این خود محصول ضعف کشورهای دیگر امپریالیستی است. چنانچه کشورهای مستعمراتی قدیمی اروپا امروز دیگر در سرزمین های مستعمرات سابق خود که هم اکنون به استثمارهای اشتغال دارند تنهای نیستند. امپریالیسم امیرکار بافتار راین سرزمین هانفورد کرد و موضع رقیب خود را متصرف شده است بتویله در افریقا که در آن سرمایه گذاری امیرکار رطوبیست سال اخیر بیست و بیانی است. این وضع موجب تسریع و توسعه استفاده از شیوه های نوکولوئیالیستی گردید که امپریالیست های امیرکاری برای تصرف موضع رقیب انسهار ایجاد کردند. امپریالیسم امیرکار اعمال قطعی سیستم استثماری است که بشدت برد و شغلها را جهان سوم سنجینی میکند. بطوطه یکه داعلایمیه احراز کومنیستی و کارگری امده امپریالیسم امیرکاره تنها "بزرگترین استثمارگریان امیری" بلکه "در عده" و اصلی استعمارکنونی است. این واقعیت که سلطنت عمومی میانی و اقتصادی اند در وطن اخیر رو پیشیغ است و پاره ای از امپریالیست هاد بگریملند ازند رزیلوای او قرار گیرند، امپریالیسم امیرکار را به تشدید حملات استعماری خود وارد ارد تابا واند انچه را که در زمینه های اقتصادی در آسیا و افریقا بست اورده درست خود نگاه دارد.

۲- در رون سیستم سرمایه داری بر قریت انحصارها افزوده است. منافع این انحصارهای ایجاد میکند که شروتها را اساساً دنیای مستعمراتی قدم یعنی مواد اولیه معدنی را را ختیار داشته باشند و لوانکه برای حفظ این منافع، عوائد ناشی از کشاورزی راچواری کنند. استعمار فلاحی از تعویض اینچه کسه در الجزیره، کنیا و کنگو وجود داشت به اشکال عقب مانده سلطه استعماری تعلق دارد. امانقطه نظر انحصار ها اکنون اینست که میشود نهاره ای از تعاقدات ملی این خلق هارا که برای آزادی خود می جنگد با قسماً ای از کن استعمار فلاحی برآورده ای این خلقه ای روزیگو اقتصادی سنجینی تر گذشت. فقط انحصارها هستند که بعلت قدرت عظیم خود میتوانند بامازنی با محاکم حاکمه کشورهایی که از آزاد میشوند چنین سیاستی را بسرانجام برسانند. تضاد هایی که در رون امپریالیسم فرانسه میان گروه بجز رازی مالی و "اولترا" ها در موضوع استعمار الجزیره بروز کرد حاکی از همین بدیده حد است و نشان میدهد که نفت صحرابیشتر گروه های مالی فرانسه را جلب میکند تا حفظ عوائدی از اهله استعمار فلاحی. امضاً قرارداد آپان با نمایندگان د ولت وقت از طرف رژیم د وکل از همین جانشی میشود.

انحصارهای بزرگ بین امیری قدرتها مالی عظیمی هستند که بودجه آنها اکثر اچند برابر بود. چه پاره ای از کشورهای نواستقلال است مانند انحصارهای استانداره اول، ارامکو، یوتا پید فروت، سو سیته زنزال دریلریک وغیره. وقتی که این کشورهای از لحاظ مالی بشکلی تحت تعییت انحصارها قرار گرفتند طبیعی است که محاکم حاکمه این کشورهای اد را غلب حالات ازبیروزی از ملی یا از کشورهای اجتماعی مرد تشکیل میشود دیگر خود را برای مبارزه علیه "حامیان" خود همراهانمی بینند و حتی به اجراندگان تعاملات انحصار های بدل میشوند. این محاکم خود را با این امتداد لال راضی میسانند که سرمایه گذاری از جناب انحصارهای امپریالیستی بهتر از عدم سرمایه گذاری است. ولی این دلیل قانون کنند بمنظرنمیوسد و تجربه نشان داده است که حتی یک کشور کم رشد میتواند در شرایط بین المللی کوشی و وجود اراده وگاه سوییستی که پیوسته آماده کمک باین کشورها است در بر این قاصد انحصارهای استادگی کند و قشنه های انان را باشکست مواجه سازد. بهترین شاهد مثال کویا است.

۳- در سابقه هر یک از کشورهای بزرگ مستعمراتی، مستعمرات خود را ازان خود میدانست و مراقب بود که تمع ازان منحصر بخود ایجاد شد. در نتیجه پیوسته مبارزه بیرحمانه و برخورد های شدید میان انان روی میداد. اکنون کوشی عمل میاید که براین تضاد ها غلبه شود و امپریالیست های میکوشند که

در ریابر مازرۀ خلقها جبهه مشترکی تشکیل دهنده است. این خود یکی از تغییرات عمیقی است که روی داده و خاص نشکولونیا لیسم است. در سالهای اخیرید رستی در ریارۀ "استعمارد سته جمعی" صحبت میشود. بد و ن شک د رانچانز امپریا لیسم امریکا میکشد رهبری ائتلاف امپریا لیست هارا بدست گیرد. از طرف دیگر این همکاری امپریا لیست ها رقابت ها و تضاد های درونی انها را ازین نمیرد. (تضاد امپریا لیست های امریکائی با امپریا لیست های انگلیسی و فرانسوی در واقعه ترعة سوز، تضاد های شدید بازار مشترک بعناسی توسعه این بازار مشترک های دیگر) اما بهر صورت چنین تعماًی وجود دارد و اشکال مشخصی نیز خود گرفته است. همیستگی امپریا لیست هاد ریابر خلقها که برای آزادی خوشی میجنگد از غایت سازمان پیمان اتالانیک شمالي بخوبی مشهود است (نقاش این سازمان در جنگها کره، هند و چین، اندونزی، چین، اندونزی، الجزیره وغیره).

البته در زمینه سیاسی مساعی انجام میگیرد که سازمان ملل متفق رانیز به آلت جبهه مشترک کشورهای نشکولونیا لیست بخصوص د مرود افراق مدل سازند. مداخله این سازمان در گنگو لیل بار زی براین امر است. ولی بخصوص در زمینه اقتصادی است که "استعمارد سته جمعی" تحقق می بزد بزد سازمان های بین المللی متعددی مانند بانک بین المللی عمران، سازمان اقتصادی همکاری ورشد، گروه کمک به رشد که در آنها امپریا لیسم امریکا تافق دارد، آلت اجرای این وظیفه است.

۴- امپریا لیست ها کوشش رسایقه ای بکار میرند تا جنبش های نجات بخش ملی را ازد داخل منجر سازند، ضعیف کنند و یا انها را تغییر جهت دهنند. البته وسائلی که برای این مظلوم کار میرند تازه نیست، ولی این وسائل از لحاظ دامنه خود و تکمیل طرق اعمال آنها در سطح بالاتری قرار گرفته اند. این وسائل عبارتند از فاسد دن قشرهای حاکمه، تجزیه نیروهای داخلي جنبش نجات بخش ملی، پخش افکار در روح و یائی آفرین غیره.

بطوری که در برنا مۀ حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته میشود امپریا لیست های نشکولونیا لیست "تکیه گاه اجتماعی خود را توسعه بخشنده، بروژواری ملی را بسیار خود جلب کنند، رژیم های استبدادی نظری برقرار سازند و قدرت را بدست عمال خود بسپارند. با استفاده از سلاح مسموم نفاق میان ملت ها و قبیله ها امپریا لیست های نشکولونیا لیست صفوی جنبش نجات بخش ملی را بپرواکنند."

اشكال اقتصادي نشکولونیا لیسم

در در رکسی ای سازمان اقتصادی همکاری کشورهای اروپا (که سازمان اقتصادی همکاری و پیشرفت جانشین آن شد) "کمک" سالانه جهان باختری به "جهان سوم" از جهان سوم ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۹ شش میلیارد و نهمصد میلیون دلار برآورده است، یعنی د و رابر "کمک" که از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۶ بعمل آمد. اقای مک میلان نخست وزیر انگلستان در سال ۱۹۶۱ گفت که "کمک" سالانه ایالات متحده امریکا، کانادا اور پاریس باختری یکشده های کم رشد سه میلیارد و نیم دلار است. اسلو های این محاسبات هرگز قابل اعتقاد نیست، ولی هرچه باشد، بازنشان داده میشود سرما یه هاشی که از یکشده های امپریا لیستی بطریف یکشده های کم رشد ای رازی است، خواه بشکل اعتیارا شد و خواه بهرشکل دیگر، رویافزا پیش است. این پدیده با ضرورت مطلق صد و روزا فزون سرما یه بجائی که بیشتر احتمال تحصیل سود های بسیار کلان میرود، یعنی باقضیه ای که برای امپریا لیسم جبر صریحی است مطابقت دارد.

معندا امیتوان گفت که سهم ایالات متحده امریکا در مجموع این "کمک" خیلی بیشتر است. بطوط کلی سهم ایالات متحده امریکا ۵۰ دلار کل این "کمک" برابر میشود، برنامه "کمک" کندی بکشورهای کم رشد (۱۹۶۱) مبنی است بر ۵ میلیارد دلار اعتبار سالانه.

امپریا لیست های این پیکره ها امرتباط بر میکشند و چنین وانعدم میکنند که این پیکره ها میین کوشش و فدا کاری بزرگی است که بنفع کشورهای کم رشد میشود. ولی قضیه د رواح کاملا طور یگر است.

"نمونه" "کمک" ایالات متحده امریکا امکان میدهد که ماهیت قضیه نشان داده شود. این "کمک"

بخشی است از برنا مۀ موسوم به "امنیت مشترک" که در ۱۹۴۹ تنظیم گردید. به معین جهت این "کمک"

اساساً صرف هزینه های نظامی شده است، کمک اقتصادی و فنی فقط قسمت کوچکی از مجموع آنست. علاوه بر این قسمت اعظم این مبلغ از طرف کره جنوبی، ویتنام جنوبی و اردن مستعمره چیانگتا بشکل بلع مدد است.

جمع وسائل وتجهیزات نظامی تحولی دلت ایالات متحدة امریکا از ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۰ بکشورهایی که این دولت باشند "کمک" میکند ۲۸ میلیارد دلار آورد میشود. ولی هزینه های نظامی که بوسیله قرارداد های امنیت مشترک باشند کشورهای میکنند شد همراه بیشتر است، وابن کشورها موفق هستند وسائل را از ایالات متحده امریکا بخرند. نتیجه اینست که "کشورهای مورد حمایت" نه تنها مجبورند ببلوکهای تجارت کارانه تحت رهبری امپریالیستهای امریکا بسیوندند، بلکه بعلاوه سنتگی هزینه های نظامی که باشند هستند وسائل اقتصاد آنها را ویران میکند. کافی است بوضع فلاتک بارویتام جنوبی، کرگچنی، پاکستان، ترکیه، ایران نظر انگشت داشت. در عوض این سیستم برای صنایع جنگی، کرگچنی، پاکستان، است، زیرا ۹۰ تا ۹۵ درصد "کمک" هایی که بشکل اعتبار میشود صرف پرداخت سفارشهای اسلحه ایالات متحده امریکا میگردد.

واماد ریاره کلک اقتصادی، این کمک اساساً به شکل قرضه هایی با ناخ ربح زیادی دارد و میشود. در اینجا بازاعبرات، صرف خرید مواد اولیه و ماشین از ایالات متحده امریکا میشود، به بسیاری که گاهی سه برابریهای بازار جهانی است. سرمایه دار معروف امریکائی ۱۰ هارمن اعتراف میکند که این کمک در حقیقت "کمک است با امریکا". در واقع کمک فقط برای این برنامه های "تبیین اقتصادی" از طرف "صندوق بین - المللی پول" داده میشود. جهت این برنامه ها افزایش بار مالیاتی توده کشور "کمک" گیرند، حذف بخش دولتی اقتصاد این (در صورتیکه وجود اشته باشد)، برگرداندن سود های ایالات متحده امریکا است. بنابراین کمک مورد بحث فد اکاری امپریالیستهای است، بلکه منبع درآمد قابل ملاحظه ایست برای آنها. برآورد این دارا مدخل است. با وجود این میتوان معتقد که از این سرمایه گذاری در کشورهای کم رشد و بیان لات بازار گانی تابع برای این امپریالیستهای میگردد خیلی زیاد ترازنمجمو "کمک" های آنها است. بعضی از اقتصاد اینان کشورهای مختلف ضرری را که از این گانی تابع برای کشورهای کم رشد و رشد میشود سالانه قریب به ۱۵ میلیارد دلار آورد میکنند. این مبلغ برای کشورهای کم رشد ضرر و لیس برای امپریالیستهای سود است. از طرف دیگر مجموع سود سالانه انصارهار از سرمایه گذاریهای آنها در آسیا، افریقا و امریکای لاتین ۵ میلیارد دلار آورد میشود. بنابراین ملاحظه میشود که "کمک" سالانه با خطر (اگر همان ۷ میلیارد دلار بکیریم که در مرد رک میزان اقتصادی همکاری کشورهای اروپائی آمد است) معامله بسیار پر منفعتی است، در واقع چیزی است که باصول استعمال قدم طابت کاملی دارد.

مثل اگر بانک بین المللی عمران را بگیریم این نکته بطریق جسته ای مشهود است. این بانک که ابزار تبیک است استعمال در سنه جمعی "است از نظر رسمی به ۶۸ دلت که عضوان هستند تعلق دارد. ولی دلت ایالات متحده امریکا که سه میار دارد (۳۵ درصد) سرمایه این بانک است، برآن نظارت میکند. بنابراین تعجب آور نخواهد بود که بانک بین المللی عمران در درجه اول برای کارهای مثل ساختمان راه آهنی که معادن مس رود زی را بیکم میکند، یا لوله ایکه ارچاههای نفت صحرای الجزیره بساحل کشیده میشود، یا شکر راه آهن در گنگوید اختن میکند، زیرا گروه رکفر د رتمام این قسم هماهنگی بسیار بزرگی دارد، چه در معادن مس رود زی و شرکت معدنی کاتانیکا علیا، وجه در شرکت نفت الجزیره.

اکنون مورد حکومت فرانسه را بگیریم. حکومت فرانسه مطرح است که در آنها انصارهایه از کشورهای افریقای سیاه مثل موریتانی یا اکنگوی فرانسه مطرح است که در آنها انصارهایه شرطهای بیکارانی طعم میورزند، عجله خاصی نشان میدهند. بطور کلی امپریالیسم فرانسه به آن معادن دارد رهای محدود است که در مجاورت دریا قرار گرفته اند. "صنعتی کردن" افریقای سیاه سایق فرانسه در واقع چیزی جز ایجاد مؤسسات مختلف برای استخراج این معادن نیست. موقعیت ساحلی این معادن امکان میدهد که مواد معدنی آسانتر و کم خرج تریطرا اروپا و امریکا روان گردد. هیچگاه سرمایه داران احتیاجات واقعی کشورهای محدود نظر، ضرورت تعادل تولید و بخش مؤسسات تولیدی را در رهای محدود متفاوت میتوانند وهم آهنگ آن کشور مورد توجه قرار نمیدهد. واژه نجت سرمایه های خارجی عدم تعادل اقتصادی و اجتماعی و خیمی بیمار میگردند. در این کشورها اتفاق میشود به ایجاد صنایع اولیه تبدیل سنتگاهی معدنی تا حل و نقل آنها ارزانتر تأم شود و ایجاد آن مؤسساتی که کاملاً ضروری است از قبیل تجهیزات معادن، راه آهن، بنادر، خانه برای سکونت کارها و کارمندان، پاره ای مؤسسات اجتماعی و آموزشی برای تبیین کارگران تا حدودی متخصص وغیره. بدینهی است ایجاد این مؤسسات بمنظور حل مستله بیکاری که سکنه شورید اند دچارند،

نیست، زیوچین موسساتی به تعداد قلیل کارمند نیازمند است.

چنین است جهت صرف اعتبارهای که از طرف امپریالیسم بنظر افزایش تولید بکشورهای کم رشد داده میشود. حتی اگر اینکاره رشد کمی تولید راین کشورها منجر گردد، خواه رشد تولید محصولات کشاورزی صاد راتی باشد یا مواد اولیه معدنی، در وابستگی این کشورها همچنان تغییری روی نمیدهد، زیرا اقتصاد آنها اقتصاد مستعمراتی باقی میماند. بعلاوه این رقم مطلق سرمایه های خارجی نیست که در سنوشت کشورها نقش قاطع دارد بلکه نسبت سرمایه های خارجی به مجموعه سرمایه هایی است که در اقتصاد ملی پکارا فقاده چون رشد اقتصاد کشورناجیز است سرمایه های خارجی و لوانکه رقم آن زیاد هم نباشد ارادی و زئنه سنگینی میانشند و منافعی که از این کشورها بکشورهای غرب سازی میشود بسرعت چند برابر سرمایه هایی میگرد که در این کشورها بکارا فقاده است. چنانه از ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱ شرکتهای سهامی امریکای شمالی در امریکای لاتین ۱/۱ میلیارد سرمایه گذاری کرد اند، درحالی که در همین مدت سه میلیارد به شکل سود از این کشورها بیرون کشیده اند.

نخ سود درقاره افریقا را زین هم بیشتر است. قراردادهای وجانبة "همکاری" که بیان کشورهای امپریالیستی و مستعمرات قدیم آنها منعقد میشود هد فش تضمین سرمایه های خارجی از یک طرف و ادامه تجارت نامساوی از طرف دیگر است. مظنو از مقرراتی که بوسیله آنها مستعمرات قدیم فرانسه و انگلستان تعهد میشوند اموال خارجیان رامی نکنند و آنها را پس از مدت طولانی به های کوشکن برای اقتصاد ملی خرید اری نمایند همین است. منظور از مقررات پولی آنها مستعمرات قدیم نظارت بر انتشار پول خود را به ترویج و ایجاد ارند یا تعهد میشوند که منطقه پولی خود را (منطقه فرانک یا استرلینک) تغییرنده هند تیز همین است.

باید متذکر شد که بهبود داعی روابط اقتصادی بین کشورهای از افریقا که تازه مستقل شده اند و جهان سوسیالیستی، کشورهای امپریالیستی را امید ارد که تعاون و خواستهای خود را در بعضی زمینه ها محدود نکند. در واقع همه میدانند که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و یگرگشورهای جامعه سوسیالیستی بد و لتهای جوان افریقائی و آسیائی کمک ب شایعه و روزگاری میکنند. این کمک عبارت است ازا لاقرضه هایی که نخ بهرگان بیش از ۵۰ درصد کمتر از ترتیب اند این قروچ به اقساط درازمدت و کالا و نسے بسیارز، ثانیا کمک فنی مهندسی برای ساختمن کارخانه ها و بدن اینکه تقاضا شود در اداره یاسود مؤسسه ای که بنا میشود شرکت جویند، ما لاخره برابر و نفع مقابل در بیان لات بازگانی.

چنانکه ملاحظه میشود جهت این کمک بکلی در جهت مخالف سیاست اتحادهای سرمایه داری است. در واقع امپریالیستها که از مشاهد گرایش روزگارون دلتهای جدید افریقائی و آسیائی به استین چنین قراردادهای با جهان سوسیالیستی دچار حاشت گردیده اند، مجبور شده اند برای حفظ مواضع خود به امتیازاتی تن دهند. این امتیازها بین حسن نیت امپریالیستهای است، بلکه کمک غیرمستقیمی است از طرف کشورهای سوسیالیستی بکشورهای نوستقالل.

بهمن جهت دیر نهاده کندی برای کمک بکشورهای کم رشد در سال ۱۹۶۱-۱۹۶۲ تغییر ممکن درجهت سابق پیش بینی شده است، زیرا از ۵ میلیارد لا رکت نظامی بیش از ۳ میلیارد دارد. حال انکه کمک اقتصادی بالغ بر ۳ میلیارد خواهد شد. از طرف دیگر این کمک اقتصادی بیشتر متوجه صنعتی کردن این کشورها خواهد شد.

ولی وقتیکه امپریالیستهای خود را مجبوری بینند که در صنعتی کردن کشورهای کم رشد همکاری نکند، مصرا نه خواستار آنند که سهم مهیع در اداره و سود مؤسسه ادا شته باشند، در ترتیب کادرهای محلی موافع بسیاری میترانند. از طرف دیگر کمک امریکا بشکل قرضه هایی است که بد لارامیکائی باید مستبهک گردد، یعنی برآسان اقتصادی بسیار نامساعدی برای کشورهایی که از این قرضه "استفاده" میکنند. دو گلامن یلوں هم تصریح کردند "باید بحد اعلی مراقب بود وقتیکه احتلال ارد قرضه هایی که جهت پیشرفت اقتصادی خواسته میشود، برای اقتصاد ایالات متحده امریکا مفید نیاشد، از این آن خودداری شود"، یعنی در هر حال تفوق اقتصادی امپریالیسم باید حفظ شود، رهایی کامل بکشورهایی که بد آنها "کمک" میشود منع است.

جبهه‌های سیاسی نوکولونیالیسم

وسائل فشار اقتصادی امپریالیستها در استقلال میانسی کشورهای نواستقلال تاثیرید ارد. در واقع نوکولونیالیسم نمیتواند از سلطه میانسی چشم پوشد. بهمین جهت تلاش میکند وغلب موقع میشود اشخاص مورد اعتماد خود یا عروضکهای مطیع را در راه امور مستعمرات سابق که مستقل شده اند بگارد. و این برای نوکولونیالیسم نه فقط تضمینی است علیه هر تلاشی که مواضع اقتصادی آنرا بخطراند ازد، بلکه تنها وسیله ایست که میتواند بد ان امکان دهد که از سرمهین این کشورهای مفاسد استراتژیک و ایجاد پایگاههای نظامی استفاده کند.

امپریالیسم امریکا تحریه ای طولانی در اسلامهای تسلط سیاسی غیرمستقیم دارد. امپریالیسم امریکا طبق اصطلاح نهرو د و امپریاطوری داشته وارد. "یکی مرئی و دیگر غیرمرئی". مدتهاست که افسانه "مارزه علیه استعمال رابطه انتقامی" در اخلاق اسلامی خود را مراکش شاهی که از نظر اقتصادی برانها طدارد، چه در امریکای لاتین و چه در نقاط دیگر، سرد اراده است. ولی روش آن که اغلب خشن و شیانه است در تولد های کشورهای زیرسلطه آن ضد پیشنهاد دولت ایالات متحده امریکا بوجود آورده است که روز بروز بارزتر میگردد. بهمین جهت امپریالیسم امریکا اکنون میکشد اسلامهای خود را دقیقرا و پوشیده ترسازد و نظرسادگی بخراج دهد. با وجود این امپریالیسم امریکا همچنان حساب کارش را بطور اساسی برفساد آن قشرهای اجتماعی که برانها تکه دارد میکند و چنین سیاستی نمیتواند ناکامیهای تازه ای برای آن بیارنیاورد. این سیاست در تایوان، کرهجنوبی، ویتنام جنوبی، ایران، جمهوری دینیکن شکل ضحکی بخود گرفته است. امپریالیستهای امریکا با ادامه پیشنهادی از زیرزمیهای دیکتاتوری خوینی و پوسیده ایکه اکبد دولت ایالات متحده امریکا از نظر اقتصادی و مطالعه اینها کتف نمیکردید مت خلق جارو میشدند، در رساردنیای سوم شهرت بدیرای خود ایجاد کرد است، ولی جزاین نمیتوانست بکند.

امپریالیستهای انگلیسی در موادر بسیاری رسمشان براین بود که استقلال سیاسی مستعمرات ساق خود را قبل از یکه سیاست مستعمره ای دیرینه آنها بکلی فرو زند، برسیمه بشنا سند. بدین ترتیب آنها اغلب موقع شدند اند انتقال حاکمیت زیونیست ارائه و باشکالی که آنها میخواستند صورت گیرد. امپریالیسم انگلستان در سایه گسترش مفهوم مشترک المعاون بر تمام کشورهای امپریاطوری سابق موقع شد اند تا اند ازه که تسلط خود را حفظ کند. وقتیکه جنبش خلیق خلیق نیز و مند است، امپریالیستهای انگلیسی بلند نداشبوریا زی ملی سازش کنند و بحفظ حکومت آن کلک نمایند، مثل هند وستان، پاکستان، سیلان. امپریالیستهای انگلیسی در های ای "انتقالی" پیشینی میکنند که در جریان آن بویژه در افریقا سیستمهای سیاسی روی کار اورده اند و میشود میکنند که برای جاد مصالح نمایند کی بصورت ظاهر و همکاری نزد یک بین طبقات حاکمه جدید و اداره سابق مستعمرات. امپریالیستهای انگلیسی بدین ترتیب موقع شدند اند پایگاههای نظامی معی را در رست خود نگاهدارند و ارتش های ملی جدید را افسران انگلیسی اموزش دهند. ولی امپریالیسم انگلستان نیز هرقدر ماهر باشد، در این سیاست بعمل فشار تولد ها شکستهای جدی میخورد و خواهد خورد (اخراج زیرالالکساند رکه در راش نیز و های مصلح غنا فرار اشت، تخلیه پایگاههای انگلستان در رسیلان). از طرف دیگر وقتیکه امپریالیسم انگلستان نمیتواند بوسیله دیگر متول شود راعمال زیور و هر تسبیت به خلائق های مبارز تردیدی بخود راه نمیدهد، همانطوری که در کنیا یاد رقریں کرد اه است.

امپریالیسم فرانسه خلیلی کمتر نوشده است و بطور کلی سماجت و کوری از خود نشان داد. امپریالیسم فرانسه ترجیح داد جنگهای مستعمراتی دارای میکند که از همان آغاز باشکست روبروید. خلیلی دیرینی از ۱۹۵۰ بود که تصمیم گرفت بویژه در افریقای سیاه اسلامهای نوینی بکاربرد. امپریالیسم فرانسه که با قیام ملی الجزیره در گیرید نمی وانست با جنگ در جبهه دیگری خود را بخطراند ازد.

استعمار فرانسه که از قدیم اداره مستقیم مستعمرات را ترجیح میداد برای شیوه های جدید آمادگی کنتری داشت. استعمار فرانسه برخلاف انگلیسیها ترجیح میداد که در امپریاطوری سابق خود با طبقات حاکم بومی، فقود الیت و بورژوازی متحد نگرد بلکه انتشار راه رهم شکند، تحقیق و تخفیف کنند.

با وجود این فرانسه این حق را برای خود حفظ کرد اه است که در اغلب دولتهای افریقائی که با اینها قوارد اد های دوجانبه امضا کرده است، پایگاههای نظامی، در ارتش، پلیس و ستگاود ولتی آنها

"مستشار" داشته باشد.

امپریالیستها علاوه بر استفاده از تفویض خود در محافل حاکمه که آنها را بفساد میکشند، بنابر اصل کهنه "تفرقه بیند از حکومت کن" بین خلقها نفاق افکده، از این طریق نیز برای مبارزة خلقها در راه استقلال واقعی موانعی ایجاد کنند.

امپریالیسم انگلستان بعیان وسیعی از بعضی خصوصیات ملی و تقسیم کم و بیش خود سرانه برای ایجاد تصادفات بین خلقها و روشن نگاه داشتن اشتبه مخاصمات استفاده کرده است. این سیاست در تقسیم فلسطین، جد اشنده هند وستان و پاکستان از یک یکروه مچین در قربان و افریقای مرکزی نمایان است گاهی بجهة وحدت، ملتیها ای مختلف را بشکلی مصنوعی مجتماع میکند، بقسمی که ببعضی از اهالی از طرف ملتیها دیگر ظلم شود، سپس این ضدیت‌های منطقه‌ای، قبیله‌ای، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی را در امن میزند.

بنابراین میتوان بی برد که تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی بین تمام دولتها برای نو استقلال ببوریه د را فرقا تا چه اند از اهمیت دارد. تنهای سیله نقش برآب کردن تلاش‌های امپریالیست‌ها در حفظ اختلافات جبهه واحدی از خلق‌ها علیه آنها است. هر ایتکاری در این جهت خدمت بزرگی است با مرحله‌ای که خواهان استقلال کامل هستند.

صرح اجتماعی نئوکولونیالیسم

امپریالیسم وسائل فشار سیاسی خود را با استفاده از تیوهای دیگری که در اختیار دارد تکمیل میکند. چنین نقشی در زمانه‌های متعدد زندگی سیاسی و اجتماعی پر عهد کلیسا و رصفوف جنبش کارگری برعهد، عمال امپریالیسم گذارد و شده است.

امپریالیسم به نقشی که طبقه کارگر که در راه توده‌های افريقا، آسیا و امریکای لاتین بازی میکند، گاهی کامل دارد. پیغمیں جهت است که میکوشد طبقه کارگر را هرجا که به نیرو و رسالت تاریخی خویش آگاهی می‌باید تقسیم کند و از این حرف سازد. امپریالیسم از پیشرفت‌های سازمانهای سیاسی و سندی یکائی طبقه کارگر در کشورهای کم رشد نگران است و تمام وسائل را که در اختیار دارد بکار می‌اند از ازاعاتلاً جنبش کارگری در این کشورها جلوگیرد.

رهبران سند یکاهای زد ما موزیت دارند که جنبش سند یکائی را در کشورهای کم رشد بفساد و تباہی بکشانند، اثرا تقسیم کنند و مران مسلط گردند تا از ابد ببال سیاست احصارها بکشانند. چنان‌که در کنفرانس سند یکائی قاره افریقای رکازابلاندا (ماه مه ۱۹۶۱) امپریالیسم کوشید بکمک عمال خود نمایند گران کنفرانس رایسوی خود جلب کند ولی کوشش آنها بنا کامی انجام مید و امپریالیسم نتوانست ایجاد یک سازمان مستقل کارگران افریقایی (در اسیون سند یکائی قاره افریقا) را مانع شود. بدین‌جهت است امپریالیسم و عمال آن دست از فعالیت شوم خود برند اشته اند بپیویه که امپریالیسم وسائل مالی بسیاری در اختیار عمال خود میگارد.

صرح ایدئولوژیک نئوکولونیالیسم

امپریالیست‌ها میکوشند بقشرهای اجتماعی کشورهای عقب مانده اینگونه و انمود سازند که از نظریاتی که در جهت تعییلات و مقاصد این قشرها است پشتیوانی مینمایند. امپریالیست‌های رصرف بالغ هنگفتی برای تبلیغات تردیدی بخود راه نمیدهند. این مبالغ اغلب اوقات مستقیماً از طرف احصارها برداخت می‌شود. آنها از جدیدترین وسائل فنی و از امکانات بسیار گوناگونی استفاده میکنند: مطبوعات، رادیو، سینما، سینمار، سازمانهای فرهنگی، هزینه مسافرت و مطالعات وغیره. اکنون میباید از یم به تحلیل بعضی از موضوعهای این تبلیغات:

۱- امپریالیست‌ها از اینکه کشورهای کم رشد درجهت صنعتی شدن کشورگام برد ارند رهرا اند و کوشش میکنند زمامداران د ولتها برای نو استقلال را مقاعد سازند که کشورهای آنها "سرشتنی صرافک‌وارزی" دارند و صنعتی شدن آنها غیرممکن است. برای توجیه این تئوری د لاعل غیرعلمی و مجموعی پیش میکشند، به شرایط جغرافیایی (آب و هوای زیین وغیره) و تاریخی اشاره میکنند. یکی از اینکه اران آلان غربی مینویسد: "بسیاری از کشورهایی که در حال رشد می‌باشند بعلت ساختمان اقتصادی، وضع آب و هوای سطح فرهنگی خود

با حتمال تمام مطلقاً قادر امکانات صنعتی شدن می‌شند ”

۲- امپریالیست‌ها با مشاهده این امرکه نیروی جاذبه کشورهای سوسیالیستی برخلق‌های کشورهای کم رشد بعلت کامیابی‌های سوسیالیسم در زمینه های مختلف فزونی می‌گیرد، می‌کوشند از آزادی تولید و توزیع ” تصویر زیبائی بدست دهنده آنها ” سرمایه داری نوین ” رامی آرایند و افزایش آن سخن می‌رانند. ولی روشن است که سرمایه داری بد و تضاد‌های شدید و مدد اولین میان کشورهای پیشرفت و کشورهای ضعیف و کم رشد نمی‌تواند وجود داشته باشد و امکان آن نیست که در کار راین سیستم بتدریج تکامل می‌شود ”

۳- امپریالیسم امریکا و امپریالیسم آلمان از اقسامه ” ضد استعماری بودن ” خود حد اکثر استفاده را می‌خواهند ببرند. امپریالیسم امریکا می‌خواهد اینظور بینما یاند که در کار استعمار افریقا و آسیا و نتايج سیاست و شوم آن برای خلق‌های این دو کشور تقسیمی متوجه او نیست . امپریالیسم امریکا می‌کوشند بدین ترتیب خود را از رقبای اروپایی در سازد و از آن بسد مقاصد شوم خویشا استفاده کنند . اما اگر که نقشه مارشال و پیمانه‌ای دیگر کمک اقتصادی به کشورهای اروپای غربی توجه کنیم معلوم می‌شود که طبق این پیمانه‌ها فرانسه، بلژیک و دیگر کشورهای امپریالیستی اروپا متعهد می‌شوند که بعنوان ” غرامت ” مواد مختلف ” استراتژیک ” که از مستعمرات بدست می‌آید به امریکا تسلیم دارند . بدین ترتیب امریکا باین وسیله در استعمار مستعمرات شرکت می‌آید و می‌کوشید که مقاصد استعماری خود را از نظر خلق‌های کشورهای مستعمره مخفی دارد ، ولی خلق‌ها فریب امریکا را خوردند .

امپریالیسم آلمان نیز رینهان داشتن مقاصد استعماری خوش مهارت بخوبی میدهد . او اینگونه وانعواد می‌سازد که مدتهاست به امپیراتز استعماری خوش پایان داده است ، در حالیکه ازدست رفتن مستعمرات او توجه شکست اود رنجک است ، جنگی که درست برای تقسیم مجدد جهان بسوی خویش برآمده است . امپریالیسم آلمان سیاست نئوکولونیالیستی خواهد را براسان تجارت نابرابریتی ساخته است و نه براسام سرمایه گذاری . بدین ترتیب او سیاست ” کمل فنی ” را بازی می‌کند (مانند امور فنی ، مشاوره در امور اقتصادی مختلف ، کارشناسی وغیره) ، با توجه باین اصل که ” در دنبال اعزام مهندن ، تجارت هستم الزامی است ” . آلمان با اعمال این سیاست بتدریج مانند امریکا را مهار طی بریتانیارخنه می‌کند .

۴- تولد های مردم کشورهای کم رشد بتدریج یقین حاصل می‌کنند که بد و روهیدن سرمایه‌های انحصاری از جریختهای اقتصاد ملی ، بد و ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم نمی‌توان به بد بختی ها خاتمه بخشید . این آگاهی به علل واقعی بد بختی های کشورهای پس از تیزی به استقلال سیاسی ادامه می‌آید ، موجب بروز تمايلاتی می‌گردد که هنوز شکل نگرفته و بهم است . این تمايلات ایست که در پرایه ای شوریه‌های د روفین سوسیالیستی تظاهر می‌کند ، شوریه‌ای که در مخالف روشنگر جامعه این کشورهای تکامل می‌آید .

اکنون یک سلسه شوریه‌های سوسیالیستی ” ذهنی ” (بناواع افریقائی ، عربی و اسرائیلی وغیره) بچشم می‌خورد . این شوریه‌ها در اراضی مبنای علمی نیست و جنبه سوسیالیستی ندارد بهمچوچه مایه ناخستند نئوکولونیالیسم نیست . بر عکس نئوکولونیالیسم این پرگوشی ” سوسیالیستی ” راک و سیله ای برای منحرف ساختن تولد ها است تشویق می‌کند و می‌کوشد آنرا بود استفاده قرار دهد : درینماه حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته می‌شود :

” مخالف ضد ملی این کشورها می‌کوشند محتوى د موکراتیک ناسیونالیسم را محوساً زند و نیروهای د موکراتیک ملت را سرکوب کنند ، ماتع پیشرفت اجتماعی گردند و موانعی در راه اشاعة موسیالیسم علمی فراهم آورند . در عین حال شوریه‌های د ریاره ” سوسیالیسم ازنوع طی ” پیش می‌کشند ، به انتشار عقاید اجتماعی و فلسفی مبادر ازند که بطور کلی نوعی آزادی ارها خود را بهرزوای د ریاره سوسیالیسم است ، نافی مبارزة طبقاتی است ، تکامل جنبش آزادی پیشرزارت می‌کنند و کامیابی‌های حاصله را بمخاطره می‌اندازند ” .

۵- املاخ اید علویزیک مهم امپریالیسم در کشورهای جهان سوم آنچه کمونیسم است . آنچه کمونیسم به ارد وی سوسیالیسم بپیش مانه افتراق می‌زند و می‌کوشد کمونیسم را مثابه مترسکی بینما یاند تاریخ ایران و طبقات اجتماعی متزلزل و مدد را درست خوش تردید و متزلزل سازد ، آنها را از ارد وی کشورهای سوسیالیستی

د و واپسیتیانی جنبش کارگری بین المللی منصرف نماید. امیریالیسم بخوبی میداند که خلق هایی که بتازگی آزادی خود را بدست آورده اند بد ون تکیه بر مجموعه نیروهای مترقبی جهانی و در رجه اول بد ون تکیه بر جنبش کمونیستی جهانی نمیتوانند به پیش بروند. درینماه حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته میشود:

"آنتی کمونیسم سلاح اصلی ارتقاب د رجای اعلیه نیروهای د موکراتیک کشورهای آسیا، افریقا و مریکای لاتین است. درانتی کمونیسم، ایدئولوژی امیریالیسم و ایدئولوژی عناصر قوی‌الی متعامل به امیریالیسم و گروه های ارتقابی بجزوازی کشورهای نو استقلال یا پاید یک‌مزبور میشوند."

نتیجه

خلقهای مستعمرات سابق وکشورهای نیمه مستعمره که اکتون اغلب شان موقعیت‌های بزرگی در راه استقلال بدست آورده اند، ولی هنوز توفیق نیافته اند خود را بکلی ازبوغ امیریالیسم رها کنند، چنان‌های فهایی برای خود باید تعیین کنند؟ چگونه انسا میتوانند امها نشوكولونیالیسم را نقش برآب کنند تا این راه را پایان رسانند؟

این خلقهای انجربه خود و بتدریج که تعریض نشوكولونیالیست ها با شکال بسیار توسعه می‌باشد، مقاعد میشوند که انقلاب استقلال ملی باید بدست آورده استقلال سیاسی پایان نمی‌یابد، "و اگر انقلاب تغییر عیقی دزندگی اقتصادی و اجتماعی ندهد، وظایف حیاتی احیا" ملی را نجامند هد، این استقلال ناپایدار خواهد بود و پیچ خواهد شد" (برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی).

این دوین موجه مبارزه دشوار است و کمین‌گاه‌های فراوانی در راه آن قرارداده، ولی برای توفیق با استقلال ملی واقعی یا بد پیوشه شود. نشوكولونیالیسم سلاخی است که امیریالیسم از اساس خته است تامانع ازان شود که خلقهای بامرحله د و مبارزه خود کام گز ارد و از پیروزمند آن بسیار یند. امیریالیسم میخواهد این خلقهای اراده از این مردم های لازم چشم پوشند و انهاراد رسیده سرگرد آن کند. ولی خلقهای هشیارند و نبیرهای اکتون انهاد رشایط دشواری میکنند نشان میدند که هر ای سی بخود راه نمیدهند. بسرمشق کویا راه پیروزمند آن ای را برای خود بازیمینند.

قطعنامه مصوب کنفرانس خلقهای افریقا و آسیا که در آوریل ۱۹۶۰ در رکوکری تسیل گردید بوضوح نشان میدهد که خلقهای قربانی نشوكولونیالیسم باین قضیه بی برد و اند. در این قطعنامه اعلام میشود: "خلقی نمیتواند مستقل باشد، و قیمه قرارداد هایی میتواند بنام او و بد ون رضایت کامل اوسسه شود، نیروهای خارجی برخلاف میشند رززیشن مشترک میشوند و پایگاه های نظامی داعمیکنند، و قیمه از تمام اختیارات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی حاکمیت ملی کاملا برخورد ارنیست، و قیمه آزاد یهای اساسی اعلامیه جهانی حقوق پسرعا نیمیشود".

ازینکه امیریالیسم بکمل مانورهای استعماری جدید خود موفق شده است در اغلب کشورهای نو استقلال غیرسیاسی‌ایستی نقاط اثناکا و پایگاههای مهمی را در دست داشته باشد که به آن امکان میدهد بچپاول خود اراده دهد، این نتیجه نمیشود که به نتایج کسب استقلال سیاسی این کشورها کم بهادر اد میشود، حتی اگر این استقلال سیاسی در تمام دروانی تاریخی اسیع باشد. درواقع این شکل بسیار ناقص استقلال به تنهایی کشور پایان میدهد، در عرصه جهانی جایی بان میدهد، از این‌جهة نیروهای بزرگی که در عصر ما باهم مقایله میکشند، بجهوزی ملی امکان رشد میدهند، بتودهای خلق کمک میکنند تا به نیروی خود بی برنده و بدین ترتیب تغییر وضع اجتماعی سابق را تسریع میکنند. تمام این عنصرهای میکنند و راه را برای پیشرفت‌های جدیدی باز میکنند، اینها نخستین شکست امیریالیسم است.

ولی خلقهای برای ادامه پیشرفت باید معنای عمیق مانورهای نشوكولونیالیستی را که از طرف دشمن اصلی آنها یعنی امیریالیسم توسعه می‌باید بیانند، افشا میکنند. آنها باید بقیه‌مند که هدف اساسی استعمار جدید حفظ ریشه‌های سلطه امیریالیستی است و بالنتیجه بد ون کندن ریشه‌های این سلطه نمیتوان بد آن پایان داد. بنابراین مبارزه علیه نشوكولونیالیسم عبارتست از حمله بخود علت دارد، شکست دادن امیریالیسم در قلمروی خود آن، و درآوردن اسلحه اصلی ازدست آن. هرچند که این اسلحه نیرومند است

ولی چنین نبردی نبرد نایابری نیست، زیرا خلقی که به نبرد میپردازد یگر تهاهیست، از تناسب جدید نیروهاد رجحان استقاده میکند، میتواند برمتحدین نیرومندی مانند کشورهای ارد و گاه سوسیالیستی، تمام نیروهای دموکراتیک جهان تکیه کند.

از تمام مطالبی که از مشکوکولونیالیسم گفته شد این نتیجه گرفته میشود که برای شکست دادن امپریالیسم در سرزمین خود، برای انجام رسانیدن امر استقلال ملی، قبل از هر چیز لازم است که در هر کشور وحدت تمام نیروهای ملی ضد امپریالیستی صورت گیرد و بیویه ضد کمونیسم ^۱ این سالاً مصلحت امپریالیستها و عناصر ارتقا یاری ایجاد تفرقه و تضعیف خلق مض محل گردد. با این شرط خلق میتواند سرنوشتی را به دست گیرد، به اصلاحات دموکراتیک عمیقی بیویه باصلاحات ارضی بسیار ازد، در نتیجه این اصلاحات دولت محکم میشود و با تکیه بر تمام خلق میتواند با امپریالیسم مقابله کند. همچنین لازم است خلقهای باهم متحد شوند و برای این، آنها باید بر اختلافات و ضد یتھائی که امپریالیسم عدابین آنها وجود آورد ^۲ است غلبه کنند.

آنگاه خلقهای بقد رکایت برای حمله بر پیشه های بیماری نیرومندند، و باید از حکومت های خود بخواهند که برای قطع سلطه امپریالیسم تصمیمات مؤثری بگیرند. این تصمیمات باید در رجهات زیر باشد:

۱- استقرار همکاری اطمینان بخشی کشورهای جهان سوسیالیستی که تنها کشورهایی هستند که بی شایعه بکشورهای کم رشد برای بنای اقتصاد ملی مستقلی کنند میکنند.

۲- در زمینه خارجی، بروز کشورهای ارد وی بزرگ نیروهای صلح، خروج کشور از بلوکهای نظامی تجاوز کارآئی افشا عوارض ادھای اسارت بار و مخبر "امنیت مقابل"، بکار ریستن سیاست همزیستی مسالمت آمیز بین تمام دولتها.

۳- بستن راههای عمد ظفار اقتصادی امپریالیسم با قدام بعلی کرد نهای لازم، ایجاد و توسعه تدریجی بخش د ولت تولید و اعتبار، بمنظورهاشی ازد یکتاپری بانکهای خارجی، برانگیختن شوق توده ها بزای افزایش میراث ملی، نظارت د ولت بر بازارگانی خارجی، افتتاحی قرارداد های بولی و گمرکی که امکان نمیدهد از تولید ملی حمایت شود، توسعه بیان لات خارجی بعد اکثر، بیویه باجهان سوسیالیستی و جهان سوم، تاد یگری بازارهایی که سرمایه مالی برآنها حکومت میکند بستگی زیادی نباشد.

در کشورهاییکه تازه مستقل شده اند، فقط حکومت د ولت نوین که برپایه های ملی محکم متنک است میتواند از عهد انجام چنین سیاستی بپردازد. جلسه مشورتی اعزام کمیسیون وکارگری (۱۹۶۰) برای نخستین بار تعریفی دقيق و علمی از خصلت های این د ولت نوین کرد ^۳ است. در اعلامیه این جلسه مشورتی نوشته شده است د ولت د موکراسی ملی یعنی:

"د ولت که با پیگویی از استقلال سیاسی و اقتصادی دفاع میکند، علیه اشکال جدید استعمال و تقویز سرماهی های امپریالیستی مبارزه میکند، د ولتی که اسلوهای د یکتاپری و استبدادی حکومتی را در میاند ازد، د ولتی که در آن خلق از حقوق وسیع و ازادی های دموکراتیک بروخود اراست، د ولتهاشی که برآه د موکراسی ملی کام مینهند امکان دارند در زمینه اجتماعی پسرعت پیش روند، نقش فعالی د ربارزه خلقهاد رراه صلح، انهاد ام کامل پیغام استعمار، علیه سیاست تجاوز کارآرزوی امپریالیستی بازی کنند."

میتوان گفت که مبارزه علیه اشکال جدید استعمال هیچ معنایی تخواهد داشت اگر امکان ند مدد که انقلاب ضد امپریالیستی، ضد قیود الی و د موکراتیک تا پایان انجام شود. بالاخره مبارزه علیه اشکال جدید استعمار، درد روان ما، نبردی است برای سوق خلق بطرف آینهای نوین، بطرف اشکال تقابل غیرسروما یه داری که از ابتکار خلاق توده ها پدید میگردند و نمیتوانند جز باضمحلات کامل استثمار و ستم سیاسی و اقتصادی بچیزی یگری متفهی گردد.

اقتبان از ^{*} کایه د کمونیسم
شماره ۹ (۱۹۶۲)

حسین خیرخواه



حسین خیرخواه هنرپیشه معروف ایرانی در سن پنجاه و سه سالگی در از زمان در شهر برلن (با خشود مکراتیک) درگذشت. مرگ پیشتر این کدین پراستعداد ایرانی را درستان فراوانش در ایران و در خارج از ایران با اندوهی عمیق تلقی کردند. خیرخواه در تاریخ شناخت معاصر میهن مابد و ن شک مقام دارد، زیرا او از اوان شباب پای در صحنه نهاد و با تکمیل هنرخویش و بانهاد نشدن در خدمت مردم و آرمانهای مردم سالیان دراز یکی از هنرپیشگان درجه اول تئاترهای ایران بود.

خیرخواه در سال ۱۳۸۸ شمسی در خاندان بازگان کوچک متولد شد. از عنوان جوانی بفعالیت هنری دست زد. در جمعیت تئاترال اخوان شرکت جست و سپس با کارهای انسانی کارگردان پراستعداد هنکاری کرد و در پریت تئاتر تهران را بعهد گرفت. پس از ازدانته عبد الحسین نوشین کارگردان و هنرپیشه معروف از اروپا خیرخواه با اوی اشناعی یافت. این اشناعی خیلی زود به دوستی و همکاری هنرل بد ل شد. در سال ۱۳۲۱ خیرخواه به همراه نوشین و لرتا برای تماشای فستیوال تئاتر مسکو و سپس به پاریس رفت. این مسافرت در نضیج استنباطات هنری خیرخواه بسیار مؤثود. خیرخواه پس از ازگشت از فرارو پا بعلت انتشار شعری در انتقاد از زیرزم زندانی شد. پس از طی ایام زندان به بیجا تبعید گردید. در انجا با داداش تقی زاده اینقلابی سرخست اشناعی یافت و این اشناعی در روحیه او اثرات بسیاری گذاشت. در سال ۱۳۱۹ خیرخواه از تبعیدگاه خویش تهران آمد. پس از شهریور ۱۳۲۰ و تشکیل حزب توده ایران وارد این حزب و همیشه بداشتن هفتاد و دو مین کارت عضویت این حزب افتخار میکرد. ازان پس تا آخر عمر خیرخواه خدمتگزار نهضت آزاد یخواهی کشور مابود و در درون اوج نهضت رهانی پیخش کشورما (جنپیش ملی کردن نفت) خیرخواه از طرف اران سازمانهای دموکراتیک بنام زمی مجلس اسلامی رونظر گرفته شد. در دهه ای از شهریور ۱۳۲۰ تا جلاء وطن (پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲) خیرخواه بترتیب در تئاتر-های فرهنگ، معدی و فرد و می فعالیت میکرد و هنرمندی او پیوسته در مرکز توجه دوستداران تئاتر-ود. پس از آنکه خیرخواه بحلت شرکت قعایلانه خود رنهضت کشورما بجلای وطن مجبور شد در خشود مکراتیک برلن در داد انشگاه هومبولت بسمت دبیرخان فارسی کار میکرد و مورد احترام همکاران و پارسی اموزان بود. در این اوآخر خیرخواه بحلت بیماری قلبی و تنگی نفس غالباً بیمار بود. سرانجام مرگ ناگهانی رشته حیات این هنرپیشه با قریحه را گست و دوستدار ارش را اندوهان ساخت.

خیرخواه از انجمله هنرپیشگانی است که هنرخود را بخد مت خلق گماشته بود و خلعت هنر و هنرپیشه را در این خدمت میدید.

گرامی باد خاطره اش!

حزب سوسیال دموکرات (اجتماعیون عامیون)

درقاله " در آرائه سوسیال دموکراسی انقلابی " (شماره ۲ سال سوم) گفته شد که در سال ۱۹۰۶ سوسیال دموکرات ها در مشهد قوای و رأی برای خود بتصویب رساندند عبارت از " ۱ ماده که در حقیقت دستوراتی است برای اعضاء حزب " یک سال بعد - در سال ۱۹۰۷ - اساسنامه و مرمانه حزبی بتصویب رسید. چنانچه در حاشیه مقاله مذکور (صفحه ۴۲) ذکر شده است متن فارسی این اسناد در دست نیست و فقط ترجمه آنها به توسط حقیقین شوروی داراشیوهای تزاری بدست آمده، موجود است. لذا عده داده شده که فعلاً تأثیر اصلی فارسی این اسناد بدست نیامده است ترجمه مجدد این اسناد را بدریج در سترم خواندن کان بنگاریم.

اینک ترجمه نخستین دسته‌نامه (قواعد) مصوب سال ۱۹۰۶ :

دسته‌نامه (قواعد) حزب سوسیال دموکراتی ایران

- ماده ۱ - هر کسی بليط حزب و یا غیره صادره از طریق مرکزی را درست دارد باستی صاحب پیشه و یا عوادتی برای زندگی خوش باشد. این عوادت باید از راه مجاز بدد. ماده ۲ - از آنجاکه حققت نظم وامنیت شپرآژه رحیث بعهد حکم وکد خدا است حزب انقلابی فعلان باید رامود اخلی و اداری خالت کند. ولی بار رئارگرفتن اینکه هنوز قوانینی برای ادارات بلدی وضع نشده و برقراری نظم در شهر بطور بد وی انجام می‌شود که اجازه داده می‌شود که به کد خدا هاد ربرقراری نظم کلت شود. در صورتی که از جانب حکومت سوء رفتاری نسبت به اهالی مشاهده گردد وظیفه هر عضو حزب است که انجمن را از راه کمیته مرکزی مطلع سازد.
- ماده ۳ - عضو حزب باید به کسی توهین رواد ارد مگراند که سترخاصی از از راه کمیته وجود داشته باشد. کمیته مرکزی نیز چنین فرمائی را تنهای زمانی باید بد هد که برای مجازات و یا توقیف شخص مورد نظر تائید متفقانجع و ملایان و حاکم موجود باشد.
- ماده ۴ - اعضاء حزب باید اقد امات خود را بارعایت سکوت برگز ارکنند و تنهاد رموارد خطر خود را شکار سازند. وظیفه حزب است که توسط مسئولین خود کمیته مرکزی را از مزمومات کشف اشخاص معالم - الحال مطلع ساردد تا قبل از آنکه خود رست به اقد امات شد یعنی بزند ازد و لول مجازات انسهار باخواهد.
- ماده ۵ - اعضا حزب موتفقند تا انجاکه ممکن است از حقوق خارجیان دفاع کنند تا مصاد انمایند گان دول خارجی تجاوزی یه آزادی نموده وازان راه به کشور مازیان رسانند.
- ماده ۶ - از آنجاکه کمیته برای اعزام نمایند گان خود به شهرهای مختلف، مکاتبات، خبربرید لباس و اسلحه دفاعی محتاج به عوادتی است لذا هر کسی که وارد حزب می‌شود رحد و موازن قران مجید وجه معینی عنده استناداً به صندوق عمومی خواهد پرداخت. در مقابل دریافت وجه تغیر داده می‌شود. هدیچگاه پولی میزور ایسکی اخذ خواهد شد که حزب در مرعرض سریزش قرار گیرد. هر کس از خارج وارد حزب می‌شود یک تومان خواهد پرداخت (بنظر مرسد که منظار حد اقل هرود به باشد. مترجم) . شرط اینست که با برقراری حکومت مشروطه مخدالفت نکند.
- ماده ۷ - رهبران حزب مسئول حرکات اعضا خود بودند. هر یک از اقلابیون مرتکب عملی بشود که کمیته مرکزی از رایم جاند اند فوراً مجازات خواهد شد.

- ماده ۸ - اشخاصی که در رائش شعب ولایتی حزب قرار اند حقنند ارنده ون رضايت کمیته مرکزی دست به اقد اماتی بزندند که آشکارا خالف و تلافی حزب است. او اوا مرکیته مرکزی بد ون چون وچرا از طرف شعب حزب اطاعت می‌شود زیوا که اراده اکثریت است. همه میدانند که تاکنون نزد م رحمکش - اعم ازد هقاتان، پیشه وران، تجار - در مرعرض ستم طبقه نیومند اغذیاً بوده اند. وظیفه ما اینست که

د هقانان و نیز سایر مرازیدگی ملاکان و مباشرین آنها برها نیم و بدین طریق اجازه ندهیم که
بسیاری از انان برای یک لقمه نان بخارج کشور قته د رعایت و زیرا کارهای سنگین جان سپارند.

ماده ۹ - ازانجاگه هر عضو حزب اطفال رفای خود را بمنزله اطفال خود میداند لذا باید در
راه تائیس مد ارسن برای تربیت اطفال کوشش مبذول دارد. خاتماده هر کس که در مبارزه در راه آزادی
شهید گرد از طرف کمیته سپاه مستقیم خواهد شد.

ماده ۱۰ - اعضاء حزب به اشخاصی که خدمت خاصی به وطن خود کردند باشند بادیده احترام
مینگرنند و نسبت به خانواده از هر طبقه که باشدند نفرت و انجار ارزد.

ماده ۱۱ - مجموع کارو رفتار اعضاء حزب باید متوجه یک نکته باشد - نیکوزی و ترقی، ولی بنحوی
که به شرف و قدس مذکور خلیلی وارد نیاید. وظیفه هر فرد است که شاعر و مژلت وطن را مانند جان و ممال
خود حفظ کند.

ماده ۱۲ - عضو حزب وقتی وطن خود را گرفتار نجود درد می بیند نباید از هیچ وسیله ای برای
فرونشاندن این درد مضایقه کند.

ماده ۱۳ - هر صدر شعبه ولایتی حزب باستی همیشه یک نسخه از این دستورنامه (قواعد) را
همراه داشته باشد. وی موظف است دستورنامه (قواعد) را راهنمای خوبی قرار دهد و هر کسی را که
سروکاری با شعبه دارد باتفاق آن آشنا سازد.

ماده ۱۴ - هر یک از اسناد مهم کمیته مرکزی دوازده مهر خواهد داشت. بدین ترتیب؛ صدر،
معاون، منشی، ثبات، صندوقدار، نفراؤل، نفرد و معاون، نفر چهارم، نفر پنجم، نفر ششم و در میان
آنها مهر کمیته مرکزی د ره حلال تعداد مهرها از هفت مهر بنا یاد کنمایند. برای اسناد غیرهمم - از قبیل
بغوض، کارت غضویت - فقط مهر حزب سوسیال مکرات کافی است.

خاطراتی از حزب کمونیست ایران

در شماره ۱ سال سوم مجله دنیا یادداشت‌های زیور عنوان "خاطراتی از حزب کمونیست ایران" درج
شد و ضمن آن مختصری از زمان یا لی از رای جان صحبت بیان آمده است. برای اینکه بخشی از
مطلوب آن تصحیح و تکمیل گردید متذکر میشود که او اخیراً ۱۹۲۰ میلادی چند ماه پیش از تشکیل حزب
کمونیست ایران کمیته ایالتی از رای جان نیز تشکیل و شروع فعالیت نمود. ابوالقاسم اسکندرانی، مهدی خدان
حسین بی چیز نیز جزء اعضاء کمیته ایالتی بودند. در آن موقع مشهدی و سرتیپ زاده غضو کمیته ایالتی نبودند.
پیش از این نیز جزو اعضاء کمیته ایالتی بودند. در آن موقع مشهدی و سرتیپ زاده غضو کمیته ایالتی ارگان رهبری
بود. هیچ نوع درسته یا گروهی در داخل این سازمان منظم وجود نداشت. تنها کمیته ایالتی ارگان رهبری
سازمان ایالتی بود و هیچ گروهی یا دسته ای تحت عنوان یک و یا چند نفر کمیتی مشهور نام حزب کمونیست
فعالیت جد اگانه ای نداشتند. معروفیت حزبی هر عضوی که نتیجه کارکوشی و قد اکاری او می‌شد دلیلی
برگرده داشتند در داخل سازمان نمی‌شد. خلاصه سازمان ایالتی از رای جان پطور گروهی و هر گروه تحت
رهبری یک نفر فعالیت مستقلی نداشتند و تشکیلاتی بنام "همت" در ایران و در تبریز وجود نداشت.

این جانب که از سال ۱۹۲۰ عضو حزب کمونیست ایران و در داخل این حزب فعالیت‌هایی نموده ام
بچنین گروه‌هایی که در مجله دنیا زیور عنوان "خاطراتی از حزب کمونیست ایران" نوشته شده است برخورد
نکرد ام. در صورتیکه در بعضی مواقع عضو ارگان رهبری این سازمان نیز بوده ام. درست است علی اصغر
سرتیپ زاده چزو "راستها" و در اثر تبریز یک گفتن به رضا شاه از صفوی حزب برکنار گردید، لیکن این
شخص خود را منسوب به تشکیلات اجتماعیون عامیون میدانست. سرتیپ زاده در حزب کمونیست ایران

فعالیت در خشانی انجام نداده است.

کنگره دوم حزب کمونیست ایران (بنام کنگره ارومیه) بسازمان آذربایجان حیات تازه ای خشید. کمیته مركزی یکی از اعضا خود را چند نفر از اعضای فعال حزب من جمله رفیق نیک بین ما مورثکی لات اذربایجان نمود. درنتیجه کار و کوشش زیاد در تبریز و شهرهای دیگر اذربایجان حوزه ها از تو مرتب و منظم گردید. فعالیت حزبی و سازمانی ساکمال انتظام شروع و نتایج غنیدی حاصل گردید. در اوخر سال ۱۹۳۰ کنفرانس ایالتی دعوت شد. جلسه "شراره"، "فریاد کارگران اذربایجان" چاپ و منتشر گردید. اتحادیه های کارگری سرو صورتی پیدا کرد. سازمان ایالتی داشت توسعه میابافت. در برخی از شهرهای اذربایجان سازمان منظم دایرمیشد، سازمان جوانان دایرگردید. ولی روزنامه بنام پلشویک هنوز چاپ نشد و بود. پلیس رضاخان مثل تمام نقاط ایران در آذربایجان نیز دست به ترور احزاب و تندیلات های مترقبی زد. سازمان ایالتی حزب کمونیست ایران نیز بادست پلیس رضاخانی قلع و قمع گردید و بیشتر اعضای فعال سازمان دستگیر، زندانی و تبعید گردیدند.

مشهدی کاویان

آمار بازرگانی خارجی

و

راه و راه آهن

چند کلمه درباره بازرگانی خارجی

بازرگانی از قدیم الایام بین کشورهای جهان آنروز متداول بود. لیکن بازرگانی خارجی در وران بردگی و فعدالی نقش اساسی و تعیین کننده در اقتصاد ملی کشورهای از نمیکرد. بازرگانی خارجی بمقیاس وسیع و پیدایش بازارجهانی بر اثر از هم پاشیدگی جامعه فعدالی و پیدایش تولید سرتاسری داری در اروپا (قرن ۱۸) بوجود آمد. رشد و تکامل روابط سرمایه داری در عرضی از کشورهای اروپا موجب توسعه بازرگانی خارجی بین تمام کشورها و پیدایش بازارجهانی گردید. توسعه بازرگانی خارجی در باربری اخلى کشورهای اورشلیم و مولاد آنها تا عصر مسقیم داشت و در ریجا ارتباط ناگستینی بین آنان بوجود آورد. رشد سرمایه داری و پیدایش بازارجهانی موجب شد که تمام کشورهای جهان بپیاده کالا جلب شوند. سرانجام توسعه بازرگانی در وران مابحده بیست که بسیاری از کشورهای سرمایه داری نمیتواند بدون آن کالاهای را که بر اساس تولید مجدد وسیع فراهم مینماید بفروش برخاستد. توسعه بازرگانی جهانی در رشد یک طرفی کشورهای کم رشد و مستعمره نیز تا عصر مسقیم نمود و رفتہ رفته آنها را واپسی بیازارجهانی سرمایه داری کرد. بازرگانی خارجی، که در جریان تاریخی وسیله نزدیکی بین ملل و ارتباط داعمی میان انسان گردیده است، چون بر اساس سلطه تولید سرمایه داری استوار است خود وسیله ای جهت غارت مل کم رشد و منابع طبیعی آنها است. بازرگانی خارجی امروزی که بین کشورهای سرمایه داری محروم است منبع سود کلان برای کشورهای بزرگ صنعتی است: این کشورهای مواد خام را بقیمت نازل از کشورهای کم رشد میخوردند و خود فراوردهایی صنعتی پویه مانشین آلات را بقیمت انحصاری گران به انها میفرشند و از همین میاد لئے غیر متعادل سالانه میلیارد ها در از معامله با کشورهای کم رشد سود میزند. چنین بازرگانی اساساً یکی از موانع اساسی جهت تراکم سرمایه در داخل کشورهای کم رشد است و از سرعت رشد نیروهای مولد میکاهد و خود پایی بندی در راه ایجاد زیربنای مادی - فنی در کشورهای نابمرده میگردد و چنین وضعی امکان و شرایط مساعد تری برای صدور سرمایه باین کشورهای فراهم میسازد. مبارزه در راه بدست آوردن بازارفروش، بدست آوردن منابع مواد خام و بصره کشی از نیروی انسانی و ظارت منابع طبیعی کشورهای کم رشد از راه صدور سرمایه و بازرگانی خارجی صورت میگیرد.

کشور ما از اواسط قرن ۱۶ بیازارجهانی جلب شد ولی در طی قرن ۱۷ تا اواسط قرن ۱۹ بازرگانی خارجی آن نیروی اساسی نبود که بتواند به رشد یک طرفی نیروهای مولد تا عصر نماید. ولی در اواخر قرن ۱۸ بازرگانی خارجی نقش موثری در ترتیب یل ایران به کشورهای بازی نموده است و گاه و پیکا در روضع مالی کشورها غیر میسر از منفی کرد و موجب بحرانها و رکود اقتصادی شده است. بازورد سرمایه انحصاری به ایران و رشد صنعت نفت این و استگنی کامل شد. اکنون کشور ما از یک طرفی بیازارهای خارجی نفت خام، پنبه، پشم، خشکبار، برنج، پوست و غیره صادر میکند و در عرض کالاهای مصرفی مانشینی و ماشین آلات، وساعط نقلیه، دستگاههای گوناگون که برای گردش چرخهای اقتصاد ضروریست و اراد مینماید. و استگنی و گاه ایران بیازارجهانی سرمایه داری (از لحاظ فروش مواد خام و از لحاظ خرید کالاهای صنعتی و ماشین آلات) سبب شده است که مبالغ هنگفتی از دارا مدد از ری خارجی و درآمد ملی ما از طریق میاد لئے غیر متعادل بین اندیهای بزرگ خارجی انتقال یابد و افزایش بی حد واردات هر چند سال زیان کوشکی به منابع نهندی و ضعیف مواد سازده اگرچشم ممکن واردات اعماقت ازان نوع کالاهای سازده چنین وارد اتی اگرچه چند سالی خیلی بیشتر از صادرات باشد ضرر ندارد. زیرا پس از چند سال که

زیرینای مادی - فنی در کشور موجود آمد و اقتصاد ملی ما از لحاظ ماشین، تجهیزات و وسایط نقلیه بانی روی داخلي تاً ممین شد و در واقع اقتصاد ملی روی پای خود استاد، آنکه مهین مانه تنها اجتناب اساسی بخارج پیدا نخواهد کرد، بلکه خود میتواند صادر کنندۀ ماشین آلات بخارج باشد. متأسفانه واردات کشور به جهه چنین آینده‌ای را نمید نمید هد، بلکه علاوه بر کالاهای غیرضروری که تهیه اش در داخل میسراست ماشین آلاتی هم که وارد میشود اساسا برای صنایع سبک و مصرفی است که خود وابستگی تازه ای بروابستگی های سابق بیازارجهانی سرمایه داری اضافه مینماید.

و اکنون پیکره هایی از بازرگانی خارجی کشور از آغاز قرن بیستم: (۱)

سال	واردات بهزارریال (۲)	صادرات بهزارریال (۲)
۱۴۷۳۲۰	۲۰۵۳۸۰	(۱۹۰۰) ۱۲۷۹
۲۹۳۰۰۰	۳۸۶۴۰۰	(۱۹۰۵) ۱۲۸۴
۲۷۰۲۰۰	۴۸۴۰۰۰	(۱۹۱۰) ۱۲۸۹
۳۰۰۴۰۰	۴۶۴۰۰۰	(۱۹۱۵) ۱۲۹۴
۱۳۷۲۳۰۰	۴۸۲۳۰۰	(۱۹۲۰) ۱۲۹۹
۵۱۴۷۰۰	۸۸۱۰۰۰	(۱۹۲۵) ۱۳۰۲
۴۵۸۸۰۰	۸۱۰۵۰۰	(۱۹۳۰) ۱۳۰۹
۶۰۹۳۰۰	۸۰۳۸۰۰	(۱۹۳۵) ۱۳۱۴
۹۳۹۸۰۰	۸۶۴۹۰۰	(۱۹۴۰) ۱۳۱۹
۸۲۰۵۰۰	۶۱۳۸۰۰	(۱۹۴۱) ۱۳۲۰
۵۷۰۲۰۰	۱۳۱۳۹۰۰	(۱۹۴۲) ۱۳۲۱
۷۰۹۰۰۰	۱۰۲۷۲۰۰	(۱۹۴۳) ۱۳۲۲
۷۹۹۳۰۰	۵۹۰۶۷۰۰	(۱۹۴۴) ۱۳۲۳
۲۰۸۸۰۰۰	۴۱۱۴۸۰۰	(۱۹۴۶) ۱۳۲۵
۲۳۶۶۲۰۰	۴۷۰۰۵۰۰	(۱۹۴۷) ۱۳۲۶
۱۸۶۶۷۰۰	۴۲۱۸۷۰۰	(۱۹۴۸) ۱۳۲۷
۱۷۸۰۴۰۰	۶۷۸۶۳۰۰	(۱۹۴۹) ۱۳۲۸
۳۵۶۲۸۰۰	۶۲۴۲۴۰۰	(۱۹۵۰) ۱۳۲۹
۴۳۹۰۸۰۰	۷۰۱۰۷۰۰	(۱۹۵۱) ۱۳۳۰
۵۸۳۱۵۰۰	۵۰۳۱۴۰۰	(۱۹۵۲) ۱۳۳۱
۸۴۲۵۶۰۰	۵۳۲۴۲۰۰	(۱۹۵۳) ۱۳۳۲
۱۰۲۸۸۱۰۰	۷۴۲۰۰۰۰	(۱۹۵۴) ۱۳۳۳
۸۰۳۳۷۰۰	۹۱۲۰۵۴۰۰	(۱۹۵۵) ۱۳۳۴
۷۹۳۰۶۰۰	۲۰۰۸۱۳۰۰	(۱۹۵۶) ۱۳۳۵
۸۳۰۲۹۰۰	۲۰۵۲۲۹۳۰۰	(۱۹۵۷) ۱۳۳۶
۷۹۴۱۹۰۰	۳۳۵۷۸۵۰۰	(۱۹۵۸) ۱۳۳۷
۸۱۰۰۰۰۰	۴۱۶۳۰۱۰۰	(۱۹۵۹) ۱۳۳۸
۸۳۰۹۸۰۰	۵۰۶۱۰۷۱۰۰	(۱۹۶۰) ۱۳۳۹

آمار واردات و صادرات چه از نقطه نظر شکل ظاهری خود و چه از لحاظ ترکیب انان شانه وابستگی کشور ما بازارجهانی سرمایه داریست. صادرات وواردات کشور مانه تنها کشورهای سوسیالیستی معادل است.

(۱) اطراز سالنامه گمرک ۱۳۲۷، تهران اذر رمه ۱۳۲۸، صفحه ۱۴، روزنامه های اطلاعات و کیهان.

(۲) ارقام کسر از صد هزارریال ذکر نشده است.

کشورهاییکه بیش از همه از طریق بازرگانی خارجی دارد ارزی مارامی بلعند عبارتند از امریکا، المان فدرال، انگلستان، راپن، فرانسه، ایتالیا وغیره.

در عین حال از ارقام واردات و صادرات میتوان استباط کرد هر موقع که سیاست ملی تعقیب شده است همواره صادرات برواردات فزونی داشته است. مثلاً در بعضی از سالها و از آنجمله در دو روز حکومت مصدق سیاست بازرگانی خارجی داشته است. بمنع کشور بوده است.

تعداد وارد کنندگان

طبق آمار اداره کل گمرک بیش از ۱۲ هزاروارد کنندگان لاد رکشم وجود دارد که مهترین آنان در تهران ساکنند. از ۲۱ هزاروارد کنندگان ۳۹۰۶ نفر در تهران ساکنند که بیش از ۸۰ درصد کالاهای وارداتی بدست آنان صورت میگیرد. در تهران بازرگانی هستند که کمتر از ۱۰ هزارریال وهمچنین بازرگانان و شرکت‌هایی هستند که مالانه در حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ میلیون ریال کالاوارد میکنند. اکثر بازرگانان تهران مالانه بین ۱۰ تا ۵۰ میلیون ریال کالاوارد میکنند.

راهنماه آهن (۱)

بارش سرمایه داری، افزایش تولید، اختراعات، بیویه اختراع راه آهن و اتوموبیل راه و راه آهن بصورت یکی از اینشای اساسی و مهم اقتصاد ملی درآمدند. راه و راه آهن بعثایه شریانی هستند که بخشای مختلف تولید و پیش را بهم میوط میسانند، مواد خام را براکتولید میسازند، کالاهای تولیدی را در داخل کشورها و از طریق دریا و خشکی بکشوهای دیگر حمل میکنند. بدین وجود راه و راه آهن تصور تولید مجدد وسیع امروزی و فروش آن ممکن نیست. اساس مادی و فنی راه و راه آهن بسیار مركب و شامل رشته های مهم اقتصاد ملی است. برای ساختن راه و راه آهن ونگهداری انتها صد ها کارخانه دائم مشغول کارند تا سیطان، اسفلات، ماشینهای مختلف راه سازی، لوکوموتیو سازی، وسائط جراثمال (بارگیری و پاراند ازی) همه تابع راه و راه آهن هستند. در کشوهای رشد کرد و عده کشی از بیرونی فعال کشور راه و راه آهن و حمل و نقل مشغول بکارند و قسمت مهمی از درآمد ملی از طریق راه و راه آهن و صنایع وابسته به آن بدست میاید.

ساختن راه و راه آهن در ایران بطرکلی از اواخر قرن ۱۹ شروع شد. راه و راه آهن هاییکه در اوایقرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در ایران ساخته شد تا مابدست خارجیان و اکثر بدست روسها و انگلیسها ایجاد شد و اساساً بخطاره منافع اقتصادی و نظمامی کشوهای نامحدود بود. در دوره جنگ اول جهانی نیروهای روس و انگلیس برای مقابله با قوای آلمان و عثمانی مجبور شدند چند صد کیلومتر در ایران راهسازی کنند. مهمترین راههای راه آهن هاییکه تا آخر جنگ اول ساخته شد عبارتند از راه انتز لی - قزوین - تهران، سرخس - منهد، قزوین - همدان - قصرشیرین، میجاوه - زاهدان - شاه عبد العظیم وغیره

بطورکلی راهسازی راه آهن در ایران از سالهای ۲۰ قرن مشروع شد و بعیانی قابل ملاحظه ای توسعه یافت. در سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) برای نخستین بار یک برنامه راهسازی تهیه شد که در عرض نه سال با صرف ۴۵ میلیون ریال بیش از ۱۷۰۰ کیلومتر راه شوسمه ساخته شد که از آنجله ۱۷۵ کیلومتر راه شوسمه درجه ۱، ۶۶۱۹ کیلومتر راه شوسمه درجه ۲، ۸۷۲۷ کیلومتر راه درجه ۳ بود. تا شهریور ۱۳۲۰ برنامه راهسازی ادامه یافت و در حدود ۲۰ هزار کیلومتر راه درجه اول و ساخته شد.

در همین دوره راه آهن سرتاسری کشور (بند رشاده - بند رشاده پهلوی) بطول ۱۳۹۲ کیلومتر، تهران - میانه ۴۳۹ کیلومتر، گرمسار - شاهroud - ۳۱۵ کیلومتر ساخته شد و مورد ببره برد اری قرار گرفت. در دوره جنگ دوم و لولت راههای راه آهن های تازه ای ساخت فقط نیروهای متفقین برای تسريع در حمل و نقل قسمتی از راههای کشور را ساختند که آنها پس از مد تی خراب شد.

پس از جنگ دیرنامه هفتاد و سی هزار کیلومتر راه درجه اول پیش بینی شد ولی فقط ۱۰۰۰ کیلومتر ساخته شد. در برنامه هفتاد و دوم ساختن ۲۶۰۰ کیلومتر راه درجه اول پیش بینی شد ولی فقط

